

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

درآمدی بر دفاع

در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

به کوشش دکتر سیداصغر جعفری و همکاران:
دکتر ابراهیم متقی، دکتر نورالله حسین خانی، دکتر سعید قربانی
و رحمان لطفی مرزناکی

دفاع
اشارات

سرشناسه: خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر دفاع در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) / گردآوری و تدوین سیداصغر جعفری... [و دیگران].
مشخصات نشر: تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، انتشارات دفاع، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۵۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۰۷-۶۷-۷: ۹۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: گردآوری و تدوین سیداصغر جعفری، ابراهیم متقی، نورالله حسین خانی، سعید قربانی، رحمان لطفی مرزناکی.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۲۳ - ۳۳۵.

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - نظریه درباره دفاع
موضوع: Khamene'i, Ali, Leader of IRI، ۱۹۳۹ - Views on defense

موضوع: خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۱۸ - پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع: Khamenei, Ali - Messages and speech

موضوع: ایران - دفاع ملی
موضوع: Iran - Defenses

شناسه افزوده: جعفری، سیداصغر، ۱۳۴۷، گردآورنده
شناسه افزوده: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. انتشارات دفاع
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ / د۷د۴ / DSR1۶۹۲
رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۲۸۶۶۳

دفاع اشارات



عنوان: درآمدی بر دفاع در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

گردآوری و تدوین: دکتر سید اصغر جعفری و همکاران

ویراستار: قربانعلی حیدری

ناظر: کمیته علمی همایش

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۵

صفحه‌آرایی و ویرایش: حسن آقاباقری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مطهر

بهاء: ۹۰۰۰۰ ریال

شابک:

۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۹۰۷ - ۶۷ - ۷

نقل مطالب با ذکر مشخصات کامل کتاب و با اشاره به نام ناشر مجاز است.

تهران: میدان نوبنیاد / خیابان شهید لنگری جنب اداره هواشناسی / ساختمان شهید مطهری

مرکز نشر دفاع

کدپستی: ۱۶۹۳۶۱۴۳۳۹ - تلفن: ۰۰۶۰۰۶۳۹۹۳

پست الکترونیک: nashrdefa@fatehnet.net

این کتاب خلاصه‌ای از کتاب‌های پنج جلدی حاصل اولین همایش تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که در سال ۱۳۹۲ منتشر گردیده‌اند با تغییر و اصلاحات جدید در پنج فصل گردآوری و تدوین شده است.

عناوین کتاب‌ها به شرح زیر می‌باشد:

عنوان کتاب	نویسنده	تاریخ چاپ	انتشارات
مبانی نظری اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)	دکتر نوراله حسینخانی	زمستان ۱۳۹۲	انتشارات یاران شاهد
اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه جنگ نرم	دکتر ابراهیم متقی رحمان لطفی مرزناکی	زمستان ۱۳۹۲	انتشارات یاران شاهد
دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)	دکتر سید اصغر جعفری	زمستان ۱۳۹۲	انتشارات یاران شاهد
سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)	دکتر نوراله حسینخانی	زمستان ۱۳۹۲	انتشارات یاران شاهد
علم و فن آوری دفاعی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)	دکتر سعید قربانی	زمستان ۱۳۹۲	انتشارات یاران شاهد

فهرست عنوان‌ها

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
	فصل اول
۵	مبانی نظری در حوزه دفاع.....
۶	مقدمه
۱۰	بخش اول: مروری بر مباحث نظری پژوهش
۱۰	۱- مبانی نظری دفاع در قرآن کریم.....
۱۰	الف) معنی و مفهوم دفاع.....
۱۱	ب) معنی و مفهوم جهاد.....
۱۳	ج) چرایی دفاع.....
۱۵	د) ابعاد دفاع.....
۱۶	ه) اهداف دفاع.....
۲۱	و) اقسام جهاد.....
۳۳	۲- اندیشه‌ی نظامی - دفاعی در ادبیات نظری.....
۳۴	الف) تعریف اندیشه‌ی دفاعی.....
۳۵	ب) تعریف اندیشه‌ی نظامی.....
۳۶	ج) عناصر سازنده اندیشه‌ی دفاعی.....
۳۹	۳- کارکردهای اندیشه‌ی دفاعی.....
۴۰	بخش دوم: دفاع از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله).....
۴۰	۱- مبانی اندیشه‌ی دفاعی.....
۴۱	۲- مفهوم و اهمیت جهاد و دفاع.....
۴۳	۳- اقسام جهاد و دفاع.....
۴۷	۴- ویژگی‌های اندیشه‌ی دفاعی.....

- ۵- دفاع مشروع ۴۸
- الف) اهمیت دفاع مشروع ۴۹
- ب) شرایط دفاع مشروع ۴۹
- ج) اهداف دفاع مشروع ۵۲
- ۶- تهاجمی یا تدافعی بودن تسلیحات؟ ۵۷
- جمع بندی ۶۳

فصل دوم

- علم و فن آوری دفاعی ۶۵
- مقدمه ۶۷
- بخش اول: مروری بر مباحث نظری ۶۸
- ۱- مفهوم علم، فن آوری و نوآوری ۶۹
- ۲- نوآوری نظامی ۷۱
- ۳- رابطه علم، فن آوری و نوآوری در دفاع ۷۳
- ۴- نقش نوآوری در جنگ و دفاع ۷۴
- بخش دوم: مبانی اعتقادی و ارزشی علم و فن آوری ۷۶
- ۱- مبانی اعتقادی علم و فن آوری ۷۷
- ۲- مبانی ارزشی علم و فن آوری ۸۱
- بخش سوم: پیامدهای تولید و پیشرفت علم و فن آوری ۸۸
- بخش چهارم: راهبردهای دستیابی به علوم و فن آوری‌های پیشرفته ... ۹۶
- الف) اهتمام در گسترش علم و فن آوری ۹۷
- ب) توجه جدی به نوآوری، نهضت نرم افزاری و تولید علم و اندیشه ۹۸
- (۱) مفهوم نوآوری ۹۹
- (۲) ملزومات اولیه نوآوری ۱۰۰
- (۳) راه کارهای توسعه‌ی نوآوری ۱۰۵

- (۴) آثار و نتایج نوآوری..... ۱۰۹
- (ج) توجه به جایگاه مهم علوم انسانی..... ۱۱۶
- (د) آینده نگری ۱۲۱
- (ه) جامع نگری در پیشبرد همه‌ی علوم..... ۱۲۲
- (و) توجه به نیازهای جامعه..... ۱۲۲
- (ز) ایجاد چرخه‌ی ایده تا محصول (زنجیره علم، فن‌آوری، تولید و تجاری‌سازی)..... ۱۲۳
- (ح) نگاه متوازن به رشته‌های علمی..... ۱۲۴
- (ط) برجسته‌سازی علم و تحصیل علم برای کشور..... ۱۲۵
- (ی) ایجاد هماهنگی میان بخش‌های علم و فن‌آوری..... ۱۲۵
- (ک) گذر از علم و فکر ترجمه‌ای و تقلیدی از غرب..... ۱۲۶
- (ل) توجه به دانشگاه‌ها..... ۱۲۸
- (م) توجه به نخبگان، جوانان و نیروی انسانی متعهد و متخصص..... ۱۲۹
- جمع‌بندی ۱۳۴

فصل سوم

- دیپلماسی دفاعی..... ۱۳۷

مقدمه ۱۳۹

- بخش اول: مروری بر مباحث نظری ۱۴۰
- ۱- مفهوم دیپلماسی دفاعی..... ۱۴۱
- ۲- فلسفه‌ی دیپلماسی دفاعی..... ۱۴۲
- ۳- سطوح دیپلماسی دفاعی..... ۱۴۴
- ۴- رابطه‌ی سیاست خارجی و دیپلماسی دفاعی..... ۱۴۵
- بخش دوم: دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله) درباره دیپلماسی دفاعی... ۱۴۷
- ۱- چارچوب ارتباطات در دیپلماسی دفاعی..... ۱۴۹
- ۲- اهداف دیپلماسی دفاعی..... ۱۵۳

- ۳- راهبردهای دیپلماسی دفاعی..... ۱۶۱
- راهبرد اول: تأمین امنیت ملی..... ۱۶۲
- راهبرد دوم: مقابله با تهدیدات..... ۱۶۴
- راهبرد سوم: دشمن شناسی..... ۱۶۶
- راهبرد چهارم: مخالفت با تولید و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی..... ۱۶۹
- راهبرد پنجم: ارتقای توانمندی‌های دفاعی برای بازدارندگی..... ۱۷۳
- راهبرد ششم: مقابله با تروریسم..... ۱۸۲
- راهبرد هفتم: گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای..... ۱۹۱
- جمع بندی ۲۰۰

فصل چهارم

- مقابله با جنگ نرم..... ۲۰۵

مقدمه ۲۰۷

- بخش اول: مروری بر مباحث نظری ۲۰۹

- ۱- تعریف مفاهیم..... ۲۱۰
- الف) قدرت نرم..... ۲۱۰
- ب) تهدید..... ۲۱۱
- ج) جنگ نرم..... ۲۱۴
- د) تفاوت جنگ نرم و جنگ سخت..... ۲۱۵
- ه) اهداف جنگ نرم..... ۲۱۸
- و) حوزه تأثیرگذاری جنگ نرم..... ۲۱۹
- ۲- تهدیدات نرم آمریکا در سیاست بین‌الملل..... ۲۲۱
- الف) تبارشناسی سیاسی و نظری..... ۲۲۱
- ب) فرآیند تحول در بهره‌گیری از قدرت نرم..... ۲۲۲
- ۱- جدی بودن جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران..... ۲۲۸
- ۲- ویژگی‌های جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران..... ۲۳۴
- ۳- اهداف دشمن در جنگ نرم..... ۲۳۶

- ۲۳۷ الف) اهداف فرهنگی
- ۲۳۸ ب) اهداف سیاسی
- ۲۳۹ ۴- اقدامات دشمن در جنگ نرم
- ۲۴۰ بخش سوم: راهبردهای مقابله با جنگ نرم
- ۲۴۱ الف) راهبردهای زیر بنایی
- ۲۴۶ ب) راهبردهای اجرایی
- ۲۴۹ ج) راهبردهای تثبیت و نهادینه سازی
- ۲۵۵ د) راهبردهای تداوم و کسب نتیجه مطلوب
- ۲۵۹ بخش چهارم: آسیب‌های مقابله با جنگ نرم
- ۲۶۱ جمع بندی

فصل پنجم

- ۲۶۵ سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی
- ۲۶۶ مقدمه
- ۲۶۸ بخش اول: مروری بر مباحث نظری
- ۲۶۸ ۱- تعریف سرمایه فکری
- ۲۶۹ ۲- عناصر سرمایه فکری
- ۲۷۰ ۳- مفهوم مدیریت دانش
- بخش دوم: مدیریت دانش و سرمایه فکری در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله)
- ۲۷۲ ۱- اهتمام در مبانی پایه و زیرساختی دانش
- ۲۷۳ ۲- ترسیم مسیر توسعه‌ی کشور از طریق دانش (دستاوردهای دانش)
- ۲۷۵ ۳- خلق ارزش از مسیر دانش
- ۲۷۶ ۴- فرآیند مدیریت دانش
- ۲۷۷ بخش سوم: سرمایه معنوی در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله)
- ۲۷۹ ۲۷۹

- ۱- مفهوم سرمایه معنوی..... ۲۸۰
- ۲- سرمایه معنوی در اسلام..... ۲۸۲
- ۳- اصول بنیادین معنویت اسلامی..... ۲۸۴
- ۴- اهمیت معنویت در عرصه‌ی دفاعی..... ۲۸۷
- ۵- شاخص‌های معنویت..... ۲۸۹
- ۶- آثار معنویت..... ۲۹۲
- ۷- آثار فقدان معنویت..... ۲۹۷
- ۸- راهکارهای نهادینه شدن معنویت..... ۲۹۸
- بخش چهارم: سرمایه انسانی در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله) ۳۰۲**
- ۱- حفظ و نگهداری سرمایه انسانی..... ۳۰۴
- ۲- ارتقای دانش سرمایه انسانی..... ۳۰۸
- ۳- سبک و شیوه‌ی مدیریت بر سرمایه انسانی..... ۳۱۳
- ۴- جانشین‌پروری در حوزه‌ی سرمایه انسانی..... ۳۱۵
- ۵- بسیج، عالی‌ترین سرمایه انسانی..... ۳۱۷
- جمع بندی..... ۳۲۱**
- فهرست منابع..... ۳۲۳**

فهرست شکل‌ها

عنوان	صفحه
شکل شماره ۱: ابعاد دفاع	۱۵.....
شکل شماره ۲: اقسام جهاد	۲۱.....
شکل شماره ۳: مؤلفه‌های شکل‌گیری اندیشه دفاعی (مرادپیری، ۱۳۹۱: ۴۵) ...	۳۴....
شکل شماره ۴: مثلث‌اندیشه نظامی (عسگری، ۱۳۹۱: ۵).....	۳۵.....
شکل شماره ۵: عناصر سازنده اندیشه‌ی دفاعی.....	۳۷.....
شکل شماره ۶: اهداف دفاع مشروع.....	۵۲.....
شکل شماره ۷: انواع نوآوری نظامی.....	۷۲.....
شکل شماره ۸: اهداف دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۵۴.....
شکل شماره ۹: عوامل کلیدی در تحقق قدرت بازدارندگی.....	۱۷۵.....
شکل شماره ۱۰: اجزای مفهومی تروریسم.....	۱۸۴.....
شکل شماره ۱۱: اهداف عمده تروریست‌ها.....	۱۸۵.....
شکل شماره ۱۲: اهداف جنگ نرم.....	۲۱۹.....
شکل شماره ۱۳: حوزه تأثیرگذاری جنگ نرم.....	۲۲۰.....
شکل شماره ۱۴: ویژگی‌های جنگ نرم.....	۲۳۶.....
شکل شماره ۱۵: عناصر سرمایه فکری.....	۲۷۰.....
شکل شماره ۱۶: فرایند مدیریت دانش.....	۲۸۰.....
شکل شماره ۱۷: اصول بنیادین معنویت اسلامی (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۲).....	۲۸۵.....
شکل شماره ۱۸: شاخص‌های معنویت از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله) ...	۲۹۳...
شکل شماره ۱۹: آثار متعدد شاخص‌های معنویت.....	۲۹۵.....

شکل شماره ۲۰: حوزه‌های کلیدی مرتبط با سرمایه انسانی ۳۰۴

شکل شماره ۲۱: عوامل مؤثر در حفظ و نگهداشت سرمایه انسانی ۳۰۵

پیشگفتار

جوامع بشری از گذشته دور با واژگان جنگ و صلح آشنا بوده‌اند و به‌ندرت جامعه‌ای را می‌توان یافت که جنگ را نیازموده باشد. تجاوز و دفاع، دو روی زشت و زیبای سکه جنگ و کارزارند که خاستگاهشان قدرت‌طلبی و برتری‌جویی از یک سو و ستم‌ستیزی و عدالت‌خواهی از سوی دیگر بوده است. جاه طلبان از راه جنگ درصد گسترش دامنه‌ی نفوذ خویش بوده و عدالت‌خواهان نیز به‌ناچار برای دفاع از عزت و شرافت خود به دفاع روی آورده و در برابر تجاوزکاران میدان کارزار را رها نکرده‌اند؛ تا مبادا فساد و تباهی پهنه گیتی را در نوردد و عرصه زمین با همه گستره‌اش برای شایستگان و وارستگان تنگ شود.

انقلاب اسلامی چه از لحاظ علت وقوع و استمرار آن و چه از لحاظ حیات طیبه خویش، وامدار تعالیم اسلام عزیز است. این نظام مقدس در طول سال‌های مبارزه و جهاد درس‌های فراوانی به ما آموخت و مسلمانان در پرتو رهبری‌های قائد کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و در ادامه با رهبری حکیمانه حضرت آیت‌... العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) توانسته‌اند انوار درخشان مکتب انسان‌ساز اسلام را تجربه کنند. با نیم‌نگاهی به تحولات بنیادین در حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ملت ایران و ارزیابی آن در معادلات جهان، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، به‌خوبی در می‌یابیم که استبداد ستیزی، استقلال و آزادیخواهی، احیای هویت دینی و ارزش‌های انقلابی مردم ایران مرهون آرمان‌ها، اندیشه‌ها و فداکاری‌های معمار کبیر انقلاب و در پی آن حضرت آیت‌... العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌باشد.

معرفی، بازشناسی تفکر، رفتار و منش چنین شخصیتی توانسته تا این حد منشأ آثار و کانون توجه میلیون‌ها انسان در پهنه گیتی شود. این مهم برای نسل‌ی که در آینده مسئولیت ادامه این مسیر الهی و نورانی را به عهده خواهد داشت، از ضرورتی دوچندان برخوردار است. از این رو، اهمال در زمینه تعمیق آگاهی نسل جوان کشور خطر انفصال تدریجی نسل حاضر از پیشینه تاریخی خویش و در نهایت، انقطاع فرهنگی از دستاوردهای ارزشمند انقلاب را در پی خواهد داشت که ثمره‌ی آن استحاله هویت ملی و دینی است.

در این راستا، ساختار دفاعی جمهوری اسلامی ایران که در تحقق اهداف خود برای حفظ تمامیت ارضی و اقتدار کشور از راهبردها و رهنمودهای حکیمانه‌ی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پیروی می‌کند، می‌بایست بر جوهره و درون‌مایه‌ی رهنمودهای معظم‌له اشرف تام و تمام یابد؛ زیرا تبلور عینی و عملیاتی آموزه‌های اسلام، در کلام و گفتار داهیان‌ه‌ی ایشان به‌عنوان رهبر، مرشد و مقتدای انقلاب قابل مشاهده است. درون‌مایه‌ی این رهنمودها، ذخیره‌ی ارزشمندی از حقیقت اسلام ناب و ابواب متعدد آن از قبیل فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ اسلام، سیره نبوی و علوی و... نهفته است. این فهم مترقی و متعالی از ابواب اسلام علاوه بر فهم عمیق و روشنی که ایشان از تحولات، رویدادها و روندهای حال و گذشته‌ی جهان دارند، ذخیره‌ی ارزشمندی است که در ترسیم نقشه‌ی راه دفاعی جمهوری اسلامی راهگشا خواهد بود. به جرات می‌توان گفت که دیدگاه‌های معظم‌له در زمینه دفاعی، برگ زرینی از مجموعه‌ی دیدگاه‌های کلان ایشان است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در مناصب گوناگون، از نمایندگی امام راحل (ره) در شورای عالی دفاع و حضور در جبهه‌های جنگ گرفته تا ریاست جمهوری و رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران بیان فرموده‌اند. دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در زمینه‌ی دفاعی از چند نظر حائز اهمیت است:

- اجتهاد و اشرف کامل ایشان بر مبانی فقهی و قرآنی مباحث علمی و دفاعی؛
- تجربیات ارزنده و درخشان ایشان در عرصه‌های فرماندهی و راهبری سازمان دفاعی نظام، از ابتدای انقلاب و تأسیس نظام تا کنون؛
- نزدیکی کامل به نیروهای مسلح و اشرف کامل بر اقتضائات و الزامات فرماندهی و مدیریت دفاعی کشور؛
- بصیرت و شناخت دقیق از ماهیت بازیگران ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بر صحنه‌ی سیاست جهانی؛
- توجه کامل و دائمی به اوضاع و شرایط سیاسی دنیا و رفتارهای پیچیده و متنوع بازیگران گوناگون عرصه‌های دفاعی و سیاسی؛
- بهره‌گیری دائمی از مشاوره‌ها و دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران در تمامی سطوح و زمینه‌های علمی، فن‌آورانه و دفاعی.

پر واضح است، عرضه صحیح آرمان انقلابی و اندیشه‌های دینی و ناب مقام معظم رهبری که در قالب سخنرانی‌ها، فرمان‌ها، پیام‌ها و تفکرات انقلابی مبتنی بر افکار اسلامی تبیین شده، نیاز امروز ما را به این رهنمودها از هر زمان دیگر، به دلیل بحران‌های دشمن ساخته، افزون نموده است. بدین منظور، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با اغتنام فرصت و به منظور تبیین اندیشه‌های تابناک آن رهبر فرزانه که می‌تواند گام بزرگی در جهت کمک به کشور باشد، درصدد برآمد تا سلسله همایش تبیین اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را برگزار کند. نوشتار حاضر، حاصل پژوهشی جامع از اندیشه‌های معظم له در حوزه‌ی دفاعی و نیز گزیده‌ای از برخی مقاله‌های ارائه شده در همایش و نیز مجموعه کتاب‌های منتشر شده سازمان عقیدتی سیاسی در این خصوص است.

مطالب این پژوهش با توجه به دیدگاه، آرا و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ۵ فصل تنظیم شده است. در فصل اول با عنوان مبانی نظری در حوزه دفاع، به موضوعاتی چون معنی و مفهوم دفاع، اهمیت، چرایی و اهداف آن و همچنین دفاع مشروع پرداخته شد. فصل دوم، با عنوان علم و فن‌آوری دفاعی، ضمن تبیین مفهوم و مبانی اعتقادی و ارزشی علم و فن‌آوری، راهبردهای دستیابی به علوم و فن‌آوری‌های پیشرفته تشریح شده است. فصل سوم با عنوان دیپلماسی دفاعی، به موضوعاتی چون مفهوم، فلسفه و اهداف آن پرداخته و سپس راهبردهای دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی تبیین شده است. فصل چهارم، تحت عنوان مقابله با جنگ نرم، ضمن بررسی مفهوم و اهداف جنگ نرم و تفاوت آن با جنگ سخت، اهداف و اقدامات دشمن در این خصوص را تشریح کرده و سپس راهکارهای مقابله با آن توضیح داده است. در فصل پنجم، با عنوان سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی، به موضوعاتی چون مدیریت دانش و سرمایه فکری، مفهوم سرمایه معنوی و اهمیت آن و راهکارهای نهادینه شدن معنویت به‌عنوان پیشوانه عظیم دفاع پرداخته شده و سپس به رکن اساسی نیروهای دفاعی یعنی سرمایه انسانی اشاره شده است.

فصل اول:

مبانی نظری در حوزه دفاع

مقدمه

نگاهی گذرا به تاریخ حیات بشری نشان می‌دهد که یکی از عناصر پایدار تاریخ بشر جنگ است (Fleck, 2009: 15). به همین لحاظ، هیچ دوره‌ای از تاریخ را نمی‌توان یافت که در آن اثری از خشونت و جنگ نباشد؛ زیرا که دولت‌ها مهم‌ترین شیوه برای دستیابی به منافع و اهداف ملی خود و یا برطرف کردن اختلافاتشان در روابط با کشورهای دیگر را کاربرد زور میدانستند، بیش‌ترین درجه استفاده از زور نیز جنگ و منازعه بوده است (Skubiszewski, 1969: 747). به همین دلیل تا مدت‌ها توسل به زور^۱ در حقوق بین‌الملل مجاز شمرده می‌شد. شاید به این دلیل است که به باور بسیاری از دانشمندان، صلح حالتی موقتی و حال آن که مخاصمه امری دائمی و همیشگی است (ازغندی، ۱۳۸۴: ۹).

جنگ، نام سنتی برخورد میان دو یا چند دولت است که در آن نیروهای مسلح طرف‌ها، درگیر اقدامات خشونت‌آمیز متقابل می‌شوند. در جنگ، برخورد مسلحانه، مداوم و متقابل است (مصفا و دیگران، ۱۳۶۵: ۱). پروفیسور شارل روسو جنگ را یک «واقعه بین‌المللی» یا «نبرد مسلحانه بین دولت‌ها» نامیده است (روسو، ۱۳۶۹: ۹)؛ بنابراین، جنگ نوعی برخورد میان دولت‌ها است که در آن زور به شکل‌های گوناگون در وسیع‌ترین حد استفاده می‌شود (مصفا و دیگران، ۱۳۶۵: ۲).

اما هنگامی که «جنگ» در حوزه‌ی اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، ملاحظه می‌شود که:

اولاً، واژه‌ای مربوط به دوران جاهلیت پیش از اسلام است که مردم آن را در گفت‌وگوهای روزانه خود به کار می‌برده‌اند و بعضی از روزهای خویش را با آن نامگذاری می‌کرده‌اند (حسینی (ژرفا)، ۱۳۸۶: ۵۵)؛ مانند جنگ فِجَار^۲.

ثانیاً، اسلام، دین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است و جنگ را به‌عنوان پدیده‌ای عارضی و تحمیلی می‌شناسد. چنان که خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد، اگر دشمنان تو، از در مسالمت وارد شدند و به آن گرایش یافتند، تو نیز از فرصت بهره‌بر و با آنان موافقت کن:

1 - Use of force

۲- جنگ میان برخی از قبایل در دوران جاهلیت که در ماه‌های حرام رخ داده بود، به این نام خوانده شد.

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ» (سوره انفال، آیه ۶۱)

«و اگر به صلح گراییدند تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای

دانا است.»

بر مبنای چنین تفکری است که مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره فرمودند:

«ما جنگ‌افروز نیستیم. ما بر طبق مبانی مان، با جنگ‌افروزی مخالفیم. اصول

ما اقتضا می‌کند که پیام دوستی و صلح و محبت و امنیت و آرامش داشته

باشیم» (بیانات در دیدار اعضای ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۴/۱/۳۰).

در مناسبتی دیگر نیز در این باره فرمودند:

«ملت ایران یک ملت صلح‌طلب است. ملت ایران سرستیزه‌گری با هیچ ملتی

را ندارد. شما ببینید در تاریخ جمهوری اسلامی و حتی در تاریخ گذشته‌ی

ملت ایران، همیشه جنگ‌هایی که اتفاق افتاده است، ملت ایران در موضع

دفاع از مرز خود، از حقوق خود و از استقلال خود بوده. ما به هیچ کشور و

هیچ ملتی تعرض نکرده‌ایم؛ ما از حقوق خود قدرتمندانه دفاع کرده‌ایم و باز

هم دفاع می‌کنیم. این را همه‌ی قدرت‌مداران و مستکبران عالم - به خصوص

شیطان بزرگ، آمریکا - بدانند؛ ملت ایران به هیچ قدرتی باج نخواهد داد»

(بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد ۱۳۸۴/۵/۱۲).

ثالثاً، در اسلام، جنگ موضوعیت نداشته، بلکه اسلام این واژه را اصلاح کرده و

صورتی خاص به آن داده است. اسلام، جنگ را در جهت هدف‌های متعالی و انسانی

آن مشروع دانسته و از آن به «جهاد فی سبیل الله» تعبیر می‌کند؛ زیرا جنگ، معمولاً

آمیخته با خشونت، بی‌رحمی، قساوت، انتقام‌جویی، ویرانی، خون‌ریزی، ایجاد وحشت،

نابودی و نفی کرامت انسان‌ها است و بیشتر در راستای اهداف توسعه‌طلبانه و اغراض

مادی و کسب یا حفظ قدرت و اشباع حس برتری جویی و جاه‌طلبی‌ها انجام می‌گیرد.

در حالی که جهاد در مفهوم اسلامی از همه این آلودگی‌ها مبرا است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳:

۵۷).

در واقع، جهاد روش دفاعی سازمان یافته‌ای است که اسلام برای جامعه اسلامی

و نیز جامعه جهانی در برابر عوامل تهدید کننده ترسیم کرده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳:

(۲۴۷)؛ بنابراین، حقیقت و ماهیت جهاد، دفاع است. کسی تردید ندارد که هر نوع قتال و جنگی به‌عنوان تجاوز، یعنی جذب کردن مال و ثروت آن طرف یا سایر نیروهای آن طرف جایز نیست؛ به عبارت دیگر، جنگ برای استخدام نیروهای اقتصادی یا انسانی یک قوم، به هیچ وجه از نظر اسلام روا نیست. از نظر اسلام، این گونه جنگ‌ها نوعی ظلم است. جهاد فقط به‌عنوان دفاع و در واقع مبارزه با یک نوع تجاوز است و می‌تواند مشروع باشد (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۹). چنانکه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) در جمع دیپلمات‌های خارجی مقیم ایران به تاریخ ۵۹/۱۱/۲۲ در این باره فرمودند:

«ما تعدی به هیچ کشوری، به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام نخواهیم کرد و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید بکنیم و تجاوز به هیچ کشوری نخواهیم کرد و نباید بکنیم، لکن از تجاوز دیگران هم باید جلوگیری کنیم» (صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۶۷).

در واقع، در اندیشه اسلامی جنگ اصالت ندارد، دعوت به صلح و آرامش، هویت اصلی دین است؛ اما اگر دولتی اقدام به تجاوز کند، دفع تجاوز عملی واجب و حتمی می‌شود. این چنین است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قاطعانه در این باره فرمودند:

«ما اهل تجاوز به هیچ ملتی و هیچ کشوری نیستیم؛ ما هرگز اقدام به جنگ خونین نمی‌کنیم - ملت ایران این را به اثبات رسانده است - اما ما ملتی هستیم که هرگونه تجاوز را، بلکه هرگونه تهدید را، با استواری و با قدرت کامل پاسخ خواهیم داد. ما ملتی نیستیم که بنشینیم تماشا کنیم قدرت‌های پویشالی مادی که از درون کرم‌خورده و موربانه‌خورده‌اند، ملت استوار و پولادین ایران را تهدید کنند. ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم. هر کسی فکر تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در مخیله‌اش خطور کند، باید خود را آماده‌ی دریافت سیلی‌های محکم و مشت‌های پولادین کند... آمریکا بداند، هم دست‌نشانده‌گانش بدانند، هم سگ‌نگهبانش رژیم صهیونیستی در این منطقه بدانند، پاسخ ملت ایران به هرگونه تعرضی، هرگونه تجاوزی، بلکه هرگونه تهدیدی، پاسخی خواهد بود که از درون، آن‌ها را از هم خواهد پاشید و متلاشی خواهد کرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب و فرمانده کل قوا در دانشگاه افسری امام علی (علیه‌السلام) ۱۳۹۰/۰۸/۱۹).

بنابراین، ماهیت جهاد در اسلام به معنی یک سلسله عملیات نظامی و خشونت آمیز توأم با قتل، کشتار و تخریب نیست و هیچ نوع انگیزه مادی و فاقد ارزش‌های معنوی و الهی نمی‌تواند مجوزی برای جهاد محسوب شود. چنین جنگی از دیدگاه اسلام مشروع شمرده نخواهد شد (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۵۸). پس فلسفه و ماهیت جهاد، دفاع است و «اسلام در صورتی به مسلمین اجازه می‌دهد دست به اسلحه ببرند که مورد تهاجم قرار گیرند یا زورمندان استقلال، آزادی و حاکمیت اسلامی را مورد تهدید قرار داده باشند» (ابوالوفاء، ۱۴۲۱ه: ۲۵).

بخش اول: مروری بر مباحث نظری پژوهش

۱- مبانی نظری دفاع در قرآن کریم

در مطالعه‌ی تاریخ زندگی موجودات، دفاع پدیده‌ای بسیار با اهمیت و برجسته شناخته می‌شود. این پدیده در مقابل تهدیدات و خطرهای خارجی ظهور می‌یابد تا موجودات بتوانند از مسیر حرکت و کمال خود باز نمانند و بقای خود را حفظ کنند (رستمی نسب، ۱۳۸۹: ۹۶). به همین دلیل، دفاع، مفهومی مقدس، ارزشی و یکی از ارکان بقا به حساب می‌آید.

الف) معنی و مفهوم دفاع

دفاع، در لغت به معنای دفع شر و تعرض کردن (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۲۷: ۵۶) و نیز به معنای دور کردن تهدید و خطر از کسی و یا از خود به‌گونه‌ای مطلوب است (رستمی نسب، ۱۳۸۹: ۹۹).

در کتاب لغت حقوقی بلاک^۱ آمده است: «حق دفاع از خود یا اموال خود در مقابل صدمه‌ای که از ناحیه دیگری وارد می‌شود، حق دفاع مشروع است. حق دفاع مشروع، جواز استعمال زور به‌منظور مقاومت در مقابل حمله، کشتن سوء قصد کننده، پاسخ‌گویی زور به‌وسیله زور، حتی اگر منجر به قتل شود، از شخص خود، اموال و منزل یا یکی از اعضای فامیل خود نیز محسوب می‌شود» (Henry Campbell, 1968: 152). به بیان دیگر، دفاع مشروع^۲ را می‌توان به وضعیتی اطلاق کرد که بر اساس آن به

1 - Black

2 - Self-Defence

کشور مورد تجاوز مسلحانه حق می‌دهد تا به‌فوریت در مقام تهاجم مسلحانه کشور یا کشورهای دیگر با هر وسیله ممکن، حتی اگر مخالف حقوق بین‌الملل هم باشد، متوسل به‌زور شده و با دفاع از خود، دشمن تجاوزگر را سرکوب کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۳۳). منشور ملل متحد^۱ در ماده ۵۱، حق ذاتی دفاع مشروع، اعم از دفاع مشروع فردی یا جمعی^۲ را به‌عنوان تضمین ممنوعیت توسل به‌زور و مقابله با حمله مسلحانه، یا به تعبیری، تنها استثنای ممنوعیت توسل به‌زور پذیرفته است (Bledsoe and Boczek, 1987, Footnote No, 317).

در اصطلاح فقه دفاع، در مقابل جهاد است و آن هنگامی است که دشمنان بر مردم مسلمان هجوم آورده و حمله نمایند که در این صورت، دفاع بر همه‌ی افراد واجب است.

در مجموع، دفاع به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که انسان برای حفظ و حراست از حیات، اعتقادات، سرزمین و... خود در برابر خطراتی که او را تهدید می‌کند، انجام می‌دهد.

ب) معنی و مفهوم جهاد

انتخاب واژه «جهاد» در متون و منابع اسلامی، نشانگر بُعد معنوی و عبادی عملیات نظامی در «جهاد فی سبیل‌الله» است. در قرآن به‌جز واژه جهاد، از کلماتی چون قتال و حرب نیز استفاده شده که به معنی درگیری نظامی است. ولی بیش‌ترین موارد به‌کارگیری این واژه‌ها عملیات نظامی و تهاجمی کفار و کسانی است که فاقد انگیزه معنوی و انسانی و الهی بوده و جنبه ضد ارزشی داشته است و مواردی که این دو واژه به مفهوم جهاد به کار گرفته شده، همواره با قید «فی سبیل‌الله» همراه بوده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۵۷). قید «فی سبیل‌الله» نیز ماهیت و هدف جهاد را مشخص می‌کند و آن خدایی بودن این جهاد و مبارزه است. البته «جهاد» معنای گسترده‌تری دارد، چنان که مبارزه با هوای نفس «جهاد اکبر» خوانده شده است (مصباح یزدی،

۱- ماده ۵۱ منشور ملل متحد، مقرر نمود: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به‌حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد...»

۱۳۶۸: ۲۱۷)؛ و منظور آن است که جهاد در مفهوم اسلامی لزوماً به معنی پیکار مسلحانه با دشمنان اسلام و کفار نیست؛ بلکه در مفهوم وسیع و عام آن شامل پیکار با زبان، قلب، فکر و احساس بوده و گاه طرف مقابل پیکار حالات درونی فرد یا افراد یا جامعه اسلامی است. به همین لحاظ، گاه به تلاش فرد در خودسازی و اصلاح افراد و سالم سازی محیط زندگی اجتماعی نیز جهاد گفته می‌شود که به «جهاد اکبر» تعبیر شده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۲۳۴)؛ بنابراین، در فقه و حقوق اسلامی، تعریفی از جنگ وجود ندارد. همه تعاریف وارده از جهاد یا دفاع مشروع است و چنان چه از قتال یا حرب نام برده می‌شود، این موارد مقید به «فی سبیل الله» است. این قید مهم، هدف و ماهیت جهاد و قتال را مشخص می‌کند (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۵۰) و آن خدایی بودن این حرکت و تلاش است. به این ترتیب، امت اسلامی، بر خلاف مسیحیان که معتقدند در دین مسیح، مفهوم جهاد مطابق مفهومی که در اسلام آمده وجود ندارد و این را از افتخارات خود می‌دانند، بر این باورند که اسلام این افتخار را دارد که قانون جهاد دارد، چون اسلام دینی است که وظیفه خود می‌داند تا حکومت تشکیل دهد. رسالتش اصلاح جهان است، چنین دینی نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد و قانون جهاد نداشته باشد. حکومتش نمی‌تواند ارتش نداشته باشد؛ اما کارکرد مسیحیت از حدود اندرز تجاوز نکرده است، در صورتی که اسلام تمام شئون بشر را زیر نظر دارد و قوانین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد، آمده دولت و حکومت تشکیل دهد، حال آیا ممکن است چنین حکومتی ارتش نداشته باشد، قانون جهاد نداشته باشد؟ (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸-۱۷).

جهاد از نظر لغوی در «جَهْدٌ» و «جَهْدٌ» ریشه دارد که «جَهْدٌ» به مفهوم مبارزه، کوشش، رنج و مشقت و «جَهْدٌ» به معنای غایت و شدت هر چیز گرفته شده است (فرهنگ بزرگ جامع نوین، ص ۳۰۰) جهاد در لغت به معنای توان و سختی و در اصطلاح به معنای «به کار گرفتن نهایت تلاش و توان در مقابله با دشمن» است (راغب اصفهانی، ۱۳۲۹ق: ۱۰۱). مؤلف کنز العرفان، جهاد را «بذل جان و آنچه بر آن متوقف است، مثل مال و ثروت، در جنگ با مشرکان و متجاوزان، در راه اعلاء کلمه اسلام بر وجه مخصوص» می‌خواند (کنز العرفان، ج ۱: ۳۴۰). صاحب جواهر نیز در تعریف جهاد می‌نویسد: جهاد یعنی «ارزانی کردن جان و مال در جنگ با مشرکان یا باغیان به‌گونه‌ای ویژه» یا «ارزانی کردن جان، مال و توانایی در راه بلند مرتبه ساختن اسلام

در برپا داشتن شعائر ایمان» است (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۳). ملاحظه می‌شود که در بیشتر متون لغت، فقه و تفسیر، عنوان جهاد به «مقاتله العدو» یعنی اقدام به عملیات مسلحانه با دشمن تعریف شده است (الزحیلی، ۱۴۱۲ ه.ق: ۳۱۹).

آیه الله نوری همدانی مؤلف کتاب جهاد، می‌نویسد: واژه جهاد از نظر شرعی، یعنی از این نظر که در قرآن و احادیث آمده است نیز به دو صورت قابل بررسی است: هرگاه این واژه را از ریشه جهد بگیریم، معنی آن چنین خواهد بود: سعی و کوشش با صرف مال و ثروت و جان و به کار گرفتن تمام امکانات؛ و اگر از ریشه جهد بگیریم، چنین معنی می‌دهد: گذشتن از مال و جان و صرف تمام نیروها و تحمل سختی‌ها در راه رسیدن به هدف و مقصود. در هر دو صورت و با در نظر داشتن هر کدام از این دو ریشه لغوی، معنی جهاد از لحاظ شرعی این است که انسان با گذشتن از جان و مال خویش، در راه برتری توحید و کلمه اسلام و پایداری رسالت اسلامی و اقامه شعائر ایمان و برافراشتن پرچم دین الهی، با تمام امکانات خود تلاش و مبارزه کند (نوری همدانی، ۱۳۶۸: ۱۵-۱۴).

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در تعریف جهاد می‌فرماید:

«جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم: مبارزه‌ی علمی می‌کنم، مبارزه‌ی اجتماعی می‌کنم، مبارزه‌ی سیاسی می‌کنم، مبارزه‌ی مسلحانه می‌کنم، همه‌ی این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن»
(در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۳/۸/۲۰).

در مجموع، می‌توان گفت که جهاد دو معنی دارد: معنی عام که عبارت است از هرگونه تلاش و کوششی که در راه خدا انجام گیرد، مانند جهاد با نفس (جهاد اکبر)، جهاد با زبان، جهاد با فکر و... در این بُعد از جهاد، جنبه‌های نظامی هیچ‌گونه دخالتی ندارد؛ اما جهاد در معنی خاص عبارت است از جنگ در برابر دشمنان متجاوز و مبارزه با عوامل تهدید کننده استقلال، آزادی و حاکمیت نظام اسلامی که در آن حس انتقام‌جویی، ابزار غرایز حیوانی، خوی درندگی و ویرانگری راه ندارد.

ج) چرایی دفاع

دفاع در برابر هجوم نظامی دشمن، به دین و آیین خاصی اختصاص ندارد، بلکه همه

دین‌ها و ملت‌ها آن را مسلم و غیرقابل اجتناب می‌دانند؛ زیرا دفاع، حقی است طبیعی که نه تنها در فطرت آدمی به ودیعت نهاده شده، بلکه در نهاد سایر موجودات زنده، هر کدام به‌نوعی، هست. سنت الهی بر این است که هر موجود زنده‌ای برای ادامه حیات خود بتواند با استفاده از اعضا و جوارح دفاعی یا ساخت سلاح با به‌کارگیری قوه اندیشه، از موجودیت و هستی خویش در برابر دشمنان دفاع کند. از این رو، مشروعیت دفاع، امری ضروری و بی‌نیاز از برهان است. در اسلام نیز حق دفاع، حقی مشروع است (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۶: ۸۱).

اگر کشوری تحت تأثیر جاه طلبی و تفوق طلبی خود به سرزمین دیگری چشم طمع بدوزد و آن جا را مورد تهاجم خود قرار دهد و حریت و آزادی، استقلال و شرف آن‌ها را سلب کند، آیا کشور مورد تهاجم بایستی دست روی دست بگذارد و خود را تسلیم نماید، یا آن که بایستی با آن‌ها بجنگد؟ مسلم است که آن کشور باید از خودش دفاع کند و لو با جنگ! این جنگ به معنی ایستادگی در برابر تهاجم است. جنگی که به‌منظور ایستادگی در برابر تهاجم و تجاوز باشد، یعنی همان دفاع، نه تنها خوب و بسیار پسندیده است، بلکه از ضرورت‌های حیات بشری است. چنان که قرآن کریم بر این موضوع چنین تصریح می‌فرماید:

«وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (سوره حج، آیه ۴۰)

«و اگر خدا [با حکم جهاد] بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد.»

یا این که در سوره‌ای دیگر فرموده است:

«وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (سوره بقره، آیه ۲۵۱)

«و اگر خداوند برخی از مردم را به‌وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید.»

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در همین زمینه می‌فرمایند:

«اگر مجاهدت فداکارانه جوانان این مرز و بوم که به این شهادت‌ها منتهی

شده است نبود، همه روزهای این ملت، در زیر چتر سیاه ظلم و تجاوز و دخالت دشمنان اسلام و ایران به شب‌های تاریک بدل می‌گشت... هرچه داریم، به برکت جانفشانی‌ها، فداکاری‌هاست، به برکت روحیه شهادت طلبانه است»
(بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور ۴/۰۵/۱۳۸۷).

بنابراین، هر ملتی بر اساس فطرت ذاتی خود و با بهره‌مندی از تفکر و اراده‌ی خویش در مقابل تهاجم بیگانگان ایستادگی و مقاومت می‌کند، زیرا حفظ عزت و سربلندی و رسیدن به کمال، بدون مقاومت در برابر تجاوز گران به دست نمی‌آید.

د) ابعاد دفاع



شکل شماره ۱: ابعاد دفاع

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا دفاع فقط به دفاع نظامی اختصاص دارد، یا دفاع شامل عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیز می‌شود؟ پاسخ آن است که امر دفاع، اختصاص به دفاع نظامی ندارد، بلکه شامل عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیز می‌شود. اصلی‌ترین و مشخص‌ترین آیه در این زمینه که می‌توان از آن به‌عنوان مجوز دفاع همه‌جانبه^۱ یاد کرد، آیه شریفه ۶۰ از سوره انفال است که

۱- دفاع همه‌جانبه (Multidimensional defence) کاربریست تمامی ظرفیت‌ها و مقدرات موجود برای مواجهه با تهدیدهای فراروی نظام است که عرصه‌های اصلی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را در بر می‌گیرد و موضوع آن نه تنها تهدیدهای کنونی است،

به‌خوبی می‌رساند نظام اسلامی لازم است برای بسیج همه‌جانبه‌ی نیروها در تمام زمینه‌ها و تخصص‌ها فعال باشد (طباطبایی، ج ۹: ۱۵۴-۱۵۰).

در اندیشه‌ی امام خامنه‌ای (مدظله) نیز دفاع حوزه وسیع‌تری داشته و اختصاص به دفاع نظامی ندارد، بلکه هر نوع هجمه و حمله‌ای به مسلمانان بشود، مانند اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، دفاع همه‌جانبه لازم و مهم است. چنان که معظم له در هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در حراره در سال ۱۳۶۵، به‌عنوان رئیس جمهوری وقت ایران؛ فرمودند:

«از آنجا که فعالیت نظام سلطه تنها در بعد سیاسی نیست، بلکه توانسته است منطق فرهنگی خاص خود و شبکه‌ی اقتصادی و تبلیغاتی وابسته به خود را نیز به وجود آورد، دفاع در مقابل آن نیز باید همه‌جانبه باشد» (به نقل از شبکه ایران نیوز به تاریخ ۱۳۹۱/۶/۸. <http://www.inn.ir>).

ایشان در مناسبت‌های دیگر نیز این اندیشه راهبردی را مورد تأکید قرار داده و خطاب به مسئولان و مدیران اجرایی و نظامی کشور فرمودند:

«تمامی نیروهای مسلح اعم از نظامی و انتظامی و نیز نیروهای پرتوان بسیج باید آمادگی خود را برای دفاع همه‌جانبه از دستاوردها و آرمان‌های انقلاب حفظ کنند و این دستوری است که کلیه مسؤولین نیروهای مسلح باید آن را به‌عنوان یک وظیفه مهم دنبال کنند.» (دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۶۸/۱۲/۱۰) *«بنا بر این باید در مقابل تهدید آمادگی داشته باشیم. اگر نداریم، باید آمادگی ایجاد کنیم و اگر داریم، حفظ کنیم و افزایش دهیم. در مقابل اعلان جنگ، اعلان دفاع همه‌جانبه - روی همه‌جانبه»* تکیه و تأکید می‌کنم - *و در مقابل اقدام به جنگ، اقدام به دفاع و ضربه‌ی متقابل»* (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷).

ه) اهداف دفاع

با توجه به آشنایی اجمالی با مفهوم و ماهیت جهاد و دفاع، اینک می‌توان اهداف دفاع از دیدگاه اسلام را به‌اختصار با الهام از قرآن کریم به شرح زیر بیان کرد:

بلکه شامل تهدیدهای آینده نیز می‌شود.

اهداف دفاع از دیدگاه اسلام

هدف	ردیف
مقابله در برابر نیروهای متجاوز	۱
واکنش سریع نظامی در برابر اهداف تجاوزکارانه دشمن	۲
تلاش برای نجات محرومان و مستضعفان	۳

(۱) مقابله در برابر نیروهای متجاوز

قرآن دفاع را حق مشروع در برابر ظلم، تجاوز و تبهکاری معرفی کرده و در این صورت، جنگ را یک وسیله دفاع مجاز می‌داند، چنان که می‌فرماید:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ* الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَكَوْلًا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَكَيِّنَصْرَنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (سوره حج، آیه ۳۹ و ۴۰)

«به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست* همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [آن‌ها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی‌کرد صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.»

نکته قابل توجه و مهم در ماهیت بشردوستانه بودن اهداف دفاع این است که قرآن باوجود توصیه و تأکید در استفاده از حق مشروع دفاع در برابر تجاوز دشمن، رزمندگان اسلام را از زیاده روی، تجاوز و خشونت‌های بی‌دلیل منع می‌کند. چنان که می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الْمُعْتَدِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۰)

«و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید ولی از اندازه درنگذیرید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.»

یا این که در جای دیگر در همین ارتباط می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (سوره مائده، آیه ۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

(۲) واکنش سریع نظامی در برابر اهداف تجاوزکارانه دشمن

دومین هدف از دفاع، عبارت است از واکنش سریع نظامی در برابر اهداف تجاوزکارانه دشمنی که در صدد نقض پیمان و زیر پا گذاردن تعهدات خود است که در تعبیر قرآنی از آن به «إنباز^۱» یاد شده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). در قرآن کریم آمده است:

«وَمَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (سوره انفال، آیه ۵۸)

«و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بینداز [تا طرفین] به‌طور یکسان [بدانند که پیمان گسسته است] زیرا خدا خائنان را دوست نمی‌دارد.»

صاحب‌المیزان در تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد با توجه به واژه «خیانت» که به معنای نقض عهد و پیمان (معاهده) است و «خوف» که به معنای علامت‌هایی از

۱- إنباز و نبذ در لغت عرب به انداختن اشیاء کم ارزش اطلاق می‌شود، گویی پس از مشاهده علائم خیانت از طرف متعهد، دیگر نمی‌توان به تعهدات فیما بین اعتماد نمود و ارزش قائل شد (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

اینکه امری خطرناک و لازم الاحتراز در شرف وقوع است، دستور الهی این است که با کسانی که نقض عهد می‌کنند یا بیم آن می‌رود که در عهد خود خیانت کرده و آن را بشکنند، ضمن اعلام قبلی مبنی بر نقض پیمانشان، به سرعت واکنش نشان داده^۱ و با آنان مقابله کنند (طباطبایی، ج ۹: ۱۵۰-۱۴۹)؛ یعنی اگر دولت «الف» با حمله مسلحانه قریب‌الوقوع (فوری) دولت «ب» - با توجه به اقدامات غیرعادی آن، به‌عنوان نمونه نقل و انتقال ادوات نظامی در مرزها و افزایش تعداد مرزبانان و استقرار نیروهای نظامی متعدد و مجهز - مواجه شود، ضرورت می‌یابد که دولت «الف» فوری به دفاع مشروع پیش‌دستانه علیه دولت «ب» متوسل شود که در فقه اسلامی از آن به «انباذ» تعبیر می‌شود.^۲

قرآن کریم گروه‌هایی را که منطق و پیمان، مانع از شیوه خصمانه‌شان نمی‌شود، متجاوز تلقی می‌کند و درباره‌ی این گونه متجاوزان چنین دستور می‌دهد:

«فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ
وَخَدُّوهُمْ وَأَحْصِرُوهُمْ وَأَعَدُّوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ» (سوره توبه، آیه ۵)

«پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید».

البته در پایان چنین فرمان به‌ظاهر تندی، برای نشان دادن ماهیت انسانی دفاع، توصیه می‌کند:

«فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ
رَّحِيمٌ» (سوره توبه، آیه ۵)

«پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا خدا آمرزنده مهربان است».

۱- بدیهی است که تفاوت این مورد با دکترین حمله پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل آن است که به استناد آیه ذکر شده، پس از اطلاع دشمن از موضوع نقض پیمان، در این فرض فقط نقض پیمان مجاز شمرده شده است و نه این که حمله به دشمنی که از نقض پیماننش در هراس هستیم. بنابراین، حمله پیش‌دستانه با پیش‌دستی در نقض پیمان متفاوت است.
۲- البته، این اقدام دولت اسلامی خود یک جهاد تدافعی است؛ زیرا که، دولت اسلامی در پی اقدامات غیرعادی و غیر مسالمت آمیز و تجاوزکارانه طرف مقابل متوسل به این اقدام شد.

(۳) تلاش برای نجات محرومان و مستضعفان

سومین هدف دفاع در اسلام، تلاش برای نجات محرومان و مستضعفان از دست مستکبران و زورگویان است. مبارزه موسی و هارون با فرعون که ملتش را به استضعاف کشانده بود، شاهدی بر این ادعاست.

آزاد کردن ملت‌ها و توده‌های مردمی که از شرایط آزاد اندیشیدن، آزاد قضاوت کردن و آزاد انتخاب کردن محروماند، و موانع، سدها و دشواری‌هایی بر اثر سلطه قدرتمندان و دولتمردان در راه درک حقایق و رسیدن به واقعیات بر سر راهشان قرار گرفته است و نیز به‌منظور هموار کردن راه حقیقت‌یابی و نفی تحمیل‌ها و استضعاف‌های فکری و آماده کردن زمینه رشد آگاهی‌ها و شکوفایی اندیشه‌ها، بنا به توصیه‌های قرآنی یکی از اقدامات دفاعی است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۲۶۱). چنان که می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۳)

«با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».

در سوره‌ای دیگر نیز در این رابطه تأکید فرمودند:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سوره انفال، آیه ۳۹)

«و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد پس اگر از کفر باز ایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست».

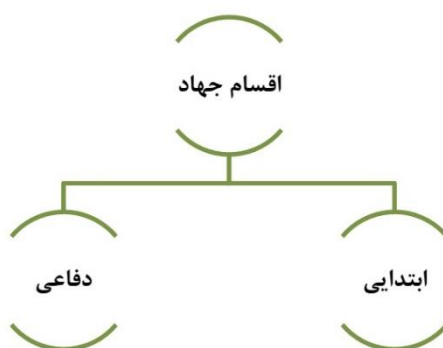
بنابراین، کمک و یاری دادن و همراهی با مردم مظلوم و مستضعف که برای نجات خود در برابر ستمگران و زورگویان می‌جنگند، امری مقدس و فی سبیل الله است. چنان که در قرآن بر این مهم چنین تأکید شده است:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اٰهْلِهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا» (سوره نساء، آیه ۷۵)

«و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید همانان که می‌گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما».

و) اقسام جهاد

گونه شناسی جهاد، آن چنان که در کتاب‌های فقهی آمده است، به دو بخش تقسیم می‌شود: جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی.



شکل شماره ۲: اقسام جهاد

(۱) جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی، آن است که برای دعوت به اسلام و بسط عدل، مسلمانان شروع به جنگ با کفار کنند و این قسم از جهاد مشروط به اذن پیغمبر (ص) یا امام (ع) یا نایب خاص او است (دستغیب، بی تا: ۲۱). به سخن دیگر، جنگ ابتدایی، جنگی است که در صورت فراهم آمدن شرایط خاص - مانند حضور و اذن امام عادل - مسلمانان برای تحقق اهداف مشروع و انسانی آغازگر آن هستند (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

(۲) جهاد دفاعی

جهاد دفاعی (تدافعی)، آن است که کفار بخواهند به بلاد اسلامی حمله کنند و اساس

و آثار اسلام را محو کنند، یا این که بخواهند بر جمعی از مسلمانان حمله کرده و اموال آنان را به غارت ببرند و اعراض و نفوس ایشان را مورد تجاوز قرار دهند؛ در این صورت، بر تمام مسلمانان الاقرب فالاقرب واجب می‌شود به وجوب کفایی از حمله کفار و از تجاوزات آن‌ها جلوگیری کرده و با آن‌ها بجنگند و در این قسم از جهاد، اذن امام یا نائب او شرط نیست (دستغیب، بی تا: ۴۲).

به اعتقاد بیشتر فقهای اسلام، جهاد دفاعی زمانی صورت خواهد گرفت که جان و مال، استقلال و عزت و عرض مسلمانان مورد تهاجم دشمنان واقع شود. هم چنین، اگر کیان اسلام (حاکمیت و وجود اسلام) مورد تهاجم واقع شود، حتی اگر جان و مال مسلمین را هم مورد خطر قرار ندهد، باز بر همه مسلمانان هست که به دفاع برخیزند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۵: ۳۲۳).

یادآور می‌شود، علما و اندیشمندان اسلامی در خصوص انواع گوناگون جهاد در اسلام، اقسام دیگری را نیز ذکر کرده‌اند، اما درباره‌ی جهاد ابتدایی و دفاعی اتفاق نظر دارند. از این رو، گونه‌های دیگر را در شمول این دو قسم یادآور می‌شوند.^۱ البته، این تقسیم بندی نیز با هدف بحث ما تطبیق دارد.

(۳) جهاد ابتدایی، مصداقی از «دفاع»

یکی از موضوعات بحث برانگیز در بین اندیشمندان اسلامی، موضوع وجود یا نبود جنگ ابتدایی در اسلام است. برخی وجود جنگ ابتدایی را در اسلام مورد تأیید قرار دادند و بعضی نیز جنگ ابتدایی را گونه‌ای دیگر از جهاد دفاعی دانسته‌اند و عده‌ای دیگر؛ به‌طور کل منکر وجود جنگ ابتدایی شدند.

همان گونه که پیش‌تر اشاره رفت، جهاد در اسلام هدف نیست، بلکه وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدف است. چرا که یکی از مهم‌ترین هدف‌های جهاد، موضوع هدایت است و جنگ با کفار مقصود اصلی نیست. به همین دلیل، اگر هدایت بدون جهاد ممکن باشد، چنین شیوه‌ای بر جهاد تقدم دارد. دیگر آن که هدف اسلام از جهاد، دفاع است نه تهاجم و تسلط بر دیگران، در واقع، دفاع به‌عنوان مبارزه با تهاجم

۱- گونه‌های دیگر جهاد عبارت‌اند از: جهاد با بغات، یعنی جنگ با کسانی که با مقام امامت مخالفت داشته و با اقتدار امام معارضه می‌کنند، هم امام و هم اتباعش بایستی جلوی مخالفان و تفرقه‌اندازان را بگیرند (خدوری، ۱۳۸۸: ۱۱۴). جهاد آزادی بخش یا رهایی بخش، یعنی جهاد برای رهایی مؤمنان ناتوان و دربند. آیه ۷۵ از سوره نساء به این نوع جنگ اشاره دارد.

صورت می‌گیرد. چنان که استاد شهید مطهری می‌نویسد: «قرآن جهاد را منحصرأ و منحصرأ نوعی دفاع می‌داند» (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۲).

(الف) قرآن: دفاعی بودن آیات جهاد

بحث دفاعی بودن یا نبودن آیات جهاد، با این پرسش آغاز می‌شود که آیا در اسلام جنگ ابتدایی، یعنی جنگی که به‌طور ابتدایی به کشوری حمله شود تا مردم کافر که بی‌آزار و صلح طلب هستند را با زور اسلحه به پذیرش دین اسلام وادار ساخت، وجود دارد یا نه؟ آیا اسلام تهدید نظامی را (مبنی بر این که ای مردم ما شما را دعوت می‌کنیم که اسلام را بپذیرید، وگرنه جنگ با شما را آغاز خواهیم کرد) مشروع می‌داند یا نه؟

برای پاسخ به این سؤالات، باید ببینیم در جایی که دستور جنگ و جهاد آمده آیا مقصود این است که از ابتدا باید با کفار جنگید یا زمانی که از ناحیه آن‌ها تجاوزی صورت گرفت؟ برای این منظور، لازم است آیاتی که درباره‌ی جنگ با کفار نازل شده است را بررسی کنیم.

آیاتی که درباره‌ی جنگ با کفار نازل شده دو دسته هستند: دسته اول، آیاتی که قید و شرط جنگ در آن‌ها ذکر شده است که به آیات مقید تعبیر می‌شود و دسته دوم، آیاتی که به‌طور مطلق آمده‌اند و قید و شرطی در آن‌ها نیست که به آیات مطلق تعبیر می‌شود.

دسته اول: آیات مقید

آیاتی که قید و شرط جنگ در آن‌ها ذکر شده است را می‌توان به شرح زیر بیان کرد.

۱- «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۰)

«و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید ولی از اندازه درنگزید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.»

۲- «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلَكُم فِيهِ فَإِن قَاتَلَكُمُ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۱)

«و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرک] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آن که با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است.»

۳- «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۳)

«با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود پس اگر دست برداشتنند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.»

۴- «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ* الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (سوره حج، آیه ۳۹ و ۴۰)

«به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست* همان کسانی که بناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [آن‌ها گناهی نداشتند] جز این که می‌گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی‌کرد صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.»

۵- «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۴)

«این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است و [هتک] حرمت‌ها قصاص دارد پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوای پیشگان است.»

آیات پیش گفته، آیاتی هستند که در آن‌ها شرط تجویز جنگ در اسلام ذکر شده و آن شرط، تجاوز دشمن است که در آن صورت جنگ برای دفع شر دشمن و حمایت از مظلومان ضرورت پیدا می‌کند و به مقتضای آیات یاد شده، جهادی که در اسلام واجب شده جنگ دفاعی است که فطرت هر انسانی به لزوم آن حکم می‌کند (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۶: ۳۲).

دسته دوم: آیات مطلق

آیاتی که مسلمانان را بی‌هیچ قید و شرطی به جنگ با کفار دعوت می‌کند (آیات مطلق) به شرح زیر است:

۱- «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (سوره بقره، آیه ۲۱۶)

«بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

۲- «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (سوره نساء، آیه ۷۴)

«پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد.»

۳- «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي

سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانٍ ضَعِيفًا» (سوره نساء، آیه ۷۶)

«کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است»

۴- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غُلْظَةً وَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (سوره توبه، آیه ۱۲۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید با کافرانی که مجاور شما هستند کارزار کنید و آنان باید در شما خشونت بیابند و بدانید که خدا با تقوای پیشگان است.»

۵- «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (سوره توبه، آیه ۲۹)

«با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آن چه را خدا و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند.»

۶- «فَإِذَا لَقِيتَهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (سوره محمد، آیه ۴)

«پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید گردن‌ها [یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآورید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور

خدا] و اگر خدا می‌خواست از ایشان انتقام می‌کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند.»

اکنون پس از آشنا شدن با آیات جهاد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا در آیات جنگ و جهاد باید آیات مطلق را در نظر گرفت یا آیات مقید را؟ استاد مطهری می‌گوید: قاعده اقتضا می‌کند که مطلق را حمل بر مقید بکنیم؛ یعنی بگوییم آنجا هم که مطلق را ذکر کرده مقصود همین مقید بوده است (مطهری، ۱۳۷۴ الف: ۷). قاعده حمل مطلق بر مقید، قاعده‌ای است در محاورات عرفی که اگر مطلق و مقیدی داشته باشیم، یعنی یک دستور را در یک جا مطلق ذکر کرده باشد و در جای دیگر مقید ذکر کرده باشد، از نظر دستور عرفی در علم اصول می‌گویند مطلق را باید حمل بر مقید کرد (مطهری، ۱۳۷۴ الف: ۲۷)؛ یعنی آیات دارای قید و شرط آیات بی‌قید و شرط را تفسیر می‌کند و در نتیجه آیات دارای قید و شرط بر آیات بی‌قید و شرط حاکم خواهند بود و این یک قانون عمومی است که در همه عرف‌ها و همه زمان‌ها به آن عمل می‌شود (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۶: ۳۴). پس طبق این بیان، باید مفهوم جهاد را همان بدانیم که آیات مقید بیان کرده است، یعنی آیات قرآن جهاد را بدون قید و شرط واجب نمی‌داند، در یک شرایط خاصی واجب می‌داند» (مطهری ۱۳۷۴ الف: ۵۸-۵۷)؛ بنابراین، جهاد ابتدایی، مصداقی از دفاع محسوب می‌شود؛ زیرا قرآن کریم در آیات جنگ و جهاد، جنگیدن با دیگران را مقید به قیدی کرده است: مثلاً آنان با شما در حال جنگ باشند با توجه به قرائن یا بیم آن می‌رود که تصمیم جنگیدن دارند، با آنان باید جنگید.

نکته دیگر آن که قوی‌ترین آیه در این زمینه، آیه ۲۹ سوره توبه است که به «آیه قتال» و «آیه سیف» (المیزان، ج ۹: ۲۸۲) مشهور است. این آیه به‌صراحت به قتال و مبارزه با اهل کتاب فرمان داده است و یکی از مستندات مهم جهاد ابتدایی به شمار می‌رود. این قتال و جهاد برای تحمیل عقیده نیست؛ اگر برای تحمیل عقیده بود، کفار بین جزیه دادن، اسلام آوردن یا جنگ مخیر نمی‌شدند و باید منحصراً مسلمان می‌شدند یا جنگ می‌کردند (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۰۱). تخییر بین «اسلام آوردن»، «جزیه دادن» و «جنگ» نشان می‌دهد که جهاد برای اسلام آوردن آنان نیست، بلکه با توجه

به سایر آیات، شامل موارد خاصی از قبیل فتنه گری و جنگ افروزی آنان خواهد شد. ضمن آن که دستور به مقاتله، غیر از ابتدا به قتال است (المیزان، ج: ۴، ۶۴۲).

بنابراین، همه انواع جهاد در اسلام جنبه دفاعی دارد حتی آن چه که در اصطلاح فقهی «جهاد ابتدایی» نامیده می‌شود؛ زیرا در هر جهاد اسلامی، مسئله «دفاع» مطرح است. با این تفاوت که «متعلق دفاع» مختلف می‌شود. گاهی دفاع از آب و خاک مطرح است، گاهی دفاع از نفوس مسلمانان، گاهی دفاع از عزت و شرف اسلامی و گاهی... در این میان، گاهی «دفاع از حق خدای متعال»^۱ مطرح است. این همان جهادی است که در اصطلاح فقهی، جهاد ابتدایی نامیده می‌شود که می‌توان آن را نیز جهاد دفاعی به حساب آورد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۵۱).

(ب) سیره پیامبر (ص): دفاعی بودن مخاصمات

با بهره‌گیری از آن چه گذشت می‌توان این گونه برداشت نمود که آیات جهاد در قرآن، جنگ دفاعی را تجویز کرده است، نه جنگ ابتدایی را. از طرفی دیگر، اولین کسی که به آیات جهاد عمل کرد، شخص رسول اکرم (ص) بوده است، بی‌تردید اگر جنگ ابتدایی یا کشتار و خونریزی (چون میدان جنگ، میدان قتل و خونریزی است، نه گفتگو و مذاکره) برای تحمیل دین مجاز بود، شخص رسول خدا (ص) از هر کس دیگر سزاوارتر بود؛ اما آیا پیامبر اسلام (ص) این گونه عمل کرد؟ مطالعه و بررسی در غزوات و سَرّیه‌های به وقوع پیوسته در صدر اسلام و همچنین بیشتر جنگ‌هایی که در تاریخ اسلام ثبت شده است، دفاعی بودن جنگ‌ها را به اثبات می‌رساند. چنان که آن حضرت قبل از مقابله با متجاوزان به موعظه می‌پرداخت و دعوت به صلاح و مسالمت می‌کرد و تمایل به صلح نشان می‌داد. پیامبر اسلام در حالی که میدانست پیروز است، پیشنهاد ترک خصومت را می‌پذیرفت و قرارداد صلح را قبول می‌کرد.

شیخ محمد عبده نیز با تأکید بر دفاعی بودن جنگ‌های پیامبر (ص) نظرش را این گونه بیان می‌کند: «جنگ پیامبر (ص) همه‌اش برای دفاع از حق و اهل آن و حمایت

۱- دفاع از حق خدای متعال، در واقع دفاع از دین خدا است. «کلمه خداست که برتر است» توبه، ۴۰). هنگامی که دشمنان قصد براندازی دین و ایمان مسلمانان و تعدی به مقدساتشان را داشته باشند، بر مسلمانان واجب است که در مقابل توطئه‌ها و تهدیدهای دشمنان قد علم کرده و از عزت و شرف اسلامی خود دفاع و حراست کنند و فرصت و امکان تهدید و تجاوز را از کافران و دشمنان بگیرند.

از دعوت حق بوده است و بدین سبب، دعوت به اسلام قبل از شروع جنگ شرط جواز جنگ مقرر شده است و دعوت فقط با حجت و دلیل انجام می‌شود، نه با شمشیر و نیزه» (المنار، ج ۲: ۲۱۵).

از امام علی (ع) نقل شد که فرموده است: «وقتی رسول خدا (ص) مرا به یمن فرستاد، فرمود: «یا علی! با هیچ کس جنگ نکن، مگر این که پیش از آن او را به اسلام دعوت کنی، به خدا قسم اگر خدا یک نفر را به وسیله تو هدایت کند، برایت از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند [یعنی از هر چیزی که در این جهان وجود دارد]، بهتر است»» (حرعاملی، ج ۱۱: ۳۰ و کلینی، ج ۱: ۳۳۵).

یک نمونه عملی دیگر از سیره رسول خدا (ص) در اجتناب از جنگ ابتدایی، جنگ بدر است. در جنگ بدر آن حضرت به وسیله یکی از همراهان خود پیغامی به کفار قریش فرستادند تا دست از جنگ بکشند و به مکه برگردند؛ اما آنان گوش نکرده و خواستار جنگ شدند. لذا، هنگامی که جنگ را آغاز کردند، پیامبر (ص) دستور دفاع و مقابله با کارزار دشمن را صادر کردند (مغازی، ۱۴۰۵: ق. ۶۳-۶۰).

بنابراین، این شیوه و منش حکومتی پیامبر اسلام (ص) نشان می‌دهد که آن حضرت، برای به بهشت بردن مردم دست به اسلحه نشدند، بلکه به منظور در جای نشاندن دشمن متجاوز تا دندان مسلح، متوسل به سلاح شدند.

متأسفانه برخی از افراد، مشروعیت جهاد در اسلام را به معنی اصلی بودن حالت جنگ در اندیشه اسلام تفسیر کرده و در معرفی اسلام مرتکب تحریف‌هایی شدند که با اساس اسلام مغایرت دارد. از جمله این افراد می‌توان از دکتر مجید خدوری- دانشمند مسیحی عراقی الاصل و پژوهشگر حقوق اسلامی - نام برد که اساس روابط مسلمانان و غیرمسلمانان را عدم سازگاری می‌داند و می‌گوید: «اسلام اجازه هیچ نوع صلح و سازشی را با کسانی که از ایمان به خدا سرباز می‌زنند، نداده است. به این بیان که این نوع مردم یا باید مسلمان شوند یا این که باید با آنان جنگید» (خدوری، ۱۳۸۸: ۱۱۰). وجه مشترک نظر بسیاری از غربیان را در این عبارت فردلوقه کارد یافت که گفته است: «مفهوم صلح به معنای دقیق آن، یعنی غایت جنگ و خاتمه خصومت، در اسلام وجود ندارد، صلح نهادینه نشده است» (حسینی ژرفا، ۱۳۸۶: ۷۸). در واقع، این گونه سخنان، ناشی از برداشت نادرست از آیات جهاد است که جمعی از دشمنان اسلام

به منظور معرفی اسلام به عنوان دین شمشیر و مجبور کردن انسان‌ها به قبول اسلام معرفی کرده‌اند؛ بدون آنکه کوچک‌ترین دلیل بر این ادعا ارائه کرده باشند. شاید معنی جنگ مقدسی که کلیسا در جریان جنگ‌های صلیبی در سراسر اروپا به راه انداخت زمینه برداشت مشابهی را از جهاد اسلامی برای غربیان به وجود آورد. در صورتی که اصل در روابط با دیگران، یعنی روابط خارجی جهان اسلام، صلح^۱ است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳: ۳۶۲).

(۴) صلح طلبی و تقویت بنیه دفاعی

ممکن است این سؤال پیش آید که اگر اسلام در روابط خود با دیگران اصل را بر صلح و زندگی مسالمت آمیز قرار داده، پس چرا در سوره انفال، آیه ۶۰ بر حفظ آمادگی جنگی و تقویت بنیه دفاعی تأکید کرده است؟

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (سوره انفال، آیه ۶۰)

«و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید و نیز باید برای مقابله با دشمنان دیگری که غیر از اینان‌اند و شما از آنان بی‌خبرید و خدا به وجودشان آگاه است نیروی رزمی آماده کنید و بدانید که هر چیزی را در راه خدا هزینه کنید، بی‌کم و کاست به شما بازگردانده می‌شود و بر شما ستم نخواهد شد.»

در پاسخ به این سؤال، باید گفت: اولاً؛ مراد از صلح^۲، هرگز به معنای سستی و خمودی، تسلیم و کنار گذاشتن تسلیحات و فرورفتن در خواب غفلت نیست. بلکه باید امنیت، آسایش و آرامش حاصل از صلح را با بصیرت و حفظ آمادگی دفاعی در تمامی زمینه‌ها برای خنثی کردن هر گونه تهدیدات احتمالی دشمن، تضمین کرد و استمرار

1 - peace

۲- صلح در لغت به معنی مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت میان مردم است. (مفردات راغب، ماده صلح) و در اصطلاح، «همزیستی مسالمت آمیز، شرافتمندانه و دوستانه است که طی آن کشورها با پذیرش موجودیت یکدیگر و رعایت صمیمانه حقوق متقابل، به تعهدات و مسئولیت‌های خود در قبال دیگر کشورها پایبند باشند (برزنونی، ۱۳۸۴: ۸۱).

بخشید.

در ثانی از لحاظ منطقی، فراهم کردن عده و افزایش نیرو و سلاح‌های جنگی و آمادگی نظامی، یکی از ضرورت‌ها و لوازم زندگی اجتماعی به شمار می‌آید. اسلام برای عملی ساختن رسالت خود، باید دارای قدرت کافی باشد. چرا که محتوای پیام و رسالت اسلام با مطامع بسیاری سازگاری ندارد. مراد از قدرت داشتن برای عملی ساختن رسالت، توسل به زور و ایجاد هراس و وحشت نیست؛ بلکه مراد از آن، پیش‌گیری از خیال تجاوزی است که ممکن است در سر سایرین باشد و همان احترام و هیبتی است که به واسطه آمادگی در دل دیگران ایجاد می‌کند (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۴۷). خداوند متعال پس از آن که دستور آمادگی جنگی را با آیه شریفه: «هر نیروی در قدرت دارید، برای مقابله با آنان [دشمنان]، آماده سازید! و (هم چنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)...» صادر کرد؛ در ادامه همین آیه، علت آن را نیز ذکر کرده و فرمود: «تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!»؛ زیرا وقتی دشمنان بدانند مسلمانان آماده مبارزه‌اند و همه گونه سلاح و تجهیزات دفاعی را در اختیار دارند و متجاوزان را پاسخ دندان شکن می‌دهند، اقدام به تعرض و تجاوز نمی‌کنند. به همین سبب است که حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: «مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و در نهایت تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۱۸).

سوم اینکه حفظ آمادگی و ارتقای توان دفاعی یک عامل مهم در توازن قدرت است که در راهبرد معاصر از آن به بازدارندگی^۱ تعبیر می‌شود (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۱۰۸). یکی از راه‌های رسیدن به قدرت بازدارندگی، ارتقا و تقویت بنیه دفاعی کشور است که در برقراری صلح و امنیت مؤثر خواهد بود. امام خامنه‌ای (مدظله) با تأکید بر «ارتقای توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای» در سیاست‌های ابلاغی به مسئولان نظام، (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱) در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه سپاه و ارتش در این باره فرمودند: «برادران نیروهای مسلح جمهوری اسلامی باید قوی بشوند و قدرت

دفاعی خود را بالا ببرند. این، دو کلمه حرف است؛ اما پشت سر این حرف، هزاران تلاش قرار دارد. اگر تلاش نکردیم، آن دو محقق نخواهد شد و اگر نشد، ملت و کشور و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مان، تهدید خواهد شد... در نیروهای مسلح، هر کس موظف است که بر طبق همین روال عمل بکند» (بیانات در مراسم اعطای نشان فتح به فرماندهان سپاه و ارتش در عملیات ظفرمندانهی بیتالمقدس ۱۳۶۸/۷/۱۵).

البته ایشان بیان می‌کنند، تقویت و ارتقای بنیه دفاعی نیروی‌های مسلح به هیچ عنوان تهدیدی علیه هیچ کشور و ملتی نیست، بلکه عاملی برای قدرت بازدارندگی است:

«جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح خود را برای تعدی و تجاوز به هیچ ملتی و هیچ کسی نمی‌خواهد. در طول تاریخ که هیچ؛ در زمان حال شما ببینید در دنیا از سازمان‌های مسلح برای چه هدف‌هایی استفاده می‌شود! جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح خود را... در میدان دفاع از استقلال ملی، از هدف‌های والای ملت ایران، از شرف ملی، از هویت دینی و ایمانی به کار گرفته است... ما به هیچ کشوری و به هیچ ملتی قصد تجاوز نداریم... اما نیروهای مسلح باید پا به رکاب باشند. ما ابتدا کننده نیستیم؛ اما باید بیدار باشیم» (بیانات در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (ع) ۱۳۷۸/۸/۰۹).

بی‌تردید، داشتن ارتشی مقتدر و مجهز به مدرن‌ترین ابزارها و سلاح‌های نظامی هوشمند- که وظیفه دفاع از حاکمیت، امنیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور را در برابر هر گونه تهدید و تجاوز بر عهده دارد- در عرصه جهانی، واقعیتی بدیهی و انکارناپذیر است. چرا که تاکنون هیچ نهاد بین‌المللی قدرتمند و بی‌طرفی به وجود نیامد که بتواند از وقوع درگیری و مخاصمات مسلحانه جلوگیری کند؛ از این‌رو، تهیه، تولید و انباشت تسلیحات مجاز برای تشکیل نیروی مسلح مقتدر، به‌منظور تأمین امنیت و دفع تجاوز و تنبیه متجاوز و نیز برقراری توازن قوا یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

۲- اندیشه‌ی نظامی - دفاعی در ادبیات نظری

کشورها بنا به شرایط و دلایل گوناگون، در مقاطع مختلف، دستخوش بحران‌ها و تهدیدهای مختلف (با منشاء داخلی و خارجی) می‌شوند که عبور قدرتمندانه از آن‌ها، سبب افزایش ثبات و توانمندی آن کشورها شده و برعکس، انفعال و تسلیم در برابر آن‌ها به زوال و نابودی دولت‌ها و نظام‌های سیاسی می‌انجامد؛ بنابراین، مهم‌ترین الزام راهبردی هر جامعه‌ای، وجود اندیشه‌ی نظامی - دفاعی است. چرا که دولت‌ها بدون اندیشه‌ی نظامی، در سیاست‌ها و راهبردهای خود از ثبات و انسجام کافی برخوردار نیستند. به همین دلیل، یافتن شیوه‌ای مناسب برای دفاع در برابر تهدیدها و داشتن تدبیر در کاربرد سلاح و نحوه‌ی نبرد در مقابله با دشمن، ضرورتی تاریخی است که موجب خلق اندیشه‌های دفاعی مختلف در گذر تاریخ شده است. پویایی تفکرات و اندیشه‌های دفاعی، برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های دفاعی و در نهایت طرح اندیشه‌ها و راهبردهای دفاعی مناسب، بر اساس چارچوب فکری و مبانی اندیشه‌ای افراد و نظام‌های سیاسی شکل گرفته و پا به عرصه وجود گذارده‌اند.

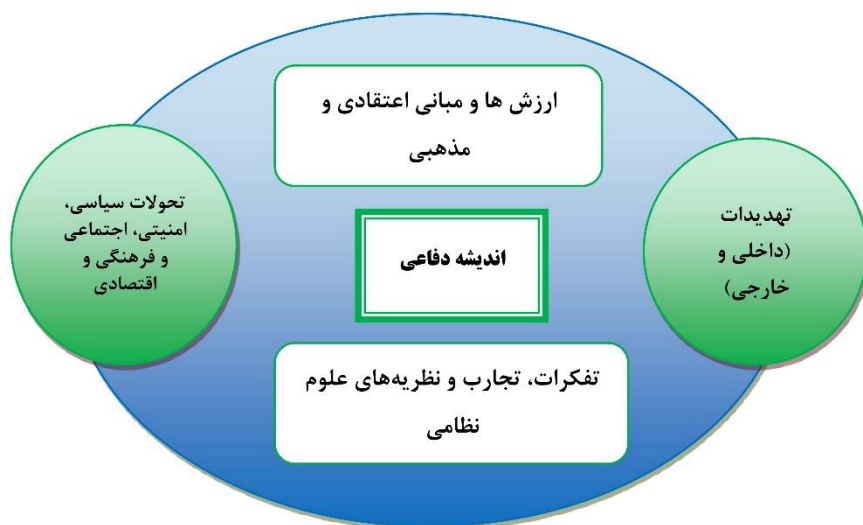
البته مسلم است هر فردی آن گونه زندگی می‌کند که بتواند از آرمان‌ها و حمیت خویش دفاع کند و مسائل گوناگون اجتماعی خود را سامان دهد؛ یعنی بین نوع نگرش فکری حاکم بر جامعه و اندیشه‌ی دفاعی و همچنین مسائل نظامی ارتباط مستقیم و منطقی وجود دارد. در واقع، ظرف (جامعه) و مظلوف (سیاست‌ها، راهبردها، اندیشه‌ها و...) می‌بایست هم‌جنس، هم نوع و هم سنخ باشند تا بتوان محصول مورد نظر (تأمین امنیت و مقابله مؤثر در برابر تهدیدات نظامی) را به دست آورد.

می‌توان ادعا کرد که اندیشه‌ی نظامی، ارتباطی عمیق و غیرقابل انکار با اندیشه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رهبران معنوی هر جامعه دارد. بر این اساس، در طول تاریخ، همواره برخی اندیشمندان به‌صورت خاص به تأمل و تفکر در امور نظامی پرداخته‌اند.^۱ به عبارت دقیق‌تر، اگر ملتی قائل به نظام‌سازی و گشایش ساختارهای سیاسی و حکومتی مبتنی بر باورها و ارزش‌های اعتقادی خود باشد و به عبارتی بخواهد آن گونه که می‌اندیشد، زندگی کند، بی شک باید درون تأملات فکری

۱- از جمله نظریه‌پردازان نظامی مشهوری چون «سان تزو» و «کلاوزویتس» در آثار خود تنها به امور نظامی پرداخته و به ابهام‌ها و تشکیک‌های پیش آمده برای تدبیر امور نظامی زمان خود پاسخ داده‌اند.

و اندیشه‌ای رهبران جامعه‌ی خویش به مسئله‌ی تدبیر امور نظامی و دفاعی نگاه‌ی عمیق بیندازند.

از مجموع مطالب گفته شده می‌توان مؤلفه‌های شکل‌گیری اندیشه دفاعی را در شکل زیر نمایش داد.



شکل شماره ۳: مؤلفه‌های شکل‌گیری اندیشه دفاعی (مرادپیری، ۱۳۹۱: ۴۵)

الف) تعریف اندیشه‌ی دفاعی

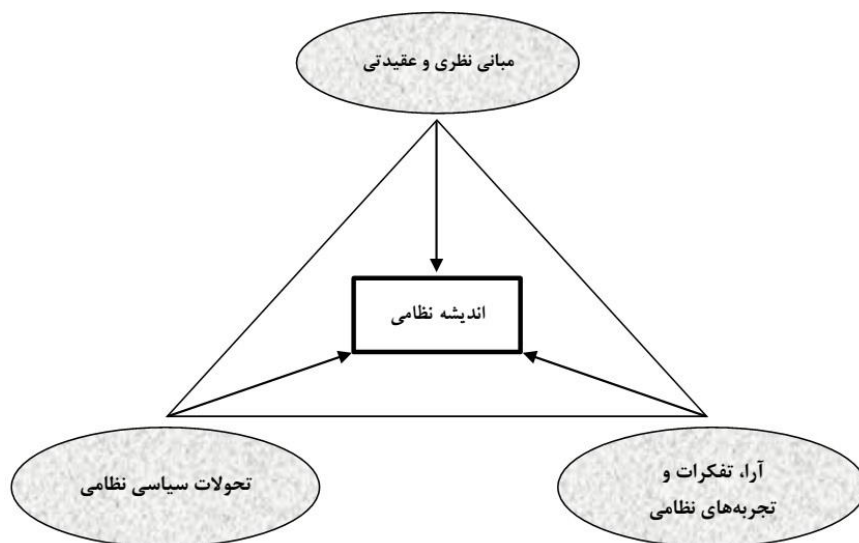
اندیشه و تفکر فرآیندی است که در آن عقل به‌عنوان ابزار محوری به کار می‌رود و ذهن با مرور معلومات، دانش‌ها و شهود در جهت کشف یک مجهول، حل مسئله و افق‌گشایی آینده می‌باشد. در حقیقت انسان هرگاه با بهره‌گیری از دانش‌های موجود در نزد خود، به کمک ابزار عقل بکوشد تا مجهول و ناشناخته‌ای را حل کند، تفکر کرده و اندیشه ورزیده است. بنابراین، تفکر به‌کارگیری عقل در مسیر شناخت خود و هستی است، انسان با کشف هر مجهولی در ذهن و بیرون، می‌تواند گام‌های بلندی به‌سوی تکامل و تعالی فردی و جمعی بردارد.

اندیشه‌ی دفاعی یا تفکر دفاعی، یک نوع دوراندیشی، آینده‌نگری و روشن بینی عمیقی است که در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دقیق راهبردی موجب تأمین

منافع ملی کشور در زمینه‌های مختلف در حال و آینده می‌شود (مرادپیری، ۱۳۹۱: ۴۴). به بیان دیگر، اندیشه‌ی دفاعی، یک نوع آینده‌نگری در حوزه نظامی - دفاعی است که در قالب تدابیر، رهنمودها و برنامه‌های دقیق راهبردی موجب صیانت از امنیت ملی شده و کشور را در برابر هرگونه تهدیدها مصون نگه خواهد داشت.

ب) تعریف اندیشه‌ی نظامی

اندیشه‌ی نظامی، مجموعه‌ای کلی از عقاید و ایده‌هاست که الهام‌بخش طراحان سیاست دفاعی و راهبرد نظامی است. اندیشه‌ی نظامی در پی یافتن پاسخی برای این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان کشور را در برابر تهدیدهای نظامی و غیرنظامی، مصون و محفوظ نگه داشت و بر دشمن پیروز شد (عسگری، ۱۳۹۱: ۳). اندیشه‌ی نظامی را می‌توانیم مانند مثلی تصور کنیم که سه عنصر مبانی نظری و عقیدتی، تفکرات و تجارب نظامی و تحولات سیاسی و نظامی، سه رأس آن را تشکیل می‌دهند (شکل شماره ۴).



شکل شماره ۴: مثلث اندیشه نظامی (عسگری، ۱۳۹۱: ۵)

برای نمونه، جهان‌بینی و انسان‌نگری ایرانیان باستان، تحول در نیرو و تسلیحات

و پیدایش سلاح‌های جدیدتر، به‌ویژه آنگاه که سلاح‌های آهنین ساخته می‌شوند، همراه با تجارب فرماندهی جنگی و سواران، نوعی از اندیشه‌های نظامی و راهبردی در ایران باستان را می‌سازند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۷).

هیچ ملتی را نمی‌توان یافت که دارای اندیشه‌ی نظامی نباشد. بدیهی است که اندیشه‌ی نظامی مانند اندیشه‌ورزی در سایر حوزه‌ها در جوامع گوناگون، اشکال و ویژگی‌های خاص آن جامعه را دارد. تفاوت در تجربه‌های تاریخی، جغرافیا، نوع حکومت و... از جمله دلایل این تفاوت‌هاست (Junbo, 1996: 209-221).

اگر تبیین اندیشه‌ی نظامی به مفهوم عام را «صرف وجود نوعی تفکر قابل بحث در باب امور نظامی» در نظر بگیریم، اندیشه‌ی نظامی به مفهوم خاص، عبارت از «مجموعه‌ی تفکرات منسجم، دارای مبنا، مستدل و منطقی در باب امور نظامی» است. ولی اگر بخواهیم تعریفی معرفت‌شناسانه از آن ارائه کنیم، باید بگوییم که «اندیشه‌ی نظامی، تفکر و تأملی منسجم، دارای چارچوب نظری، اصولی و مستدل و با اهمیت در مورد امر یا رأی نظامی است». به عبارتی، اندیشه‌ی نظامی، تفکری است قاعده‌مند و توأم با انسجام درونی که به بررسی مسئله‌ی بقای مادی و معنوی یک جامعه پرداخته و آن را در برابر خطرها و تهدیدهای نظامی و خارجی ایمن کند و در جهت حصول به امنیت و تأمین منافع آن، به چاره‌جویی بپردازد (عسگری، ۱۳۹۱: ۵).

ج) عناصر سازنده اندیشه‌ی دفاعی

اندیشه‌ی نظامی مانند هر اندیشه‌ای از چند جزء کلی تشکیل شده است که بدون آن‌ها اندیشه‌ای شکل نمی‌گیرد. شناخت این عناصر به فهم ما نسبت به مفهوم «اندیشه» در آرا و نظر دیگران کمک شایانی می‌کند. این عناصر عبارت‌اند از «ایده‌های بنیادین»، «اصول» و «نظام‌مند بودن». این عناصر می‌تواند شامل اندیشه یا اندیشمند نظامی باشد. بدیهی است اگر اندیشمندی در اندیشه‌پردازی خود این عناصر را داشته باشد، نتیجه تلاش او (اندیشه‌ی نظامی) دارای همان عناصر خواهد بود.

۱) ایده‌های بنیادین

یکی از عناصر سازنده‌ی اندیشه‌ی نظامی، ایده‌های بنیادین است. این ایده‌ها به‌لحاظ ماهیت، ناپایدار نبوده و ماندگار هستند. این ایده‌ها، به‌مفروض‌ها یا باورهای اشاره

دارند که اصول را در سبک و شیوه‌ی مدیریت نیروهای نظامی در امور مربوط به زمان جنگ و صلح، تعریف می‌کنند. در واقع، این ایده‌ها هستند که دلایل تغییر رهنامه‌ها را توضیح می‌دهند. ایده‌ها نقش مهمی در تعیین رفتار هر نهاد یا سازمان پیچیده‌ای ایفا می‌کنند. این ایده‌ها و باورها، موضوعی برای اثبات تجربی نیستند، بلکه مقوله‌ای هستند که بیشتر اعضای سازمان یا نهاد، آن‌ها را به‌عنوان یک حقیقت می‌شناسند (Bacevich, March 1998: 15-16).



شکل شماره ۵: عناصر سازنده اندیشه‌ی دفاعی

(۲) اصول

به‌لحاظ لغوی، اصل هر چیزی، آن چیزی است که وجودش بسته به آن باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۳۸۸). اصل، مفهومی است که تمام یا قسمتی از یک نظریه، ایدئولوژی و ... بر آن ابتناء یافته با شد، به‌گونه‌ای که اگر اصل نقض شود و یا از بین برود، موجودیت آن نظریه یا ایدئولوژی با خطر مواجه می‌شود؛ افزون بر این تعریف، در برخی دیگر از منابع، تعاریف دیگری از این مفهوم ارائه شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: اصل، عبارت است از چیزی که به‌عنوان حقیقت، پذیرفته شده و می‌تواند مبنایی برای استدلال یا رفتار قرار گیرد. یا اینکه اصل، یک قاعده‌ی مبنایی است که افکار و یا اقدامات را هدایت کرده یا تحت تأثیر قرار

می‌دهد (www.nmlites.org). همچنین اصل، به‌عنوان راهنمای عمل یا مبنایی برای استدلال معرفی شده است (www.nato.nt).

برخی معتقدند وقتی می‌گوییم حکم (الف) یک اصل است، تصورمان از دو حالت خارج نیست؛ (الف) یک اصل نظری یا یک اصل عملی است. اگر (الف) یک اصل نظری باشد، باید در فهم پدیده‌ها به کار آید؛ به عبارت دیگر، بتوانیم به کمک آن الگوی مناسبی برای پدیده‌های عینی بسازیم. حالت دوم این است که (الف) یک اصل عملی باشد، در آن صورت باید بتوانیم به کمک (الف) وظایف سیاسی خود را در وضعیت‌های خاص تشخیص بدهیم و کشف کنیم (لاری‌جان‌ی، ۱۳۶۹: ۲۵).

کارویژه عمده‌ی تعیین اصول هر مقوله‌ای، پی‌ریزی شالوده‌ای است که بتوان با اتکای به آن، ساختارهای لازم را ایجاد کرد. اصول بنیادین، استحکام روبنا را تضمین خواهند کرد. نظر به اهمیت و جایگاه اندیشه‌ی نظامی، این اندیشه نیز باید دارای اصولی باشد تا بتواند از کارکرد لازم برخوردار باشد (عسگری، ۱۳۹۱: ۸).

(الف) اندیشه نظامی باید مبتنی بر قالب‌های فکری باشد

قالب‌های فکری به این واقعیت اشاره دارد که نگرش‌های فلسفی شناخت‌شناخته، موجب می‌شود اندیشمندان از زاویه‌ای ویژه به مباحث اندیشه‌پردازی بنگرد. تجربه نشان داده است که هر اندیشمندی بعضی از مفروض‌ها را آگاهانه یا به اقتضای نگرش فلسفی، رهیافت، روش یا ارزش‌های خود، بدیهی و مسلم می‌انگارد (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۳). این امور همان قالب‌های فکری هستند که در شکل‌گیری اندیشه‌های نظامی مؤثرند.

(ب) اندیشه‌ی نظامی باید مبتنی بر خلاقیت ذهنی باشد

برخی اندیشمندان مانند کنت والتز بر این باورند که خلاقیت در گرو کشف و شهود است و ارتباط کمی با گردآوری داده‌ها و اطلاعات دارد (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۱). به بیان روشن‌تر، اندیشه‌ی نظامی نمی‌تواند تکرار مباحث و افکار پیشینیان باشد؛ چرا که در این صورت، اطلاق «اندیشه» بر آن آراء، صحیح نخواهد بود؛ بنابراین، اندیشمند نظامی برای تولید اندیشه‌ی نظامی، باید از خلاقیت ذهنی مناسبی برخوردار باشد تا با به‌کارگیری قالب‌های فکری و استفاده از تجارب،

اندیشه‌ای نوین را طرح نماید.

(ج) اندیشه نظامی باید کاربردی باشد

اندیشه‌ی نظامی، تدوین می‌شود تا مورد استفاده عملی قرار گیرد، در غیر این صورت و در بهترین حالت، بیانگر فلسفه‌ی نظامی خواهد بود. اندیشه نظامی باید قابلیت اجرایی داشته باشد. اندیشه برای اندیشه یا اندیشه‌پردازی برای اندیشه‌پردازی، مطلوبیتی ندارد.

(د) اندیشه نظامی باید متناسب باشد

همان‌گونه که اشاره شد، اندیشه‌ی نظامی باید از قابلیت عملی شدن برخوردار باشد. از شرایط اصلی این امر، متناسب بودن آن اندیشه با شرایط، داشته‌ها و نیازهاست. اگر اندیشه‌ی نظامی متعلق به گذشته باشد، اگر اندیشمند نظامی در اندیشه‌پردازی خود به قابلیت، توانایی و نیازها توجه نداشته باشد، به احتمال فراوان نتیجه تلاش‌های او، اندیشه‌های عقیم و نامناسب خواهد بود. از دیگر تناسب‌ها آن است که اندیشه‌ی نظامی باید متناسب با امور نظامی باشد. این مطلب حکم می‌کند که اندیشه‌پردازان نظامی باید با این حوزه و مباحث آشنا باشند؛ به عبارتی، نمی‌توان انتظار داشت که اندیشمندان غیرمتخصص در مورد مباحث نظامی‌گری، اندیشه‌هایی را طراحی کنند که اجرای آن‌ها با موفقیت و پیروزی همراه باشد.

(۳) نظام‌مند بودن

هر اندیشه‌ای باید نظام‌مند باشد؛ به عبارت دیگر، اجزای هر نظام اندیشگی (ذهنیت اندیشمند) باید به لحاظ ماهیت و کارکرد دارای سازگاری باشند. برای مثال، اندیشمند نمی‌تواند با کاربست یک قالب فکری (برای مثال لیبرال - اومانیستی) برای جامعه دینی به اندیشه‌پردازی نظامی بپردازد؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که اندیشه‌های نظامی لیبرال در یک جامعه با ماهیت و ساختارهای مذهبی، واجد کارکردهای قابل قبول نخواهد بود.

۳- کارکردهای اندیشه‌ی دفاعی

اندیشه‌های دفاعی دستاوردهای بسیار ارزشمندی دارد و در اصل هدایت‌گر و راه‌های

اصلی ایدئولوژی و علم نظامی است که بر اساس آن سیاست دفاعی یک کشور شکل می‌گیرد. از منظر بسیاری از اندیشمندان نظامی، سیاست دفاعی، تدابیر، رهنمودها و خط مشی‌های تدوین شده برای تأمین اهداف ملی است. لذا همین تدابیر و خط مشی‌ها نشأت گرفته از اندیشه‌ی دفاعی آن جامعه برای مقابله با تهدیدات خواهد بود. در یک جمع‌بندی، کارکردهای اندیشه‌ی دفاعی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

* دستاوردهای اولیه اندیشه‌ی دفاعی، شامل (ایدئولوژی، فلسفه و علم دفاعی) است.

* دستاوردهای ثانویه که در اصل حوزه کاربردی اندیشه‌ی دفاعی را مشخص می‌کند، شامل حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی خواهد بود. * دستاوردهای نهایی اندیشه‌ی دفاعی، شامل سیاست دفاعی یک کشور خواهد بود که ساختار و سازمان دفاعی کشور، راهبردهای دفاعی، تسلیحاتی، بودجه‌ای و نوع روابط با قدرت نظامی، سیاسی و غیره ... را بیان می‌کند (مرادپیری، ۱۳۹۱: ۴۶).

بخش دوم: دفاع از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله)

انقلاب اسلامی ایران با توجه به ماهیت خود، از بدو تأسیس تاکنون همواره در معرض تهدیدها و چالش‌های فراوانی بوده است. با توجه به چنین شرایطی، اندیشه‌ی دفاعی مقام معظم رهبری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تدوین اندیشه‌ی نظامی - دفاعی کشور، نقش بی‌بدیلی را در راهبری امور و گذر از بحران‌ها و چالش‌ها خواهد داشت.

۱- مبانی اندیشه‌ی دفاعی

مقصود از مبانی، اصول نظری، مبانی فکری و ریشه‌ی اصلی تفکر و جهان‌بینی و بینش امام خامنه‌ای (مدظله) در باره‌ی هویت، ماهیت، چرایی عملکرد و وظایف نیروهای مسلح، پدیده‌ها و آیین نظامی در نظام اسلامی است. مبانی اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله) برگرفته از مبانی نظری مکتب اسلام ناب محمدی (ص) است که زیرساخت پایدار همه ابعاد نظام اسلامی و نهادهای آن از جمله نیروهای مسلح

است.

«آن کسانی که دل‌سپرده به روش‌های غربی بودند و ارزش‌های غربی برای آن‌ها اصل بود، در باب حکومت در جامعه‌ی اسلامی، می‌خواستند در سال‌های اول، به همان شیوه‌های غربی عمل بکنند - و اگر ما این اشتباه را می‌کردیم و بکنیم که در مسئله‌ی حکومت و مدیریت جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرم‌های رایج دنیایی برویم، معنای جامعه‌ی اسلامی ما از بین خواهد رفت.» (سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۰۴/۲۰) [بنا بر این] «این نظام، بر محور تفکرات اسلامی بنا شده و بایستی بر محور مقررات و بینش‌های اسلامی اداره بشود» (سخنرانی در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۶۸/۰۹/۰۷).

۲- مفهوم و اهمیت جهاد و دفاع

نفس دفاع در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری که برگرفته از تعالیم اسلام است، مقدس بوده و همه افراد جامعه مکلف به دفاع از آرمان‌های ایمانی و ملی خویش هستند. در این اندیشه‌ی متعالی، مفهومی به نام جنگ مطرح نیست و آنچه مهم است دفاع از جان، مال و ناموس مسلمین در برابر دشمنان اسلام است. در واقع، دفاع در برابر تعدّی و تجاوز نظامی بیگانه به حدود قلمرو جامعه اسلامی، در زمره‌ی نخستین و مهم‌ترین اولویت قرار دارد. همین اهمیت و توجه موجب می‌شود تا تدافعی بودن جنگ و اقدام نظامی در مرکز ثقل اندیشه‌ی دفاعی ایشان قرار بگیرد.

اهمیت و جایگاه این موضوع در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، بهاندازه‌ای است که ایشان مشروعیت هر گونه جنگ و جهاد و هر اقدام نظامی را منوط به تدافعی بودن آن نموده و آحاد ملت را از کوچک‌ترین تجاوز و تعدّی به حریم جغرافیایی دیگران بازداشته است. لذا از دیدگاه ایشان، متوسل شدن به قوه قهریه در برابر کشورهای متجاوز اقدامی پسندیده تلقی شده و تا زمانی که تجاوزی رخ نداده باشد، جنگ یا دست بردن بر ابزار نظامی، جایگاهی در سیاست خارجی کشور اسلامی نخواهد داشت. به اختصار مفهوم و اهمیت جهاد از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت‌اند از:

*** جهاد یعنی تلاش در مقابل یک مانع**

«جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم؛ مبارزه‌ی علمی می‌کنم، مبارزه‌ی اجتماعی می‌کنم، مبارزه‌ی سیاسی می‌کنم، مبارزه‌ی مسلحانه می‌کنم، همه‌ی این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن» (در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۳/۸/۲۰).

«جهاد یعنی جد و جهد، همراه با زحمت و چالش با موانع که یکی از اساسی‌ترین مسائل یک جامعه انقلابی است که نمی‌تواند بدون جهاد زندگی کند، یعنی جنگ‌هایی را بر او تحمیل می‌کنند و او مجبور است دفاع کند. نسبت به او سوء نیت‌هایی هست که مجبور است آمادگی خودش را حفظ کند و مجبور است از ملت‌های مظلومی که زیر سلطه‌ی قدرت‌های شیطنی هستند، دفاع کند و به آن قدرت‌ها حمله کند. همه‌ی این‌ها وجوهی برای جهاد اسلامی هستند که البته جهاد اسلامی هم تدافعی و هم تهاجمی است. دفاع مقدس همان جهاد مقدس است، فرصتی برای کسب آبرو و سرافرازی است» (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

* عدم اطلاق معنای جهاد صرفاً به جنگ مسلحانه

«جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه‌ی در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه‌ی علمی داریم، مبارزه‌ی مطبوعاتی داریم، مبارزه‌ی سیاسی داریم، مبارزه‌ی اقتصادی داریم، مبارزه‌ی نظامی داریم، مبارزه‌ی آشکار داریم، مبارزه‌ی پنهان داریم؛ اما یک نقطه‌ی مشترک در همه‌ی این‌ها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است» (بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۱۳۸۶/۰۴/۲۵).

* جهاد از اولویت‌های واجب

«اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار می‌دهد. «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (سوره حج، آیه ۷۸)؛ در راه خدا آن چنان که شایسته است، مجاهدت کنید. این مجاهدت، هم مجاهدت درون

خود، هم مجاهدت در محیط بیرون، هم مقاومت در مقابل زورگویان و ستمگران و هم مقاومت در مقابل موانع طبیعی است و مظهر کامل آن، ایستادگی در مقابل قدرت‌های ستمگر و ظالم است» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۷/۱۰/۲۸).

* جهاد به معنی تعدی و تجاوز نیست

«جهاد با همان شکل اسلامی‌اش که البته حدودی دارد، ظلم نیست. در جهاد، تعدی و تجاوز به حقوق انسان‌ها نیست. در جهاد، بهانه‌گیری و کشتن این و آن نیست. در جهاد، از بین بردن هر کسی که مسلمان نیست، دیده نمی‌شود. جهاد، یک حکم الهی است که بسیار هم با عظمت است. اگر جهاد باشد، ملت‌ها سربلند خواهند شد» (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۲/۱۲/۱۳).

۳- اقسام جهاد و دفاع

* جهاد فرهنگی برای مقابله با تهاجم فرهنگی

«دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند، تنها یک تهاجم فرهنگی نیست؛ بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند» (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج ۱۳۷۱/۰۴/۲۲).

* جهاد فرهنگی برای مقابله با ناتوی فرهنگی

«باند‌های بین‌المللی زر و زور که برای تسلط بر منافع ملت‌ها، سازمان نظامی ناتو تشکیل داده بودند، اکنون برای نابودی هویت ملی جوامع بشری و تحقق بیشتر اهداف‌شان در پی تشکیل ناتوی فرهنگی هستند تا با استفاده از امکانات زنجیره‌ای، متنوع و بسیار گسترده رسانه‌ای، سررشته تحولات سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشورها و ملت‌ها را به دست بگیرند که باید هوشیارانه، این مسئله را زیر نظر داشت» (بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشگاهیان استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

* جهاد اقتصادی برای مقابله با تهاجم اقتصادی

«اساسی‌ترین کارهای دشمنان ملت ما و کشور ما در مقابله‌ی با کشور ما،

مسائل اقتصادی است. البته در عرصه‌ی فرهنگی هم فعالند، در عرصه‌ی سیاسی هم فعالند، در عرصه‌ی انحصارات علمی هم فعالند، اما در عرصه‌ی اقتصادی فعالیت بسیار زیادی دارند. همین تحریم‌هایی که دشمنان ملت ایران زمینه‌سازی کردند یا آن را بر علیه ملت ایران اعمال کردند، به قصد این بود که یک ضربه‌ای بر پیشرفت کشور ما وارد کنند و آن را از این حرکت شتابنده باز بدارند. البته خواسته‌ی آن‌ها برآورده نشد و نتوانستند از تحریم‌ها آن نتیجه‌ای را که انتظار داشتند، بگیرند و تدابیر مسئولان و همراهی ملت بر ترفند دشمنان فائق آمد؛ اما دنبال می‌کنند» (پیام نوروزی سال ۱۳۹۰).

* جهاد دفاعی جزئی از هویت یک ملت زنده

«دفاع جزئی از هویت یک ملت زنده است، هر ملتی که نتواند از خود دفاع کند، زنده نیست؛ هر ملتی که به فکر دفاع از خود نباشد و خود را آماده نکند، در واقع زنده نیست؛ هر ملتی که اهمیت دفاع را درک نکند، به یک معنا زنده نیست. ما نمی‌توانیم چشم و قدرت تحلیل داشته باشیم، توطئه عمیق عنادآمیز استکبار علیه اسلام و نظام اسلامی را ببینیم و در عین حال به فکر دفاع نباشیم» (بیانات در دیدار دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۶۸/۰۸/۲۹).

* حفظ آمادگی دفاعی دائمی

«نمی‌گوییم جنگ دائمی است تهدید وجود دارد اما بسته به این است که ملت ما چگونه در مقابل تهدید خود را نشان بدهد و آمادگی خود را در چه حدی حفظ کند. اگر دشمن به این نتیجه رسید که جامعه دیگر نمی‌تواند از خودش دفاع کند بدانید که تهدید جدی است و نیت دشمن عملی خواهد شد و ضربه‌اش را وارد خواهد کرد. ما می‌گوییم که دفاع از جامعه‌ی انقلابی همیشه یک واجب اهم و ضروری است؛ چون تهدید علیه جامعه‌ی انقلابی موضوعی تقریباً دائمی است» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم استان‌های خراسان، اصفهان و تهران ۱۳۶۸/۰۷/۰۵).

* حفظ آمادگی دفاعی توسط آحاد مردم

«همه‌ی آحاد امت اسلامی موظف‌اند که خود را برای دفاع از حق و حقیقت،

برای دفاع از حقوق خود در مقابل متجاوزان، برای استقرار امنیت و برای حفظ عزت خود آماده کنند» (سخنرانی در مراسم بیعت نمایندگان عشایر سراسر کشور ۱۳۶۸/۰۴/۰۹).

* آسیب ناپذیری به شرط آمادگی دفاعی

«در دنیای مادی آن ملتی از آسیب محفوظ می‌ماند که ثابت کند آماده‌ی دفاع است» (بیانات در دانشگاه افسری امام علی علیه‌السلام ۱۳۹۰/۰۸/۱۹).

* تقویت بنیه دفاعی

«نیروهای مسلح ما باید به همت جوانان متفکر و دست‌های ماهر و مبتکر و برخوردار از روح سازندگی تجهیز شود؛ اما در عین حال، با این اعتقاد که فن‌آوری و علم امروز جهان به همه بشریت تعلق دارد، خود را از به‌کارگرفتن فن‌آوری پیشرفته‌ی نظامی نیز محروم نمی‌کنیم» (بیانات در دیدار از پایگاه هشتم نیروی هوایی شهید بابایی ۱۳۷۱/۷/۱۸).

* ضرورت خودکفایی

«ما باید به خودکفایی برسیم. خودکفایی یک شعار نیست، یک دستور است. خودکفایی یک خط‌مشی است. همه‌ی حرکات و تاکتیک‌ها باید ما را به خودکفایی نزدیک کند؛ هم خودکفایی انسانی و هم خودکفایی تجهیزاتی» (بیانات در مراسم صبحگاه منطقه یکم دریایی بندرعباس ۱۳۶۲/۱/۷).

* تکلیف‌مداری

«مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است» (پیام در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۰۶/۳۱) «ما باید منتظر انجام وظیفه باشیم. هرچه که تکلیف الهی ما ایجاب کرد، بخواهیم آن را انجام بدهیم. این، ما را پیروز خواهد کرد و به موفقیت بزرگ خواهد رساند» (پیام در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۰/۰۶/۲۷).

* پرهیز از حمله پیشگیرانه

«قرآن کریم به ما نوید داده است: «و لوقاتلکم الذین کفروا لؤلوا الأذبار ثم لا یجدون ولیا ولا نصیرا. سنّ الله الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا» (قرآن کریم، آیات ۲۲ و ۲۳) هیچ‌جا در قرآن نیامده است که اگر شما شروع به جنگ کردید، حمله کردید، حتماً پیروز خواهید شد؛ ممکن است پیروز بشوید، ممکن است شکست بخورید - همچنان که در جنگ‌های

صدر اسلام، آنجائی که مسلمانان حمله کردند، گاهی شکست خوردند، گاهی هم پیروز شدند - اما وعده داده است که اگر دشمن ابتدا به حمله کرد، آن دشمن قطعاً شکست خواهد خورد. نباید بگویید این مخصوص صدر اسلام است؛ نه «سِنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ وَ لَنْ تَجِدَ لِسِنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ این قانون الهی است. ملت ایران عازم است، بانشاط است، در فکر تهاجم و تجاوز نیست؛ اما به هستی خود، به ثروت خود، به هویت خود، به اسلام خود، به جمهوری اسلامی خود با تمام وجود دلبسته و علاقه‌مند است» (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۱/۰۱/۰۱).

* برنامه ریزی منسجم و حساب شده بر مبنای ابعاد و اشکال تهدیدات

نظامی

«ما در برنامه‌ریزی‌ها همیشه باید جلوتر از دشمن حرکت کنیم. در مقابل فعالیت دشمن، کشور نباید در حال انفعال به سر ببرد. هوشمندانه باید نقشه‌ی دشمن را حدس زد و تشخیص داد و جلوتر از دشمن عمل کرد» (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۰۱/۰۱).

* وظیفه‌ی همه‌ی مسئولان در راه اقتدار و استحکام نیروهای مسلح
 «ما بدون آن که کسی را تهدید نکنیم، استحکام و اقتدار نیروهای مسلح را مهم‌ترین عامل در راه حفظ امنیت خارجی ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران میدانیم. کسی را ما تهدید نمی‌کنیم، اما لازم میدانیم ملت ایران و کشور عزیزمان در سایه‌ی حصار مستحکم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران - چه ارتش، چه بسیج، چه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و چه نیروهای انتظامی - احساس امنیت بکند. لذا وظیفه‌ی همه‌ی مسئولان میدانیم که در راه اقتدار نیروهای مسلح تلاش کنند؛ استحکام این نیروها را در برنامه‌های خودشان قرار بدهند. ما تهدیدهای مکرر و مضمّن‌کننده‌ی دشمنان ملت ایران را می‌شنویم؛ پاسخ ما به هرگونه شرارتی علیه ملت ایران، پاسخی جدی و سخت خواهد بود؛ این را همه‌ی کسانی که عادت کرده‌اند ملت ایران را با زبان، تهدید کنند، باید مطلع باشند و بدانند» (پیام در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشگاه افسری ارتش ۱۳۹۲/۰۷/۱۳).

۴- ویژگی‌های اندیشه‌ی دفاعی

*متکی به ایمان الهی

«مجهز بودن دل‌های نیروهای مسلح کشور به ایمان اسلامی، عامل اقتدار

است» (بیانات در مراسم نظامی مشترک نیروهای مسلح در قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶).

«عامل پیروزی ملت ایران در ۲۵ سال گذشته در رویارویی با چالش‌های

مختلف، عنصر معنویت بوده است. البته این به معنای نفی نقش عنصر مادی

و تجهیزات و امکانات نیست، بلکه اراده و ایمان نیروی انسانی (نیروهای

مسلح)، نقش تعیین‌کننده دارد» (بیانات در دیدار از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران

۱۳۸۳/۱۲/۱۹).

*داشتن ماهیت دفاعی، نه تهاجمی

«نظام اسلامی حتی هنگامی که مورد تجاوز نظامی صدام و حامیانش قرار

گرفته بود، هیچگاه فکر تجاوز و اشغال کشورهای دیگر را به ذهن خود راه

نداد؛ بنابراین، تقویت روزافزون نیروهای مسلح برای جنگ طلبی و حمله به

دیگران نیست؛ بلکه سیاست‌های متجاوزانه‌ی سلطه‌طلبان جهانی، به هم‌هی

ملت‌ها هشدار می‌دهد که ساخت درونی خود را تقویت کنند و از آمادگی‌های

لازم برخوردار باشند» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲).

*خدمتگزاری برای مردم

«اگر نیروهای مسلح در جوامع مختلف و در طول تاریخ برای دفاع از قدرت‌ها

و قدرتمندها شکل می‌گرفتند، اما در نظام اسلامی، نیروی مسلح در خدمت

امنیت مردم و دارای مأموریت آرامش بخشیدن به زندگی عمومی مردم است.

فلسفه‌ی نیروهای مسلح این است که مردم در سایه‌ی این نیروها احساس

امنیت کنند. این وظیفه از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی در نیروهای مسلح

جمهوری اسلامی بحمدالله به روشنی خود را نشان داد» (بیانات در مراسم مشترک

نیروهای مسلح استان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳).

«نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای افزایش قدرت یک شخص یا اشباع

قدرت‌طلبی یک مجموعه خدمت نمی‌کنند؛ چرا که نظام اسلامی نظام

اشخاص و افراد نیست، بلکه نظام آرمان‌هاست و در چنین نظامی، نیروهای

مسلح برای خدا، سربلندی اسلام و سرافرازی و عزت و اقتدار ملت و کشور
مبارزه می‌کنند» (بیانات در مراسم نظامی مشترک نیروهای مسلح در استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۹).

ویژگی‌های اندیشه‌ی دفاعی

ردیف	ویژگی
۱	متکی به ایمان الهی
۲	ماهیت دفاعی داشتن، نه جنبه تهاجمی
۳	خدمتگزاری برای مردم

۵- دفاع مشروع

سابقه‌ی تاریخی دفاع مشروع به «مشروعیت ذاتی توسل به دفاع طبیعی» در مقابل هر نوع تعرض و تجاوز برمی‌گردد. حق طبیعی هر انسان برای دفاع در مقابل هر گونه حمله و تجاوز ناحق، از جمله مهم‌ترین توجیهات مبنایی این حق است. فقهای اسلامی در مباحث دفاع مشروع با توسل به برخی از آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اعظم (ص) که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، دفاع مشروع را با رعایت شرایطی جایز دانسته و به‌عنوان حق استثنایی معرفی کرده‌اند. از این رو، مقام معظم رهبری نیز در پاسخ به سؤال مربوط به حکم فقهی اقدام به دفاع از اسلام هنگام تشخیص خطر فرمودند: «دفاع از اسلام و مسلمین واجب است» (اجوبه الاستفتانات، سؤال ۱۰۴۹) و در مناسبتی دیگر نیز در همین ارتباط فرمودند:

«هیچ کدام از فقهای اسلام، تردید و اختلافی ندارند که آن وقتی که دشمن بر سرزمین مسلمانان مسلط شد و کیان اسلامی را در کشوری تهدید کرد، وظیفه‌ی همه‌ی آحاد مسلمین است که در یک جهاد بزرگ و همه‌گیر، با آن دشمن مبارزه کنند، او را از آن سرزمین اسلامی اخراج کنند و مجازات و

تنبیه نمایند» (سخنرانی در دیدار با گروهی از مردم ۱۳۶۹/۸/۲).

الف) اهمیت دفاع مشروع

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (که برگرفته از سرچشمه جوشان معارف اسلامی؛ یعنی قرآن کریم و سنت و سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) است) از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد «حق دفاع مشروع» است. چنان که فرمودند:

«دفاع، جزئی از هویت یک ملت زنده است. هر ملتی که نتواند از خود دفاع بکند، زنده نیست. هر ملتی هم که به فکر دفاع از خود نباشد و خود را آماده نکند، در واقع زنده نیست. هر ملتی هم که اهمیت دفاع را درک نکند، به یک معنا زنده نیست» (سخنرانی در ششمین دوره‌ی فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۶۸/۸/۲۹) [بنابراین] **«ما دفاع مشروع را حق خود می‌دانیم»** (بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی ۱۳۷۱/۱۱/۱۹). **«چرا که» [«تنها چیزی که می‌تواند کشور ایران و نظام اسلامی را حفظ کند، استحکام داخلی و عزم جزم بر دفاع مشروع و منطقی است»** (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵).

نتیجه آن که در نظر مقام معظم رهبری، دفاع مشروع یک امر لازم و حیاتی برای یک ملت محسوب می‌شود و ملاک مقابله با دشمنان نیز عمل و برخورد خصمانه و مسلحانه آنان است. از این رو، مجهز شدن به تسلیحات پیشرفته و فن‌آورانه برای حفاظت از نظام اسلامی، استقلال و تمامیت ارضی، در قالب دفاع مشروع قابل توجیه است. چنان که فرمودند:

«دشمنان جمهوری اسلامی این را باید به تجربه فهمیده باشند که نظام جمهوری اسلامی، اهل تعدی و تجاوز و شروع درگیری نیست. در این سی سال هیچ همسایه‌ای و هیچ ملت و دولتی از سوی جمهوری اسلامی تهدید نشده است، اما همین ملت بزرگ و همین نظام مقتدر در پاسخگویی به تهدید دیگران لحظه‌ای درنگ نمی‌کند» (بیانات در مراسم مشترک نیروهای مسلح استان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳).

ب) شرایط دفاع مشروع

یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین شرایط لازم برای دفاع مشروع، وقوع تجاوز است. نکته

مهمی که در این بحث وجود دارد آن است که دفاع در مقابل تجاوز، تعریف و حد و مرز دارد و اگر از حد مقرر تجاوز شد، خود آن، دفاع نامشروع است و نه مشروع که از آن به نظریه «تجاوز از دفاع مشروع» تعبیر می‌کنند، لذا چنانچه عملیات دفاعی، از نظر کمیت و کیفیت بیش از دفاع باشد، در این صورت مصداق تجاوز از دفاع مشروع است. در دفاع مشروع، به لحاظ حقوقی و فقهی، عناصری باید موجود باشد، یکی این که دفاع مورد نظر، به جهت دفع باشد، اگر دشمن خود به خود مندفع شده و تجاوز تمام شده و دیگر تهدیدی وجود ندارد، دفاع فقط به جهت دفع تهاجم است، در حدی که تهاجم دفع شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱: صص ۲۲-۲۱)؛ بنابراین؛ هرگونه اعمال زور با نام دفاع مشروع در موردی که تجاوزی پیدا نشود، خود ماهیت تجاوز کارانه را دارد (مدنی، ۱۳۷۷: ۱۸۵). مقام معظم رهبری در مناسبتی با تأکید بر این که ایران هرگز به هیچ کشوری تعدی نخواهد کرد و دکتترین آن، دفاع در برابر متجاوز است، فرمودند:

«آیا ملت ایران، به حق کسی تجاوز کرده است؟ آیا ما کسی را تهدید کرده‌ایم؟ آیا ما به جایی لشکرکشی کرده‌ایم؟ ابدأ. ما به هیچ جا لشکرکشی نکرده‌ایم؛ مگر آن وقت که مرزهایمان را شکستند و خاکمان را تصرف کردند. آن وقت مانند هر انسان کریمی ملت ما قیام کرد؛ خاک خودش را از آلودگی پاک نمود و دشمن را بیرون ریخت. آن روز که روز دفاع است؛ آن روز که روز زدن به دهان متعدی است؛ آن روز که روز پشت‌گردنی زدن به انسان‌های خبیث و رذل است، البته ملت ایران مردانه وارد میدان می‌شود؛ اما ملت ایران، هیچ‌کس را تهدید نکرد. ما هیچ کشوری را به حمله‌ی نظامی و تعدی و تجاوز ارضی تهدید نکردیم» (بیانات در صحن استان قدس رضوی ۱/۱۳۷۳).

در واقع، ایشان یکی از اساسی‌ترین شرط دفاع مشروع را، دفاع در مقابل تجاوز و عدم تعدی به تمامیت ارضی دیگران بیان می‌کنند. چنان که در جای دیگر در همین ارتباط تأکید کردند:

«در عرصه‌های جهانی اثبات کردیم که ملت ایران و ایران اسلامی هیچ تهدیدی برای کشورهای همسایه و دیگران نیست. به ما تهاجم شد، ما قدرتمندانه دفاع کردیم، اما هرگز فکر تجاوز، فکر حمله، فکر اشغال در ذهن ملت ایران و مسئولان کشور خطور نکرده است» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس ۱۲/۲۸۷/۱۳۸۷).

رعایت تناسب در دفاع مشروع، یکی دیگر از موارد مهم شرط دفاع مشروع در نظر مقام معظم رهبری است؛ یعنی، حملات دفاعی نباید به گونه‌ای باشد که باعث از بین رفتن آحاد مردم، مجروح شدن افراد عادی و تخریب اموال مردم شود؛ زیرا هدف از منازعه درهم شکستن مقاومت دشمن است و فرد دشمن وسیله عمده مقاومت به شمار می‌رود، از این رو، در هنگام عملیات و حمله به اهداف نظامی، غیرنظامیان و اموال غیرنظامیان باید در برابر صدمات و آسیب‌ها در امان باشند. چنان که ایشان در سخنرانی تاریخی‌شان در چهل‌ودومین مجمع عمومی سازمان ملل به تاریخ ۱۳۶۶/۶/۳۱ با تقبیح و محکوم کردن این گونه اقدامات، آن را جنایات جنگی قلمداد کرده‌اند^۱ ایشان در مناسبتی دیگر در این باره فرمودند:

«راه و هدف ما، هدف و راهی است که اسلام معین کرده است. نه در آن ظلم است و نه تجاوز به حقوق انسان‌ها... حقوق انسان در آن، در حداکثر میسر و ممکن رعایت شده است. هدف ما این است، راه ما این است» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۷۷/۶/۲).

از این بیانات برداشت می‌شود که معظم له بر مبنای این اندیشه قرآنی که می‌فرماید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی»^۲ رعایت تناسب در دفاع مشروع را امری اساسی قلمداد می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) شرایط اساسی در دفاع مشروع را در دو اصل زیر می‌داند:

- ۱- دفاع در هنگامی است که تجاوز احراز شود، یعنی وقوع حمله مسلحانه؛
- ۲- اقدام دفاعی، متناسب با حمله نظامی باشد.

۱- ارتکاب جنایات جنگی از حمله‌ی وحشیانه به مناطق مسکونی غیرنظامی تا کشتار بی‌رحمانه‌ی هزاران کودک و زن بی‌دفاع و به اسارت گرفتن مسافران عادی در جاده‌های اشغالی در هفته‌های اول جنگ و زیر پا گذاشتن تعهدات و مقررات بین‌المللی و به‌کارگیری حجم گسترده‌ای از سلاح‌های شیمیایی و بمباران کشتی‌های تجاری، هواپیماهای غیرنظامی و مسافربری، قطارهای مسافران عادی، از جمله‌ی کارهای همیشگی و شناخته شده‌ی عراق در طول این جنگ است. (سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک ۱۳۶۶/۶/۳۱)

۲- «و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است» (سوره مائده، آیه ۸).

ج) اهداف دفاع مشروع

در نگاه مقام معظم رهبری، اهداف دفاع مشروع عبارت است از: دفع تجاوز دشمن، دفاع از تمامیت ارضی و دفاع از استقلال و شرف ملت.



شکل شماره ۶: اهداف دفاع مشروع

(۱) دفع تجاوز دشمن

اولین شرط اساسی و اصلی برای استفاده از حق دفاع مشروع، وقوع تجاوز است. باید تجاوزی صورت گرفته باشد تا برای مقابله و بلا اثر ساختن آن از دفاع مشروع استفاده کرد؛ بنابراین، همیشه در کنار عنوان تجاوز، به دفاع مشروع می‌رسیم (مدنی، ۱۳۷۷: ۱۸۵). از این رو، دفع تجاوز دشمن، مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف دفاع مشروع محسوب می‌شود.

نکته کلیدی و مهم در اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) این است که جنگ اصالت ندارد، بلکه ایشان معتقدند آنچه سبب اقدام به عملیات نظامی می‌شود، تجاوزی است که صورت می‌گیرد؛ بنابراین، اگر دولتی به کشور تعرض کند، باید تو دهنی بخورد. چنان که فرمودند:

«ما نمی‌خواهیم دنیا و نیروهای گوناگون دنیا را به مبارزه‌ی رویاروی نظامی

دعوت کنیم... ما دفاع خواهیم کرد و بر ذهن هر متجاوزی خواهیم زد» (بیانات در دانشگاه امام حسین) (ع) ۱۳۷۴/۸/۱۷).

ایشان در جای دیگری نیز در این باره تأکید فرمودند:

«ما امروز با اقتدار ملت ایران در عرصه‌های جهانی اثبات کردیم که ملت ایران و ایران اسلامی هیچ تهدیدی برای کشورهای همسایه و دیگران نیست. به ما تهاجم شد، ما قدرتمندانه دفاع کردیم، اما هرگز فکر تجاوز، فکر حمله، فکر اشغال در ذهن ملت ایران و مسئولان کشور خطور نکرده است» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲).

بنابراین:

«خوب است دشمنان ملت ایران بدانند: مسئولان جمهوری اسلامی، کشور را به ورطه‌ی جنگ با هیچ کس نمی‌کشانند. ما ملت و کشورمان را در معرض جنگ قرار نمی‌دهیم و از جنگ استقبال نمی‌کنیم؛ اما هم ملت، هم مسئولان، هم دولت، هم همه‌ی آحادی که در این کشور از غیرت و جوانمردی برخوردارند، در عین این که به سمت جنگ نمی‌روند، اگر کسی جنگ با آن‌ها را انتخاب کرد، با او بسیار قدرتمندانه و سرسخت برخورد خواهند کرد» (بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۲/۳/۱۴).

البته در این راستا مقام معظم رهبری معتقدند، آن چه برای تضمین امنیت در جهان ضرورت دارد، تنبیه متجاوز است. چرا که مجازات متجاوز، باعث فرو نشستن جنگ‌های تجاوزگرانه در دنیا و تضمین امنیت و صلح پایدار برای آینده خواهد شد. چنان که در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل فرمودند:

«اگر یک بار متجاوزی به دلیل تجاوز از سوی خانواده‌ی بین‌المللی مجازات شود، می‌توان مطمئن شد که دست‌کم تا سالیانی این انگیزه - که همواره در عناصر شریک و فرصت‌طلب قابل جستجو است - فرو خواهد نشست؛ و منطقه و یا شاید جهان مصیبت‌های یک جنگ متجاوزانه و بی‌دلیل را تحمل نخواهد کرد. دادگاه نورنبرگ توانسته است بیش از چهل سال صلح و امنیت اروپای جنگ خیز را تضمین کند. چرا نباید از آن تجربه استفاده کرد؟» (سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک ۱۳۶۶/۶/۳۱).

(۲) دفاع از تمامیت ارضی

بعد دیگر اهداف دفاع مشروع در اندیشه‌ی دفاعی مقام معظم رهبری، دفاع از تمامیت ارضی کشور اسلامی است. هنگامی که کشور اسلامی مورد حمله‌ی دشمن قرار گیرد، بر آحاد مردم است که جلوی تهاجم دشمن را گرفته و آن‌ها را از انجام هرگونه تحرک نظامی باز دارند. چرا که حفظ و دفاع از تمامیت ارضی، تنها محدود به دفاع از خاک نیست، بلکه دفاع از اسلام و مسلمین و ارزش‌های الهی است. چنان که فرمودند:

«همه‌ی ما موظف به دفاع از ارزش‌های الهی - که امروز در این نظام اسلامی

مجسم است - هستیم. دفاع از استقلال این کشور اسلامی، دفاع از تمامیت

ارضی آن است» (سخنرانی در دیدار با گروهی از رزمندگان بسیجی نمونه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۸/۹/۵).

در اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، نه تنها حمله و اشغال کشوری قابل تصور نیست^۱، بلکه خدشه به مرزهای جغرافیایی و تمامیت ارضی کشور، به عبارتی اشغال یک وجب از خاک میهن اسلامی نیز غیرقابل تصور است. چنان که در جمع نیروهای مسلح فرمودند:

«بعد از سال‌های متمادی، اولین بار بود که ملت ما توانست در مقابل تجاوز

بیگانه، فاتحانه و سربلند از میدان جنگ خارج بشود. دویست سال بود که

در هر حمله‌ی نظامی که به کشور ما می‌شد، ملت ما شکست می‌خورد؛ مردم

ما منفعل می‌شدند؛ دشمن به داخل خانه‌ی ما نفوذ می‌کرد؛ اما این اولین بار

بود که به برکت اسلام و به برکت انقلاب اسلامی، ملت و نیروهای مسلح ما

توانستند افتخار بیافرینند؛ توانستند دشمن را ناکام کنند؛ آن هم دشمنی

که فقط با نیروی خود و با موجودی خود وارد میدان نشده بود، بلکه موجودی

دنیای مستکبر پشت سر او بود و بسیاری از آن‌ها در خدمت او. ملت ما و

نیروهای مسلح ما بر چنین دشمنی پیروز شدند» (بیانات در صبحگاه مشترک نیروهای

نظامی و انتظامی استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۵).

معظم‌له در جای دیگری تأکید کردند، اگرچه دشمنان این کشور نتوانسته‌اند نقشه

۱- «ما امروز با اقتدار ملت ایران در عرصه‌های جهانی اثبات کردیم که ملت ایران و ایران اسلامی هیچ تهدیدی برای کشورهای همسایه و دیگران نیست. به ما تهاجم شد، ما قدرتمندانه دفاع کردیم، اما هرگز فکر تجاوز، فکر حمله، فکر اشغال در ذهن ملت ایران و مسئولان کشور خطور نکرده است» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲).

شوم خود را در این باره عملی کنند، اما هرگز نباید از این کید دشمن غافل شد. چنان که فرمودند:

«نباید فکر کرد که دشمن دست کشیده و ساکت نشسته و از دنبال کردن اهداف شوم خودش منصرف شده؛ نه هشیاری باید ادامه پیدا کند. بدانید که دشمنان ایران اسلامی می‌خواهند ایران یکپارچه نباشد و اسلام برای این کشور حاکم نباشد. آن قدرتمندان مستکبری که توانسته‌اند اغلب کشورها و دولت‌های دنیا را زیر نفوذ سیاست‌های خودشان قرار بدهند تا امروز نتوانسته‌اند نظام جمهوری اسلامی را - که متکی به این مردم شجاع و مؤمن است - تسلیم خودشان بکنند و در مقابل خودشان به زانو دربیایند؛ عصبانی‌اند. روش‌ها را عوض می‌کنند، اما هدف‌ها همان هدف‌های پلیدی است که داشته‌اند... ما از موجودیت و تمامیت کشورمان دفاع می‌کنیم؛ ما با همه‌ی توان از اسلام عزیز دفاع می‌کنیم؛ ما تا امروز در مقابل رعد و برق توخالی استکبار نترسیدیم و عقب‌نشینی نکرده‌ایم، بعد از این هم نخواهیم ترسید و عقب‌نشینی نخواهیم کرد» (بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۲/۲۲).

(۳) دفاع از استقلال و شرف ملت

دفاع از استقلال و شرف ملت، یکی دیگر از اهداف مهم دفاع مشروع در منظر مقام معظم رهبری به شمار می‌آید. استقلال که به معنای داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیمات و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت است (منصوری، ۱۳۷۱: ۵۵)، خصیصه مهم و اساسی برای یک کشور است. چرا که اگر کشوری استقلال نداشته باشد؛ یعنی در سلطه و اقتدار کشور دیگر باشد، نمی‌تواند هیچ نقشی در عرصه داخلی و بین‌المللی ایفا کند. از این رو، حفظ استقلال امری لازم و حیاتی به شمار می‌آید.

اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال و تمامیت ارضی و وحدت کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است...».

در اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، هنگامی که تجاوزی صورت

گرفت، دفاع ملت باید آن چنان باشد تا استقلال، عزت و شرف آنان حفظ شده و به آن لطمه‌ای وارد نشود. چنان که هشت دفاع مقدس را نمونه عینی «دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم» (سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۶/۲۹) معرفی کرده و اعلام داشته‌اند «ملت ما امروز در دنیا به‌عنوان ملتی که استقلال و شرف ملی و آرمان‌ها و خواست‌های خود را قربانی خواست‌های قدرت‌های استکباری نخواهد کرد، شناخته شده است» (بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۰/۱۱/۱۸). از این رو، اگر ملت، «به عزت، شرف، استقلال و به هویت انسانی خود معتقد است، باید در خود قدرت دفاع به‌وجود آورد» (بیانات در دانشگاه امام علی (ع) ۱۳۸۲/۱۰/۴). اما این به منزله تعدی و تجاوز به دیگر کشورها نیست؛ زیرا معظم له فرمودند:

«جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح خود را برای تعدی و تجاوز به هیچ ملتی و هیچ کسی نمی‌خواهد... جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح خود را که با کمال پرهیزکاری و مناعت طبع و پارسایی... در میدان دفاع از استقلال ملی، از هدف‌های والای ملت ایران، از شرف ملی، از هویت دینی و ایمانی به کار گرفته است» (بیانات در دانشگاه افسری امام علی (ع) ۱۳۷۸/۸/۰۹). [بنا بر این] «نیروهای مسلح ما باید کاری کنند که هیچ دشمنی نتواند در استقلال و استحکام و یکپارچگی و تمامیت ارضی ما طمع کند» (بیانات در مراسم اعطای نشان فتح به تعدادی از فرماندهان عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس ۱۳۶۹/۳/۳).

در مجموع می‌توان گفت که در اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، دفاع مشروع از جایگاه ممتازی برخوردار است و ایشان معتقدند که به‌منظور حفظ امنیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور، به محض وقوع تجاوز باید به فوریت و متناسب با آن، اقدام به دفاع نموده و متجاوز را سر جای خود نشاند. چنان که با قاطعیت در این باره فرموده است: «ملت ایران اهل اقدام به جنگ و خونریزی و تجاوز و تعدی نیست؛ اما در مقابل انگیزه‌های خائنانه‌ی دشمنان، نشان داده است که شجاع، مصمم، قوی، با استقامت، آگاه و با بصیرت نسبت به وظیفه‌ی تاریخی خویش عمل می‌کند» (بیانات در دانشگاه افسری امام علی (ع) ۱۳۷۸/۸/۹).

نکته قابل توجه در دیدگاه معظم له آن است که هدف دفاع مشروع همیشه باید

فی سبیل الله باشد؛ در ثانی دفاع مورد نظر، فقط به جهت دفع تهاجم و تجاوز باشد؛ سوم اینکه دفاع باید با خطر و تجاوز متناسب باشد.

۶- تهاجمی یا تدافعی بودن تسلیحات؟

با توجه به این که قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره انفال: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» به ضرورت آمادگی دفاعی و تهیه و تدارک تجهیزات نظامی تأکید ورزیده، سؤالی که مطرح می‌شود این است که در حالی که دشمنان اسلام مجهز به انواع سلاح‌ها از جمله سلاح‌های غیرمتمعارف هستند، چرا مسلمانان نباید خود را به این گونه از تسلیحات مجهز کنند؟

بی‌تردید مجهز شدن به تجهیزات و سلاح‌های جنگی، یکی از دستورات شارع مقدس و سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) است و هم چنین هر نوع امکان افزایش توان رزمی مسلمانان در جهاد، امری مطلوب و مورد تأکید آیه مذکور است؛ اما این اصل را به‌عنوان یک قاعده کلی در نظام دفاعی و جهادی اسلام نمی‌توان پذیرفت که هر نیرو و وسیله‌ای که موجب تقویت بنیه دفاعی شود، از نظر اسلام مجاز است؛ زیرا در بسیاری از موارد این قاعده نقض شده است؛ مانند موارد ممنوعه از نظر ابزار و شیوه‌ها که با وجود تقویت بنیه دفاعی ممنوع تلقی شده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ج: ۵، ۲۲۷). به راستی، اسلام با مجهز شدن به سلاح‌های جنگی چه هدفی را دنبال می‌کند، آیا هدف آن است که با دستیابی به سلاح‌های جنگی مردم جهان را نابود سازد؟ کره زمین را منهدم کند؟ محیط زیست طبیعی را تخریب کند؟ یا دست به تصاحب سرزمین و اموال دیگران بزند؟ مگر ماهیت جهاد در اسلام به معنی یک سلسله عملیات نظامی و خشونت‌آمیز توأم با قتل و کشتار و تخریب است؟ مگر انگیزه‌های مادی و فاقد ارزش‌های معنوی و الهی مجوزی برای جهاد محسوب می‌شود؟ مگر قرار است هر فعل و اقدامی از سوی دشمنان انجام گیرد، مسلمانان نیز همان اقدام را انجام دهند؟ بدیهی است که این‌گونه نیست؛ زیرا مسلمانان که از احکام اسلامی و تعالیم الهی تبعیت می‌کنند، دست به اعمالی نمی‌زنند که توجیه آن نوع اعمال از سوی دشمنان است، یا رفتاری همانند رفتار غیرموجه دشمن انجام دهند. «چه‌بسا کسی از این که در اسلام در هنگامه جنگ که ستاندن جان کسی جایز شمرده می‌شود، رعایت تقوا را امری

خیر شمرده شده، در شگفت شود؛ زیرا هر جا که جواز باشد، قاعداً نباید محدودیت و منع وجود داشته باشد؛ اما سخن ما از جنگ بر اساس تقوا در قبال جرم و گناه و تجاوز است. لذا بدیهی است در جنگی که برای دفاع از تقوا برپا شده است، اگر در میدان نبرد به منظور همسانی با دشمن، به طریقی عمل شود که اصول تقوا زیر پا گذارده شود، غیرمنطقی خواهد بود. جنگ اسلامی، بر اساس تقوا است و همواره با محدودیت‌هایی همراه است و حتی اگر دشمن متجاوز موازین تقوا را رعایت نکند، مسلمانان هرگز از حدود آن پا فراتر نخواهند گذارد» (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۰۳). اصل رعایت عدل و انصاف در استیفای حقوق حقه و تأکید بر پرهیز از تجاوز از حدود و مقررات در چندین آیه قرآن (سوره بقره، آیه ۱۹۰ و سوره مائده، آیه ۲) به صورت اوامر هشدار دهنده یادآوری شده است و مسلمانان باید مراقب باشند که مقابله با تجاوز، خود به عمل تجاوز تبدیل نگردد که تجاوز هرگز مجوز تجاوز نیست و باید جانب عدالت و تقوی رعایت شود.^۱ زیرا خداوند با تقوا پیشگان است و تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۲۷).

سیره‌ی پیامبر (ص) در جنگ‌ها شاهد مثالی است که در آن حدود و مقررات الهی کاملاً رعایت می‌شد. چنان که نقل شده است: در جنگ‌های دوران جاهلیت مرسوم بود اجساد کشته شدگان را مثله می‌کردند، اما در جنگ احد زمانی که مشرکان عمومی پیامبر (ص) حمزه بن عبدالمطلب را کشتند و ددمشانه بدن او را مثله کردند، پیامبر (ص) از عمل آنان برآشف و این دستور صریح را به مؤمنان صادر کرد که حتی یک سگ را هم مثله نکنید (حر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۶۹).

شاهد مثال دیگر، اصل تقدم دعوت بر جهاد است که بیانگر اصالت منطقی و استدلال نصیحت و خیرخواهی و تقدم آن بر تهدید و تحمیل است. در وسائل الشیعه از امام علی (ع) نقل شده است که: وقتی پیامبر (ص) مرا به یمن فرستاد، فرمود: با

۱- البته شاید گفته شود آیا بیان این سخن نفی آیه مقابله به مثل (سوره بقره، آیه ۱۹۴) نیست؟ در پاسخ می‌توان گفت این استدلال نه تنها نفی آیه مقابله به مثل نیست، بلکه درصد بیان این کلام نورانی خداوند است که تذکر می‌دهد باید در عمل تعدی و مقابله به مثل مواظب بود تا از اندازه در نگذرید و بیش از حدود آن عمل مقابله صورت نگیرد. برای نمونه، سوره مائده آیه ۸ می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید ... نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» یا در سوره بقره آیه ۱۹۰ می‌فرماید: «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید؛ ولی از اندازه درنگزید. زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.»

هیچ کس جنگ نکن، مگر آن که پیش از آن او را به اسلام دعوت کنی، به خدا قسم اگر خدا یک نفر را به وسیله تو هدایت کند، برای تو با ارزش تر از آن چیزی است که آفتاب بر آن طلوع یا غروب می کند (حر العاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۰).

بنا به منطق و استدلال‌هایی که اشاره شد، می توان گفت وقتی قرآن کریم دستور به آمادگی دفاعی و مجهز شدن به تسلیحات را صادر می کند، اشاره به یک هدف منطقی و انسانی دارد، نه آن که دستور دهد، ای مسلمانان لازم است به انواع سلاح‌های مخرب و کشتار جمعی مجهز شوید تا همه انسان‌ها را نابود کنید و اموال و سرزمین آنان را ویران سازید. هدف جهاد فی سبیل الله این نیست. ماهیت جهاد در اسلام، یک سلسله عملیات نظامی و خشونت‌آمیز توأم با قتل کشتار و تخریب نیست. «جهاد اسلامی نه به خاطر فرمانروایی در زمین و کشورگشایی و نه به منظور به چنگ آوردن غنائم و نه تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر، یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است. هدف، یکی از سه چیز است: خاموش کردن آتش فتنه‌ها و آشوب‌ها که سلب آزادی و امنیت از مردم می کند و هم چنین محو آثار شرک و بت پرستی و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع در برابر آنان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۵)؛ بنابراین، با توجه به این اهداف عالی، اسلام هرگز استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را نمی دهد که ماهیت آن کشتار و قلع و قمع منابع انسانی و طبیعی نسل حاضر و نسل‌های بعدی است. مقام معظم رهبری در باره‌ی یکی از مصادیق سلاح‌های کشتار جمعی فرموده است:

«ما سلاح هسته‌ای را نمی‌خواهیم؛ این در سلسله‌ی نیازها و نظام تسلیحاتی ما اصلاً وجود ندارد. ما اعلام کردیم که استفاده‌ی از سلاح‌های هسته‌ای از نظر اسلام حرام و ممنوع است؛ و نگهداشتن او ایجاد یک خطر بزرگ و یک دردسر بزرگ است؛ ما دنبال این نیستیم و نمی‌خواهیم؛ پول هم بدهند بگویند آقا شما بیا بید این کار را بکنید، ملت ایران نمی‌خواهد، مسئولین نمی‌خواهند» (بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۲/۱۳۸۸).

در مناسبت دیگری نیز مجدداً چنین تأکید فرمودند:

«ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. بر طبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن این گونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این، ضایع کردن حرث و نسل

است که قرآن آن را ممنوع کرده؛ ما دنبال این نمی‌رویم» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران ۱۳۸۸/۱۱/۳۰).

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام راحل (ره) نیز همه مشکلات بشر کنونی و نیز جنایت‌ها و کشتارهایی که در دو جنگ جهانی اول و دوم شده را ناشی از رفتار کسانی دانسته که فاقد منطق و اندیشه انسانی بوده‌اند. چنانکه فرمودند:

«از اول، بشر مبتلای به همین مشکل بوده که اسلحه در دست اشخاص ناصالح بوده است... تا خلع سلاح نشوند این اسلحه دارهای ناشایسته، کار بشر سرانجام پیدا نمی‌کند... با این اسلحه‌ها چه جنایت‌ها که واقع شده است... این جنگ‌هایی که اخیراً، یعنی در این صد سال در دنیا اتفاق افتاده است، جنگ اول جهانی، جنگ دوم جهانی، این جنگ‌هایی که در ویتنام در این آخر اتفاق افتاده، این کشتارهایی که از مردم شد برای این بود که اسلحه‌ها در دست غیر صالح بود، ناشایسته‌ها اسلحه‌ها را به دست داشتند» (۱۳۵۶/۱۰/۱۹، صحیفه نور، ج ۲، ص ۲).

حضرت امام (ره) در مناسبتی دیگر ضمن تأکید بر «تهدید آمیز بودن سلاح‌های مخرب برای جهان» (۱۳۶۳/۱۱/۲۲ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۰۲) واپایش و حذف سلاح‌های مخرب از جهان را خواسته همه ملت‌ها اعلام کرده و فرمودند:

«کنترل و حذف سلاح‌های مخرب از جهان، اگر با حقیقت و صداقت همراه بود، خواسته همه‌ی ملت‌هاست.» (۱۳۶۷/۴/۲۹ صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۸)

اگر مسلمانان نیز به سلاح‌های غیرمتعارف مجهز شوند، آیا در چنین وضعیتی جهان به سمت مسابقه تسلیحاتی کشیده نمی‌شود؟ یا صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره نمی‌افتد؟ آیا کره زمین تهدید نخواهد شد؟ بی‌شک رقابت‌های تسلیحاتی یکی از پیامدهای فاجعه‌آمیز گرایش به تولید و گسترش سلاح‌های غیرمتعارف است؛ زیرا توسل به سلاح‌های غیرمتعارف از جمله سلاح هسته‌ای، به‌عنوان ابزار بازدارندگی، عامل اصلی توسعه رقابت تسلیحاتی است. به این دلیل که بازدارندگی، مستلزم داشتن دست برتر و بالاتر در کیفیت و کمیت سلاح است که این خود به رقابت سلاح‌های غیرمتعارف، از جمله سلاح هسته‌ای دامن می‌زند. علاوه بر آنکه صلح و امنیت بین‌المللی با مخاطره مواجه می‌کند. از این رو، مقام معظم رهبری فرمودند:

«ملت ایران بارها اعلام کرده است که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ این

را همه می‌دانند؛ منطق هم همین را تأیید می‌کند... امروز هیچ ملت عاقلی، هیچ مسئولین عاقلی، به دنبال تسلیحات هسته‌ای نمی‌روند؛ و ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با اینجور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است. تسلیحات هسته‌ای جز هزینه‌ی ایجاد و هزینه‌ی نگهداری هیچ فایده‌ای ندارد. تسلیحات هسته‌ای برای یک ملت قدرت نمی‌آورد؛ چون قابل اجرا و قابل استفاده نیست. آن کسانی که امروز بمب هسته‌ای دارند، خودشان خوب می‌دانند که اگر دست از پا خطا کنند و این سلاح هسته‌ای را به کار بیندازند، آنچنان دامن خودشان را خواهد گرفت - همچنانی که یک روز تروریست‌ها را تقویت کردند، دامن خودشان را گرفت - که دیری نخواهد گذشت که تروریست‌های دنیا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند و امنیت را از همه‌ی مستکبران عالم و از همه‌ی ملت‌ها بگیرند. می‌دانند که سلاح هسته‌ای کاربرد ندارد. این را خوب می‌فهمند؛ اما درعین حال ملت ایران را متهم می‌کنند. نه؛ ملت ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست؛ به دنبال استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است در مسائل زندگی؛ و این راه را دنبال خواهد کرد و به کوری چشم دشمنان با قدرت تمام به این خواهد رسید» (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴).

در واقع، معظم له مجهز شدن به سلاح‌های کشتار جمعی را مساوی با آمادگی و حفظ قدرت دفاعی در راستای آیه ۶۰ سوره انفال ارزیابی نمی‌کنند؛ زیرا همان گونه که پیش‌تر اشاره شد هدف از آمادگی، ایجاد رعب و وحشت و احساس ناامنی در دل دشمنان خدا است تا احدی جرأت تعدی و تجاوز به مسلمانان را نداشته باشد، نه آن که رعب و وحشت در دل آحاد ملت، از دوست و دشمن صلح طلب (سوره ممتحنه، آیه ۸)، زن و کودک، بیمار و علیل، نظامی و غیرنظامی ایجاد کند. مقام معظم رهبری در بخشی دیگر از پیام‌شان به کنفرانس یاد شده، فرمودند:

«به دنبال دستیابی چند قدرت به این سلاح ضد بشری، تردیدی باقی نماند که پیروزی در جنگ هسته‌ای ناممکن و درگیری در چنین جنگی غیرعقلانی و ضد انسانی است. ولی به‌رغم این بدیهیت اخلاقی، عقلانی، انسانی و حتی نظامی، خواست مؤکد و مکرر جامعه‌ی جهانی برای نابودی این سلاح‌ها

توسط گروه انگشت شماری از دولت‌ها، که امنیت خیالی خود را بر ناامنی همگانی بنا کرده‌اند، نادیده گرفته شده است.

اصرار این دولت‌ها بر نگهداری، افزایش و گسترش توان تخریبی این سلاح‌ها، که هیچ کاربردی جز ارباب و ترور دسته جمعی و ایجاد امنیت کاذب، مبتنی بر بازدارندگی ناشی از نابودی تضمین شده همگانی نداشته و ندارد، استمرار کابوس هسته‌ای جهان را به دنبال داشته است. منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیرعقلانی هزینه شده‌اند تا هر یک از ابرقدرت‌ها توان خیالی پیدا کنند که بیش از ده هزار بار رقیبان خود و سایر ساکنان کره خاکی من جمله خودشان را نابود کنند. بی دلیل نیست که این راهبرد، بازدارندگی مبتنی بر نابودی تضمین شده متقابل، یا دیوانگی نام

گرفته است» (پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه ۱/۲۸/۱۳۸۹).

پر واضح است که کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی و حتی تمامی ابزارهای جنگی ممنوعه، در تضاد آشکار با اهداف جهاد، عقل و منطق و آموزه‌های دینی است که رعایت «وَلَا تَعْتَدُوا» در مخاصمات مسلحانه را واجب می‌داند. توسل به سلاح‌های ممنوعه مخصوص کسانی است که فاقد منطق و اندیشه‌ی انسانی هستند. این چنین است که مقام معظم رهبری در بخش پایانی پیام خویش به کنفرانس یاد شده قاطعانه اعلام می‌دارند:

«به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملّت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه‌ی امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان میدانیم» (پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه ۱/۲۸/۱۳۸۹).

با این توصیف، می‌توان گفت که سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله سلاح‌های هسته‌ای، در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ندارد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری صلح طلب، خواهان برچیده شدن سلاح‌هایی است که جز تهدید

بشریت و به هدر دادن منابع، سرمایه‌ها و نیروی انسانی ثمری ندارند. به همین دلیل، این کشور حامی و پیشرو امحای سلاح‌های کشتار جمعی بوده و تولید و استفاده از این‌گونه سلاح‌ها را خلاف اصول و اعتقادات خود، حقوق بین‌الملل و منطق و عقل می‌داند.

بر پایه‌ی اصول اعتقادی، جنگ و مخاصمه برای اهداف والایی چون صیانت از کرامت انسانی، تأمین آرامش و امنیت مردم و مقابله با متجاوزان و ظالمان صورت می‌پذیرد و در تمامی این شرایط حفظ و حراست از کیان انسانی و اصول اخلاقی واجب و لازم است؛ بنابراین، کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی که همواره عده‌ی بی‌شماری از انسان‌های بی‌گناه را به کام مرگ می‌کشاند، با دستورات دینی منافات دارد که حتی سوزاندن نخل‌ها و به‌طور مطلق آتش زدن به باغات، کشتزارها، مزارع و محصولات کشاورزی^۱ را در زمان جنگ جایز نمی‌داند.

جمع بندی

اندیشه‌ی دفاعی، موضوعی اساسی و تعیین کننده در رفتار و کارکردهای دفاعی محسوب می‌شود. درک صحیح اندیشه‌ها و به تعبیر دیگر، تبیین نظریه‌های بنیادین و اندیشه‌هایی که فعلیت یافته با هدف فهم، جهت گیری صحیح، دریافت معیار سنجش و تصویری منطقی و شفاف از موضوعات مورد مطالعه، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اندیشه‌های دفاعی، اندیشه درباره‌ی پدیده‌های دفاعی است که در جامعه‌ی سیاسی از جهت دفاعی بودنش مطرح می‌شود و چنین پدیده‌هایی، موضوع اندیشه‌ی دفاعی است. در تبیین اندیشه‌ی دفاعی از یک سو می‌توان به بیان آرا، افکار و حقایق، ارائه علیت، تفسیر رویدادها، توصیف وضعیت‌ها، ترسیم مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و وضعیت مطلوب پرداخت و از سوی دیگر، با طرح نظریه‌های اساسی و چارچوب نظری به بررسی روش‌های شناخت، منطق و چرایی آرا همت گمارد تا در پرتو آن جهان بینی و مبانی اندیشه‌های مطرح کشف شود.

آنچه از سخنان، عملکرد و واکنش‌های مقام معظم رهبری در حوزه دفاع مطرح

۱- پیامبر اعظم (ص) فرمود: «لا تحرقوا النخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا الشجرة المثمرة و لا تحرقوا ذرعاً: نخل‌ها را نسوزانید، با آب غرقشان نکنید، درختان ثمردار را قطع نکنید و مزارع را آتش نزنید.» (اصول کافی، ج ۵، ص ۲۹)

شده، حاکی است که دفاع در برابر تعدّی و تجاوز نظامی بیگانه به حدود قلمرو جامعه اسلامی در زمره نخستین و مهم‌ترین اولویت به شمار می‌رود.

همین اهمیت و توجه موجب می‌شود تا تدافعی بودن جنگ و اقدام نظامی، در مرکز ثقل اندیشه دفاعی معظم له قرار بگیرد. اهمیت و جایگاه این موضوع در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری بهاندازه‌ای است که ایشان مشروعیت هر گونه جنگ و جهاد و هر اقدام نظامی را منوط به تدافعی بودن آن نموده و آحاد ملت را از کوچک‌ترین تجاوز و تعدّی به حریم جغرافیایی دیگران بازداشته است.

بنابراین، از دیدگاه مقام معظم رهبری، متوسل شدن به قوه قهریه در برابر کشورهای دیگر اقدامی پسندیده تلقی نمی‌شود و تا زمانی که تجاوزی رخ نداده باشد، جنگ یا دست بردن بر ابزار نظامی، جایگاهی در سیاست خارجی کشور اسلامی نخواهد داشت؛ ولی با حادث شدن نخستین بارقه‌های تجاوز نظامی خارجی علیه جامعه اسلامی، دفاع به امری لازم و حتی در مرحله‌ای بالاتر، به یک وظیفه شرعی واجب تبدیل می‌شود.

موضوع کسب و افزایش آمادگی رزمی در برابر تهدیدات نظامی خارجی، از جمله موضوعات مهم در اندیشه‌ی دفاعی رهبر معظم انقلاب است. چرا که امروزه بدون سازمان‌دهی، برنامه ریزی منسجم و حساب شده بر مبنای ابعاد و اشکال تهدیدات نظامی، دفاع در برابر تجاوز امری غیرممکن خواهد بود.

فصل دوم:
علم و فن آوری دفاعی

مقدمه

گذار از عصر صنعتی و ورود به عصر اطلاعات، همراه با پیچیدگی‌ها و اقتضانات ویژه‌ای است که ملت‌ها را برای بقا و حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی بیش‌تر، با چالش‌ها و مخاطرات نوینی روبرو ساخته است. الگوهای سنتی و پارادایم‌های حاکم بر گذشته کارایی خود را از دست داده‌اند و کشورها برای تعالی و پیشرفت خود و عقب نماندن از گردونه‌ی رقابت، می‌بایست بهترین و مناسب‌ترین راهبردها و تصمیم‌ها را اتخاذ کنند. در این میان، نقش سازمان‌ها و راهبردهای دفاعی در حفظ اقتدار و امنیت ملی جوامع بیش‌ازپیش برجسته و متمایز است.

مطالعات نشان داده که پس از جنگ جهانی دوم، کشورهایی که بر توانمندی علمی و فن‌آورانه‌ی نهادهای نظامی و دفاعی خود متمرکز شده‌اند، در زمینه‌های تحقیقاتی و راهبردی دیگر نیز موفق بوده‌اند. زیرا ایجاد قدرت بازدارندگی، یکی از اساسی‌ترین نیازهای راهبردی برای جوامع در طی سالیان پس از جنگ جهانی و نیز جنگ سرد، به‌ویژه دوران کنونی بوده است؛ به بیان دیگر، یکی از دلایل مهم، وجود نیازهای حیاتی و امنیتی و دفاعی است که به‌عنوان پیشرانی قوی در مطالبه فن‌آوری‌های جدید و نوآوری‌ها محسوب می‌شود.

امروزه، عرصه‌ی علم و فن‌آوری یکی از تأثیرگذارترین و مهم‌ترین اجزای زندگی بشری به شمار می‌رود و کمتر کسی را می‌توان یافت که منکر اهمیت و تأثیرگذاری آن بر زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها باشد. بهره‌مندی از یافته‌های علمی و فن‌آورانه امری تازه نبوده و منحصر به عصر حاضر نیست؛ بشر از نخستین روزهای خلقت همواره به دنبال شیوه‌های تسلط بر طبیعت و ساخت ابزارهای مورد نیاز خود در جهت نیل به رفاه و آسایش بوده است. از این‌رو، با مرور زمان و گذار از عصر کشاورزی به عصر صنعت و همچنین ورود به عصر اطلاعات، همواره علم و آگاهی بشر توسعه یافته است. به موازات توسعه‌ی علم بشری، فن‌آوری‌ها نیز همواره دستخوش تحول شده به طوری که طی دهه‌های گذشته، رفته رفته با افزایش روزافزون شتاب تحولات و پیشرفت‌های علمی و فن‌آورانه، توانایی انسان در تغییر سبک کار و زندگی نیز دستخوش تحولات روزافزونی شده است. با این حساب، بر هیچ کس پوشیده نیست که علم و فن‌آوری و مقوله‌های مرتبط با آن از قبیل نوآوری، خلاقیت و ... سهم به‌سزایی در توسعه‌ی

ظرفیت‌ها و امکانات بشری در تمامی جنبه‌ها و شئون زندگی فردی و اجتماعی، به ویژه در عرصه دفاعی داشته و دارند.

بخش اول: مروری بر مباحث نظری

مورخان کشف آتش را روزنه‌ی جدید از جهان ناشناخته می‌دانند که تمدن‌ها بر پایه بهره‌گیری از فن‌آوری خلاق در امتداد آن شکل گرفته و استوار شدند و برخی از آن‌ها وقتی از فن‌آوری عقب ماندند، مضمحل شدند. امپراتوری ایران، مصر، روم، یونان و دیگر سرزمین‌ها بقای خود را مدیون بهره‌گیری از فن‌آوری هستند. چرخ و محور، تیر و کمان، ارابه و شمشیر فن‌آوری‌های بودند که به جوامع کمک می‌کردند تا منابع طبیعی را برای تأمین خواسته‌ها و نیازهای انسانی مهار کنند. در همان زمان از این ابزارها برای دفاع از قلمرو و اموال در برابر متجاوزان و همچنین برای کسب ثروت و قدرت بیشتر استفاده می‌شد. فن‌آوری در عهد باستان به انسان‌ها هم در هنگام صلح و هم در زمان جنگ قدرت داد تا به نفع انسان یا برای نابودی او استفاده کنند؛ اما در هر دو حال یک انگیزه وجود داشت و آن تسلط بر طبیعت بود؛ اما با ظهور انقلاب صنعتی (حدود سه قرن پیش) جهشی جدید به وجود آمد. ناگهان نوآوری‌های بزرگ در قلمرو فن‌آوری به شکلی چشمگیر زندگی و کسب و کار مردم را تغییر داد. نظام کارخانه متولد و تولید انبوه غالب شد. بسیاری از اقتصادها از قالب کشاورزی محور به شکل صنعت محور تبدیل شدند و با بهره‌گیری از تحولات فن‌آوری، ثروت و استیلا بیشتر خلق شد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، علم و فن‌آوری به شدت به هم نزدیک شدند. اکتشافات علمی پیشرفت فن‌آوری‌ها را موجب گردید و در مقابل نیز دانش فنی و تجهیزات فن‌آوری موجب پیشرفت علم شد. این پیوند و ارتباط نزدیک، موجب انفجاری در تحولات فن‌آوری شد. جنگ جهانی نخست و دوم سرعت پیشرفت‌ها را در فن‌آوری سرعت بخشید؛ به‌گونه‌ای که این سرعت در عصر حاضر موجب پیشرفت در عرصه‌های جدید و خلق فن‌آوری‌هایی همچون فن‌آوری‌های زیستی، فن‌آوری اطلاعات، اکتشافات در اعماق فضا، دریا و بستر زمین و اخیراً فن‌آوری نانو شد (شجاع، ۱۳۹۱).

۱- مفهوم علم، فن آوری و نوآوری

«علم» در زبان فارسی به معنایی متفاوت و عام‌تر از معادل انگلیسی ساینس^۱ به کار می‌رود. در این مفهوم، علم معادل هر نوعی از دانش^۲ است. واژه علم در این مفهوم کلی شامل هر نوع آگاهی نسبت به اشیا، پدیده‌ها، روابط و غیره است؛ اعم از اینکه مربوط به حوزه مادی و طبیعی باشد یا مربوط به علوم معنا و ماوراءالطبیعه. در این تعریف، قواعد روش علمی برای دستیابی به آن دانش الزامی نیست و علم شامل مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، دانش‌ها و معلوماتی است که انسان توانسته از طریق روش‌های گوناگون تا به امروز به آن‌ها آگاهی پیدا کند. اصطلاحاتی چون علم اخلاق، علم حدیث و علم ریاضیات نشان دهنده کاربرد این معنا از علم هستند. در مقابل، مفهوم علم به‌طور خاص وجود دارد که معادل واژه انگلیسی ساینس است که از ریشه لاتینی «ساینتیا» به معنای دانستن گرفته شده است و متناظر با آن بخشی از دانش بشری است که از طریق روش‌های تجربی حاصل شده و قواعد علوم تجربی بر آن حاکم است (دایره المعارف ویکیپدیا، ماده «علم»).

«فن آوری^۳» عبارت است از کاربرد مهارت‌ها و فنون انسانی برای تأمین مقاصد انسان‌ها. در تعریف جامع‌تر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاربست دانش به‌منظور انجام کار؛
- مهارت‌ها، برساخته‌ها و دانش نظری و عملی که به‌منظور ارتقای محصول به کار برده می‌شوند (حسنوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱).

در تعریف دیگر آمده است: «فن آوری نه به مفهوم فرآورده‌های ساخت دست بشر، بلکه به مفهوم دانش و خیرگی خاصی خواهد بود که فرآورده‌های مذکور را به وجود آورده و طرز کاربرد آن‌ها را هم در جامعه مشخص می‌سازد (حسنوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۳).

«نوآوری^۴» در لغت به معنای اختراع، ابداع و ابتکار است. در اصطلاح مدیریتی و سازمانی، فرآیندی است که به ساختن چیزی تازه می‌انجامد.

1 - Science
2 - Knowledge
3 - Technology
4 - Innovation

نوآوری از نظر دراکر، ابزاری است که کارآفرین با آن، ثروتی تازه می‌آفریند، منابع تولید ایجاد می‌کند یا به منابع موجود، موهبت ثروت‌آفرینی می‌بخشد (دراکر، ۱۳۸۱: ۵۲). وی به نوآوری از حیث کارآفرینی حاصل از آن و ایجاد سرمایه و ثروت جدید نگاه می‌کند و در تعریف خود، نقش کارآفرین را برجسته می‌کند. در واقع، کارآفرین را عامل تبدیل ایده و دانش نو به ثروت و سرمایه جدید می‌داند.

اما کانتز، تعریف دیگری از نوآوری دارد و آن، این که نوآوری فرایند گردآوری هر نوع ایده جدید و مفید برای حل مسئله است که شامل شکل‌گیری ایده و پذیرش و پیاده‌سازی آن در فرایندها، محصولات و خدمات است (سلطانی تیرانی، ۱۳۷۸: ۱۵). کانتز در این تعریف، نوآوری را از منظر حل مسئله، یعنی شناخت مشکلات و ارائه ایده‌های جدید برای حل آن‌ها نگاه می‌کند.

کویین، تعریف دیگری از نوآوری ارائه می‌دهد که در آن نوآوری را «اولین تحویل و تبدیل یک ایده به عمل در یک فرهنگ» معرفی می‌کند (سلطانی تیرانی، ۱۳۷۸: ۱۵). بر اساس دو تعریف اخیر، می‌توان گفت که نوآوری لزوماً به معنی به‌کارگیری یک ایده کاملاً جدید نیست که در جای دیگری استفاده نشده است؛ بلکه حتی اگر در یک فرهنگ یا در بین مجموعه‌ای از افراد که یک نهاد را تشکیل می‌دهند، یک ایده برای اولین بار به عمل تبدیل شود، باز هم نوآوری به وجود آمده است.

در برخی تعاریف، بر جنبه بازاری و تجاری نوآوری تأکید شده است: نوآوری، ارائه ایده جدید و مفید به بازار و به‌کار بردن ایده جدید در سازمان برای تولید ارزش‌تر و بهتر محصولات، جذب مؤثرتر مشتریان یا استفاده موفقیت‌آمیز تجاری از اختراع است (Tidd Joe, 2005: 21).

با بیان این تعاریف، نوآوری، تنها یک اختراع نیست، بلکه شامل انتشار اختراع در بازار و تأمین نیازهای مشتریان نیز است.

لازم به توضیح است که نوآوری، همیشه با «ایده‌پردازی» آغاز می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که عملیاتی شدن ایده‌های جدید، مبنای رشد و پیشرفت شرکت‌ها و سازمان‌ها بوده است. عوامل گوناگونی سبب به وجود آوردن ایده‌های جدید می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، فرهنگ سازمانی است. برای مثال، ایده‌های تولید شده در شرکت‌های ژاپنی در مقایسه با هم‌تایان آمریکایی آن‌ها یک‌صد برابر بیش‌تر است (میربلوک و صفری الموتی، ۱۳۸۷: ۴۱).

منابع اصلی که باعث به وجود آمدن ایده هستند به دو دسته تقسیم می‌شوند:
 الف) منابع برون سازمانی، از قبیل کالاها یا خدمات موجود در بازار، نمایشگاه‌ها،
 کنگره‌ها و نشست‌های علمی و صنعتی؛

ب) منابع درون سازمانی که شامل نیروی انسانی خلاق، راهبرد و چشمانداز
 سازمان، استفاده از فنون خلق ایده و پروژه‌های پژوهشی است.

با توجه به اهمیت ایده‌پردازی، بسیاری از سازمان‌ها روش‌هایی را برای تشویق
 کارکنان برای خلق ایده‌های جدید به کار گرفته‌اند که از آن میان می‌توان به
 صندوق‌های پیشنهاد اشاره کرد (شیلینگ، ۱۳۸۲: ۵۴). از سوی دیگر، آنچه موجب خلق
 ایده و به تبع آن، موجب نوآوری می‌شود، «خلاقیت» است.

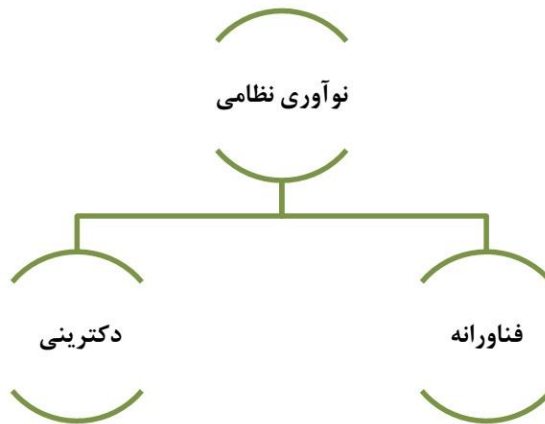
خلاقیت و نوآوری چنان در هم تنیده‌اند که برخی، تفکیک آن‌ها را در قالب
 تعاریف جداگانه دشوار می‌پندارند. با این حال و بر اساس تعاریف گوناگون، خلاقیت،
 بیش‌تر متوجه تولید ایده‌های نو و جدید است؛ ولی نوآوری به مرحله‌ای منتهی می‌شود
 که ایده یا محصول ناشی از آن به بازار راه می‌یابد و در آن می‌ماند و تأثیری «اجتماعی
 - اقتصادی» ایجاد می‌کند (بوشهری و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۵). طبق تعریف، خلاقیت، فعالیتی
 ذهنی و عقلانی برای به‌وجود آوردن ایده‌های جدید است؛ حال آن که نوآوری، تبدیل
 خلاقیت به عمل یا نتیجه است. در واقع، نوآوری، عملیات و مراحل مورد نیاز برای
 نتیجه‌گیری از یک فکر بکر یا یک واقعیت جدید است؛ به بیان دیگر، خلاقیت به
 معنای ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌هاست؛
 در حالی که نوآوری به معنای یافتن ایده و تبدیل آن به محصول، خدمات و روش‌های
 جدید عملیاتی است (سلطانی تیرانی، ۱۳۷۸: ۱۵).

۲- نوآوری نظامی

با توجه به اینکه نوآوری، تأثیرات شگرفی بر توان دفاعی کشورها دارد، لازم است
 معنای این واژه در حوزه نظامی بیان شود.

در حوزه‌های نظامی، نوآوری را می‌توان به‌کارگیری و انتشار یک فن‌آوری یا یک
 اندیشه جدید در صحنه عملیات و جنگ دانست (نظری زاده، ۱۳۸۳: ۲۳). در واقع،
 موفقیت یک نوآوری نظامی به میزان انتشار و به‌کارگیری آن در صحنه عملیات بستگی
 دارد؛ بنابراین، مفهوم نوآوری نظامی با مفاهیمی مانند انتشار و به‌کارگیری نیز گره

خورده و تأثیرگذاری یک نوآوری بر اثربخشی راهبردی یک کشور یا یک نیروی دفاعی، در فرایندهای انتشار و کاربرد آن، قابل شناسایی است. از این رو، می‌توان گفت که ضرورت و نیاز به عنوان پدرخوانده نوآوری عمل می‌کنند و این ضرورت‌ها و نیازهای عملیاتی و راهبردی بالفعل و بالقوه یک کشور است که موجب نوآوری نظامی می‌شود. برخی صاحب‌نظران، نوآوری‌های مرتبط با دفاع را به دو دسته جدا تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از:



شکل شماره ۷: انواع نوآوری نظامی

الف) نوآوری‌های فن‌آورانه

منظور از نوآوری‌های فن‌آورانه^۱، نوآوری‌هایی است که جنبه فن‌آورانه آن‌ها پررنگ است. طارق خلیل، فرایند نوآوری فن‌آورانه را مجموعه‌ی پیچیده‌ای از فعالیت‌ها می‌داند که ایده‌ها و دانش‌های علمی را به محصولات و خدماتی که دارای تأثیرات اقتصادی و اجتماعی هستند، تبدیل می‌کند (همان: ۵۳). بدین ترتیب، چنین تعریفی بسیار مشابه تعاریف عمومی نوآوری است که قبلاً به آن‌ها اشاره شد؛ با این تفاوت که در این تعریف بر جنبه‌های فن‌آورانه و محصولی آن بیش‌تر تأکید شده است. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نیز در دستورالعمل اسلو به تعریف مشابهی اشاره دارد. این سازمان، نوآوری فن‌آورانه را اعم از محصولی و فرایندی چنین تعریف می‌کند: ایجاد

هر گونه محصولات یا خدمات جدید و یا هر گونه تغییر قابل ملاحظه در محصولات و خدمات موجود.

ب) نوآوری‌های دکترینی (نظامی)

منظور از نوآوری‌های دکترینی^۱، ارائه دکترین‌های جدید نظامی است که می‌توانند بر اثربخشی نیروهای نظامی تأثیر گذارند. رویکردهای جدید به نوآوری دفاعی دربرگیرنده هر دو بعد فن‌آورانه و دکترینی است که سعی دارند، این ابعاد را به صورت یکپارچه نشان دهند. مثلاً پیرس، تلاش کرده تا با استفاده از مفاهیم سیستمی، این ابعاد را کنار هم قرار دهد و به دسته‌بندی مناسبی از انواع نوآوری‌های دفاعی برسد. وی در یک چارچوب سیستمی، نوآوری دکترینی را به‌عنوان «نوآوری در ایجاد ارتباط بین اجزا» و نوآوری فن‌آورانه را «نوآوری در اجزا» نام‌گذاری کرده است. در این رویکرد، نوآوری دکترینی به دنبال یکپارچه‌سازی و هدفمند کردن نوآوری‌های فن‌آورانه است (نظری زاده، ۱۳۸۳: ۵۳).

۳- رابطه علم، فن‌آوری و نوآوری در دفاع

شرایط پیچیده و متلاطم محیط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و افزایش تهدیدهای خارجی سبب افزایش توجه به موضوع دفاع شده است. از طرفی پیشرفت و ادامه حیات هر جامعه، مرهون نوآوری افراد آن جامعه و شکوفایی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی است. نگاهی به دستاوردهای بشر و سیر زندگی او، درک این واقعیت را به‌راحتی امکان پذیر می‌سازد و مشخص می‌شود جوامعی که در این زمینه تلاش بیشتری داشته‌اند، نسبت به سایر جوامع از پیشرفت و تکامل فرهنگی و تمدنی بهتری برخوردار بوده‌اند (نظری زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۸).

عنصر اصلی مقابله به مثل در برابر تهدیدات دشمن، وجود استعداد، دانش و هوش فراوان است. دفاع به طور گسترده با نوآوری و فن‌آوری حمایت می‌شود. نوآوری، محرک کلیدی برای تغییر در دنیای مدرن است. باخلاقیت و نوآوری در تاکتیک‌های دفاعی می‌توان هجوم دشمن را خنثی کرد.

به سبب تغییر و تحولات محیط سیاسی، امنیتی و اقتصادی، طی سال‌های اخیر

نقش و ضرورت توسعه نوآوری در پیشرفت کشور مورد توجه زیادی قرار گرفته است. این امر در نیروهای مسلح که معمولاً در تأمین تجهیزات و تسلیحات خود نیاز به دانش و فن‌آوری‌های پیشرفته دارند، به نحو بارز و ملموس‌تری نمود یافته است. بیشتر صاحب نظران معتقدند که به‌طور کلی نوآوری در بُعد دفاعی و نظامی همواره یکی از عوامل اساسی در برتری و پیروزی‌ها بوده است. امروزه در مباحث دفاعی، فن‌آوری نقشی ویژه و کلیدی یافته و به این لحاظ، تحقیق و توسعه و دستیابی به فن‌آوری‌های برتر و تسلیحات پیشرفته از طریق نوآوری، اهمیت خاصی پیدا کرده است (متقی و اشتریان، ۱۳۸۰: ۲۹).

پیشرفت‌های کشورمان در عرصه نوآوری دفاعی در دوران دفاع مقدس و به‌خصوص پس از آن، بیانگر توانایی و قابلیت‌های فراوان نیروهای مسلح و صنایع دفاعی در کسب جایگاه شایسته در این زمینه است.

باید توجه داشت که در صنعت دفاعی، غالب نوآوری‌ها، نوآوری‌های فن‌آورانه (مبتنی بر فن‌آوری) هستند. در زمینه‌ی نوآوری‌های مبتنی بر فن‌آوری، معمولاً سطوح مختلفی از کپی‌سازی، مهندسی معکوس، طراحی مجدد، تحقیق و توسعه، طراحی جدید تا نوآوری اصیل مطرح است. ولی قابلیت عرضه مفاهیم نو و نوآوری‌های دست‌اول، قابلیت ویژه و سطح بالاست که نیاز به توانایی‌های به‌خصوصی دارد. در عین حال، در زمینه مدیریت نوآوری، از آن‌جا که تقلید و اقتباس (به‌منظور یادگیری) به تنهایی نمی‌تواند موجب پیشرفت متمایز و منحصر به فردی شود، باید در زمینه خلق محصولات و ارائه نوآوری دست‌اول و اصیل یعنی میزان جدید بودن، تأثیرگذاری و پایه دانشی نوآوری، تلاش ویژه داشت (نظری زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۶).

۴- نقش نوآوری در جنگ و دفاع

جنگ‌ها به‌صورت خواسته یا ناخواسته و تحمیلی با زندگی و حیات جوامع آمیخته شده است و در بسیاری از موارد به نظر می‌رسد هیچ راه‌گیزی از آن وجود ندارد. در طول تاریخ جوامع بشری روش‌ها، قواعد و اصول جنگ با توجه به امکانات، توانایی‌ها و دانش آن جامعه و پارامترهای مؤثر، به ویژه خلاقیت و نوآوری دچار تغییر و تحولات اساسی شده است. با این حال، دفاع از موجودیت و تمامیت ارضی، دفاع از ثروت عمومی، دفاع از هویت فرهنگی و اجتماعی از اهم فعالیت‌های نظامی و امنیتی هر

کشور محسوب می‌شود. دفاع در طول تاریخ همیشه جزو مهمی از زندگی بشر بوده است؛ زیرا اقدامات دفاعی انسان سبب دفع یا کاهش میزان تجاوز مهاجمان می‌شود؛ اما چگونگی دفاع به عوامل و شرایط مختلفی بستگی دارد و انسان‌ها در دوران حیات خود سعی کرده‌اند با استفاده از عقل و تدبیر و اراده خود بهترین راه دفاع را در وضعیت‌های متفاوت، در مقابل تهاجم دشمنان انتخاب و آن را به کار بندند (اخوان و دهقانی، ۱۳۹۱: ۳۶۸).

کشورها همواره در عرصه‌ی نظام بین‌المللی و منطقه‌ای با فرصت‌ها و تهدیدات متنوعی در محیط داخلی و خارجی خود مواجه شده‌اند؛ بنابراین، برای مقابله با تهدیدات همواره راه کارهایی در نظر گرفته شده است که بخش زیادی از این راه کارها و اقدامات با توان نوآوری و خلاقیت نیروی انسانی آن کشور در ارتباط است. اگر تاریخچه نوآوری در امور نظامی را از گذشته تاکنون مورد بررسی قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که نوآوری در جنگ‌ها نقشی کلیدی ایفا کرده است و ارتش‌هایی در سطح دنیا بوده‌اند که به‌رغم اینکه دشمنانشان از فن‌آوری نظامی بسیار بالایی برخوردار بوده و تفوق فن‌آورانه داشته‌اند، اما با نوآوری و خلاقیت نیروهای انسانی آنان و تغییر قواعد توانسته‌اند بر دشمنان خود فائق شوند و نتیجه نبرد را به نفع خود رقم بزنند. نمونه‌ی بارز این واقعیت را می‌توان در جنگ‌های پیامبر گرامی اسلام (ص) با مشرکان مانند غزوه بدر، غزوه خندق و... مشاهده کرد و نمونه‌های متعدد دیگری را در جنگ‌های طول تاریخ جهان یافت (اخوان و دهقانی، ۱۳۹۱: ۳۶۹).

نگاهی گذرا به پیشینه‌ی نوآوری در امور نظامی در ایران نشان می‌دهد که ساختار دفاعی و الگوی تسلیحاتی ایران قبل از انقلاب اسلامی بر مبنای توازن دو قدرت شرق و غرب بود و به‌عنوان عنصری در خدمت غرب، نقش عامل و پیشگیری‌کننده را در برابر شرق ایفا می‌کرد؛ بنابراین، صنایع دفاعی بر وابستگی و مونتاژ تجهیزات مورد نیاز استوار بود. آن هنگام، همه طرح‌ریزی‌های دفاعی در حوزه تولید ابزار نظامی و دفاعی ایران را طراحان و مستشاران آمریکایی تهیه می‌کردند، به نحوی که چهل هزار مستشار آمریکایی در ایران بودند و قرار بود تا سال ۱۳۶۰ به شصت هزار نفر برسد. با ظهور انقلاب اسلامی و قطع روابط نظامی ایران با آمریکا، پشتیبانی از تجهیزات عملاً قطع شد و کشورمان در تحریم کامل قرار گرفت. در این شرایط، صنایع دفاعی به سمت خوداتکایی و خودکفایی حرکت کرده و توسعه یافت؛

به نحوی که امروزه صنعت دفاعی کشور کارآمد، مستقل و خلاق است. امروزه بیش از ۱۳۹ صنعت دفاعی داریم که در بیش از ۷۰۰ صنعت، بخش خصوصی با آن همکاری دارد. نتیجه آن تولید بیش از ۱۱۰۰ محصول نظامی و غیرنظامی و دستیابی به بیش از ۲۷۰ فن آوری بومی است (وحیدی، ۱۳۹۰).

بخش دوم: مبانی اعتقادی و ارزشی علم و فن آوری

قبل از آنکه مبانی اعتقادی و ارزشی علم و فن آوری از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله) تبیین شود، لازم است به چند نکته در باب اهمیت علم و فن آوری از نظر قرآن کریم اشاره شود.

نکته اول آنکه اسلام همواره مشوق علم و دانش بوده است و بر جایگاه علم به‌عنوان یک ارزش بنیادین تأکید کرده است:

«يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (سوره مجادله، آیه

(۱۱)

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند و آنان را که علم داده شدند بسیار بلندمرتبه می‌فرماید.»

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَخْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَخْلَمُونَ» (سوره زمر، آیه ۹)

«بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟»

«فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (سوره نحل، آیه ۴۳)

«پس اگر نمیدانید از آگاهان بپرسید.»

نکته دوم آنکه قرآن کریم هنگامی که از قدرت صحبت می‌کند، علم را به میان می‌آورد، چنانکه در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا در باره‌ی عمل خارق‌العاده عفریتی از اجنه، می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (سوره نمل، آیه ۴۰).

آن کس که علم و دانشی از آن کتاب نزدش بود گفت: من آن را پیش از آن که پلک چشمت به هم بخورد نزد تو می‌آورم.»

ملاحظه می‌شود که در اینجا چون بحث از قدرت است، علم را به میان می‌آورد. نکته سوم آنکه، اسلام علاوه بر کسب دانایی، به مقوله صنعت و فن‌آوری نیز توجه کرده است، چنانکه در چند آیه از قرآن مجید از جمله آیات ۱۰ و ۱۱ سوره سبا و آیه ۸۰ سوره انبیاء به آن‌ها اشاره کرده است.

امام خامنهای (مدظله) نیز با الهام از قرآن کریم، در مناسبت‌های گوناگون نه تنها بر فضیلت علم و دانش و عالم تأکید داشته‌اند، بلکه با ارائه رهنمودها و تدابیر، مسیر درست حرکت علم و فن‌آوری در کشور را ترسیم کرده‌اند؛ چنانکه در یکی از مناسبت‌ها با تأکید بر قدرت و اقتدار آفرین بودن علم و دانش می‌فرمایند:

«علم مایه‌ی قدرت است؛ هم امروز و هم در طول تاریخ؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. این علم یک وقت منتهی به یک فن‌آوری خواهد شد، یک وقت هم نخواهد شد. خود دانش مایه‌ی اقتدار است؛ ثروت آفرین است؛ قدرت نظامی آفرین است؛ قدرت سیاسی آفرین است. یک روایتی هست که می‌فرماید: «العلم سلطان» - علم، قدرت است - «من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه» یعنی مسئله، دو طرف دارد: اگر علم داشتید، می‌توانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید - «صال» یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد؛ «صیل علیه». پس کسی که علم دارد، او دست برتر را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدرات شما دخالت می‌کند؛ در سرنوشت شما دخالت می‌کند» (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳۸۸/۱/۱۳).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پیشرفت جوامع، پیشرفت در حوزه‌ی علم و فن‌آوری است؛ زیرا اساس و بنیاد جوامع انسانی را علم، دانش و فن‌آوری شکل می‌دهد و پیشرفت در حوزه‌ی علم و فن‌آوری، سبب کسب قدرت و اقتدار می‌شود.

۱- مبانی اعتقادی علم و فن‌آوری

*فوائد علم از نگاه دین

«علم برای یک جامعه‌ی انسانی، یک موهبت الهی است: هم علوم ارزشی و علوم معرفتی و هم علمی که به انسان کمک می‌کند تا در این طبیعت عظیم و در این خلقت شگفت‌آور خدای بزرگ، از گنجینه‌هایی که خدا برای انسان در این طبیعت قرار داده، بیشتر و بهتر استفاده کند. از اول پیدایش انسان،

حرکت انسان به سمت پیدا کردن رموز طبیعت و کشف کردن کوچه پس کوچه‌های تو در توی این ساخت عظیم و بافت بزرگ به کار گرفته شده و اسلام و همه‌ی ادیان این را تأیید می‌کنند. شما نمی‌توانید در هیچ دینی - بخصوص دین اسلام - یک تعبیر و جمله‌ای پیدا کنید که نشان‌دهنده‌ی این باشد که این علوم دنیوی فایده‌ای ندارد یا مضر است یا نباید دنبالش رفت؛ به عکس، همه‌ی این دانش‌هایی که تا امروز بشر به آن‌ها دست پیدا کرده که وسیله‌ای است برای اینکه انسان بتواند از این حقیقتی که وجود دارد و این طبیعتی که خدا برای ما آفریده، بهتر استفاده کند و همچنین دانش‌هایی که تا امروز بشر به آن‌ها دست پیدا نکرده شاید دانش‌های بیشتری در آینده پیدا خواهد شد که حجم و کمیت آن‌ها از همه‌ی دانش‌های بشری از اول تا حالا بیشتر است و بشر در آینده به آن‌ها دست پیدا خواهد کرد؛ همه‌ی این دانش‌ها از نظر اسلام با ارزش است» (بیانات در دیدار با نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۸/۵).

* جایگاه مهم علم و عقل در اسلام

«در اسلام ضدیت دین با علم و ضدیت دین با عقل، اصلاً معنا ندارد. در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است؛ اصول اعتقادات را با عقل بایستی به دست آورد؛ در احکام فرعی هم عقل یکی از حجت‌هاست. اگر شما به کتب احادیث ما نگاه کنید - مثل کتاب «کافی» که هزار سال پیش نوشته شده - اولین فصل آن، «کتاب العقل و الجهل» است که اصلاً فصلی است در باب عقل و ارزش و اهمیت آن و اهمیت دانایی و خردمندی. اسلام همچنین نسبت به علم، مهم‌ترین حرکت و مهم‌ترین تحریک و تحریر را داشته است» (بیانات در دیدار با نخبگان و دانشجویان، ۸۳/۷/۵).

* جهان‌بینی ما، مولد و مشوق علم

«دینی که ما می‌شناسیم، جهان‌بینی دینی که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق‌کننده‌ی علم است» (بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه، ۸۷/۶/۵).

* استفاده از خرد و علم خود برای پیدا کردن راه زندگی

«در خطبه‌ی نهج البلاغه هم هست که خدای متعال پیغمبر را فرستاد «و

یثیروا لهم دوائن العقول» تا گنجینه‌های خرد را در میان انسان‌ها بر شورانند و بر انگیزانند. حالا این خرد برای چیست؟ این خرد برای پیدا کردن راه زندگی است. باید فکر کرد، باید با تحلیل و سنجش راه زندگی را پیدا کرد، مهم‌ترین توصیه من به شما جوان‌های عزیزم همین است. این که یکی از شعارهایی که بنده در این چند سال تکرار می‌کنم که نباید به‌طور دائم در عرصه‌ی تجربه و ترجمه، علم ترجمه‌ای، حتی فکر ترجمه‌ای، ایده و مکتب و ایدئولوژی و اقتصاد و سیاست ترجمه‌ای بمانیم، به‌خاطر این است که این ننگ است برای انسان که از خرد، سنجش، تحلیل و درک و فهم خود استفاده نکند و چشم را روی هم بگذارد و مرعوب موج تبلیغاتی شود که بر او تحمیل می‌کنند تا سخنی را بپذیرد» (بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان قزوین، ۸۲/۹/۲۶).

*کوشش علمی یکی از انواع جهاد

«جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت می‌کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود. ایجاد فرهنگ و اندیشه‌ی صحیح در جامعه نیز جهاد است. طرف این جهاد، مستکبران، دشمنان و کسانی هستند که با اسلام، ایران، هویت، ملیت، اسلامیت و صفت‌های اسلامی عناد و دشمنی دارند» (بیانات در دیدار با جوانان، ۱۳۸۱/۱/۲۶).

«یکی از جهادها هم «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هرکس که در راه روشنگری فکر مردم تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود؛ آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب می‌شود. پس کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم. الحمد لله مسئولین کشور خوبند. امروز در رأس کشور، شخصیت‌های مؤمن، مجاهد، آگاه و صمیمی قرار دارند» (بیانات در دیدار با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله، ۷۵/۳/۲۰).

*جهاد علمی بزرگ‌ترین فرایض

«ایران عزیز برای رسیدن به هدف‌های بزرگی که به برکت انقلاب اسلامی در

برابر او ترسیم شد، چشم به تلاش جوانان در عرصه‌ی علم و معرفت دوخته است و بدون آن، فروغ خودباوری و استقلال ملی که در طول دو دهه از انقلاب همواره راهگشای ملت و دولت ما در گذرگاه‌های دشوار بوده است، به ضعف خواهد گرایید. اسلام عزیز بزرگ‌ترین مشوق علم است و چنین بود که در طی قرن‌های پی‌درپی، مسلمانان پرچم دانش و معرفت و پیشرفت علمی را در همه‌ی جهان در دست داشتند و امروز که پس از دوران تلخ تسلط سیاست‌های بیگانه بر کشورمان، بار دیگر ملت ایران آزادی از نفوذ استکبار جهانی را می‌آزماید، جهاد علمی، یکی از بزرگ‌ترین فرایض ما است. بزرگ‌ترین مسئولیت در مقابله با توطئه دشمنان، بر دوش خود دانشگاهیان عزیز، چه اساتید و چه دانشجویان است و یقیناً مانند برخی مقاطع حساس گذشته به این مسئولیت عمل خواهند کرد. انتظار این جانب از فرزندان دانشجوییم آن است که هوشیارانه حوادث سیاسی جهان و کشور را زیر نظر داشته باشند. دشمن را در هر جا و با هر چهره‌ای بشناسند و هدف‌ها و روش‌های خصمانه را با تیزبینی تشخیص دهند. در هیچ شرایطی اجازه‌ی اخلال در روند علم و دین را در دانشگاه به کسی ندهند و محیط مصفا و پرنشاط دانشجویی را برای پیشرفت سریع علمی همراه با تعهد و تدبیر و تلاش انقلابی حفظ کنند.» (بیانات به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها ۷۸/۷/۶).

*دانش حافظ دین

«خطاب علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام به جوان‌ها، یک خطاب سیاست‌گرانه و سیاست‌بازانه نیست، یک نگاه و خطاب حکیمانه و پدران‌ه است. او نمی‌خواهد جوان را در راه رونق بخشیدن به بازار اقتصادی یا معرکه‌ی سیاسی خود استخدام کند؛ بلکه می‌خواهد جوان را در راه رشد و هدایت و صلاحی که مظهر آن خود علی بن ابی‌طالب است، هدایت کند. ایشان این دو جمله را خطاب به جوان‌ها فرمود: «یا معشر الفتیان حصنوا اعراضکم بالادب و دینکم بالعلم»، شرف و حیثیت انسانی خود را با ادب و دین خود را با دانش حفظ کنید. خیلی حرف مهمی است. دانش، دین را حفظ می‌کند، این منطق اسلام است. حالا بگذار یاوه‌گوهای معاند با اسلام دائماً درباره‌ی این که اسلام با علم کنار نمی‌آید، حرف بزنند» (بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان، ۸۲/۹/۲۶).

*محقق شدن آرمان‌ها و اهداف متعالی جامعه به وسیله علم
 «از جمله شاخصه‌های مهم اصولگرایی، یکی «اهتمام به علم و پیشرفت علمی است. شما ببینید چه زمانی در آغاز پیدایش اسلام گفته شد که: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» یا «مؤمن و مؤمنه»؛ یعنی همان وقتی که نماز و زکات و این چیزها آمد، طلب العلم هم آمد؛ «اطلبوا العلم ولو بالصبین» هم آمد. من بارها تکرار می‌کنم، این به خاطر همین است که جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمان‌های خودش را بالا بیاورد. مثل این است که انسان حرف حقی داشته باشد؛ اما اصلاً زبان گفتنش را نداشته باشد. نداشتن علم این طوری است. علم موجب می‌شود که شما بتوانید آن آرمان‌ها، آن اهداف و آن خط روشن و جاده‌ی روشن صراط مستقیمی را که در دست و اختیار شماست، مطرح کنید و کسان بیشتری را از بشریت، به آن هدایت کنید. علم نداشته باشید، این امکان پذیر نخواهد بود؛ بنابراین، علم - که وسیله‌ی رشد ملی، بشری، انسانی و اوج گرفتن در محیط عام بشریت است - جزو چیزهای لازم است و باید به این اهتمام داشته باشید» (بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۸۵/۶/۶).

۲- مبانی ارزشی علم و فن‌آوری

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مقوله علم، سه محور را مورد تأکید قرار می‌دهند: در محور نخست، علم از دیدگاه معظم‌له فی نفسه به‌عنوان یک ارزش بنیادین و مورد توجه دین معرفی شده و در این راستا دین نه تنها تشویق‌کننده علم و کار علمی است، بلکه خود تولیدکننده علم است. در محور دوم و سوم نیز ارزش‌های اخلاقی و معنوی بخش جدانشدنی و اساسی علم و امور علمی معرفی شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که بنا بر رهنمودهای معظم‌له، علم از این ویژگی برخوردار است که هم می‌تواند در خدمت ارزش‌ها باشد؛ و هم در خدمت حیوانیت و سبعت باشد. به تعبیر ایشان، مدیریت علم باید دست انسان‌های صالح باشد نه انسان‌های سلطه طلب و معنویت اسلامی با حیوانیت، با فساد و با سوء استفاده‌ی از علم مشکل دارد؛ نه با دانش و فن‌آوری و تحقیق.

الف) ارزش داشتن علم به خودی خود

*اسلام ارزش را روی علم می‌برد

«اسلام اصلاً نسبت به علم، در درجه‌ی اول، ارزش را روی علم می‌برد؛ چه داشتن علم و آموختن آن به دیگران و چه فراگیری علم. محیط اسلامی، چنین محیطی است» (بیانات در دیدار جوانان نخبه و دانشجویان ۸۲/۷/۵).

*علم ارزش است؛ نه بهره‌گیری نفسانی از علم

«خود علم ارزش است. این ارزش را کسانی می‌توانند به ضد ارزش تبدیل کنند که از او علیه منافع بشریت استفاده کنند؛ اما خود دانش یک ارزش است. به برکت دانش، معرفت خدا هم آسان می‌شود. کسانی که دارای علماند، بیشتر می‌توانند حقانیت پیام پیغمبران و حقانیت پیام راستین اسلام را بفهمند. علم را با شهوات، با غرض‌ها و با چیزهایی که در عالم مادی و گرایش‌های مادی وجود دارد، مخلوط نباید کرد. آنی که آنجا بد است، او ضد ارزش حرکت کردن آن‌ها و شهوانی و نفسانی بهره‌گیری کردن از علم است، نه خود علم؛ بنابراین، علم یک ارزش است؛ در این شک نکنید. هم علوم معرفتی، علوم ارزشی، علوم حقیقی یا اعتباری‌ای مثل فلسفه یا فقه یا امثال این‌ها خیلی با ارزش است و هم علوم‌ی که وسیله‌ی کشف دنیای موجود در اختیار بشر و کشف رازهای آن و توانا شدن بر استفاده‌ی بهتر از این گنجینه‌ی عظیم است» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۶/۵).

ب) همراهی علم با ارزش‌های معنوی و دینی

*زیانبار بودن همراهی علم بدون دین

«من اصرارم بر این است که هر وقت ما برای پیشرفت علم کار می‌کنیم، این را فراموش نکنید که علم و دین توأمان‌اند. علم مجرد از دین و دور از دین ولو در گام اول در کوتاه‌مدت یک کشوری را به یک نقطه‌ای از افتخار هم برساند، اما در بلندمدت برای بشریت زیان‌بار است؛ کما این که دارید می‌بینید که زیان‌بار است» (بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۸۶/۴/۲۵).

*مفید بودن علم فقط با همراهی دین و اخلاق

«این را به‌طور قاطع بدانید، علم هر چه هم پیشرفت کند، اگر از اخلاق و دین فاصله بگیرد، به حال بشریت مفید نخواهد بود. آن کسانی که می‌گویند ما دانش را برای ارتقای بشریت می‌خواهیم، باید به این نکته توجه کنند. حالا مثال‌های واضحی که همه شنیدید، من نمی‌خواهم این‌ها را تکرار کنم که حالا کسانی که مثلاً در علم شیمی پیشرفت کرده‌اند، به بمب‌های شیمیایی و وسایل کشتار جمعی رسیدند؛ کسانی که در علوم هسته‌ای پیشرفت کردند، به بمب اتمی و کشتار فاجعه‌آمیز ملت‌ها رسیدند؛ این‌ها حالا مثال‌های واضحی است. شما در ملت‌ها نگاه کنید. یک ملت پیشرفته‌ی از لحاظ علمی را که در دنیا در اوج پیشرفت علمی قرار دارد، در نظر بگیرید، ببینید آیا مردم این کشور حقیقتاً به سعادت رسیده‌اند؟ آیا در آن کشور عدالت وجود دارد؟ آیا در آن کشور فقر و تبعیض و بی‌عدالتی از بین رفته است؟ آیا آن‌چنان که ادعا می‌کنند، مردم با آرامش و دور از خشونت و تجاوز و تعدی زندگی می‌کنند؟ با اینکه علم در آنجا هست، این واقعیات هم در آنجا هست! آیا بر زندگی خانواده‌ها، یک حس اعتماد و آرامشی حکم فرماست؟ فرزندان در آغوش پدر و مادرها با عواطف خوب تربیت می‌شوند؟ قتل و ترور و جنایت و این‌ها در آنجا نیست؟ می‌بینید درست به‌عکس است. امروز بیشترین ناامنی در آن کشوری است که از لحاظ علمی، بالاترین رتبه را دارد؛ یعنی آمریکا. هیچ کشوری در دنیا به ناامنی آمریکا نیست؛ نه در اروپا، نه در آسیا. بیش‌ترین ناآرامی روانی در آنجاست. بیش‌ترین قتل و خشونت از ناحیه‌ی شهروندان نسبت به یکدیگر در آنجاست. بیش‌ترین تبعیض و فاصله‌ی طبقاتی در آنجاست. ثروت‌هایی به بلندی کوه هیمالیا و فقرهای غیرقابل توصیف - یعنی مردن از گرسنگی به معنای واقعی - در آنجاست. فاصله‌ها این است. مهم‌ترین آرمان‌های بشری که از اول تاریخ تا حالا با تغییرات زمانه تغییر نکرده، این‌هاست. آرمان مهم بشر «عدالت» و «امنیت» است؛ «آسان زندگی کردن در کنار دیگران» است - بهشت آنجاست که آزاری نباشد - «آزار ندیدن از دیگران» است؛ احساس آرامش کردن در روان است؛ راحت بودن در خانواده است؛ لذت بردن از زندگی خانوادگی و از دیدن فرزندان است؛ از بودن در آغوش پدر و مادر

است؛ این‌ها اساسی‌ترین نیازهای بشر است؛ این‌ها چیزهایی است که بشر از اول تا امروز می‌خواسته؛ دیروز هم می‌خواسته و امروز هم می‌خواسته است. این چیزها در آن جامعه‌ای که از لحاظ علمی پیشرفته‌ترین است، مطلقاً وجود ندارد. پس ببینید وقتی که علم با ایمان و اخلاق همراه پیش نرفتند، دوش به دوش پیش نرفتند، نتیجه این می‌شود» (بیانات در دیدار نجفیان جوان دانشگاهی ۱۷/۶/۸۷).

*توفیقات بیشتر علم در صورت همراه شدن با ایمان

«علم را باید با دین همراه دانست. علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت. این، جزو تعالیم اولیه‌ی ما باید باشد در همه‌جا؛ و توفیقات این علم هم بیش‌تر است؛ این را به شما عرض بکنم. نگویند اگر علم را مقدس کردیم و با دین همراه کردیم و مؤمن‌کاری درآوردیم، دیگر پیشرفت نمی‌کند؛ نه‌خیر، الآن همین خود جهاد دانشگاهی شما، همین مجموعه کارهای شما - که به‌وسیله‌ی عناصر مؤمن این همه کار بزرگ انجام گرفته - نشان دهنده‌ی این است که علم وقتی با ایمان همراه باشد، توفیقاتش هم بیشتر خواهد» (بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۱۶/۴/۸۶).

*منافات نداشتن علم و معنویت با یکدیگر

«من توصیه‌ام به جوان‌ها این است: شما، همان قدری که برای علم کار می‌کنید، برای دل و معنویت خودتان هم کار کنید. میدان معنویت به روی شما باز است. علم و معنویت با هم هیچ منافاتی ندارند. کار کردن در یک کارگاه علمی، کارگاه آموزشی، مرکز تحقیقات، فلان کلاس درس و فلان دانشگاه، هیچ منافاتی با این ندارد که انسان نمازش را اول وقت، با توجه و با احساس حضور در مقابل خداوند بجا آورد. این، دل شما را شستشو می‌دهد. شماها جوانید و دل‌های شما نورانی است؛ حتی کسانی هم که تا حالا خیلی با مسائل مذهبی سر و کار نداشته‌اند، دل‌هایشان به‌خاطر جوانی پاک و صاف است؛ یعنی دل شما از دل افرادی در سنین من، وضعش خیلی بهتر است و آمادگی‌تان زیاد است. مثل آینه‌های شفاف، نور لطف و توجه الهی را زود می‌گیرد و منعکس هم می‌کند؛ یعنی شما وقتی که از لحاظ دینی خوب بودید، از لحاظ روحی پاکیزه و پاکدامن بودید، عقیف بودید، متذکر

بودید، حضور خودتان را در برابر پروردگار حقیقتاً حس کردید، وقتی این‌طوری باشید، وجود شماها - در هر نقطه‌ای باشید؛ چه دانشگاه، چه محل کار، چه خانه و چه خانواده و فامیل - تأثیر نورانی خواهد داشت؛ یعنی وقتی شما خوب باشید و نورانی باشید، به دیگران هم نور می‌دهید. این را قدر بدانید و از دست ندهید. این خطاب به شما چند ده نفری که اینجا هستید، نیست؛ این خطاب به همه‌ی جوان‌هاست و به‌خصوص جوان‌هایی که دارند در کار علم حرکت می‌کنند؛ و خوشبختانه امروز به میزان زیادی همین هم هست» (بیانات در دیدار نخبگان جوان ۸۵/۶/۲۵).

ج) جایگاه فعلی ارزش‌ها در قلمرو علم و پیامدهای آن

*قرار گرفتن علوم انسانی در غرب بر مبنای معرفت ضد دینی
«پایه و مبنای علوم انسانی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضد دینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم. در زمینه‌ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به‌وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است» (بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌ها ۸۳/۹/۲۶).

*تلاش دنیا در جدا سازی علم از ارزش‌ها

«در دنیا برای این‌که ثابت کنند که علم ذات سکولار دارد و دانش با ارزش‌ها کاری ندارد، خیلی سعی شد و برایش فلسفه درست کردند؛ استدلال کردند و بحث کردند برای این‌که مفهوم دانش را یک مفهوم مجرد از ارزش‌ها معرفی کنند؛ درست نقطه‌ی مقابل کاری که الآن شما کرده‌اید» (بیانات در دیدار اعضا جهاد دانشگاهی ۸۳/۴/۱).

*حذف دین و معنویت در جریان حرکت علمی و روشنفکری اروپا

«بنده وقتی که در معارف اسلامی دقت می‌کنم، برایم روشن است که عموم آن چیزهایی که ملل اروپایی به‌وسیله آن‌ها توانسته‌اند در زندگی مادی خودشان پیشرفتی داشته باشند، در همین معارف اسلامی است. زیرا این‌که

ملتی در گذشته خود در قعر ظلمات جهل و خرافه و عقب ماندگی باشد و کتاب و کتابخانه نداشته باشد و حتی اولیات علم و معرفت را هم نداند و ناگهان ظرف نیم و یا یک قرن، از منجلاب آن عقب ماندگی بیرون بیاید، نمی تواند تصادفی باشد؛ اما متأسفیم که آن حرکت اروپا، با حرکتی که خودشان به غلط اسم آن را «حرکت روشنفکری» یا «روشنگری» می گذارند، همراه شد؛ حرکتی که پیامش حذف دین و روی آوردن به - اصطلاحاً - اصالت انسان در تفکرات و فلسفه ها و روش هایشان بود. عیب کارشان، این بود؛ و آلا اگر معنویت را کنار نمی گذاشتند، بی شک امروز زندگی شان به مراتب بهتر و نورانیت علم از آن ناحیه، صدها و هزارها برابر بود.

خوب؛ به هر حال این اشتباه را مرتکب شدند و این حرکت را انجام دادند. البته عواملی هم داشت. در هر شکل، نقاط مثبتی که در زندگی شان وجود داشت و توانست آن ها را از آن منجلاب عقب ماندگی و جهالت بیرون بیاورد - اگر دقت کنید - به وضوح در زندگی گذشته و تاریخ آنان نمودار است؛ اما افسوس که با کنار گذاشتن معنویت، این نقاط مثبت هم کم رنگ باخت و کاملاً محو شد» (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگ عمومی استان ها ۷۴/۴/۱۹).

* ضرورت مدیریت علم در دست انسان های صالح

«وقتی علم در مدیریت انسان هایی قرار گرفت که جز به جنبه های حیوانی زندگی نمی اندیشند، همین خواهد شد؛ اما اگر علم به وسیله ی بندگان صالح مدیریت شد، آن وقت خدمت می کند و زیان نمی رساند. اگر آن کسانی که انرژی هسته ای را کشف کردند، اهل فضیلت و تقوا بودند، اگر آن کسانی که آن را به کار گرفتند، اهل فضیلت بودند و بندگان صالح، هرگز حادثه ی هیروشیما پیش نمی آمد. تا امروز هم که شما نگاه می کنید، می بینید که این ها تا آن جایی که می توانند، همچنان از این نیروی مخرب استفاده می کنند. این قدرت ها توان هسته یی ضعیف شده را در جنگ ده، دوازده سال پیش که با عراق داشتند به کار بردند، در همین حوادث هم از آن استفاده کردند و در بعضی از مناطق دیگر دنیا هم این سلاح را به کار بردند که مایه ی قطع نسل و حرث شد؛ «یهلک الحرث و النسل واللّه لایحِبّ الفساد»، که منطبق بر آیه ی قرآنی است. انسان ها را مقطوع النسل و زمین ها

را ضایع کردند. سال‌های متمادی - خدا می‌داند - آثار مخرب آن اشعه‌ی مسموم کننده و نابود کننده را برای ملت‌ها و برای نسل‌های آینده باقی گذاشتند. اگر مدیریت علم دست انسان‌های صالح باشد، این مسائل پیش نمی‌آید و علم در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت؛ چون این ظرفیت را دارد و می‌تواند این‌طور باشد» (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگ عمومی استان‌ها ۱۹/۴/۷۴).

* علم بدون دین وسیله‌ی تخریب حرث و نسل

«علمی که از دین جدا شد و خودش را متعهد به دین ندانست، نتیجه‌اش همین می‌شود که امروز در دنیا رایج است؛ علم وسیله‌ی زورگویی است، وسیله‌ی استثمار است، وسیله‌ی تخریب حرث و نسل است و محصول علم، بمب اتم است از یک طرف؛ از طرف دیگر، محصول علم، این مواد مخدر کذایی است؛ محصول علم، روی کار آمدن سیاستمداران دور از همهی احساسات انسانی است در خیلی از کشورهای دنیا» (بیانات در بازدید از پژوهشگاه رویان ۲۵/۴/۸۶).

* علم و فن آوری در دست ملت برخوردار نشده از کمال عامل تهدید کننده حیات بشری

«اما اتم، در دست ملتی که از کمال برخوردار نیست، تهدید کننده‌ی حیات بشری است. موشک‌های قاره‌پیما، کلاهک‌های اتمی، زرادخانه‌های پیشرفته، فن آوری فضایی و ارتباطات شگفت‌آور، وقتی در اختیار قدرت‌های امروز مستکبر دنیا باشد، نتیجه‌اش چه می‌شود؟ نتیجه‌اش ظلمی می‌شود که امروز آمریکا یا قدرت‌های دیگر - و دبروز شوروی سابق - در حق ملت‌ها و میلیون‌ها انسان روا می‌داشتند و می‌دارند» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی (ع) ۱۵/۱/۷۱).

* استفاده غرب از برتری علمی برای مقاصد سلطه‌گرا

«اما یک نکته‌ی مهمی است که از زمانی که غربی‌ها جلو افتادند، از این برتری علمی، برای مقاصد سیاسی و اقتصادی سلطه‌گرا استفاده کردند؛ استعمار به وجود آمد. استعمار قبلاً وجود نداشت. معنای استعمار این است که یک کشوری با هزارها کیلومتر فاصله، دست‌اندازی کند به یک کشوری که منبع ثروت است - مثلاً شبه قاره‌ی هند - و آنجا را به قدرت شمشیر و

به قدرت سلاح پیشرفته، در اختیار خودش بگیرد. خب میدانید، انگلیس هم محاط به دریاست. انگلیسی‌ها چون در کار کشتیرانی و دریانوردی یک مهارتی پیدا کرده بودند؛ این دریانوردی را توسعه دادند، خطرپذیری کردند، ریسک‌پذیری کردند، آمدند هندوستان را پیدا کردند و بر آن تسلط پیدا کردند؛ اینجا از برتری علمی خودشان استفاده‌ی سیاسی کردند! کاری که تا آن زمان هیچ کدام از کشورهای گوناگونی که دارای برتری علمی بودند، نکرده بودند. هم انگلیسی‌ها، هم بلژیکی‌ها، هم هلندی‌ها، این‌هایی که طرف منطقه‌ی شرق و منطقه‌ی شبه قاره‌ی هند رفتند و اول بار استعمار را راه انداختند و هم آن کسانی که بعد رفتند آفریقا را گرفتند - گروهی از کشورهای اروپایی مثل پرتغال - این‌ها از قدرت پیشرفت علمی و توانایی علمی‌شان، استفاده‌ی سیاسی کردند؛ یعنی استعمار را به وجود آوردند. وقتی استعمار به وجود آمد، سرنوشت آن ملت استعمار زده در دست آن ملت استعمارگر قرار گرفت؛ از این استفاده کردند برای اینکه آن‌ها را در جهالت نگه دارند و تا آنجایی که البته می‌توانستند، مسابقه‌ی علمی را متوقف کردند!

این اتفاقی است که افتاده و کاری است که شده. خب، این سوء استفاده‌ی از علم بود. دنیا تحولات دارد؛ انسان‌ها در یک حدی محدود نمی‌مانند و انسان را نمی‌شود زندانی کرد. بالاخره جوشش استعداد انسانی - چه در زمینه‌ی علمی، چه در زمینه‌ی سیاسی - کار خودش را می‌کند و کرد. حرکت‌های فراوانی از طرف مردم در جاهای مختلف دنیا به وجود آمد» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۱۵).

بخش سوم: پیامدهای تولید و پیشرفت علم و فن‌آوری

بخش مهمی از رهنمودهای امام خامنه‌ای (مدظله) در این بخش مربوط به استفاده‌های نابجای کشورهای استعمارگر از علم و فن‌آوری در راستای اهداف سلطه جویانه و برتری طلبانه است. ایشان با تکیه بر آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، بر این نکته تأکید کرده‌اند که علم مایه‌ی سلطه و برتری است و

هرکس بدان دست یابد به برتری می‌رسد. از این رو، با شناخت محورهای مهم رهنمودهای معظم‌له در این بخش می‌توان به ترسیم روشن‌تر روابط علت و معلولی میان مؤلفه‌های اثرگذار علم بر موفقیت‌های ملی پرداخت.

*احتیاج آینده به علم

«مسئله‌ی علم در کشور خیلی مهم است. با مطالعه‌ی دقیق و همه‌جانبه، انسان به چند سرفصل محدود می‌رسد، که یکی از آن‌ها علم است. ما برای آینده به علم احتیاج داریم. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و اندیشه و فکر که مطرح شد، باید جدی گرفته شود. خوشبختانه زمینه‌ها کاملاً آماده و استقبال هم خیلی خوب است. مردم را نسبت به مقوله‌ی علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی، کار و ابتکار گره‌گشا و پیش برنده و مقولاتی از این قبیل حساس کنید.

علم مقوله‌ی بسیار مهمی است. امروز انسان وقتی به راه‌های مختلف برای پیشرفت کشور نگاه می‌کند، می‌بیند همه منتهی می‌شود به علم. لعنت خدا بر کسانی که در طول ده‌ها سال کشور را از پیشرفت علمی باز داشتند. وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فن‌آوری را هم با خودش می‌آورد و پیشرفت فن‌آوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به وجود می‌آورد. اگر علم نباشد، هیچ چیز نیست؛ و اگر فن‌آوری هم نباشد، فن‌آوری عاریه‌ای و دروغی و وام‌گرفته‌ی از دیگران است؛ مثل صنعت‌های مونتاژی که وجود دارد. علم را باید رویانید» (بیانات در دیدار رئیس و معاونان صدا و سیما ۸۳/۹/۱).

*خطرپذیری و کار سخت، عناصر تأثیرگذار در پیشرفت‌های ملی

«من در سرنوشت و تاریخ ملت‌ها یک قدری مطالعه می‌کنم - نه فقط در گذشته، در زمان خود ما هم همین‌طور است - می‌بینم که دو عنصر از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در پیشرفت‌های ملی برای کشورها، عبارت است از: یکی «خطرپذیری» و یکی هم «کار سخت و پیگیر و پشتکار» است. من می‌خواهم امروز این دو خصوصیت را به شماها توصیه کنم.

خطرپذیری؛ نقطه‌ی مقابل آن، ترس است. ترس از چه؟ ترس از عدم موفقیت؛ وارد نشویم که مبادا موفق نشویم؛ حرکت نکنیم که مبادا نرسیم؛

اقدام نکنیم که مبادا مورد قبول قرار نگیرد؛ اقدام نکنیم که مبادا برای ما مشکلات ایجاد کند. این‌ها همه‌اش نقطه‌ی مقابل خطرپذیری است. یکی از خصوصیات خوب غربی‌ها - که ما خصوصیات بد و خوب، هر دو را در کنار هم می‌بینیم و انکار نمی‌کنیم - خطرپذیری است. غربی‌ها این خصوصیت مثبت را و به تبع آن‌ها آمریکایی‌ها - که فرهنگ اروپایی‌ها را اول بار گرفتند - خطرپذیرند. خطرپذیری می‌تواند جامعه را موفق کند. شما جوان‌ها باید آماده باشید؛ ترس از این که شاید نشود، این خیلی چیز بدی است. گاهی اوقات تصورات انسان، یک آینده‌ای را برای انسان تصویر می‌کند که به کلی او را مأیوس می‌کند؛ این به نظر من، یکی از ایرادهاست. حالا اگر وارد دانشگاه شدیم، اگر درس خواندیم، اگر این تحقیق را کردیم، اگر وارد رشته‌ی تحقیق و پژوهش شدیم، آیا قبول می‌شود؟ آیا دست ما را به جایی بند می‌کنند؟ آیا نمی‌کنند؟ باید وارد شوید! به قول شاعر عرب می‌گوید: «شر من الشر خوف منه عن یقعی»؛ از بلا بدتر، ترس از بلاست، ترس از فرود آمدن بلاست؛ این از خود بلا سخت‌تر است. مبادا نشود؛ خوب به این «مبادا» نباید اعتنا کرد. وارد شوید، خواهید دید که می‌شود. در همه‌ی میدان‌های مادی و معنوی که انسان موفقیتی مشاهده می‌کند، این جرأت و گستاخی و نترسیدن از احتمال موفق نشدن، عامل بسیار مهمی است که ما را پیش می‌برد.

یکی هم مسئله‌ی «کار سخت» نقطه‌ی مقابل تنبلی است. نگذارید تنبلی و راحت‌طلبی و تن دادن به زندگی دور از مشکل، شما را وسوسه کند. اگر این حالت تنبلی وجود داشت، هیچ‌کدام از این کشفیات مهم علمی به وجود نمی‌آمد. شرح حال این کاشفان و مخترعان بزرگ را ببینید، چطور خواب را بر خودشان حرام کردند، سختی‌ها را برای خودشان هموار کردند، با مشکلات ساختند و رفتند تا به آن نقطه‌ی اساسی رسیدند. البته این موفقیت‌ها در بسیاری از موارد - شاید بتوان گفت در اغلب موارد - در نهایت هم برایشان فایده داشته؛ فایده‌ی مادی و زندگی و عنوان و پول و این چیزها را هم داشته است. لیکن این‌ها از اول هدفشان این چیزها نبوده است؛ می‌خواستند بروند تا عمق یک مسئله و یک کار را به دست آورند و به آنجا برسند. این را

به‌عنوان یک توصیه‌ی قطعی عرض می‌کنم» (بیانات در دیدار با نخبگان جوان ۱۳۸۵/۶/۲۵).

* علم از بین برنده نظام سلطه

«الآن بافت سیاسی دنیا این است: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. اگر بناست این بافت به هم بخورد و کشورها بتوانند به قدر ظرفیت ملت‌هایشان و استعداد ملت‌هایشان در روابط عالم جایگاهی داشته باشند، عمده‌ترین چیزی که در این کار تأثیر دارد، علم است؛ بنابراین، علم را باید جدی گرفت؛ باید پیش رفت» (بیانات در دیدار با نخبگان جوان ۱۳۸۵/۶/۲۵).

* علم ابزار و مقدمه تمدن سازی

«برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه‌ی اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این تمدن‌ساز است» (بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای ۱۳۸۵/۳/۲۵).

* علم و فن‌آوری، کلید خوشبختی ملت‌ها

«فرق کشورهاییی که می‌توانند سرنوشت خود و بلکه بخشی از دنیا را به دست بگیرند، با آن کشورهاییی که مثل پر کاهی در امواج سیاست‌های جهانی به این طرف و آن طرف می‌روند، در همین است. کلید اصلی هم علم و بر اثر علم، فن‌آوری است؛ بایستی آن کشور و ملتی که تصمیم دارد سرنوشت خودش را خودش بسازد و خودش، خودش را به خوشبختی برساند، این کلید را پیدا کند» (بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای ۱۳۸۵/۳/۲۵).

* تأثیر علم در مهار زورگویی دیگران

«ببینید، علم مایه‌ی قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزش‌های خود و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد - که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگویی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگویی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سال‌ها حکومت

استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۶/۵).

* علم وسیله رسیدن به حقوق ملی

«مگر بی‌علم می‌شود به حقوق ملی خود واقف شد یا آن حقوق را به دست آورد و یا در راه آن‌ها به مبارزات درست دست زد؟ ملتی که علم ندارد، محکوم به عقب ماندگی و ذلت و بارکشی و بداخلاقی و دون و فرودستی در معادلات جهانی است» (بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور ۶۹/۵/۲۳).

«باید علم را - که مایه‌ی اقتدار ملی است - همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون‌جوش است؛ درون‌زاست. باید استعداد‌های یک ملت به کار بیفتند تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه عالم بشود» (بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد امام خمینی ۸۵/۳/۱۴).

* علم، عامل کسب عزت و اعتماد به نفس ملت

«ما امروز باید توجه کنیم که علم همچنان‌که در یک فرد عزت نفس و اعتماد به نفس می‌آفریند، در یک ملت هم عیناً همین کار را می‌کند... ملتی که از علم و دانش برخوردار بود، فتوحات علمی داشت و توانست در دنیا در علم نوآفرینی کند، به‌طور طبیعی دارای اعتماد به نفس و عزت نفس خواهد بود. اگر این عزت نفس و این اعتماد به نفس در ملتی پدید آمد، بسیاری از مشکلات او حل خواهد شد؛ کارهای بزرگ می‌کند، خطرپذیری‌ها می‌کند، در میدان‌های دشوار قدم می‌گذارد و کوه‌ها را از جا می‌کند. کلید این کارها علم است. ما باید علم را در کشور احیا کنیم؛ این، نقطه‌ی اصلی مسئله است» (بیانات در دیدار وزیر علوم و روسای دانشگاه‌ها ۸۳/۱۰/۱۷).

* علم، ایجاد کننده ثروت و قدرت نظامی

«قدرت پیدا کنید. اگر ایران اسلامی بتواند در زمینه‌ی علمی سخن خودش را در حد سخنان اول دنیا در بیاورد، کار شدنی است؛ چون علم، ثروت هم ایجاد می‌کند، قدرت نظامی هم ایجاد می‌کند، اعتماد به نفس هم ایجاد

می‌کند. من بارها گفته‌ام، باز هم می‌گوییم و باز هم بارها تأکید خواهیم کرد که پایه و زیربنای اقتدار آینده‌ی شما ملت عزیز در قدرت علمی است» (بیانات در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۱۴۷/۲۴).

*اقتدار علمی منشأ کسب اقتدار اقتصادی و سیاسی

«امروز کسانی در دنیا زور می‌گویند، خلاف قوانین بین‌المللی رفتار می‌کنند، وقیحانه‌ترین موضع را در دنیای تعامل بین‌المللی انسان‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها می‌گیرند و خجالت هم نمی‌کشند؛ سرشان را هم بالا می‌گیرند. چرا؟ چون قدرت دارند؛ قدرت اقتصادی و سیاسی (که از اقتصادی ناشی می‌شود) و بالاتر از همه‌ی این‌ها، قدرت علمی، که منشأ همه‌ی این‌هاست؛ یعنی منشأ قدرت اقتصادی و سیاسی‌شان هم قدرت علمی است. ما این طرف دنیا حرف‌های حق زیادی داریم؛ حرفمان را شجاعانه می‌زنیم، منطقمان را در صحنه‌های رویارویی منطقی هم اثبات می‌کنیم، در عمل هم البته چون توفیق الهی شامل حال این ملت شده و ایمان دارد، به‌قدر ایمان خودش، پیشرفت می‌کند؛ یعنی نتوانسته‌اند هم به آرزوهای خودشان در مورد این ملت برسند؛ اما احتیاج به یک چیز دیگری هم داریم و آن، عبارت است از «قدرت بین‌المللی» تا بتوانیم این راه را بی‌دغدغه، درست، به‌طور کامل، همه‌جانبه و بی‌کم و کاست ادامه دهیم و به اهداف و آرمان‌هایمان برسیم. این قدرت را (قدرت اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی) چه‌طوری به دست آوریم؟ پایه و مایه‌ی همه‌ی این‌ها، قدرت علمی است! یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه‌ی افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال این‌ها به دست می‌آید؛ پول تابع توانایی‌هاست. امروز این‌طوری است؛ علم را می‌شود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این، جایگاه علم است. ما از علم عقب مانده‌ایم. نه فقط در دوران پنجاه‌ساله‌ی منحوس پهلوی (که البته در این دوران، از لحاظ عمق علمی، پدر این مملکت را در آوردند. حالا خود تحلیل این مسئله، یک تحلیل تاریخی - اجتماعی است و یک مسئله‌ی مهمی است) بلکه از قبل از آن. دوران قاجاریه و پهلوی مظهر این عقب‌ماندگی علمی است. ما

حالا داریم تلاش می‌کنیم که بتوانیم این درّهی وسیع را پُر کنیم. وظیفه‌ی دانشگاه در این کشور، این است که این درّهی علمی را پُر کند. هر چه می‌توانید، علم بیاموزید» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه امام صادق ۱۰/۲۹/۸۴).

* علم، ابزار تمدن‌سازی و تاریخ‌سازی

«برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه‌ی اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این تمدن‌ساز است. فرق کشورهای که می‌توانند سرنوشت خود و بلکه بخشی از دنیا را به دست بگیرند، با آن کشورهایی که مثل پر کاهی در امواج سیاست‌های جهانی به این طرف و آن طرف می‌روند، در همین است. کلید اصلی هم علم و بر اثر علم، فن‌آوری است؛ بایستی آن کشور و ملتی که تصمیم دارد سرنوشت خودش را خودش بسازد و خودش، خودش را به خوشبختی برساند، این کلید را پیدا کند» (بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای ۸۵/۳/۲۵).

* علم وسیله‌ی اقتدار و برتری

«علم وسیله‌ی اقتدار است. باید علم را به دست آورد. چاره‌ای نداریم و همان طور که عرض کردم، از مدیریت کلان کشور بگیرید تا کارهای سازندگی و زیبایی شهرها و بهداشت و درمان و چه و چه. اگر بخواهید کشور در آینده، پیشرفت و ارتقا پیدا کند باید علم داشته باشید. آن هم علمی که بجوشد. چشمه‌ی علم لازم است، نه استخر علم! باید بجوشید، والا دیگران علم را به دست می‌آورند و پس‌مانده آن را البته معمولاً، پس‌مانده‌های قدیمی را به شما می‌دهند، تازه‌های علمی، پیش‌خودشان می‌ماند. به ما بدهند باز همان وضع و محاذات کنونی یا قبلی برقرار خواهد بود، بدتر هم خواهد شد.

باید راه میانبری پیدا کنید و این نمی‌شود، مگر با علم. هیچ کس هم نمی‌تواند ادعا کند که یک قدم بالاتر در علم حتماً مال کسانی است که علم را تاکنون دارند. البته برای او برداشتن قدم بالاتر، آسان‌تر است؛ اما قدم بالاتر فقط مال او نیست. علم را می‌توان با تلاش و کوشش به دست آورد، مقدماتی لازم

است» (بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱).

«در یک روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود: «العلم سلطان، من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همهی معنای کامل آن به‌عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوان‌ها، استادان و دانشگاه‌ها می‌گویم» (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۱/۱).

«آنچه که در درجه‌ی اول در ایجاد قدرت ملی مهم است، به نظر من دو چیز است: یکی علم است، یکی ایمان. علم مایه‌ی قدرت است؛ هم امروز و هم در طول تاریخ؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. این علم یک وقت منتهی به یک فن‌آوری خواهد شد، یک وقت هم نخواهد شد. خود دانش مایه‌ی اقتدار است؛ ثروت‌آفرین است؛ قدرت نظامی‌آفرین است؛ قدرت سیاسی‌آفرین است. یک روایتی هست که می‌فرماید: «العلم سلطان» - علم، قدرت است - «من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه». یعنی مسئله، دو طرف دارد: اگر علم داشتید، می‌توانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید - «صال» یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد؛ «صیل علیه». پس کسی که علم دارد، او دست برتر را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدرات شما دخالت می‌کند؛ در سرنوشت شما دخالت می‌کند. گنجینه‌ی معارف اسلامی پر است از این حرف‌ها. یکی هم ایمان است؛ که حالا بحث ایمان، بحث دیگری است؛ بحث مفصلی است» (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۱/۱).

* تأثیرگذاری بر دنیا با استفاده از علم

«بدون علم که در دنیا هم نمی‌شود اثر گذاشت. شما بهترین آدم‌های دنیا باشید، ما بهترین و شریف‌ترین و عزیزترین ملت‌ها باشیم؛ وقتی نتوانیم روی بشریت اثر بگذاریم، وقتی نتوانیم این گرداب مهلک را مهار بکنیم، چه فایده‌ی دارد؟ رسالت یک انسان که یک رسالت فردی و خانوادگی و یک رسالت ملی به معنای محدود نیست؛ بلکه یک رسالت انسانی است. انسان، اصلاً در محدوده‌ی انسانیت زندگی می‌کند. مگر می‌شود این همه کارهای

بزرگ را بدون علم انجام داد؟» (بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۶۹/۵/۲۳).

* تولید علم و فن آوری رمز سعادت و امنیت کشور

«تولید در یک گستره‌ی وسیع باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فن آوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسان‌های کارآمد؛ این‌ها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره‌ی وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگماریم. این تأمین کننده‌ی امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است؛ این یک جهاد است. من امروز به شما عرض می‌کنم، هم به مسئولین و مأموران دولتی و هم به آحاد مردم، به خصوص به شما جوان‌ها؛ این یک جهاد است. امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار، تولید کالا، کالای مورد نیاز مردم، تولید انسان کارآمد، تولید فرصت و تولید عزت، هر کدام از این‌ها یک جهاد است. مجاهد فی سبیل‌الله تولید کننده است؛ باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم.» (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۵/۱/۸۵).

بخش چهارم: راهبردهای دستیابی به علوم و فن آوری‌های پیشرفته

به اعتقاد امام خامنه‌ای (مدظله) پیشرفت علمی و رشد علمی باید در رأس همه کارهای اساسی برای پیشرفت کشور باشد و ما باید خود را از فقر علمی نجات دهیم. به تعبیر دیگر، اقتدار حقیقی یک ملت در گرو علم است و علم است که بقیه‌ی منابع و مایه‌های اقتدار را به کشور ارزانی می‌دارد.

نگاهی به بیانات معظم‌له در مجامع علمی و دانشگاهی نشان دهنده آن است که ایشان در حال حاضر ضرورت اول کشور را پیشرفت علمی و فراگیری دانش می‌دانند. این موضوع پیش‌تر تحت عناوین دیگری مانند جنبش نرم‌افزاری و کرسی‌های نظریه پردازی توسط ایشان مورد تأکید قرار گرفته بود؛ اما در حال حاضر ضرورت بیشتری از بیانات ایشان دریافت می‌شود. به‌طور کلی، دلیل این تأکید این است که به نظر ایشان علم، عامل عزت، قدرت و امنیت یک ملت است.

پیامدهای تولید و پیشرفت علم و فن آوری

علم، عامل کسب عزت و اعتماد به نفس ملت	احتیاج آینده به علم
علم، ایجاد کننده ثروت و قدرت نظامی	خطرپذیری و کار سخت؛ عناصر تأثیرگذار در پیشرفت‌های ملی
اقتدار علمی منشأ کسب اقتدار اقتصادی و سیاسی	علم از بین برنده نظام سلطه
علم، ابزار تمدن‌سازی و تاریخ‌سازی	علم ابزار و مقدمه تمدن‌سازی
علم وسیله‌ی اقتدار و برتری	علم و فن‌آوری، کلید خوشبختی ملت‌ها
تأثیرگذاری بر دنیا با استفاده از علم تولید علم و فن‌آوری رمز سعادت و امنیت کشور	تأثیر علم در مهار زورگویی دیگران علم وسیله رسیدن به حقوق ملی

الف) اهتمام در گسترش علم و فن آوری

* تولید علم همراه با استقلال و بدون وابستگی

«استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمی‌شود. امروز هستند کشورهایی - به خصوص در آسیا - که از لحاظ فن‌آوری، از لحاظ دانش، از لحاظ مصنوعات، پیشرفت‌های ظاهری دارند؛ خیلی از جاهای دنیا را هم تصرف کرده‌اند؛ اما وابسته‌اند، وابسته‌اند ... دنباله‌رواند؛ غالباً هم دنباله‌رو آمریکا. این پیشرفت نیست و ارزشی ندارد» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان استان کردستان ۸۸/۲/۲۷).

* اهمیت دادن به تحقیقات و تحقیقات کاربردی

«امروز مسئله‌ی تحقیقات برای ما یک مسئله‌ی تجملاتی نیست، یک مسئله‌ی حیاتی است» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی مشهد ۸۶/۲/۲۵).

«هیچ کشوری بدون تحقیقات به برتری نظامی و هیچ برتری دیگری دست پیدا نمی‌کند. تحقیق، ریشه است. بحث تحقیقات بحث بسیار مهمی است. اگر به تحقیقات اهمیت بدهیم آن وقت آن انشراح و گستردگی درونی درون‌زا را پیدا می‌کنیم برای هر گونه ساختی، هر گونه تولیدی، هر گونه نوآوری‌ای» (۱۶/۳/۳).

ب) توجه جدی به نوآوری، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و اندیشه یکی از بنیادی‌ترین محورهای بیانات مقام معظم رهبری در مقوله‌ی توسعه‌ی علم و فن‌آوری، موضوع نوآوری و دست یافتن به قلمروهای جدید در زمینه علم است.

«این که من گفتم تولید علم، معنایش این نیست که علم دیگران را یاد بگیریم - آن را که باید یاد بگیریم و در این شکی نیست - معنایش این است که ما خطِ مرزِ دانش را بشکنیم، باز کنیم و آفاق جدیدی را فتح کنیم؛ البته این کار دشواری است. ما باید به فن‌آوری جهشی دست پیدا کنیم؛ ما باید بتوانیم بر فن‌آوری‌های موجود دنیا بیفزاییم... ما می‌خواهیم در زمینه‌ی دانش و فن‌آوری به جایی برسیم که شأن ملت ایران است. این فقط یک نگاه غرورآمیز ملی نیست، این نژادپرستی نیست؛ این حتی یک نگاه انسانی‌عام به همه‌ی بشریت است؛ به خاطر این که اگر ما بتوانیم در دانش، در خط مقدم قرار بگیریم، انگیزه‌های جهان‌گیری و جهان‌گشاییِ غرب را نداریم؛ انگیزه‌های سودجویانه‌ی از ملت‌ها را نداریم؛ دانش ما که به سود ماست، به سود ملت‌های دیگر هم هست» (بیانات در دیدار جامعه‌ی مهندسان ۱۲/۵/۱۳۸۳).

ایشان در مناسبت دیگری در زمینه پیشرفت علم و فن‌آوری فرمودند: «مسئله‌ی علم در کشور خیلی مهم است. با مطالعه‌ی دقیق و همه‌جانبه، انسان به چند سرفصل محدود می‌رسد، که یکی از آن‌ها علم است. ما برای آینده به علم احتیاج داریم. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و اندیشه و فکر که مطرح شد، باید جدی گرفته شود. خوشبختانه زمینه‌ها کاملاً آماده و استقبال هم خیلی خوب است. مردم را نسبت به مقوله‌ی علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی، کار و ابتکار گره‌گشا و پیش‌برنده و مقولاتی از

این قبیل حساس کنید.

علم مقوله‌ی بسیار مهمی است. امروز انسان وقتی به راه‌های مختلف برای پیشرفت کشور نگاه می‌کند، می‌بیند همه منتهی می‌شود به علم. لعنت خدا بر کسانی که در طول ده‌ها سال کشور را از پیشرفت علمی باز داشتند. وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فن‌آوری را هم با خودش می‌آورد و پیشرفت فن‌آوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به وجود می‌آورد. اگر علم نباشد، هیچ چیز نیست؛ و اگر فن‌آوری هم نباشد، فن‌آوری عاریه‌یی و دروغی و وام‌گرفته‌ی از دیگران است؛ مثل صنعت‌های مونتاژی که وجود دارد. علم را باید رویانید» (بیانات در دیدار رئیس و معاونان صدا و سیما ۱۳/۹/۱).

از آنجایی که نوآوری در عرصه‌ی دفاعی موضوعی مهم و نیازی ضروری است، در ادامه این بخش تلاش می‌شود تا رهنمودهای ایشان در این زمینه مورد تبیین قرار گرفته تا مشخص شود که نگاه راهبردی ایشان به موضوع نوآوری دقیقاً چه مواردی را در بر می‌گیرد.

(۱) مفهوم نوآوری

در نظر امام خامنه‌ای (مدظله) نوآوری به مفهوم پیدا کردن راه‌های نو، پیشرفت در امور رو به تکامل، اجتهاد در فرهنگ معارف اسلامی است.

«نوآوری به معنای پروژه جدید ایجاد کردن نیست، بلکه راه‌های نو را پیدا کردن و آن را به‌عنوان برنامه و راهنمای کار در اختیار دولت قرار دادن و شیوه‌های نو را ابداع کردن است» (بیانات در دیدار هیئت دولت، ۸۷/۶/۲).

«معنای نوآوری این نیست که ما اصول پذیرفته شده منطقی و عقلانی خودمان را زیر سؤال ببریم. معنای نوآوری، پیشرفت و تکامل در اموری است که رو به تکامل هستند. مثلاً عدالت چیز خوبی است. کسی که بخواهد نوآوری کند، شیوه خوبی را برای تأمین عدالت پیدا می‌کند، اما در خوبی عدالت شک نمی‌کند» (بیانات در دیدار هیئت دولت، ۸۷/۶/۲).

«برای نوآوری علمی که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر

می‌شود، دو چیز لازم است، یکی قدرت علمی و دیگر جرأت علمی» (بیانات در دیدار دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۷۹/۱۲/۹).

(۲) ملزومات اولیه نوآوری

از دیدگاه مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نوآوری الزامات اولیه‌ای دارد که آن‌ها را می‌توان به شرح زیر بر شمرد:

* قدرت و جرأت علمی

«برای نوآوری علمی که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود، دو چیز لازم است، یکی قدرت علمی و دیگر جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره‌ی علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره‌ی انباشته‌ی علمی آن‌ها هیچ‌جا کاربرد ندارد، کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی‌رساند؛ بنابراین، جرأت علمی لازم است. علم باید در روند تعالی خود، با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش رود. انقلاب‌های علمی در دنیا این‌گونه به وجود آمده است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید» (بیانات در دیدار دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۷۹/۱۲/۹).

* ایمان و اراده

«اکثر شما شاید جنگ تحمیلی را درک کرده‌اید؛ اما من نمی‌دانم چه قدر خاطرات روزهای اول جنگ در یاد شماها زنده است. یک ملت در مقابل تهاجمی قرار گرفته بود، اما در واقع از ابزارهای متعارف هیچ چیز نداشت؛ سراغ تانک می‌رفتیم، نبود یا کم بود و یا ناقص بود؛ سراغ سلاح می‌رفتیم، همین‌طور؛ سراغ هواپیما می‌رفتیم، همین‌طور. کسانی هم که آن روز در رأس بعضی کارهای مؤثر بودند، دائم آیه یأس می‌خواندند؛ اما همین بارقه الهی و انگیزه اخلاقی و معنوی و دینی و همین خداجویی، دل‌های جوان‌ها را -

همین پاسدارها، همین نیروهای مردمی و بسیج از همه قشرها، همین عناصر بسیار مؤمن و خالص ارتش را - آن‌چنان آماده کرد که جان‌ها توانستند، ضعف جسم‌ها را جبران کنند» (بیانات در دیدار گروهی از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۱۳۸۱/۷/۱۷).

«من همیشه به مسئولان مربوط در بخش‌های گوناگون - چه در بخش اقتصاد، چه در بخش کارهای علمی - توصیه کرده‌ام و الآن هم می‌گویم که اگر همین همت‌ها، همین روحیه‌ها و همین دل‌های قرص و محکم، در هر میدانی، محور تلاش و کار باشند، مشکلات را از سر راه برمی‌دارند. چه کارهای عظیمی که نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی و انقلابی، با تکیه به همین ایمان، در زمینه‌های سازندگی، فن‌آوری‌های پیچیده و در زمینه‌های نظامی به وجود آوردند که اکثر شماها میدانید من چه دارم می‌گویم. در همه‌ی زمینه‌ها این نقطه اتکا معنی می‌توان چنین معجزه‌ای بکند.» (بیانات در دیدار گروهی از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۱۳۸۱/۷/۱۷)

* انتخاب راه میانبر

«البته من بارها به اندیشمندان خودمان گفته‌ام - آن نکته‌ای که شما گفتید - «غرب از ما خیلی جلوست»؛ این حقیقتی است. ما اگر بخواهیم از همان راهی که غرب حرکت کرده، دنبال او برویم تا به آن نقطه‌ای که او امروز هست، برسیم، عمرها و قرن‌ها طول خواهد کشید و نخواهیم توانست؛ ما احتیاج به راه‌های میانبر داریم. آیا راه میانبری وجود دارد؟ حتماً وجود دارد. کو؟ من نمی‌دانم؛ بروید تا پیدا کنیم» (بیانات در دیدار گروهی از جوانان و نوجوانان ۷۶/۱۱/۱۴).

«تمام این اکتشافات فعلی، راه‌های میانبر هستند. ببینید، زمانی حرکت با نیروی بخار نبود، با استفاده از نیروهای دیگری غیر از نیروی بخار بود؛ اما یک نفر نیروی بخار را به دست آورد؛ یعنی چیزی در طبیعت وجود داشت، نیروی بخار از اول عالم وجود داشته کسی آن را کشف کرد. این یعنی یک راه میانبر. خیلی خوب؛ راه‌های میانبر را کشف کنید. این نیروی الکتریسیته که شما مشاهده می‌کنید - که در واقع، امروز دارد همه کارهای دنیا و یا قسمت معظمی از آن را انجام می‌دهد - همیشه در طبیعت وجود داشته، این که به وجود نیامده است؛ یک نفر رفت، این راه میانبر را پیدا کرد و از آن

عبور کرد» (بیانات در دیدار گروهی از جوانان و نوجوانان ۷۶/۱۱/۱۴).

«هنوز بسیاری از راه‌های میانبر وجود دارد. دانشمندان بزرگ تصریح می‌کنند که ما هنوز به بیشتری از اسرار عالم طبیعت - از جمله به بیشتری از اسرار وجود انسان - پی نبرده‌ایم؛ هنوز خیلی چیزها را کشف نکرده‌ایم. چه کسی می‌تواند کشف کند؟ آن کسی که بتواند فکر کند، عالم و دانشمند بشود و از علوم روز استفاده بکند؛ او می‌تواند راه‌های جدید را کشف کند و به دست بیاورد. شما آن کس باشید، جوان ایرانی آن کس باشد؛ چرا باید خودش را در مقابل آن کسانی که این راه را تا حالا رفته‌اند کوچک ببیند؟» (بیانات در دیدار گروهی از جوانان و نوجوانان ۷۶/۱۱/۱۴).

«باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که در شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی مُنزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌اجی کنند؛ روی آن‌ها سؤال بگذارند؛ این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند؛ هم خودشان استفاده کنند، هم به بشریت پیشنهاد کنند؛ امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است» (بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹).

* تکلیف، مسئولیت و نیاز

«این ملت، ملتی با شصت میلیون نیروی انسانی و با ذخیره بسیار با ارزشی از تجربیات و سرمایه‌ها - سرمایه‌های مادی، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های معنوی و دانش تجربه - است. این ملت، خیلی چیزها را در درون خود دارد. ما اگر همه دروازه‌هایمان را هم ببندیم، از پا نخواهیم افتاد... اگر این ملت، یک وقت مصلحتش ایجاب بکند که همه درها هم را ببندد، می‌تواند. بدانید که اگر چنان روزی برای ملت ایران پیش بیاید، روز فرج است. چرا؟ برای این که ما همیشه آن وقتی که احساس کرده‌ایم باید از خودمان استفاده بکنیم، درخشیده‌ایم. دیدید که در جنگ، به مجرد این که درهای سلاح و تجهیزات جنگی بر روی ما بسته شد، ما به درون خودمان برگشتیم که خودمان را تأمین کنیم. این پیشرفت‌هایی که ما امروزه در صنایع نظامی داریم، به همین

خاطر پیش آمد؛ والا ایران نمی‌توانست سلاح سبک کوچک هم تولید بکند. امروز، ایران سلاح‌های پیچیده را هم تولید می‌کند و می‌تواند تولید کند. این، به برکت همین بستن درها و قطع رابطه‌ها پیش آمد. به برکت این پیش آمد که ملت ایران و نیروهای سازنده و کارآمد، احساس کردند که باید به خودشان مراجعه کنند. اگر یک روز این احساس در جوانب دیگر هم پیش بیاید، روز عید ماست. ما از این، هیچ نگرانی نداریم» (بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش ۱۳۷۶/۱/۲۷).

*زمینه‌سازی و فراهم آوردن امکانات

«استعدادها را باید پرورش بدهیم. همه کس - چه اهل علم، چه اهل تکنولوژی، چه اهل ابتکار، چه اهل مسائل فنی در هر سطحی - باید احساس بکنند که بار سازندگی کشور بر دوش آنهاست. ما خودمان باید کشور را بسازیم؛ کسی کشور را برای ما آن‌چنان که مورد نیاز ماست، نخواهد ساخت. ما خودمان هستیم که خانه خودمان را طبق نیازهای خودمان می‌سازیم. آن‌هایی که تا کنون در طول ده‌ها سال، با چشم طمع به ما و به کشور و به منابع ما نگاه کرده‌اند و در این دوازده، سیزده سال اخیر، غالباً با چشم بغض به ما نگاه کرده‌اند، این‌ها اگر هم با ما در میدان سازندگی وارد بشوند، خانه ما را آن‌گونه که با هدف‌هایمان، با طبیعت کشورمان، با فرهنگ‌مان و با خلیقات‌مان مناسب است، نخواهند ساخت؛ بلکه به‌گونه‌ای خواهند ساخت که متناسب خواست آنهاست. پس اصل این است که ما خودمان بسازیم» (بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش ۱۳۷۶/۱/۲۷).

«استعداد ملت ما، یک استعداد برجسته است. ما از چند سال پیش، در مورد استعداد ایرانی تأکید می‌کردیم. بعضی‌ها خیال می‌کردند که ما از روی محبت به مردم و کشور خودمان، چیزی می‌گوییم؛ در حالی که آنچه ما می‌گفتیم متکی به آمار و معلومات بود. خوشبختانه در این چند سال اخیر، خبرها و گزارش‌های مستند قوی پخش شد و در اختیار مردم قرار گرفت که نمونه‌هایش را هم شما دیدید. در این مسابقات جهانی که به نام المپیاد درست می‌کنند، دیدید که جوانان ما با این که اوایل کارشان است؛ ولی از اکثر کشورها بهتر می‌شوند. در مسابقات جهانی، در هم‌اوردی‌های علمی، در

قبول بعضی از کارهای بزرگ و پیچیده صنعتی، در صنایع دقیق، ریز و غیره. بعضی از کسانی که از کشور ما رفتند، توانستند بر دیگران فائق بیایند. این، همان استعداد برجسته است.

از سوی دیگر، اگر شما به دست برجسته ترین استعدادها هم یک بیل بدهید و او را به کار غیر علمی وادار کنید، استعداد او شکوفا نخواهد شد؛ اما وقتی که میدان باز شد و کشور به حمدالله از سلطه بیگانگان خارج گردید، یواش یواش فضای کشور، فضای خوبی شد. وقتی محیط تعلیم، تربیت، تحقیق، دانشگاه و مدارس مساعد شد و دولت و مسئولان کشور هم تشویق کردند، استعدادها گل می کند و می بینید که گل کرد» (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان در آستانه روز کارگر و روز معلم ۱۳۷۶/۲/۱۰).

* تعاملات علمی و یادگیری هوشمندانه

«البته علم چیزی نیست که هر کشوری بگوید من از مردم دیگر بی نیازم؛ نه علم داد و ستدی است. اگر درهای علم، مدتی در یک کشور بسته شد و از دیگران استفاده ای نکرد، آنچه که در درون خودش از استعداد هم هست، از بین خواهد رفت؛ یعنی سرکوب خواهد شد. علم از جمله چیزهایی است که با تبادل و داد و ستد، رشد پیدا می کند؛ بنابراین، مقصودم این نیست که اگر می گویم بی نیاز بشویم، یعنی دیگر با هیچ کسی داد و ستد علمی نداشته باشیم؛ نه انسان در اوج علم هم باید بدهد و بست اند – در این شکی نیست – منتها وضع کنونی کشورهای عقب مانده علمی، متأسفانه این طوری است که از لحاظ علمی حرکت شان دو طرفه نیست؛ یک طرفه است؛ فقط باید از آن ها التماس کنند و بخواهند؛ آن ها هم مقداری می دهند و مقداری زیادی هم نمی دهند! امروز دانش ممتاز و برجسته و برتر و همچنین صنعت برجسته و برتر، از جمله چیزهایی است که در اختیار خیلی از کشورها گذاشته نمی شود و از محیط های اختصاصی خودشان بیرون نمی رود و به این کشورها اجازه داده نمی شود... پیشرفت علمی و اقتباس علمی – که من به اقتباس معتقدم، اما به ترجمه محض و اکتفای به ترجمه، معتقدم نیستیم – کاری لازم است و اسلام هم ما را به این، امر می کند. به هر حال گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگ دیگران اشتباه نشود. این مغالطه ی بزرگی است که کسی

بگویند علم غربی‌ها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقشان خوب است؛ نه این‌ها با هم ملازمه‌ای ندارد. علمشان خوب است؛ اما این علم، پروریده و ساخته‌ی این فرهنگ نیست؛ حتی این فرهنگ دارد به این علم، ضرر می‌رساند. علم، مولدها و عناصر به وجودآورنده خاص خود را دارد؛ باید آن‌ها را پیدا کرد. فرهنگ بی‌بند و باری، بی‌دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادیگری و ارزش‌های مادی، فرهنگ‌های غلطی است که امروز غرب دچار این‌هاست. امروز همه‌ی همت ما این است که نه فقط علم را، بلکه فرآورده‌های علمی و تکنولوژی و خرده تکنولوژی را از آن‌ها یاد بگیریم و آن را در اینجا تقلید کنیم؛ این کاری نیست که یک ملت باید به آن همت بگمارد. البته این کارها باید بشود و چاره‌ای نیست. وقتی انسان چیزی را ندارد، آن را از کسی که دارد، می‌گیرد. وقتی ساخت آن را بلد نیست، از کسی که آن را بلد است، یاد می‌گیرد - در این شکی نیست، اما ما باید راه نو و فکر نو و بن‌بست شکنی را وجهه همت خود قرار دهد» (بیانات در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون‌های سراسری سال ۸۰ و ۸۱ - ۱۳۸۱/۷/۳).

ملزومات اولیه‌ی نوآوری

قدرت و جرأت علمی

ایمان و اراده

انتخاب راه میانبر

تکلیف، مسئولیت و نیاز

زمینه‌سازی و فراهم آوردن امکانات

تعاملات علمی و یادگیری هوشمندانه

(۳) راه‌کارهای توسعه‌ی نوآوری

در نظر امام خامنه‌ای (مدظله) راهکارهای رشد و گسترش نوآوری در عرصه‌ی جامعه، به ویژه در عرصه‌ی نظامی و دفاعی شامل موارد زیر می‌شود.

*نگاه جامع و یکپارچه به نوآوری

«نوآوری فقط در ساخت سلاح و تجهیزات نیست. اگرچه نوآوری در ساخت و ابتکار در به وجود آوردن روش‌های جدید تسلیحاتی، یکی از نوآوری‌های مهم است، اما نوآوری در آموزش، در سازمان‌دهی و تشکیلات، در شیوه‌های پشتیبانی و دستورالعمل‌های رزمی، همه‌ی این‌ها لازم است» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲).

* تربیت علمی و ذهنی اولیه

«ما کودک خودمان را باید از آغاز برای ذهن مولد، ذهن سازنده و ذهن مبتکر آماده کنیم نه مثل آنچه ما را بار آورده‌اند که بنشینیم تا یک چیزی از بیرون بیاید و به دست ما بدهد و ما هم در حد همت خودمان از آن استفاده بکنیم. این به میزان زیادی به تربیت‌های علمی و ذهنی اولیه ارتباط دارد که به دبیرستان و دبستان و مراکزی این چنینی مربوط می‌شود. برنامه‌های علمی و درسی آن‌ها بسیار مهم است» (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی ۱۳۸۵/۵/۲۳).

* استفاده از تمام شیوه‌ها و ابزارهای جدید علم و تحقیق

«ما فقه هم می‌خوانیم، اما از وسیله‌ی سریع‌السير هم استفاده می‌کنیم؛ مگر مانع و منافاتی دارد؟ ما فقه هم می‌خوانیم، اما از کامپیوتر هم برای فقه استفاده می‌کنیم. ما فقه هم می‌خوانیم، اما از شیوه‌های جدید تحقیق هم استفاده می‌کنیم. در دنیا روش‌های ویژه و بسیار جدیدی برای تحقیق علوم غیرتجربی وجود دارد - فقه از علوم تجربی که نیست - از آن‌ها هم استفاده می‌کنیم. ما فقه هم می‌خوانیم، اما از ابزارهای کار دسته جمعی هم استفاده می‌کنیم» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۰/۱۲/۱).

* پیدا کردن راه‌های میانبر و شکستن مرزهای دانش

«مرزهای دانش را بشکنید. این که من می‌گویم نهضت نرم‌افزاری، انتظار من از شما جوان‌ها و اساتید این است. تولید علم کنید. به سراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید. کار کنید. با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد؛ در بعضی رشته‌ها زودتر و در بعضی رشته‌ها دیرتر. فن‌آوری هم همین‌طور است. علم باید ناظر به فن‌آوری باشد. فن‌آوری هم مرحله‌ی بسیار مهم و بالایی است. در فن‌آوری هم می‌توانیم پیش برویم» (بیانات در دیدار

جمعی از جوانان استان همدان ۸۳/۴/۱۷).

«این که من گفتم تولید علم، معنایش این نیست که علم دیگران را یاد بگیریم - آن را که باید یاد بگیریم و در این شکی نیست - معنایش این است که ما خط مرز دانش را بشکنیم، باز کنیم و آفاق جدیدی را فتح کنیم؛ البته این کار دشواری است» (بیانات در دیدار جمعی از مهندسان ۸۳/۱۲/۵).

«ما برای آینده به علم احتیاج داریم. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و اندیشه و فکر که مطرح شد، باید جدی گرفته شود. خوشبختانه زمینه‌ها کاملاً آماده و استقبال هم خیلی خوب است. مردم را نسبت به مقوله‌ی علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی، کار و ابتکار گره‌گشا و پیش برنده و مقولاتی از این قبیل حساس کنید» (بیانات در دیدار رئیس و معاونان صدا و سیما ۸۳/۹/۱۱).

* اتخاذ شیوه‌های پیشرفته و نو با تکیه بر فهم، درک و نیاز ایرانی
«بعضی‌ها دوست دارند امروز ما نسخه‌های منسوخ و از دور خارج شده‌ی غربی‌ها را بار دیگر در این جا برای خودمان دستورالعمل علاج به حساب بیاوریم. نه؛ شیوه‌های پیشرفته، شیوه‌های نو و با تکیه‌ی به فهم و درک و نیاز ایرانی، استفاده‌ی از علم و توجه به نیاز داخل و اقتضائات کشور می‌تواند راه درست را به ما نشان دهد و ما را پیش ببرد» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۸۴/۵/۱۲).

* دستیابی به فن‌آوری جهشی و اختراعات صد درصد ایرانی
«ما باید به فن‌آوری جهشی دست پیدا کنیم؛ ما باید بتوانیم بر فن‌آوری‌های موجود دنیا بیفزاییم؛ ما باید بتوانیم اختراع صد درصد ایرانی را در بازارهای دنیا مطرح کنیم. ما می‌خواهیم در زمینه‌ی دانش و فن‌آوری به جایی برسیم که شأن ملت ایران است. این فقط یک نگاه غرورآمیز ملی نیست، این نژادپرستی نیست؛ این حتی یک نگاه انسانی عام به همه‌ی بشریت است؛ به خاطر این که اگر ما بتوانیم در دانش، در خط مقدم قرار بگیریم، انگیزه‌های جهان‌گیری و جهان‌گشایی غرب را نداریم؛ انگیزه‌های سودجویانه‌ی از ملت‌ها را نداریم؛ دانش ما که به سود ماست، به سود ملت‌های دیگر هم هست» (بیانات در دیدار جمعی از مهندسان ۸۳/۱۲/۵).

* زنده نگاه داشتن روح نوآوری همراه با ایمان

«مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند. آن وقتی که علم با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه‌های بزرگی می‌کند و کشور ما می‌تواند در انتظار این معجزه‌ها بماند» (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۷۹/۱۲/۹).

* کشف راه‌ها و فن‌آوری‌های ناشناخته

«شما به‌عنوان کسانی که از استعداد و توانایی‌های خوب برخوردارید، اما از قافله‌ی علمی عقبید، راهی را پیدا کنید؛ کاوشگر و پژوهشگر و مطالبه‌کننده‌ی چیزهای ناشناخته باشید و این روحیه را در دانشگاه‌ها زنده کنید؛ «کم ترک الاول للآخر». خیلی چیزها هست که تاکنون کشف نشده، ولی ناگهان یک نفر آن‌ها را کشف می‌کند. عرض کردم کشف جدید و شناختن راه جدید، لزوماً مبتنی بر این نیست که ما از پیشرفته‌ترین فن‌آوری در دنیا برخوردار باشیم تا کسی بگوید ما این را نداریم؛ نه خیر، می‌توان در بخش‌های مختلف، این توقع را از خود و جامعه‌ی علمی داشت» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه شهید بهشتی ۸۲/۲/۲۲).

* ایجاد پیوند میان علم و صنعت با انتخاب آسان‌ترین شیوه‌ها

«ما در زمینه‌ی علم باید حرکت خود را جدی کنیم؛ در پیوند علم و صنعت و فن‌آوری کار کنیم؛ در پیدا کردن شیوه‌های توزیع عادلانه‌ی امکانات تلاش و فکر کنیم؛ بهترین و آسان‌ترین و عملی‌ترین شیوه‌ها را انتخاب کنیم و به‌طور جدی وارد شویم» (بیانات در مراسم حکم‌تفویذ ریاست جمهوری ۸۴/۵/۱۲).

* نیاز به جوشش چشمه‌ی علم

«اگر بخواهید کشور در آینده، پیشرفت و ارتقا پیدا کند باید علم داشته باشید. آن هم علمی که بجوشد. چشمه علم لازم است، نه استخر علم! باید بجوشید والا دیگران علم را به‌دست می‌آورند و پس‌مانده آن را البته معمولاً، پس‌مانده‌های قدیمی را به شما می‌دهند، تازه‌های علمی، پیش‌خودشان می‌ماند. به ما بدهند باز همان وضع و محاذات کنونی یا قبلی برقرار خواهد بود، بدتر هم خواهد شد» (بیانات در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۷۶/۱۲/۶).

* کسب خودباوری و اعتماد به نفس

«این خودباوری و اعتماد به نفس ملی، یکی از دو رکن اساسی پیشرفت

هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند یک ملت عزیز و قدرتمند بشود. خوب، ما در دوران قبل از انقلاب همین نفت را داشتیم، همین گاز را داشتیم، همین معادن عظیم فلزات ذی‌قیمت را داشتیم، همین استعدادهای درخشان و نیروی انسانی با استعداد را داشتیم؛ اما در عین حال یک ملت دست‌سوم، گمنام در دنیا، توسری‌خور قدرت‌های بزرگ، زیر یوغ یک حکومتی که فاسد بود، دست‌نشانده بود، متصل به دشمنان ملت بود، زندگی می‌کردیم. پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که می‌تواند» (بیانات در بیستمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴).

* ایجاد آرامش و اتحاد ملی

«آنچه زمینه و بستر به کار گرفتن ایمان و عدالت و علم است، اتحاد ملی و آرامش در سطح کشور است. اگر در کشور آرامش نباشد، نه از علم می‌شود بهره‌برداری کرد، نه از ایمان و نه می‌شود عدالت را در جامعه مستقر کرد» (بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد امام خمینی (ره) ۸۵/۳/۱۴).

(۴) آثار و نتایج نوآوری

نوآوری، آثار و نتایج فراوانی برای جامعه به ارمغان می‌آورد که در این جا فقط به دو نمونه‌ی کلیدی این آثار اشاره خواهد شد.

* استحکام ساخت قدرت درونی نظام

در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله)، استحکام اقتصادی و استقلال سیاسی و عقب‌نشینی دشمنان مهم‌ترین نتیجه نوآوری به شمار می‌آید.

«اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض‌اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند. این، ریشه دواندن استقلال در کشور است و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفایی کار، به نوآوری در بخش‌های مختلف کار. از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته تا توی محیط کارگاه‌ها تا توی محیط مزرعه، در همه جا

بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خون خوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهان‌های خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست» (بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگزاران و کارآفرینان، ۸۷/۲/۴).

راه کارهای توسعه‌ی نوآوری

نگاه جامع و یکپارچه به نوآوری	زنده نگاه داشتن روح نوآوری همراه باایمان
تربیت علمی و ذهنی اولیه	کشف راه‌ها و فن‌آوری‌های ناشناخته
استفاده از تمام شیوه‌ها و ابزارهای جدید علم و تحقیق	ایجاد پیوند میان علم و صنعت با انتخاب آسان‌ترین شیوه‌ها
پیدا کردن راه‌های میانبر و شکستن مرزهای دانش	نیاز به جوشش چشمه‌ی علم
اتخاذ شیوه‌های پیشرفته و نو با تکیه بر فهم، درک و نیاز ایرانی	ایجاد آرامش و اتحاد ملی
دست‌یابی به فن‌آوری جهشی و اختراعات صد درصد ایرانی	کسب خودباوری و اعتماد به نفس

جمهوری اسلامی ایران ثابت کرد که با اتکای به داخل و نیروی‌های خودی، یعنی ساخت درونی قدرت می‌توان پیشرفت کرد و در عرصه‌ی جهانی و مناسبات بین‌المللی نقش آفرین بود. به همین دلیل است که محوری‌ترین رهنمود مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر برای رشد و پیشرفت همه‌جانبه‌ی کشور، توجه ویژه به «قدرت درون‌زا» بوده است. چنانکه معظم‌له در این خصوص فرمودند:

«کلید حل مشکلات اینجاست؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از این‌ها می‌شود خردمندانه بهره‌برداری کرد. این‌ها باید شناسایی بشوند و این است که رتبه‌ی ما را در دنیا بالا می‌برد. در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی اوست؛ هر مقداری که واقعاً در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه‌ی مناسبات بین‌المللی به همان

نسبت بالاتر است» (دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به تاریخ ۱۳۹۲/۶/۶).

✱ خودکفایی صنعت دفاعی

قرآن کریم در آیات متعددی، مسلمانان و جامعه اسلامی را به مستقل و قوی بودن سفارش کرده و از وابستگی به دیگران بر حذر داشته است؛ از جمله آن که می‌فرماید: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» (سوره انفال، آیه ۶۰) «لن يجعل الله للكافرين على - المؤمنین سبيلاً» (سوره نساء، آیه ۱۴۱)؛ بدیهی است عمل به این آیات نیازمند مقدمات و لوازمی است که برآیند آن‌ها نیل به استقلال و خودکفایی است و رسیدن به تمام اهداف معنوی و سیاسی و... بدون آن، ممکن نیست. وابستگی به بیگانگان با اهداف بلند نظام اسلامی سازگاری ندارد. چرا که «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» از شعارهای محوری تشکیل نظام اسلامی در ایران بود. اولین رکن این شعار، استقلال است که زیربنایش، استقلال مادی و بی‌نیازی از دیگران است و در حوزه نیروهای مسلح زیر بنای استقلال، خودکفایی در صنایع نظامی است. بدیهی است ارتشی که در حوزه‌ی سخت افزاری محتاج به «غیر» باشد، قطعاً در حوزه‌ی اندیشه و تدبیر، پیرو همان «غیر» خواهد شد.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش به ظاهر قدرتمند ایران کاملاً به کشورهای بیگانه (به ویژه آمریکا و انگلیس) وابسته بود و آن کشورها علاوه بر وابسته نگاه داشتن ارتش، با اعزام انبوه مستشاران نظامی در تمامی مراکز حساس نیروهای مسلح رخنه کرده و زمام کار را در دست خود نگه داشته بودند؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و قطع ید بیگانگان بر امور کشور و تشکیل ارتش مکتبی، خصوصاً نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این دو نهاد نظامی می‌بایست به‌منظور حفظ و حراست از تمامیت ارضی و استقلال کشور، به ویژه دستاوردهای انقلاب اسلامی قدرتمند شوند؛ از این رو تأمین سلاح و تجهیزات برخوردار از فن‌آوری پیشرفته، نقش اساسی پیدا کرد.

«چشم به خود بدوزید، نه به بیگانه. ما برای ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تجهیزات فراهم می‌کنیم. ما نیروهای مسلح خود را تا آن جا که در وسع و قدرت ماست، با تمام توان تجهیز می‌کنیم؛ اما توصیه دائمی ما این

است که به ابتکار و به دست و بازو و توانایی‌های خود بیندیشید. نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی، در درون خود استعدادهای فراوانی دارند که باید از این استعدادها حداکثر استفاده را بکنند و به‌حمدالله می‌بینیم که امروز استفاده می‌شود؛ اما روز به روز این را بیشتر کنید» (بیانات در سخنرانی در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۹).

بر اساس قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که در ۱۳۶۸/۵/۲۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، وظایف پشتیبانی از نیروهای مسلح بر عهده این وزارتخانه نهاده شد. این وظایف، مجموعه‌ی وسیعی از امور یعنی از تأمین کالا و خدمات گرفته تا ساماندهی صنایع و توسعه پدافند غیرعامل را در بر می‌گیرد. در این میان، برخی امور همچون نوآوری، خوداتکایی، تولید علم و فن‌آوری جنبه کلیدی داشته و نه تنها سایر امور پشتیبانی از نیروهای مسلح را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه تأثیر چشم‌گیری نیز بر تحقق اهداف دفاعی و آرمان‌های مقدس جمهوری اسلامی ایران دارند؛ از این‌رو، امام خامنه‌ای (مدظله) در فرصت‌های گوناگون به این مباحث اشاره فرموده و رهنمودهای درخشانی را در این زمینه ارائه دادند. بی‌تردید، آگاهی از این رهنمودها برای تک‌تک اعضای خانواده بزرگ دفاعی، به‌ویژه برای افرادی که به تازگی به این خانواده می‌پیوندند، امری ضروری است. قطعاً جای امید است که کارکنان و مدیران بخش‌ها و واحدهای مختلف دفاعی، به‌ویژه کسانی که به شکلی در امور پشتیبانی از نیروهای مسلح فعالیت دارند، با مطالعه و تعمق در بیانات معظم‌له، قادر خواهند بود تا گام‌های مؤثرتری در راه تقویت بنیه دفاعی و اقتدار ملی کشور بردارند و ایران اسلامی را به‌عنوان کشوری پیش‌تاز و مقتدر و نیز به‌عنوان الگویی برای سایر مسلمانان به جهان‌پیان معرفی کنند.

نگاهی اجمالی به بیانات و تدابیر امام خامنه‌ای (مدظله) نشان می‌دهد که برای نیل به خودکفایی راه‌های زیر مدنظر می‌باشد:

- **خوداتکایی در علم و فن‌آوری** (بیانات در دیدار کارکنان پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۱۳۷۱/۰۷/۱۸)؛
- **تکیه بر توان و نیروهای خودی** (دیدار جوانان، استادان، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۶)؛
- **پیدا کردن راه‌های میان‌بُر** (بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها)

۱۳۸۵/۰۷/۱۳؛

- **توجه به علم درون‌زا** (بیانات در جمع استادان دانشگاه‌های استان خراسان ۱۳۸۶/۰۲/۲۵)؛
- **تأمین نیازهای رزمی و دفاعی با تکیه بر مغزهای متفکر، فعال، ابتکار و امکانات خود** (سخنرانی در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه منطقه‌ی دوم دریایی نیروی دریایی ارتش در بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۲)؛
- **تأکید بر تولید در داخل کشور** (ابلاغ سیاست‌های کلی علم و فن‌آوری ۱۳۹۳/۰۶/۲۹)؛
- **پرهیز از خرید خارجی به جز موارد ضروری و اضطراری** (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۰۷/۱۳)؛
- **مراقبت و نگهداری از امکانات و تجهیزات خود** (سخنرانی در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه منطقه‌ی دوم دریایی نیروی دریایی ارتش در بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۲)؛
- **تأکید بر تحقیقات و پژوهش** (بیانات در دیدار استادان و رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۰۷/۰۹ و نیز بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۱۳۸۶/۰۴/۲۵)؛
- **تخصیص بودجه لازم برای تحقیقات و پژوهش** (ابلاغ سیاست‌های کلی علم و فن‌آوری ۱۳۹۳/۰۶/۲۹).

مباحثی که مقام معظم رهبری در زمینه‌ی لزوم نوآوری‌های اصیل و دست‌اول در نیروهای مسلح و صنایع دفاعی مطرح کردند، موضوع مهم و دارای ابعاد گوناگون و ظرفیتی است که به برخی از مهم‌ترین جنبه‌های آن در این نوشتار اشاره شد؛ اما در مجموع، دیدگاه‌های معظم‌له در مورد «نوآوری دست‌اول» در نیروهای مسلح و صنایع دفاعی، ایجاد تحول در علم و فن‌آوری در موارد جدیدی است که تا به حال در مورد آن نظریه علمی ارائه نشده است (نظری زاده، ۱۳۹۱: ۳۴۱). ایشان تأکید و توقع دارند که نیروهای مسلح و به‌خصوص صنایع دفاعی، به نوآوری‌های دست‌اول و اصیل بپردازند. به‌عنوان نمونه معظم‌له در این زمینه فرمودند:

«ما دو جور کار جدید داریم، یک کار جدید واقعی است، یک کار جدیدی است که در واقع جدید نیست. کار جدید چیست؟ کشفیاتی است که بشر با قدرت فکر و ذهن خودش می‌تواند از دل طبیعت دست بی‌اندازد این‌ها را بکشد بیرون ... آنی که من همیشه توقع دارم و می‌گویم، آن کار اولی است، آن را من می‌خواهم به‌عنوان ایرانی انجام بدهیم و می‌توانیم. بارها گفته‌ام راه‌های میانبر را پیدا کنید ... و معتقد هستم که شما می‌توانید و مطمئن

هستم که می‌توانید ... شکستن مرزهای دانش. دانش مثل یک دریایی همین‌طور پیش‌رفته، شما آن را پیش‌تر ببرید» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس ۸۷/۲/۱۲).

بر اساس بیانات ایشان، نگاه به نوآوری باید نگاهی جامع و یکپارچه باشد، به نحوی که ایشان می‌فرمایند:

«نوآوری فقط در ساخت سلاح و تجهیزات نیست. اگرچه نوآوری در ساخت و ابتکار در به‌وجود آوردن روش‌های جدید تسلیحاتی، یکی از نوآوری‌های مهم است، اما نوآوری در آموزش، در سازمان‌دهی و تشکیلات، در شیوه‌های پشتیبانی و دستورالعمل‌های رزمی، همه‌ی این‌ها لازم است» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس ۸۷/۲/۱۲).

راهکار ایشان برای دستیابی به نوآوری، تحقیق و توسعه است. چنانکه می‌فرمایند:

«هیچ کشوری بدون تحقیقات به برتری نظامی و هیچ برتری دیگری دست پیدا نمی‌کند. تحقیق، ریشه است. بحث تحقیقات بحث بسیار مهمی است. اگر به تحقیقات اهمیت بدهیم آن وقت آن انشراح و گستردگی درونی درون‌زا را پیدا می‌کنیم برای هرگونه ساختی، هرگونه تولیدی، هرگونه نوآوری‌ای» (بازدید از نمایشگاه جلوه‌های خودباوری و اقتدار دفاعی وزارت دفاع ۸۶/۲/۲۳ به نقل از سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۹۱: ۳۴۱).

اما در نگاه ایشان، نیروی انسانی مهم‌ترین عنصر در تحقق نوآوری‌هاست:

«دانشمندان و نیروهای برخوردار از قدرت علمی و فکری در بخش دفاعی کشور، باید هر چه می‌توانند نوآوری و ابتکار را در خدمت میهن اسلامی، انقلاب و ملت پرافتخار ایران قرار دهند و با جدیتی هر چه پیش‌تر، به جبران عقب‌ماندگی‌ها بپردازند» (بیانات در بازدید کارخانجات صنایع مکانیک ۷۶/۶/۳۰).

در عین حال، نوآوری امری اتفاقی نیست و نیازمند برنامه‌ریزی است، چنانچه می‌فرمایند:

«استفاده‌ی از ابتکارها و نوآوری‌ها و استعداد‌های گوناگونی که در وجود یکایک شما هست، در رده‌های مختلف و در سازمان‌های گوناگون، امروز باید برنامه‌ی عمل‌نیروهای مسلح باشد» (بیانات در مراسم مشترک نیروهای نظامی استان سمنان ۸۵/۸/۲۰).

همچنین درباره نوآوری در سایر عرصه‌های نظامی خطاب به فرماندهان و مسئولان چنین تأکید می‌نمایند:

«آنچه امروز به‌عنوان دانش نظامی در دنیا وجود دارد، متعلق به یک ملت خاص و یک دولت خاص و یک جناح خاص نیست؛ این ذخیره‌ی تمدن و فرهنگ طولانی بشری در طول قرن‌های مختلف است. همیشه جنگ بوده، مرتب جنگ پیدا شده، دائماً تجربه به وجود آمده، این تجربیات روی هم جمع شده و امروز دانش نظامی گری پدیدار شده است.» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۰/۶/۲۷) [لذا] «ما که مسلمان و انقلابی هستیم، ما که پیشاهنگ حرکت نوین عالم هستیم، باید بهتر از دیگران این دانش را بلد باشیم. دیگران مرتجعند، دیگران عقب افتاده‌اند، دیگران رو به گذشته دارند؛ به ظاهر و به زرق و برقشان نگاه نکنید. دیگران اسیر شهوتند، اسیر کوچک‌ترین انگیزه‌های بشریت هستند: پیشرو شما باشید، پیش‌قراول شما باشید، نوآور شما باشید، پیام جدید را شما برای دنیا دارید، در عرصه هر دانشی که بشود و بتوان - از جمله، دانش نظامی و فنون نظامی گری و روش‌های نوین سازمان‌دهی نظامی - شما باید بهترین را داشته باشید» (بیانات

در دیدار استادان دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۱/۸/۲۲).

صنعت دفاعی کشور بر اساس این تفکر، از همان ابتدا زمینه‌های افزایش خوداتکایی خود را مورد توجه قرار داد و فرآیندی را طی کرد که نتیجه‌اش صنایع دفاعی کارآمد، مستقل و خلاق کنونی است. چنانکه بنا به گفته وزیر وقت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح سردار وحیدی: «امروزه ما بیش از ۱۳۹ صنعت دفاعی فعال داریم که بیش از ۷۰۰ صنعت بخش خصوصی نیز با آن‌ها همکاری دارد. نتیجه‌ی این فعالیت نیز تولید بیش از ۱۱۰۰ محصول نظامی و غیرنظامی، تولید بیش از ۴ هزار قطعه در عرصه‌ی هوایی، فعالیت حدود ۱۵ هزار نفر محقق و نیروی انسانی در صنایع دفاعی و از همه مهم‌تر دستیابی به بیش از ۲۷۰ فن‌آوری بومی است (وحیدی، ۱۳۹۰). به همین دلیل می‌توان گفت: امروزه صنعت دفاعی کشور الگویی مؤثر در تبلور شایستگی ملت ایران و اقتدار ملی به حساب می‌آید. از همین رو، فرماندهی معظم کل قوا به پاس بیش از سه دهه تلاش مجاهدانه و مخلصانه‌ی کارکنان متعهد و متخصص و نخبگان و دانشمندان این عرصه در دستیابی به تجهیزات راهبردی و قطع هرگونه

وابستگی نظامی، روز سی‌ویکم مرداد را به‌عنوان روز صنعت دفاعی مورد تأیید قرار دادند.

ج) توجه به جایگاه مهم علوم انسانی

یکی از محورهای مهمی که امام خامنه‌ای (مدظله) در زمینه‌ی علم و فن‌آوری بارها مورد اشاره قرار داده‌اند، موضوع علوم انسانی به‌عنوان مبنای تولید اندیشه و فکر است. مواردی که در ادامه این بخش می‌آید، بخشی از دیدگاه‌های معظم‌له در باره‌ی اهمیت علوم انسانی است:

※ اهمیت علوم انسانی

«علم، فقط علم مادی نیست؛ علوم انسانی هم مقوله‌ی بسیار مهمی است» (بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها ۱۷/۱۰/۸۳). «در باب علوم انسانی کار عمیق انجام بگیرد و صاحبان فکر و اندیشه در این زمینه‌ها کار کنند» (بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان ۹۰/۵/۱۹). «شما الآن نگاه کنید، ببینید در این چهره‌های علمی معروف دنیا چند تا پزشک هستند، چند تا جامعه‌شناس یا مورخ وجود دارند. می‌بینید که تعداد و برجستگی این دومی بیش‌تر است. منتها باید کار کنید تا پیش بروید» (بیانات در دیدار با نخبگان جوان ۸۵/۶/۲۵).

※ علوم انسانی مبدأ پیشرفت و تحول علوم

«پشت سر پیشرفت علوم، پیشرفت فکر وجود دارد. مبدأ تحول ملت‌ها پیش و پیش از آنچه که علم و تجربه باشد، فکر و اندیشه است. به همین دلیل است که من روی مسائل علوم انسانی حساسیت به خرج می‌دهم» (بیانات در دیدار با نخبگان جوان ۸۵/۶/۲۵).

※ ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد

«من درباره‌ی علوم انسانی گلایه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم... ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را

ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف این‌ها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۸۸/۷/۲۸).

*** پایه و مبنای علوم انسانی، مادی‌گری است**

«بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادی‌گری است، مبنایش حیوان‌انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست» (بیانات در دیدار با جمعی از استادان دانشگاه‌ها ۸۸/۶/۸).

*** پیروی نادرست علوم انسانی از علوم پایه**

با این همه تأکیدی که بر علوم انسانی شده، تقریباً علوم انسانی هم به همان شکل علوم پایه اداره می‌شود و باز هم چنان همان اشکال به قوت خودش باقی است. ما آغوشمان را باز کرده‌ایم و حرف‌هایی که الآن در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و حتی فلسفه و ادبیات مطرح است، از خارج برای ما دیکته می‌شود» (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸۴/۱۰/۱۳).

*** تعدد زیاد دانشجویان در زمینه‌های علوم انسانی نگران کننده است**

«طبق آنچه که به ما گزارش دادند، در بین این مجموعه‌ی عظیم دانشجویی کشور که حدود سه میلیون و نیم مثلاً دانشجوی دولتی و آزاد و پیام نور و بقیه‌ی دانشگاه‌های کشور داریم، حدود دو میلیون این‌ها دانشجویان علوم انسانی‌اند! این به یک صورت، انسان را نگران می‌کند. ما در زمینه‌ی علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد مبارزی که معتقد به جهان‌بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم، که این همه دانشجوی برای این رشته‌ها می‌گیریم؟ این نگران کننده است» (بیانات در دیدار با جمعی از استادان دانشگاه‌ها، ۸/۶/۸۸).

✽ غربیان منطقه‌ی ممنوعه‌ای در زمینه‌ی علوم انسانی به وجود آورده‌اند

«امروز غربی‌ها یک منطقه‌ی ممنوعه‌ای در زمینه‌ی علوم انسانی به وجود آورده‌اند؛ در همه‌ی بخش‌های مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بگیرد تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و حتی فلسفه‌ی دین. یک عده آدم ضعیف‌النفس هم دل‌باخته‌ی این‌ها شده‌اند و نگاه می‌کنند به دهن این‌ها که ببینند چه می‌گویند؛ هر چه آن‌ها گفته‌اند، برایشان می‌شود وحی منزل؛ این است که بد و غلط است. مثلاً چند تا فکر دارای اقتدار علمی، در یک نقطه‌ی دنیا به یک نتیجه‌ای رسیده‌اند، این معنایش این نیست که هر آنچه که آن‌ها فهمیده‌اند، درست است!» (بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) ۲۹/۱۰/۸۴).

✽ استادانی که در مقابل اندیشه‌های غربی سجده می‌کنند

«اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، بت آن‌هاست. در مقابل خدا می‌گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها به راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این‌طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است» (بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) ۲۹/۱۰/۸۴).

«آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، این‌ها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیش‌تر اعتقاد دارند! جالب اینجاست که آن نظریات کهنه و منسوخ می‌شود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما این‌ها همان نظریات پنجاه سال پیش را به‌عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند. این‌ها دو عیب دارند: یکی این که مقلدند، دوم اینکه از تحولات جدید بی‌خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آن‌ها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه‌ی خود نگه داشته‌اند و امروز به جوان‌های ما می‌دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می‌کنند» (بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۸۸/۴/۱۷).

* بهره‌گیری از مبانی تاریخی، فلسفی، دینی، هنری و ادبی خود در علوم انسانی

«شکی نیست که بسیاری از علوم انسانی، پایه‌ها و مایه‌های محکمی در این‌جا دارد؛ یعنی در فرهنگ گذشته‌ی خود ما. برخی از علوم انسانی هم تولید شده‌ی غرب است؛ یعنی به‌عنوان یک علم، وجود نداشته، اما غربی‌ها که در دنیای علم پیشروی کرده‌اند، این‌ها را هم به وجود آورده‌اند؛ مثل روانشناسی و علوم دیگر. خیلی خوب؛ ما، هم برای سرجمع کردن، مدون کردن، منظم کردن و نظام‌مند کردن آنچه که خودمان داریم، به یک تفکر و تجربه‌ی علمی احتیاج داریم، هم برای مواد و پایه‌هایی که آن‌ها در این علم جمع آورده‌اند، به یک نگاه علمی احتیاج داریم. منتها، گرفتن پایه‌های یک علم از یک مجموعه‌ی خارج از محدوده‌ی مورد قبول ما، به معنای قبول نتایج آن نیست. مثل این می‌ماند که شما یک کارخانه را وارد می‌کنید، آن‌ها با این کارخانه یک چیز بد درست می‌کرده‌اند، حالا شما با آن کارخانه، یک چیز خوب درست می‌کنید؛ هیچ اشکالی ندارد. ما تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی، اگر به معنای مجذوب شدن، دل‌باخته شدن، مغلوب شدن و جوّ زده شدن در مقابل آن علوم نباشد، قبول داریم و اشکال ندارد. ببینید در علوم انسانی، تفکر ایمانی و میراث عظیم و عمیق شما، به شما چه می‌گوید. امروز غربی‌ها یک منطقه‌ی ممنوعه‌ای در زمینه‌ی علوم انسانی به

وجود آورده‌اند؛ در همه‌ی بخش‌های مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روانشناسی بگیرید تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و حتی فلسفه‌ی دین. یک عده آدم ضعیف‌النفس هم دلباخته‌ی این‌ها شده‌اند و نگاه می‌کنند به دهن این‌ها که ببینند چه می‌گویند؛ هر چه آن‌ها گفته‌اند، برایشان می‌شود وحی مُنزل؛ این است که بد و غلط است. مثلاً چند تا فکر دارای اقتدار علمی، در یک نقطه‌ی دنیا به یک نتیجه‌ای رسیده‌اند، این معنایش این نیست که هر آنچه که آن‌ها فهمیده‌اند، درست است! شما به مبانی خودتان نگاه کنید؛ ما تاریخ، فلسفه، فلسفه‌ی دین، هنر و ادبیات و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آن‌ها را ساخته‌اند و به صورت یک علم در آورده‌اند - یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این‌چنینی و مستقل بسازیم» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه امام صادق ۱۰/۲۹/۸۴).

✽ برنامه‌ریزی کلان و راهبردی به دست قوی‌ترین استعدادها و نیروهای

فکری

«شما برای کار علمی نیاز به برنامه‌ریزی دارید و باید برنامه‌ی کلان ترتیب بدهید، برای این کار هم برنامه‌ی کلان لازم است» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان کشور ۸/۸/۸۸). «برنامه‌ریزی کلان و راهبردی جهت نیل به اهداف کلان علم و فن‌آوری آن‌قدر حساس است که باید به دست قوی‌ترین استعدادها و نیروهای فکری و برنامه‌ریزی صورت پذیرد. فرزندان، نخبگان، برجستگان، به ابتکار شورای عالی انقلاب فرهنگی باید بنشینند (نقشه‌ی جامع علمی) را تمام کنند و یک چیز پخته و کاملی از آب در بیاورند تا بر اساس آن بشود برنامه‌ریزی علمی برای دانشگاه‌ها و برای آینده‌ی کشور کرد» (بیانات در دیدار استادان و روسای دانشگاه‌ها ۹/۷/۸۶).

✽ افزایش سرعت در حرکت علمی و تولید علم

«به‌هنگام چشم‌بازکردن و همت‌گماشتن، موجب شده در برخی از دانش‌های بسیار نو فاصله‌مان با دنیا خیلی کم شود و اگر همت کنیم، می‌توانیم در حرکت خودمان به سبقت هم دست یابیم» (بیانات در دیدار روسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ۵/۵/۸۵). «این تازه در قدم اول است. ما هنوز کاری نکردیم. بله در

نانوتکنولوژی، بیوتکنولوژی، بحث‌های هسته‌ای، بحث‌های هوا - فضا و رشته‌های گوناگون علمی پیشرفت‌هایی شده که مهم و بزرگ است؛ اما این‌ها در مقیاس و معیار حرکت علمی یک کشور چیزی نیست. یکی از دوستان گفتند و بنده هم این آمار را دارم، که سرعت پیشرفت علمی و تولید علم در کشور ما یازده برابر متوسط دنیاست. این را یک مرکز تحقیقاتی غربی - مستقر در کانادا - با جزییاتش ذکر کرده است. البته این یازده، متوسطش است؛ در بعضی از قسمت‌ها سی و پنج برابر سرعت رشد دنیاست؛ در بعضی جاها هم کمتر است؛... این خیلی چیز مهمی است. لکن این آن چیزی نیست که ما توقع داریم و دنبالش هستیم؛ این خیلی کمتر از آن است. این سرعت بایستی با همین شدت ادامه داشته باشد تا ما به تراز مورد نظر برسیم؛ این در دانشگاه لازم است» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه امام صادق ۸۴/۱۰/۲۹) «ما نمی‌توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف، جدی‌تر و با نهایت شتاب اما حساب شده، منظم و منضبط به جلو برویم و در عرصه‌ی داخلی و همچنین عرصه‌ی پیچیده بین‌المللی از تمام ظرفیت‌ها برای دست‌یابی به پیشرفت‌های بزرگ استفاده کنیم» (بیانات نوری سال ۱۳۸۷).

* مسلط نمودن گفتمان علم‌گرایی و علم‌محوری

«به تعبیر متعارف «علم‌گرایی و علم‌محوری» در همه‌ی بخش‌ها باید گفتمان مسلط جامعه بشود. ما در کشور برای رسیدن به هدف چشمانداز ۲۰ ساله به نقشه‌ی جامع علمی احتیاج داریم و بعد این نقشه را طبق راهبردی عملیاتی و برنامه ریزی‌های زمان‌دار و منظم مثل یک پازل به تدریج باید پر و کامل کنیم. این کار با زبندگان و نخبگان و صاحبان اندیشه‌ی کشور عملی است» (بیانات در دیدار روسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ۸۵/۵/۲۳).

د) آینده‌نگری

«شما باید آینده و تاریخ کشور را در نظر بگیرید و ببینید این ملت به کجا باید برسد و شما امروز در کجای این چرخ و این ریل عظیم قرار دارید. امروز شما چه نقشی را باید ایفا کنید تا آن روز، این ملت بتواند در آنجا باشد.

چنین نقشی برای خودتان تعریف و ترسیم کنید؛ هدف را بالا بگیرید.» (بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۶/۶/۱۲)

ه) جامع نگرى در پیشبرد همه‌ی علوم

«بنده از آن آدم‌های خشکی که بگویم حالا ما شعر می‌خواهیم چکار کنیم، هنر می‌خواهیم چکار کنیم، حالا فعلاً علم را راه بیندازیم، نیستیم. با اینکه علم به نظر من در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد در پیشرفت کشور که بارها هم به جوان‌های دانشجو و دیگران - اساتید و غیره - گفته‌ام؛ در عین حال معتقدم همه چیز با هم؛ علم، دین، هنر، ذوق، صنعت، سازندگی‌های گوناگون، کشاورزی، خدمات، روابط خارجی؛ این‌ها همه یک مجموعه است و باید با هم پیش برود؛ هر کدامی هم به نحوه‌ی پیش خواهد رفت» (بیانات در دیدار نخبگان استان یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۵).

و) توجه به نیازهای جامعه

* توسعه‌ی آموزش عالی مبتنی بر هدف و نیاز

«توسعه‌ی آموزش عالی باید در جهت هدف‌ها باشد. مسئولان آموزش عالی باید از توسعه غیرهدفمند به شدت پرهیز کنند. چون این، هم اتلاف مال است، هم اتلاف و ضایع کردن منابع انسانی است. باید ببینیم چه لازم داریم. باید ببینیم هدف چیست و به کجا می‌خواهیم برسیم. بر اساس آن فضای آموزشی آموزش عالی را توسعه دهیم؛ بنابراین، بر حسب نیاز، دنبال اهداف خودمان باشیم. به نظر من این مسئله‌ی خیلی حساس و مهمی است. نیازهای اصلی کشور در حوزه‌ی علوم و فن‌آوری باید احصا شوند، در زمینه‌ی علوم انسانی هم همین جور. بر اساس این‌ها برنامه‌ریزی شود، معلوم شود که چه تعداد دانشجو می‌خواهیم، چه قدر دانشگاه می‌خواهیم، چه رشته‌هایی را لازم داریم، در چه سطوحی این رشته‌ها بایستی تعلیم و تعلم پیدا کنند» (بیانات در دیدار با استادان دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۶/۱۴).

* شناسایی به‌هنگام نیازها

«بنده همیشه این جمله را به دوستانم تکرار می‌کردم؛ الآن هم به شما می‌گویم که هر انسانی باید تلاش کند، نیاز لحظه را بشناسد و آن را برآورده کند. اگر نیاز این لحظه تاریخ را نشناختید و آن را برآورده نکردید و فردا فهمیدید، کار گذشته و دیر شده است؛ مثل یک خط تولید که همین‌طور حرکت می‌کند و تکنسین‌ها و کارگران و مهندسان و متخصصان در جای خودشان قرار گرفته‌اند. وقتی این ابزار جلوی شما می‌رسد، اگر کاری را که باید انجام دهید، انجام ندادید، دیگر از دست رفته است؛ ابزار بعدی یک چیز دیگر است. تاریخ و زمان و نیازهای جامعه این‌طوری است؛ و این آن چیزی است که جوان - بخصوص دانشجو - از عهده آن برمی‌آید؛ می‌تواند آن را بداند و می‌تواند عمل کند؛ چون انرژی دارد؛ فعال است؛ چشمش باز است؛ ذهنش باز است؛ آینده هم متعلق به اوست؛ برای خودش هم کار می‌کند»

(بیانات در پاسخ به پرسش‌های دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف ۷۸/۹۱).

*شناخت نیازهای حقیقی و تأمین ابزار تحقق نیازها

«برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه‌ی اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این تمدن‌ساز است» (بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای ۸۵/۳/۲۵).

ز) ایجاد چرخه‌ی ایده تا محصول (زنجیره علم، فن‌آوری، تولید و تجاری‌سازی)

«علاوه‌ی بر این (نقشه‌ی جامع علمی کشور)، چرخه‌ی دیگری لازم است؛ از پدید آمدن یک فکر در ذهن یک نخبه یا یک نابغه تا تحویل آن به مرکز علمی و فعالیت علمی روی آن و تبدیل این فکر به یک علم یا به شاخه‌ای از یک علم تا عبور از این مرحله و رفتن به میدان فن‌آوری و به عرصه آمدن فن‌آوران و نخبگان فن‌آوری و صنعتی بر روی این یافته‌ی علمی تا بعد به مسئله‌ی تجاری کردن برسد؛ این هم باز یک چرخه‌ی دیگر است» (بیانات در دیدار نخبگان جوان ۸۹/۷/۱۴).

«زنجیره‌ی علم، فن‌آوری، تولید محصول و تجاری‌سازی - که این زنجیره‌ی بسیار مهمی است - در حال شکل‌گیری است؛ یعنی دانش را تولید می‌کنند، آن را تبدیل به فن‌آوری می‌کنند، محصول را تولید می‌کنند، محصول را به بازار تجارت جهانی می‌آورند و برای کشور تولید ثروت می‌کنند» (بیانات در حرم مطهر رضوی (ع) ۹۰/۱/۱).

«دو تا عنوان نباید فراموش بشود: یکی همین مسئله‌ی منظومه‌ی کامل علمی است - که منظومه‌ی علمی کشور باید یک منظومه‌ی کاملی باشد - که نقشه‌ی جامع علمی همین است. یکی هم مسئله‌ی چرخه‌ی ایده‌ی علمی تا مصرف است؛ این هم خیلی مهم است. ایده‌ی کار علمی در ذهن نخبه شکل می‌گیرد، بعد تبدیل می‌شود به علم، بعد تبدیل می‌شود به فن‌آوری، بعد می‌آید می‌شود صنعت، بعد می‌آید توی بازار مصرف. باز خورد آن در بازار مصرف، باز تولید ایده می‌کند. این چرخه باید همین طور استمرار پیدا کند» (بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌ها ۹۰/۶/۲).

«علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فن‌آوری، فن‌آوری را باید وصل کنیم به صنعت و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور. صنعتی که مایه‌ی توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فن‌آوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست. وظیفه‌ی دانشگاه‌ها سنگین است؛ وظیفه‌ی آموزش و پرورش سنگین است؛ وظیفه‌ی مراکز تحقیقاتی و مراکز پژوهشی سنگین است» (بیانات در حرم مطهر رضوی (ع) ۸۵/۱/۱).

ح) نگاه متوازن به رشته‌های علمی

«نگاه به رشته‌های علمی باید نگاه متوازن و برخاسته از نگاه کلی (نقشه جامع علمی) باشد» (بیانات در دیدار روسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور ۸۵/۵/۲۳).

«نقشه‌ی جامع علمی کشور احتیاج دارد به یک برنامه‌ی اجرایی تا بتواند عملیاتی و پیاده شود و تحقق پیدا کند. نقشه‌ی جامع علمی بایستی زنده و پویا و به روز باشد. ای بسا تا سه سال دیگر، پنج سال دیگر وضعیت به گونه‌ای بشود که مجبور شویم بخشی از این نقشه را جا به جا کنیم» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸۹/۶/۱۴).

«اگر می‌خواهیم کشور رتبه‌ی علمی به معنای واقعی کلمه پیدا کند و علم در کشور نهادینه بشود، ما بایستی در رشته‌های گوناگون علمی - چه در آموزش، چه در پژوهش - توازن و تعادل صحیح و واقعی و عادلانه‌ای ایجاد بکنیم؛ این جزو نیازهای ماست.» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸/۶/۸۸).

ط) برجسته‌سازی علم و تحصیل علم برای کشور

«شعائر اسلامی جنبه‌ی نمادین دارد. خودش هم یک حرکت است؛ اما بیشترین تأثیری که مورد توجه است، آن تأثیر نمادین است. مثلاً: «ان الصفا و المروه من شعائر الله (سوره مبارکه بقره آیه ۱۸۵)» صفا و مروه در حج؛ بیشتر اعمال حج از همین قبیل است؛ این‌ها اعمال نمادین است. دو نقطه را با یک فاصله‌ای معین کرده‌اند، می‌گویند بایستی بین این دو نقطه را مرتباً طی کنید و در حرکت باشید. در یک بخشی از این دو نقطه، این حرکت، باید حالت دوبدن به خودش بگیرد؛ این نماد است. نماد یک حرکت دائمی برای مسلمان است. یا طواف؛ برگرد یک محور، یک حرکت تمام‌نشده است؛ حرکت طواف تمام‌نشده است. شما حرکت طواف‌تان تمام می‌شود، نفر بعدی شروع می‌کند. شما کعبه را هیچ‌وقت خالی از این دایره‌ی حرکت‌کننده‌ی مردم مشاهده نمی‌کنید. این‌ها «شعائر الله» است؛ یعنی جنبه‌ی نمادین دارد. این درس را به جامعه‌ی انسانی می‌دهد. کارهای نمادین این است. ما می‌خواهیم در این کشور، معلوم باشد که تحصیل علم و خود علم و تأثیر آن در آینده‌ی کشور، یک نقطه‌ی برجسته و اساسی برای نظام جمهوری اسلامی است. در حقیقت این نقطه‌ی اساسی و برجسته‌ای در ذهن ملت ایران و برای این ملت است. ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم؛ از ناحیه‌ی عقب‌ماندگی در علم ضربه خورده‌ایم» (بیانات در دیدار با نخبگان جوان ۲۵/۶/۸۵).

ی) ایجاد هماهنگی میان بخش‌های علم و فن‌آوری

«یکی از ضعف‌ها ناهماهنگی‌هاست؛ در بخش‌های مرتبط با دانش و علم و فن‌آوری، بایستی هماهنگی کامل به وجود بیاید. ما مسئله‌ی ارتباط صنعت

و دانشگاه را مطرح کردیم - که خب، الحمدلله در این زمینه دارد کار می‌شود و بیشتر هم کار خواهد شد؛ حالا مسئولین مطالبی هم درباره‌ی ارتباط نخبگان با مراکز تحقیقاتی یا با صنایع و امثال این‌ها، با ما در میان گذاشتند که مزده بخش است و ان‌شاءالله در وقت خودش به شما گفته خواهد شد و اطلاع خواهند داد - لیکن هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است؛ یعنی دو وزارت علوم و بهداشت با همین معاونت علمی و فن‌آوری رئیس‌جمهور و بنیاد نخبگان و سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی و هر بخشی از بخش‌ها که در این زمینه‌ها همکاری می‌کنند، یک ارتباط و همکاری و هم‌افزایی دائم لازم است که مبادا این‌ها کار هم را خنثی بکنند یا حلقه‌های مفقوده و خلأهایی در این زمینه به وجود بیاید» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۶/۵).

ک) گذر از علم و فکر ترجمه‌ای و تقلیدی از غرب

در این بخش از بیانات امام خامنه‌ای (مدظله)، تمرکز عمده بر بیان عقب‌ماندگی علمی، مانند بسته نگاه داشتن فضای علمی توسط غربی‌ها و بی‌خردی حاکمان گذشته و نیاز به تلاش برای کسب دانش به صورت مستقل است. کسب دانش به صورت مستقل، به این معنی است که نه فقط باید دانسته‌های دیگران را فرا بگیریم، بلکه باید با ایجاد الگوهای بومی، پیشرفت کشور را سرعت بخشیم. چرا که از نظر ایشان الگوهای غربی با مبانی ذهنی و پیش‌فرض‌های آنان شکل گرفته است و علاوه بر آن، از برخی جنبه‌ها الگوهای ناموفقی هستند؛ بنابراین، پیشرفت علمی و فن‌آورانه باید بر اساس ملاحظه‌ی عناصر اصلی هویت ملی باشد (نظری زاده، ۱۳۹۱: ۳۳۴). از بیانات مقام معظم رهبری دریافت می‌شود که ایشان تقلید را پیشرفت نمی‌دانند. البته یادگیری از دیگران را برای این که خود بتوانیم نوآوری کنیم، لازم می‌دانند؛ یعنی باید به جد علوم تولید شده در سایر نقاط عالم را نیز فرا گرفت؛ اما با این هدف که پس از آن، با توجه به نحوه‌ی کاربرد آن علم در کشور و نظر به ملت و کشور، به تولید علم جدید و بومی پرداخت. چنانکه می‌فرمایند:

«برای یک ملت، سم بزرگ عبارت است از وابستگی؛ و پادزهر این سم،

عبارت است از خودآگاهی، استقلال فکری، استقلال علمی، روی پای خود ایستادن، خود را اداره کردن و خود را محتاج دیگران ندیدن» (بیانات در دیدار جمعی از مخترعان جوان ۸۴/۱/۳۰).

*** استفاده از خرد، سنجش، تحلیل و فهم خود**

«یکی از شعارهایی که بنده در این چند سال تکرار می‌کنم این است که نباید به‌طور دائم در عرصه‌ی تجربه و ترجمه - علم ترجمه‌ای، حتی فکر ترجمه‌ای، ایده و مکتب و ایدئولوژی و اقتصاد و سیاست ترجمه‌ای - بمانیم؛ زیرا این ننگ است برای انسان که از خرد، سنجش، تحلیل و درک و فهم خود استفاده نکند و چشم را روی هم بگذارد و مرعوب موج تبلیغاتی‌ای شود که بر او تحمیل می‌کنند تا سخنی را بپذیرد» (بیانات در دیدار جمعی از مخترعان جوان ۸۴/۱/۳۰).

*** مطلوب نبود تعلیم محض علم غربی به جوانان**

«آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم، این چیز خیلی مطلوبی نیست» (بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌ها ۸۸/۸/۶).

*** تولید علم را منحصر در غرب و نخبگان غربی ندانیم**

«دانشمند شدن یک ملت هم به این نیست که دانسته‌های دیگران را فرا بگیرد. آن، مقدمه‌ی کار است. علم یک دامنه‌ی وسیعی دارد؛ انحصاری نمی‌تواند باشد که ما فرض کنیم یک مجموعه‌ای از کشورها و یا ملت‌ها هستند که نخبگان این‌ها علم را باید تولید کنند، مرزهای جدیدی را برای علم تعریف کنند، یک مقداری خودشان استفاده کنند، یک مقداری هم که زیاد آمد، بدهند دیگران استفاده کنند. این نمی‌شود. این نسبت، این شکل کار، معنایش همین عقب‌ماندگی دائمی بخشی از کشورها، همین رابطه‌ی ظالمانه‌ی بین کشورها، همین مسئله‌ی دنیای اول و دنیای دوم و دنیای سوم و شمال و جنوب و همین حرف‌هایی است که جزء ادبیات رایج سیاسی در این قرن و قرن قبل بوده و شده [است]» (بیانات در دیدار استادان و روسای دانشگاه‌ها ۸۶/۷/۹).

*** تکیه‌گاه اصلی تولید علم و فن‌آوری باید نیروهای خودی باشند**

«علم و فن آوری متعلق به همه‌ی بشریت است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را منحصر به خود بداند و منت آن را بر سر کسی بگذارد. همه‌ی بشر در تکوین موجودی امروز مدنیت بشری، با هم سهیم بوده‌اند. ما راه را به روی خودمان نمی‌بندیم و این را حق خودمان می‌دانیم؛ اما دو نکته مسلم است: نکته‌ی اول اینکه، تکیه‌ی اصلی ما به نیروهای خودی است. شما باید همت کنید؛ شما باید بسازید؛ شما باید مهارت به دست بیاورید؛ ... نکته‌ی دوم اینکه، محصول این همه دستاورد، برای حفاظت از انقلاب است؛ حفاظت از این گوهر گران‌بهایی که ملت ما با خون خود آن را به دست آورده است. حفاظت از استقلال، آزادی ملی، سرسپرده نبودن و دنباله‌رو قدرت‌های بزرگ نبودن... این‌ها را زنده خواهیم کرد تا روش ملت ایران، الگویی برای ملت‌های در بند باشد» (بیانات در بازدید از پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۷/۱۸/۷۱).

ل) توجه به دانشگاه‌ها

امام خامنه‌ای (مدظله) دانشگاه را مهم‌ترین زیرساخت پیشرفت و توسعه‌ی کشور می‌داند؛ بدین معنا که هیچ یک از زیرساخت‌های گوناگون کشور اهمیت و نقش دانشگاه را ندارد؛ چون دانشگاه نیروی انسانی را تربیت می‌کند که مهم‌ترین سرمایه‌ی کشور است (بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ۸۷/۹/۲۴). ایشان دانشگاه را موتور پیشرفت کشور، پایه‌ای برای آینده کشور، عامل کسب عزت اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی و همچنین عامل کسب استقلال، اقتدار و ثروت می‌دانند. چنانکه فرمودند: «دانشگاه موتور پیشرفت کشور است؛ در این هیچ تردیدی نیست» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌ها ۸۹/۶/۱۴) «یک وقتی در دیدار جمعی از مسئولان فرهنگی کشور حضرت امام خمینی فرمودند: مسئله جنگ، یک امر موقت است، در صورتی که مسئله مهم و ماندگار و اساسی ما دانشگاه‌هاست. این یک واقعیت است. دانشگاه که قوام اصلی آن به استاد و دانشجوست، حقیقتاً پایه‌ای برای آینده‌ی کشور محسوب می‌شود» (بیانات در مراسم بیعت جمعی از دانشگاهیان ۶۸/۳/۲۳). «اگر یک ملتی عزت می‌خواهد، اگر استقلال می‌خواهد، اگر اقتدار می‌خواهد، اگر ثروت می‌خواهد، باید دانشگاه خود را تقویت کند» (بیانات در

دیدار با استادان دانشگاهها (۸۹/۶/۱۴).

* تلاش مضاعف دانشگاهها در جبران عقب افتادگی

«بنابراین یکی از با اولویت‌ترین کارها عبارت است از مسئله‌ی علم و فن‌آوری. این در کشور لازم است. ما در این زمینه یک عقب افتادگی مزمن تاریخی خاصی داریم که گنا‌هش به گردن آن کسانی است که با سیاست خودشان، با رفتار خودشان، با طمع ورزی خودشان، با سهل‌انگاری‌های خودشان این بیماری مزمن را بر یک چنین ملت بزرگی تحمیل کردند و ما حالا می‌خواهیم خودمان را از زیر این بار، از زیر این بختک سنگین خلاص کنیم. بنابراین من، شما، مسئولین ذی‌ربط، مسئولین بخش‌های مختلف و هر انسان با شرف در این کشور که امکانی دارد باید در این زمینه تلاش کند. هر کس به قدر خودش، همه مسئولند، از یک دانشجویی که امسال وارد دانشگاه شده تا دانشجوهای برتر و بالاتر تا اساتید تا مسئولین نظام آموزشی و علمی کشور تا بخش‌های مختلف در سلسله مراتب اداری و علمی کشور، همه باید تلاش کنیم، همه باید کار کنیم. همه باید بدویم تا بتوانیم این عقب افتادگی تاریخی تحمیل شده‌ی بر خودمان را جبران کنیم. این یک

مسئله‌ی جدی است» (بیانات در دیدار نخبگان جوان ۸۹/۷/۱۴).

م) توجه به نخبگان، جوانان و نیروی انسانی متعهد و متخصص

مقام معظم رهبری، همواره توجه خاصی به نخبگان علمی داشته‌اند. شاهد این مدعا دیدارهای مکرر ایشان با نخبگان است. البته با توجه به تأکید ایشان بر پیشرفت علمی کشور، می‌توان این توجه را نیز انتظار داشت. موضوع اصلی که از بیانات ایشان درباره‌ی نخبگان فهمیده می‌شود این است که باید برای استفاده از توانایی‌های نخبگان در کشور برنامه‌ریزی کرد. ایشان تأکید دارند که منظور، استفاده از نخبگان علمی در امور اجرایی و اداری نیست، بلکه منظور استفاده از توانایی‌های علمی آنان است. علاوه بر این، ایشان بر این باور اصرار دارند که تکریم عالم به تکریم علم منجر می‌شود و این خود به گسترش و رواج علم می‌انجامد (نظری زاده، ۱۳۹۱: ۳۳۸).

تکرار موضوع نخبگان علمی و تأکید بر اهمیت این موضوع در سخنان ایشان

بسیار زیاد است؛ چرا که از نظر ایشان پیشرفت علمی کشور به استفاده از نخبگان علمی در بخش‌های گوناگون وابستگی شدید دارد.

«همه‌ی بخش‌های دانشگاهی، تولیدی، صنعتی و دفاعی باید ضمن آنکه به تحقیقات توجه جدی می‌نمایند از نیروهای با استعداد جوان و دارای توانایی‌های علمی بالا در بخش‌های مختلف استفاده کنند و خود را در تحقیقات و استفاده از ظرفیت‌های علمی محدود نکنند» (بیانات در بازدید از نمایشگاه جلوه‌های خودباوری و اقتدار دفاعی وزارت دفاع ۸۶/۳/۳).

※ نیروی انسانی اساس پیشرفت کشور

«نیروی انسانی در هر کشوری، اساس پیشرفت است. کدام نیروی انسانی پیشرفت را در یک کشور تضمین خواهد کرد؟ نیروی انسانی مؤمن، با وجدان، معتقد به کار و دلسوز؛ و آلا آن نیروی انسانی‌ای که اعتقاد به کار و دلسوزی ندارد و برای کشور و نظام و ارزش‌های مردم و خود مردم هیچ‌گونه اعتنایی قائل نیست، چه کمکی می‌تواند به پیشرفت کشور بکند؟ این‌ها نکات اساسی است که باید در سیاست‌گذاری بسیاری از بخش‌های عمده‌ی دستگاه ما مورد توجه قرار بگیرد. ما نیروی انسانی مؤمن و دلسوز می‌خواهیم. اگر دین هم ندارند، اگر به ارزش‌های اسلامی هم اعتقاد ندارند، لاقول دلشان بخواهد که برای میهن‌شان مفید و مؤثر باشند؛ بخواهند این دانشجو با اخلاق صحیح تربیت بشود؛ او را به سوی فساد اخلاق سوق ندهند؛ مسئله این است» (بیانات در دیدار فرزندان شاهد، اساتید و دانشجویان تربیت مدرس ۷۰/۶/۱۳).

※ نقش جوانان در پیشرفت و دفاع از کشور

«دشمن از جوانان ما می‌ترسد و می‌داند که اگر نسل جوان گسترده با ایمان ما با همین ایمان در صحنه بایستد، هیچ سلاحی، هیچ بمبی و هیچ موشکی نمی‌تواند این ملت را به‌زانو درآورد. هر گامی که شما برای ارتقای علمی و عملی و اخلاقی خودتان بردارید، مثل گلوله‌ای است که به سمت دشمن شلیک می‌کنید. این جنگ و این رزم، جهاد بزرگی است. آن روز هم مردان ما، زنان ما، قومیت‌های مختلف ما - عرب ما، فارس ما، ترک ما، گُرد ما، گُر ما، بلوچ ما - در سرتاسر کشور روی دفاع از شرف و هویت و استقلال کشور و مقابله با استکبار و ایادی او در داخل متمرکز شدند و در این راه توفیق

به دست آوردند. امروز هم همین است. عرب، فارس، ترک، بلوچ، کرد، گرو و همه قومیت‌های ایرانی، متمسک به حبل اسلام و با وحدت کلمه، همین راه مبارک را ادامه دهند. نسل جوان ما از لحاظ علمی باید پیشرفت کند؛ همچنان که تا امروز پیشرفت کرده است. جنجال‌هایی هم که به خیال خودشان در دنیا علیه جمهوری اسلامی برای سلاح کشتار جمعی و غیره بلند می‌کنند، از همان بهانه‌هاست؛ این هم از همان پوشش‌های فریب‌انگیز است. مسئله این نیست؛ مسئله این است که دست‌یابی نسل جوان کارآمد این کشور به فن‌آوری‌های سطح بالا، آن‌ها را می‌آزارد و رنج می‌دهد. آن‌ها می‌خواهند ملت‌ها وابسته بمانند، ملت‌ها پایین بمانند، ملت‌ها دستشان به سمت آن‌ها دراز باشد، ملت‌ها همیشه ضعیف و ذلیل باشند تا آن‌ها بتوانند هر کاری می‌خواهند، سر ملت‌ها درآورند. کارِ مقابل آن‌ها این است که ملت‌ها خود را از لحاظ علمی و ایمانی قوی کنند» (بیانات در دیدار جمعی از جوانان اهواز ۸/۵/۸۲).

*نخبگان سرمایه‌های ارزشی و معنوی کشورند

«نخبگان، سرمایه‌های معنوی کشورند. در دنیا، نگاه مادی به سرمایه‌ها و ثروت معنوی موجب شده است که ثروت‌های معنوی را با محاسبه‌ی امکان تبادل به پول بسنجند؛ این دانش چقدر می‌تواند تبدیل به پول بشود؛ این هنر چقدر می‌تواند تبدیل به پول بشود؛ اما در اسلام این معیار وجود ندارد. نه این‌که از تبدیل علم و هنر و سایر سرمایه‌های معنوی به پول، ابایی وجود داشته باشد؛ نه علم وسیله‌ی رفاه زندگی است؛ هنر، وسیله‌ی رونق و بهای زندگی است؛ اشکالی ندارد؛ اما با قطع نظر از این نگاه، خود این ثروت معنوی هم یک ارزش والایی از نظر اسلام دارد. یعنی این هنرمند، حتی اگر هنر او را کسی نشناسد و از هنر او هیچ‌کس بهره نبرد، نفس دارا بودن این هنر با نگاه اسلامی و نگاه معنوی، خود یک ارزش است. این عالم ولو مورد انکار قرار بگیرد و علم او را کسی نشناسد، نفس دارا بودن این علم، یک ارزش است. درست است که علم، مقدمه‌ی عمل است؛ درست است که دانایی وسیله‌ی توانایی است؛ اما این توانایی، این عمل، لزوماً همیشه آن چیزی نیست که قابل تبدیل به ثروت مادی باشد؛ باید ما این نگاه را تقویت کنیم. ممکن است در یک جامعه‌ای به خاطر فقر امکانات یا کمبود تجربه، نتوان

مابه‌ازای مادی را در مقابل دانش یا تحقیق یا هنر یا این‌گونه سرمایه‌های معنوی ارائه کرد. در جامعه‌ی ما هم حتماً این‌گونه است و در بسیاری از نقاط دنیا این‌گونه است. این نباید موجب بشود که جوشش چشمه‌های علم و هنر متوقف بشود» (بیانات در دیدار نخبگان استان کرمان ۱۴/۲/۸۴).

※ نخبگی در هر زمینه‌ای منزلت محسوب می‌شود

«ما قدر نخبگان و نخبگی را میدانیم در بخش‌های مختلف؛ فعالیت‌های علمی، فعالیت‌های هنری، فعالیت‌های قرآنی، فعالیت‌های دینی، فعالیت‌های ورزشی، فعالیت‌های مربوط به علوم حوزه‌ای، فعالیت‌های مربوط به علوم دانشگاهی، فعالیت‌های کارگری، فعالیت‌های صنفی و کسبی یا خدماتی، فعالیت‌های میدان‌های انقلاب؛ ایثارگری و جهاد و شهادت و اسارت و این‌ها؛ هر کدام که در هر بخشی یک نخبگی بروز داده باشید، ما قدردان آن و طلبکار و مشتری آن و متشکر و سپاسگزار از دارنده‌ی آن هستیم. این، آن کار واقعی است. این را ما به شما قولاً و عملاً اثبات می‌کنیم و این وظیفه‌ی ماست. این، بخش عملی این کار. مسئولان کشور بدانند که اگر می‌خواهند کشور با گام‌های بلند، با شتاب لازم به سمت آن آرمان‌های تصویر شده حرکت کند، باید نخبه را نخبه بدانند و از او قدردانی کنند» (بیانات در دیدار نخبگان استان یزد ۱۵/۱۰/۸۶).

※ تکریم و بزرگداشت نخبگان علمی

«بهترین مشوق برای گسترش علم، تکریم دارنده‌ی علم است؛ و اساتید دانشگاه‌های ما، برجستگان و نخبگان مراکز پژوهش ما، در زمره‌ی کسانی هستند که برجستگان علمی و نخبگان علمی به حساب می‌آیند. یک چیز دیگری که من اینجا لازم است مطرح بکنم - اگر چه مخاطبش در واقع کس دیگری است - مسئله‌ی بزرگداشت نخبگان و تکریم نخبگان است. حرف من این است که چرا ما باید یک نخبه‌ی علمی را کمتر از یک نخبه‌ی ورزشی بها بدهیم؟ ما چقدر نخبه‌های علمی داریم که در قله‌اند؛ چقدر نخبه‌ی علمی داریم که اگر چنانچه دست کشورهای دیگر به این‌ها برسد، آن‌ها را فوراً می‌قاپند و می‌برند؛ این‌ها را باید تجلیل کنیم» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی

*تکیه به نیروهای انقلابی مؤمن نخبه

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با اشاره به این که کشور ما جوانانی دارد که در شرایط تحریم توانستند پیچیده‌ترین ابزارهای جنگی را برای مقابله با دشمنان تولید کنند، همواره بر این تأکید دارند که با تکیه بر نیروهای انقلابی مؤمن خود می‌توان تمامی نیازهای خود را در داخل کشور تهیه کرد. چنانکه فرمودند:

«شما ببینید، با جمهوری اسلامی چه کردند! گلوله آر. پی. جی. دم دستی کم اهمیتیت را به ما نمی‌فروختند. اصلاً کسی باور می‌کند؟! خوب؛ این جمهوری اسلامی، همان کشوری است که در آن وقت این محدودیت‌ها را داشت. می‌دانید نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که به فضل پروردگار و به حول و قوه الهی، جوانان مؤمن این مملکت، به گوشه‌ی انبارها و کارگاه‌ها رفتند؛ درها را روی خودشان بستند و مشغول کار شدند. ما امروز برخی از پیچیده‌ترین ابزارهای جنگی را که دشمن به عقلش هم خطور نخواهد کرد، خودمان در داخل تهیه می‌کنیم. البته ما را به ساختن بمب اتمی و شیمیایی متهم می‌کنند که این‌ها دروغ است. خودشان هم می‌دانند که دروغ است. آنچه را که واقعیت دارد، آن‌ها نمی‌دانند و به عقلشان هم نمی‌رسد» (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳/۲/۷۴).

سپردن کارها به نیروهای ارزشی و خودی، نه تنها باعث جلوگیری از به هدر رفتن منابع مادی و انسانی خواهد شد، بلکه اعتقاد، ایمان و باورهای دینی نیروهای ارزشی موجب می‌شود تا ارزش‌های نظام صیانت شده و در معادلات جهانی هرگز در برابر خواسته‌های نامشروع قدرت‌های سلطه‌گر سر تسلیم فرود نیاورند. چنانکه فرمودند:

«یگانه نجات بخش کشور و ملت از شر سلطه‌ی دشمنان و جباران و از شر فقر و جهل - که میراث شوم طواغیت است - رعایت ارزش‌های اسلامی و عدل اسلامی و تکیه بر استعدادهای انسانی این ملت و نیروهای خالص و مخلص آن است؛ و هم این است که کشور را از وابستگی به بیگانگان و نیاز به دشمنان نجات خواهد داد» (بیانات در جمع کارکنان پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۱۸/۷/۱۳۷۱).

آن حضرت در مناسبتی با تأکید بر این نکته که آن چیزی که پیشرفت را برای

سازمان‌ها به ارمغان می‌آورد و محیط را ماندگار و مستحکم و غیرقابل تصرف و مایه‌ی افتخار برای ملت می‌سازد، ناشی از تلاش عناصر مؤمن، با شوق و باهمت است (بیانات در دیدار با کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ۱۳۷۵/۱۱/۱۸)؛ در جایی دیگر تأکید فرمودند:

«بیشترین امید، اعتماد و تکیه‌ی ما به نیروهای ذاتی و درونی ایران اسلامی عزیز است. جوانان ما و مغزهای متفکر و دست‌های ماهر و روح‌های بزرگ سازنده و مبتکر خود ما هستند که باید ما را مجهز کنند... ما، در راه و راه را به روی خودمان نمی‌بندیم که از امکانات جهان و فن‌آوری جدید استفاده نکنیم. علم و فن‌آوری متعلق به همه‌ی بشریت است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را منحصر به خود بداند و منت آن را بر سر کسی بگذارد. همه‌ی بشر در تکوین موجودی امروز مدنیت بشری، با هم سهیم بوده‌اند. ما راه را به روی خودمان نمی‌بندیم و این را حق خودمان می‌دانیم؛ اما... تکیه‌ی اصلی ما به نیروهای خودی است» (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در روز عید سعید غدیر خم ۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

جمع‌بندی

شرایط پیچیده و متلاطم، محیط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و افزایش تهدیدهای خارجی سبب افزایش توجه به موضوع دفاع شده است. از طرفی دیگر، پیشرفت و ادامه‌ی حیات هر جامعه‌ای مرهون توجه به مقوله علم و فن‌آوری و به‌ویژه نوآوری افراد آن جامعه و شکوفایی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و ... است. نگاهی به دستاوردهای بشر و سیر زندگی او، درک این واقعیت را به‌راحتی امکان پذیر می‌سازد و مشخص می‌شود جوامعی که در این زمینه تلاش و کوشش بیشتری داشته‌اند، نسبت به سایر جوامع از پیشرفت و تکامل فرهنگی و تمدنی بهتری برخوردار بوده‌اند. مقام معظم رهبری نیز بارها در سخنان خود به این نکته تأکید کرده و اهمیت علم و فن‌آوری و نوآوری را در سخنان خود متذکر شده‌اند. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) علم را مایه اقتدار و پیش نیاز کسب عزت و قدرت در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و ... می‌داند و بر این نکته

تأکید دارند که کشورهای سلطه‌گر به برکت دستیابی به علم و فن‌آوری توانسته‌اند بر بخش‌هایی از دنیا مسلط شوند، لذا مجهز شدن به سلاح علم و فن‌آوری کلیدی‌ترین مؤلفه در برچیده شدن نظام سلطه است. بر این مبنا، تلاش در راستای نیل به چیرگی عمیق و بنیادی بر دنیای علم و فن‌آوری به‌منظور مقابله با استکبار جهانی یک ارزش و جهاد علمی مقدس را می‌طلبد. بخش دفاع نیز به‌دلیل قدمت و پیشتازی در توسعه‌ی علم و فن‌آوری در کشور، به‌خصوص داشتن جایگاه مهم در تأمین تسلیحات و تجهیزات برخوردار از فن‌آوری پیشرفته، نقش اساسی و محوری در این جهت خواهد داشت.

فصل سوم: دیپلماسی دفاعی

مقدمه

نگاهی گذرا به زندگانی بشر در طول تاریخ، نشان می‌دهد که «امنیت» یکی از دغدغه‌ها و مسئله‌های بنیادی و مهم بشر بوده و آنان برای حفظ و صیانت از آن تلاش و کوشش‌های فراوانی به عمل آورده و جان‌های بی‌شماری را نثار کرده‌اند. انسان‌ها از هنگامی که تصمیم گرفته‌اند از دل کوه‌ها و جنگل‌ها بیرون آیند و در کنار هم به صورت دسته‌جمعی زندگی کنند، نیاز به «امنیت» را احساس کردند. آنگاه، با پیدایش اجتماعات و گروه‌ها و قبایل مختلف، راه‌های وصول به «امنیت ملی»^۱ مورد مطالعه قرار گرفت. پس از تشکیل کشورهای کوچک و بزرگ در جهان، موضوع امنیت ملی بیشتر مورد توجه فرمانروایان واقع شد و آنان برای رسیدن به امنیت دست به اقدامات گوناگونی زدند (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۱)؛ زیرا تنها در پرتو امنیت بشر قادر خواهد بود با خاطری آسوده، به کار و فعالیت اشتغال داشته و اندیشه‌های خویش را به کاراندازد. امنیت بستر نوآوری و اختراع بوده و انسان‌ها در سایه امنیت توانسته‌اند در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، صنعتی، دفاعی و... به رشد و شکوفایی نائل آیند؛ بنابراین، «**شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت، در درجه‌ی اول «امنیت» است**» (بیانات در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰). «اگر امنیت نباشد، بسیاری از خیرات جامعه، از آن جامعه رخت خواهد بست» (بیانات در دیدار فرماندهان و گروهی از کارکنان نیروی انتظامی ۱۳۷۸/۷/۱۷).

با توجه به اهمیت موضوع تأمین امنیت در کشور، ضرورت دارد متولیان امور، شرایطی را فراهم آورند تا کشور در سایه سار آن به امنیت برسد. در گذشته، امنیت هر جامعه فقط با قدرت نظامی و سلاح و تجهیزات سنجیده می‌شد؛ اما امروزه تنها قدرت تسلیحاتی برای جوامع امنیت نمی‌آورد، بلکه با استفاده از ابزارهای دیگری همچون دیپلماسی دفاعی^۲ نیز می‌توان در جامعه امنیت‌سازی کرد. به دیگر سخن، در کنار اقدامات دستگاه دیپلماتیک کشور، سازمان دفاعی هر کشور نیز می‌تواند با انجام اقداماتی از قبیل انعقاد پیمان‌های دفاعی دوجانبه و همکاری علمی و فنی نظامی با دیگر کشورها تعامل داشته تا از این طریق از پیوستن آن کشور یا کشورها در ردیف کشور غیردوست جلوگیری به عمل آورد.

1- National Security

2- Defense Diplomacy

بخش اول: مروری بر مباحث نظری

در زمان‌های پیشین، روابط کشورها تنها در میدان‌های کارزار شکل می‌گرفت و جنگ، تنها راه حل اختلاف جهانی به شمار می‌آمد. از این رو، دولت قوی‌تر با اتکا به قدرت خویش دولت کوچک‌تر را به اطاعت و انقیاد از خود وادار می‌کرد. با فراهم آمدن شرایط توسعه‌ی بین‌المللی و افزایش همکاری‌های گوناگون میان ملت‌ها، به تدریج زمینه‌های نوینی برای رفع مسالمت‌آمیز مناقشات فی‌مابین دولت‌ها پدیدار شد. امروزه با توسل به ابزار جدید رفع اختلاف، جامعه‌ی بین‌المللی اعمال قدرت را به‌عنوان راه حل اختلاف میان ملت‌ها محکوم می‌کند. با ارتقای آگاهی سیاسی در سطح بین‌المللی و رشد افکار عمومی ملت‌ها، کاربرد شیوه‌های دیپلماتیک^۱ در حل و فصل مسائل میان کشورها بیشتر ملموس می‌شود. تا جایی که امروزه مردم دنیا صلح و سعادت را بیشتر در سایه استفاده از روش دیپلماسی محقق می‌دانند (غفوری، ۱۳۸۶: ۱۹). به همین لحاظ، هر کشوری تلاش دارد تا با استفاده از مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی، یعنی دیپلماسی، بتواند منافع ملی خود را در نظام بین‌الملل تأمین کند؛ بنابراین، ملاحظه می‌شود که در شرایط کنونی نظام بین‌الملل، دیپلماسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که دولت‌ها با انگیزه‌های گوناگونی، نظیر اجتناب از جنگ و خصومت، توسعه طلبی، کسب امتیازات و اعمال نفوذ بیشتر، جلوگیری از گسترش بحران و حفظ وضع موجود، تلاش می‌کنند تا با کمترین هزینه، بالاترین منفعت و مطلوبیت را به دست آورند؛ اما از آنجایی که تنوع و دامنه‌ی موضوعات در عصر کنونی وسیع و گسترده است، به همین دلیل، ضرورت دارد نهادهای گوناگون در دستگاه حکومتی همکاری‌های بین خود را افزایش دهند تا بتوانند در عرصه بین‌المللی با همکاری دستگاه سیاست خارجی آن را به سرانجام برسانند. به تعبیری، در دوران معاصر، دیگر این باور وجود ندارد که فقط دیپلمات‌ها وظیفه‌ی تأمین منافع و امنیت ملی یک کشور را بر عهده دارند، بلکه با توجه به عواملی، چون بسط و گسترش روابط بین‌المللی، تحولات در حوزه‌ی علم و فن‌آوری، توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی، مبادلات اقتصادی، مالی و تجاری، اهمیت یافتن افکار عمومی، ابزارهای گوناگونی در عرصه‌ی دیپلماسی در جهت تحقق منافع و امنیت ملی، در اختیار دولت‌ها قرار گرفت. به سخن دیگر، دیپلماسی دارای ابعاد

گوناگونی چون دیپلماسی سیاسی، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی دفاعی شد. به همین منظور، ضرورت همکاری نهادهای گوناگون در دولت دو چندان شد تا هر یک از آن‌ها در حیطه مأموریت خود بتوانند در عرصه‌ی بین‌المللی در جهت تأمین منافع و امنیت ملی، با همکاری دستگاه سیاست خارجی اقدام کنند.

۱- مفهوم دیپلماسی دفاعی

دیر زمانی این باور رایج بود که دیپلماسی اولین خط دفاع و دفاع، آخرین خط دیپلماسی است (Sachar, 2003:405). بر این اساس، دیپلمات‌ها وظیفه‌ی اصلی را در تأمین منافع و امنیت ملی یک کشور بر عهده داشتند و نظامیان تنها زمانی وارد می‌شدند که دیپلماسی سیاسی با بن بست مواجه می‌شد. این نگرش ادامه رویکرد کلاسیک به موضوع راهبرد و جنگ است که بر اساس آن، جنگ ادامه سیاست اما با ابزارهای دیگر است. نظامیان تنها باید زمانی وارد عرصه دیپلماسی شوند که همه روش‌های غیرنظامی به شکست انجامیده باشد. در نتیجه، میان دیپلماسی به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار سیاست خارجی و دفاع، به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار سیاست دفاعی، خط و مرز مشخصی وجود داشت. ورود نظامیان در عرصه دیپلماسی، اغلب با بی‌اعتمادی دیپلمات‌ها نسبت به این امر همراه بود.

با پایان جنگ سرد و کاهش نظامی‌گری در عرصه سیاست بین‌الملل، زمینه‌ی همکاری‌های مختلف میان کشورها از جمله در حوزه‌ی نظامی و دفاعی فراهم شد. در نتیجه، کشورها مأموریت‌های جدیدی را برای ارتش و نیروهای دفاعی خود تعریف کردند. از این رو، کارکرد نظامیان فقط محدود به دوران جنگ و دفاع نبود، بلکه آن‌ها می‌توانستند در زمان صلح نیز به تأمین منافع و اهداف ملی یک کشور کمک کنند. بدین‌سان، دیپلماسی دفاعی بار دیگر مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفت. در کانون این دیپلماسی دفاعی احیاء شده، همکاری‌های نظامی میان کشورها در راستای تحقق اهداف امنیت ملی آن‌ها قرار دارد (قهرمان پور، ۱۳۸۵: ۲)؛ بنابراین، با پیدایش این مفهوم، خط بطلانی بر وجود مرز میان دیپلماسی و دفاع کشیده شد و این موضوع آشکار شد که وظیفه نیروهای مسلح تنها اندیشیدن به جنگ نیست، بلکه مسئولیتی فراتر از آن،

یعنی وظیفه‌ی خدمت در راه پیشرفت و آبادانی کشور دارند.

با این وصف، در تعریف دیپلماسی دفاعی می‌توان گفت: «دیپلماسی دفاعی عبارت است از فعالیت‌هایی مانند انجام گفت و گوهای امنیتی، راهبردی و سطح بالا، تبادل‌های آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش و تمرین‌های نظامی مشترک و نظایر آن از سوی ارتش کشورها» (James E. Willard, 2006). در تعریف دیگر آمده است: دیپلماسی دفاعی، ناظر بر اولویت و برجسته‌سازی کاربست و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفت و گو و تعامل و همه‌ی ابزارهای غیرقهری برای پیشبرد هدف‌ها و کار ویژه‌های دفاعی است که در آن، بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی و در نهایت، هدف‌های ملی، مد نظر قرار می‌گیرد. در واقع، دیپلماسی دفاعی بخشی از قدرت ملی است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی (دو و چند جانبه) را تشکیل می‌دهد. از این رو، دیپلماسی دفاعی نه تنها ناظر به کاربست سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی، بلکه متضمن سهیم شدن دیپلماسی در حوزه‌ی سیاست دفاعی است (ساعد، ۱۳۸۹: ۶۴). در مجموع می‌توان گفت: دیپلماسی دفاعی به معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه‌ی دفاع برای تأمین مطلوب منافع و امنیت ملی است که به‌طور معمول از سوی سازمان‌های نظامی - دفاعی کشورها بدون کاربرد قدرت سخت باهدف افزایش سطح تعاملات همکاری جویانه و جایگزین کردن ثبات به‌جای تنش مورد توجه و پیگیری قرار می‌گیرد.

۲- فلسفه‌ی دیپلماسی دفاعی

دیپلماسی، ابزار سیاست خارجی و یکی از شیوه‌های مسالمت‌آمیز تحقق سیاست خارجی است که در آن گفتگو و مذاکره‌ی مسالمت‌آمیز مطرح است. موضوع دفاع نیز ناظر بر امنیت ملی کشورهاست. در دیپلماسی دفاعی سخن از فعالیت‌هایی مانند انجام مذاکرات دفاعی - امنیتی، فراهم کردن بستری مناسب برای آموزش نیروها یا برگزاری رزمایش‌های نظامی، همکاری برای ثبات‌سازی از طریق جلوگیری از بروز مناقشات و حل و فصل آن‌ها، واردات و صادرات تجهیزات و تسلیحات نظامی است که سازمان

دفاعی کشور به منظور صیانت از امنیت ملی و منافع ملی، در تعامل با محیط بین‌المللی و پیرامونی به آن اقدام می‌ورزد.

هدف از دیپلماسی، کاربرد سیاست دفاعی در عرصه‌ی دیپلماسی به منظور تأمین اهداف عالی‌ه یک نظام سیاسی در قالب راهبرد کلان ملی است؛ بنابراین، دیپلماسی در برگیرنده‌ی هر دو بعد قدرت نرم افزاری و سخت افزاری و عملیاتی کردن آن در محیط بین‌المللی است، به گونه‌ای که منافع و اهداف نظام سیاسی با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت، تأمین شود (انعامی علمداری، ۱۳۸۵: ۹۴). طبیعی است یک کشور برای داشتن دیپلماسی دفاعی مؤثر و کارآمد، باید در سطح داخلی از سازمان دفاعی منظم و پیشرفته‌ای برخوردار باشد و به تعبیری دارای برخی مزیت‌های نسبی در حوزه نظامی باشد. فقدان این مزیت‌های نسبی باعث می‌شود دیپلماسی دفاعی به همکاری‌های سنتی نظامی در سطح دوجانبه دولتی محدود شود. از سوی دیگر، هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای دخیل در دیپلماسی با وزارت خارجه از اهمیت ویژه‌ای در موفقیت دیپلماسی دفاعی برخوردار است. برای مثال، حل و فصل یا جلوگیری از بروز منازعات منطقه‌ای در وهله نخست مستلزم رفت و آمدهای دیپلماتیک و مذاکرات چندجانبه است و بخش دفاعی یا نظامی تنها یک بخش از این تلاش کلی است (قهرمان پور، ۱۳۸۵: ۷). به گفته یکی از نظریه‌پردازان حوزه‌ی روابط بین‌الملل، «اگر فضای سیاسی و منطقه‌ای در شرایط تعادل و ثبات قرار می‌گیرد، این امر به مفهوم آن است که بهره‌گیری از دیپلماسی دفاعی به گونه‌ی مؤثر و سازنده انجام گرفته است. در حالی که اگر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در شرایط جدال و منازعه قرار گیرد، بیانگر آن است که جهت‌گیری دیپلماسی دفاعی و همچنین نتایج حاصل از آن منجر به امنیت سازی نشده است. معیار اصلی سنجش مطلوبیت و کارآمدی دیپلماسی دفاعی را باید در شاخص‌هایی از جمله تعادل، ثبات و مطلوبیت مشترک مورد توجه قرار داد» (متقی، ۱۳۸۵: ۳۲). با این وصف، به اختصار فلسفه دیپلماسی دفاعی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- تأمین منافع ملی و بهبود شاخص‌های امنیت (امنیت سازی) به واسطه گسترش و تقویت روابط دفاعی با بازیگران بیرونی؛
- حضور و نقش فعال در نهادهای تأثیرگذار در حوزه‌ی خلع سلاح و کنترل

- تسلیحات، به دلیل عدم وجود تضمینی سازمانی برای جلوگیری از کاربرد این دسته از سلاح‌های غیرانسانی در درگیرهای مسلحانه؛
- جلوگیری از تشکیل ائتلاف علیه خود توسط بازیگران تهدید کننده؛
 - برقراری ارتباط با بازیگران مرتبط با مناقشه، به عنوان میانجی برای پیشگیری از جنگ یا حل و فصل اختلافات؛
 - همکاری گرایمی امنیتی برای مقابله با برخی موضوعات مخاطره آفرین امنیتی، از قبیل مقابله با تروریسم، مقابله با باندهای مواد مخدر و...؛
 - دستیابی به منافع اقتصادی از طریق انتقال یا فروش فن آوری و محصولات پیشرفته‌ی دفاعی.

۳- سطوح دیپلماسی دفاعی

الف) سطح دو جانبه

یکی از قدیمی‌ترین نوع دیپلماسی دفاعی، دیپلماسی دو جانبه است. دیپلماسی دو جانبه، همکاری یک دولت با دولت دیگر در حوزه‌ی نظامی - دفاعی است. البته ممکن است این همکاری بین یک دولت با دو دولت نیز منجر شود که در اصطلاح به آن دیپلماسی چند جانبه گفته می‌شود. در این دیپلماسی، نگرانی‌های امنیتی و دفاعی و موقعیت منطقه‌ای و جغرافیای سیاسی (ژئوپولیتیکی) و سطح توانمندی‌های نظامی از جایگاه ممتاز و مؤثری برخوردار است. تمرکز اصلی این سطح از دیپلماسی دفاعی، بر موضوعاتی چون آموزش نظامی، اعزام وابسته نظامی، انعقاد پیمان‌های دفاعی، انجام رزمایش‌های مشترک، ایجاد پایگاه نظامی، انتقال فن آوری‌های نظامی و تسلیحاتی، انعقاد پیمان‌های عدم تجاوز، همکاری‌های علمی و فنی نظامی - دفاعی و تشکیل کمیسیون‌های مشترک دفاعی قرار دارد.

ب) سطح منطقه‌ای

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در قرن بیستم، به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، در صحنه‌ی سیاست بین‌الملل پدید آمد، پیدایش اتحادیه‌های منطقه‌ای اعم از سیاسی،

اقتصادی، دفاعی و امنیتی به منظور ایجاد همکاری در توسعه و ارتقای صلح و ثبات و ممانعت از جنگ و مخاصمه و تهدیدها و برگرفته از احساسی مشترک و نیاز متقابل با هدف تأمین حداکثر منافع مورد نظر بوده است (کاظمی، ۱۳۷۰: ۵۰۱). به عقیده یکی از نظریه پردازان عرصه‌ی راهبرد نظامی، شرط لازم برای دستیابی به این منافع نیز، نیازمند همکاری و هماهنگی بین کشورها است (بیلیس جان و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۴۳). این همکاری متقابل عاملی مؤثر در تقویت روابط در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است و دولت‌ها از طریق آن می‌توانند بحران‌ها (اعم از بحران‌های موجود و احتمالی) را حل و فصل کنند. از این رو، این جریان موجب تحکیم صلح و امنیت خواهد شد. تمرکز اصلی این سطح از دیپلماسی دفاعی، بر موضوعاتی همچون تشکیل و گسترش سازوکارهای دفاعی، پیشگیری و حل و فصل چالش‌ها و منازعه‌ها، انعقاد پیمان عدم تجاوز، انعقاد پیمان‌های امنیتی - دفاعی، حضور در پیمان‌های امنیتی است.

ج) سطح بین‌المللی

سومین سطح از سطوح دیپلماسی دفاعی، سطح بین‌المللی، یعنی استفاده از مجامع بین‌المللی است. سطحی که توسل به همکاری مشترک برای تأمین امنیت جمعی را مورد توجه قرار می‌دهد. مهم‌ترین محورهای دیپلماسی در سطح بین‌المللی را می‌توان حضور در عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، تشکیل نهادهای دفاعی بین‌المللی، ایجاد و پیوستن به معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر بر حقوق بین‌المللی بشردوستانه نام برد.

۴- رابطه‌ی سیاست خارجی و دیپلماسی دفاعی

سیاست خارجی^۱، سیاست یک دولت در عمل متقابلش با دیگر دولت‌ها و خلق‌ها است (آقا بخشی، ۱۳۷۵: ۱۴۷). دیپلماسی دفاعی نیز سیاست یک دولت در همکاری متقابل دفاعی و گفت و گوهای امنیتی با دولت‌های دیگر است که منجر به تقویت پیوندهای سیاسی نیز می‌شود.

دیپلماسی دفاعی مفهومی است در قالب قدرت؛ این مفهوم سعی می‌کند با به کارگیری تمامی ابزارهای قدرت سیاسی در جهت تحقق عالی یک کشور گام بردارد؛ بنابراین، بدیهی است که بین این مفهوم و سایر حوزه‌های قدرت، نظیر سیاست خارجی، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. قدرت سیاسی در خلأ عمل نمی‌کند. بلکه در قالب سیاست بین‌الملل، به‌عنوان محلی برای کشمکش قدرت می‌توان زمینه‌های آن را مشاهده کرد. بر این اساس، هر دولتی بخواهد در قالب سیاست بین‌الملل عمل کند، یقیناً وارد عرصه قدرت شده است. دیپلماسی دفاعی یک عمل در حوزه‌ی سیاست بین‌المللی است؛ چرا که هر دو عنصر تشکیل دهنده‌ی آن، یعنی دیپلماسی و دفاع، ماهیتاً مبتنی بر قدرت هستند.

سطح همکاری		نوع همکاری	ابعاد همکاری
سطح دوجانبه	همکاری‌های	مبادلات آموزشی نظامی	
	نظامی	اعزام وابسته نظامی	
دولت- دولت	دوجانبه	توافق‌های دفاعی دوجانبه	
	همکاری‌های	همکاری علمی (نظامی) و فنی (نظامی)	
سطح منطقه‌ای	همکاری‌های	مذاکره برای ایجاد پایگاه نظامی	
	نظامی	توافق در مورد انجام رزمایش مشترک	
بین‌المللی	منطقه‌ای	ایجاد ساختارهای امنیتی منطقه‌ای	
	همکاری‌های	حل منازعات منطقه‌ای	
سطح	نظامی	جلوگیری از بروز منازعات منطقه‌ای	
	بین‌المللی	منطقه‌ای	حضور در پیمان‌های امنیتی
بین‌المللی	نظامی	حضور در عملیات حفظ صلح سازمان ملل	
	بین‌المللی	بین‌المللی	حضور در عملیات بشردوستانه سازمان ملل حضور در پیمان‌های نظامی فرامنطقه‌ای

کشورها معمولاً با موفقیت و ناکامی در صحنه بین‌الملل مواجه هستند. هر دولتی در عرصه بین‌الملل راهکارهایی را برای مقابله با تهدیدات به کار می‌گیرد. وظیفه سیاست خارجی در این میان، درک صحیح از وضعیت میان منابع با اقدام بین‌المللی در هر نظام سیاسی است. به عبارتی، هر نظام سیاسی باید نوعی موازنه میان هدف و منابع برقرار سازد و با ابزارهای ممکن، ظرفیت اقدام خود را بالا ببرد. در این میان، سیاست خارجی به‌تنهایی نمی‌تواند در تمامی حوزه‌ها تأمین‌کننده منافع یک کشور باشد. بلکه متنوع شدن ابعاد قدرت باعث می‌شود تا این هدف با ابزارهای گوناگونی صورت گیرد. دیپلماسی دفاعی بخشی از قدرت است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور را تشکیل می‌دهند (وحدی، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۲۶)؛ بنابراین، پیوند فعالیت‌های دفاعی و نظامی با فعالیت‌های دیپلماتیک می‌تواند یک ابزار به هم پیوسته و عظیم قدرت ملی را به نمایش بگذارد.

بخش دوم: دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله) درباره دیپلماسی دفاعی

بشر برای بقا و ارتقای زندگی و رفع احتیاجات ناچار است با محیط اطرافش ارتباط داشته باشد. از این رو، واحدهای سیاسی برای بقا (از جهت رفع نیازهای خود) و امنیت ناچار به برقراری رابطه با یکدیگر هستند. اگر در زمان‌های دور بعضی از شرایط به بعضی واحدهای سیاسی این امکان را می‌داد که بی‌ارتباط با سایر سرزمین‌ها به حیات خودشان ادامه دهند، امروزه به‌دلیل تحولات اساسی در حوزه ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات دیگر این امر مقدور نیست و اگر هم امکان داشته باشد با زیان‌ها و خسارت‌های زیادی توأم است. لذا در صورتی که جامعه‌ای بخواهد پاسخگوی نیازمندی‌های خود باشد و به ترقی و پیشرفت دست یافته و نقش گسترده‌تری در جهان ایفا کند، باید رابطه و مراوده داشته باشد؛ بنابراین، مهم‌ترین مؤلفه دیپلماسی، ارتباط است؛ یعنی بدون رابطه و ارتباط، دیپلماسی محکوم به فنا است. در کنار اقدامات دیپلماتیک کشور، سازمان دفاعی نیز می‌تواند با انجام اقداماتی از قبیل انعقاد پیمان‌های دفاعی دوجانبه و همکاری‌های علمی و فنی نظامی با دیگر کشورها تعامل داشته تا از این طریق از پیوستن آن کشور یا کشورها در ردیف کشور غیردوست جلوگیری به عمل آورد؛ به همین دلیل، در برنامه‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران

تعاملات و همکاری‌های دفاعی-امنیتی و برقراری مناسبات نظامی با کشورها به‌منظور افزایش امنیت در داخل و ارتقای ضریب امنیت خارجی از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنان‌که مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در بخش مربوط به امور سیاسی، دفاعی و امنیتی، «اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل به‌منظور تحکیم امنیت ملی و پیشبرد منافع ملی را با اقداماتی از قبیل تقویت همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان و نیز تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی» (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱) را مورد تأکید قرار داده‌اند.

در واقع، از آنجایی که هویت و درون‌مایهٔ دین اسلام، صلح و آرامش است و این دکترین، الهام گرفته از آموزه‌های اسلام و قرآن کریم^۱ و برآمده از اندیشه‌های دفاعی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره)^۲ قرار دارد، در نگاه مقام معظم رهبری، دیپلماسی دفاعی ابزار و شیوه‌ای است که می‌توان با استفاده از آن در جهت گسترش و تقویت همکاری‌های دفاعی با دولت‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز جلوگیری از هرگونه تنش و مناقشات و حل و فصل مخاصمات و همچنین ایجاد صلح و امنیت پایدار بهره برد. چنانکه فرمودند:

«ما جنگ‌افروز نیستیم. ما برطبق مبانی مان، با جنگ‌افروزی مخالفیم. اصول ما اقتضا می‌کند که پیام دوستی و صلح و محبت و امنیت و آرامش داشته باشیم» (بیانات در دیدار با کارکنان ارتش ۱۳۷۴/۱/۳۰).

۱- «فَإِنْ اعْتَزَلْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا: پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است» (سوره نساء، آیه ۹۰).

۲- «ما می‌خواهیم عالم در صلح باشد. ما می‌خواهیم همه‌ی مردم، همه‌ی مسلمین و غیرمسلمین همه در صلح و صفا باشند» (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۰۱).

۱- چارچوب ارتباطات در دیپلماسی دفاعی
 با توجه به اینکه برقراری رابطه و همکاری بین دولت‌ها جوهره‌ی دیپلماسی دفاعی را تشکیل می‌دهد و افزایش سطح و میزان همکاری‌ها در نظام بین‌الملل جدید افزایش یافته است، باید هوشیار و مراقب بود تا دولت‌ها از این ابزار به‌عنوان هژمون بر مقدرات کشور استفاده نکنند. به همین دلیل، مقام معظم رهبری در تعاملات و همکاری فراسرزمینی چارچوب‌هایی را برای متولیان دستگاه سیاست خارجی یادآور شده‌اند که باید مورد توجه ویژه‌ی دستگاه دیپلماسی دفاعی نیز قرار گیرد. این چارچوب‌ها عبارت‌اند از:

اول: پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی در مراودات دفاعی

«اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است... هرچه بر پایبندی به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود» (بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱).

دوم: سیاست گذاری بر مبنای معیارهای اسلامی در تعاملات دفاعی

«پایداری این مردم بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل و بقا و ریشه‌دار شدن جمهوری اسلامی تا وضع کنونی و پیشرفت‌ها در جهات مختلف...همه‌ی آن‌ها مرهون ایمان اسلامی ما و اعتقادات اسلامی این مردم است؛ ما باید آن را حفظ کنیم. در اظهاراتمان، در عملکردمان، در جهت‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های مختلفمان، این باید برای ما معیار باشد. هیچ ملاحظه‌ای نباید جلوی ملاحظه‌ی دینی را بگیرد و بر آن فائق بیاید. همه‌ی ملاحظات و تصمیم‌گیری‌های ما باید با معیار ایمان مذهبی و تجویز دین و حکم اسلامی مقایسه گردد و حکم بشود به این‌که این درست است، یا درست نیست. این، راه پیشرفت ماست» (بیانات در دیدار با اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد ۱۳۷۰/۹/۳۰).

سوم: فراست و هوشیاری در ارتباطات دفاعی

«انسان در مقام دیپلماسی، می‌دهد، می‌گیرد، قرارداد می‌بندد و همه کار می‌کند؛ اما در مسائل اساسی نظام، بایستی انگشت اشاره‌ی آن‌ها را با سوءظن مورد ملاحظه قرار داد؛ ما در جنگ هشت ساله دیدیم که تمام اروپا به صدام کمک کرد؛ فرانسه کمک کرد، آلمان کمک کرد، انگلیس کمک کرد، یوگسلاوی سابق کمک کرد، بلوک شرق آن روز کمک کرد. البته ما هیچ وقت در مقام دیپلماسی نمی‌گوییم که چون شما به صدام کمک کردید، ما با شما رابطه‌مان را قطع می‌کنیم؛ نه عالم دیپلماسی یک عالم دیگر است. همین تشنج‌زدایی‌ای که امروز در بحث سیاست خارجی ما مطرح می‌شود، مورد تأیید ماست. باید تشنج‌زدایی شود؛ اما تشنج‌زدایی غیر از این است که کسی به آن‌ها اعتماد پیدا کند؛ نه او هم به ما اعتماد ندارد؛ ما هم به او اعتماد نداریم. کسانی که در زمینه‌ی مسائل دیپلماسی فعالند، کاملاً می‌فهمند که بنده چه عرض می‌کنم. اصلاً میدان دیپلماسی، میدان یک نبرد واقعی است؛ منتها نبردی که پشت میز و با لبخند و با گفتن صبح بخیر و شب بخیر انجام می‌گیرد! وجود ارتباطات دیپلماتیک، هرگز نباید به معنای اعتماد به دشمن تلقی شود؛ نباید اعتماد کرد» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹). [ازیرا که] «دشمن... هیچ وقت غافل نیست. در بهترین حالات، با مسائل جهانی، با روابط بین‌المللی، در مواجهه با شیرین‌ترین لبخندهای دیپلماسی، در مبادله‌ی گرم‌ترین درودها و سلام‌هایی که مسئولان و رؤسای سیاسی دنیا به یکدیگر تحویل می‌دهند، در هر کدام از آن‌ها باید مراقب دشمنی باشند؛ چون عالم دیپلماسی و روابط بین‌الملل و مسائل جهانی، عالم صفا و صداقت که نیست» (بیانات در دیدار جمعی از کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش ۱۳۷۸/۱/۲۵).

چهارم: توجه به سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط دفاعی

«عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. عزت: «الاسلام یعلو و لایعلی علیه»، «لن یجعل الله

للكافرين على المؤمنين سبيلا»، ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم. ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی - که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است - و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها قائلیم. لذا ما هر قدرتی که می‌خواهد ابرقدرتی و تکبر و استکبار و فخرفروشی را در روابط خود با ملت‌های دیگر وارد بکند، رد می‌کنیم. ما بر اساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خودمان حرکت می‌کنیم.

حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هر چه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی می‌گویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟! گویی که هیچ کار سنجیده نمی‌شود کرد! نه اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبادا غیرحکیمانه درآید!... کار نسنجیده نباید انجام بگیرد، حرف نسنجیده نباید زده بشود. جوانب هر کاری باید خوب سنجیده بشود و بعد انجام بگیرد. این، معنای حکمت است. مراد، مصلحت شخص من و شما نیست، که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود. نه گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما - به خصوص شما - شروع می‌شود» (دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۴/۱۸).

پنجم: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در مناسبات دفاعی

«ملت ایران در دنیا به این شناخته شده که با ظلم، با سلطه‌گری، با روابط ناسالم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در سیاست‌های بین‌المللی، مخالف است» (بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی و تحلیف دانشکده افسری نیروی انتظامی ۱۳۸۳/۷/۱۵). «همه در دنیا بدانند، ملت ایران ابتدائاً متعرض نمی‌شود؛ چون ما سلطه‌طلبی را هم مثل سلطه‌پذیری زشت می‌دانیم. نه سلطه می‌پذیریم و نه خودمان طالب سلطه‌ایم؛ اما هر کس به این ملت تعرضی کند و منافع او را تهدید نماید، مورد عکس‌العمل تند و پشیمان‌کننده‌ی این ملت قرار خواهد گرفت» (بیانات در دیدار کارکنان نیروی هوایی ۱۳۸۰/۱۱/۱۸).

ششم: گسترش همکاری‌های دفاعی با کشورهای اسلامی و دوست

«ایجاد روابط سالم دوستانه با دولت‌ها؛ مگر استثناهایی که هر کدام استدلالی قوی پشت سرش بود. امام به ما یاد دادند که جمهوری اسلامی، در سطح عالم می‌تواند و باید از روابط سالمی با دولت‌ها برخوردار شود. البته رابطه‌ی با آمریکا مردود است؛ به سبب این‌که آمریکا یک دولت استکباری و متجاوز و ظالم است و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال معارضه و محاربه است. ارتباط با رژیم صهیونیستی... مردود است؛ اما رابطه با بقیه‌ی دولت‌ها، بسته به مصالح نظام جمهوری اسلامی است و اصل بر ایجاد ارتباط است» (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) ۱۳۷۱/۳/۱۴).

چارچوب ارتباطات در دیپلماسی دفاعی

- ۱ پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی در مراودات دفاعی
- ۲ سیاست‌گذاری بر مبنای معیارهای اسلامی در تعاملات دفاعی
- ۳ فراست و هوشیاری در ارتباطات دفاعی
- ۴ توجه به سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط دفاعی
- ۵ نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در مناسبات دفاعی
- ۶ گسترش همکاری‌های دفاعی با کشورهای اسلامی و دوست

۲- اهداف دیپلماسی دفاعی

در عصر حاضر با فراهم شدن زمینه همکاری گوناگون میان کشورها، خط سیر جدیدی برای فعالیت در حوزه‌ی نظامی و دفاعی در عرصه‌ی ارتباطات خارجی تعریف شده است. به نحوی که هر روز بیش از پیش سخن از «دیپلماسی دفاعی» به میان می‌آید. مقوله‌ای که به‌طور عمده از سوی سازمان‌های دفاعی کشورها، از طریق انجام گفت‌وگوهای امنیتی- راهبردی، تبادلات آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش و تمرین‌های نظامی مشترک و نظایر آن پیگیری می‌شود. در واقع، سازمان‌های دفاعی تلاش می‌کنند تا با استفاده از ظرفیت‌های سخت افزاری و نرم‌افزاری خود، تعاملاتی را با بازیگران بیرونی برای تأمین بهتر منافع ملی و بهبود شاخص‌های امنیت ملی کشورهای متبوع خود برقرار کنند. از بیانات مقام معظم رهبری در مناسبت‌های گوناگون می‌توان هدف‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را از نگاه معظم له به شرح زیر نام برد.

الف) قدرت سازی در حوزه‌ی سخت و نرم برای تأمین امنیت

تردید وجود ندارد که هر کشوری برای ماندگاری و تأثیرگذاری به دفاع نیازمند است. اگر مقوله‌ی دفاع وجود نداشته باشد، امنیت به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نیاز فرد و اجتماع حاصل نخواهد شد؛ چرا که اجرای هرگونه فعالیت در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سرمایه‌گذاری و ارتباطات بین‌المللی و به‌طور کلی هرگونه پیشرفت و توسعه، در پرتو امنیت و آرامش به دست می‌آید. از این‌رو، فراهم آوردن آسایش، آرامش و امنیت از مهم‌ترین هدف‌های هر نظام سیاسی است. امنیت در یک جامعه هنگامی بروز خواهد کرد که آن جامعه بتواند در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود از قدرت لازم و کافی برخوردار باشد. به همین دلیل، افزایش توان دفاعی و قدرت بازدارندگی، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حراست از امنیت یک کشور محسوب می‌شود. در این راستا، دیپلماسی دفاعی می‌تواند با فراهم کردن بسترهای لازم، شرایط را برای دستیابی به تجهیزات و تسلیحات دفاعی مورد نیاز مهیا کند.



شکل شماره ۸: اهداف دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

با وجود این که در عصر حاضر نگاه به امنیت، محصور به بُعد نظامی نیست، اما هرگز جایگاه آن کمرنگ نشده است؛ زیرا در دنیایی که کشورهای دارای حق حاکمیت، قدرتی را بالاتر از خود نمی‌شناسد و پیوسته با یکدیگر برای دستیابی به ابزارهای جنگی مدرن رقابت دارند و همچنین وجود سوابق تاریخی اعمال خشونت در قرن بیستم، ارتقای قدرت نظامی و دفاعی همچنان به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی امنیت اهمیت خود را حفظ کرده است؛ در واقع، دولت‌ها با داشتن توان نظامی و دفاعی برتر می‌توانند امنیت بیشتری به دست آورند. از این‌رو، از منظر قرآن تهیه، تولید و انباشت سلاح و تجهیزات مورد نیاز، برای تشکیل نیروی مسلح مقتدر به‌منظور تأمین امنیت و دفع تجاوز و تنبیه و سر جای خود نشان دادن متجاوز و نیز برقراری توازن قدرت، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَنْطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِّنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (سوره انفال، آیه ۶۰)

۱- «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید و نیز باید برای مقابله با دشمنان دیگری که غیر از اینان‌اند و شما از آنان بی‌خبرید و خدا به وجودشان آگاه است نیروی رزمی آماده کنید».

رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اینکه «ارتقای توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای» از جمله سیاست‌های نظام است که مسئولان بایستی به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱). در دیدار با فرماندهان نیروهای مسلح در این باره فرمودند:

«اگر ملتی قدرت دفاع از خود را نداشته باشد، عزت او هم هیچ‌گونه تضمینی ندارد. در دنیایی که هوس‌ها و انگیزه‌های مادی به جای ارزش‌های معنوی بر انسان‌های صاحب قدرت حکمرانی می‌کند، هیچ ملتی نمی‌تواند از هیچ مرکز دیگری جز قدرت درونی خود که خدای متعال به او بخشیده است، امید هیچ‌گونه کمکی و چشمداشت حمایتی را داشته باشد. ملت‌ها باید به خودشان تکیه کنند تا بتوانند عزتی را که خود را شایسته‌ی آن می‌دانند، به دست بیاورند. این قدرت، قدرت علمی است؛ قدرت دفاع از خود است؛ توانایی بروز استعداد‌های درونی است. یک ملت باید این توانایی‌ها را داشته باشد تا بتواند عزیز باشد. مظهر قدرت دفاعی یک کشور شماها هستید؛ نیروهای مسلح» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۸۴/۷/۶).

البته در نگاه معظم له، این قدرت سازی منجر به پیشگیری از تهدید و تجاوز دشمن و گسترش مذاکره، توافق و همکاری چندجانبه خواهد شد. چنان که در مناسبتی فرمودند:

«ما هرگز جنگ طلب نبوده‌ایم؛ امروز هم نیستیم. اگر این همسایه‌ی نابخرد ما، جنگ را علیه ما شروع نمی‌کرد، ما سال‌های سال، با عراق هیچ جنگی نمی‌داشتیم. ما در عین آن‌که از جنگ بیزاریم و نمی‌خواهیم با کسی جنگ داشته باشیم، اما باید آماده‌ی دفاع باشیم و این آمادگی را همیشه حفظ کنیم. امروز البته به فضل شجاعت‌ها و رشادت‌های شما در میدان جنگ، دیگر کسی طمع در تجاوز به این آب و خاک نمی‌بندد. امروز همه فهمیده‌اند که ملت و نیروهای مسلح ایران، به‌گونه‌ای نیستند که بشود با آن‌ها شوخی کرد. با ملت ایران نمی‌شود شوخی کرد. همچنان که تجربه‌ی عراق نشان داد، تجاوز به این کشور و این آب و خاک، با ناکامی و بیچارگی متجاوز همراه خواهد بود. با این حال، آمادگی در مقابل هر گونه حادثه، وظیفه‌ی عمومی نیروهای مسلح است»

(بیانات در جمع پرسنل «پایگاه هوایی شهید بابایی» اصفهان ۱۳۷۱/۷/۱۸)؛ بنابراین:

«همیشه باید آماده بود؛ آیات قرآن این را به ما تعلیم داده است؛ «واعدوا لهم ما استنطعتم من قوه». هرچه در توان یک ملت است، باید آن را برای آمادگی در مقابل زورگویی و تجاوز و تحقیری که از سوی قدرت‌های ظالم پیش می‌آید، به‌کار بگیرد» (بیانات در دیدار پرسنل نیروی زمینی سپاه انقلاب اسلامی ۱۳۸۳/۱۲/۱۹). [اگرچه]

«دشمنان جمهوری اسلامی این را باید به تجربه فهمیده باشند که نظام جمهوری اسلامی، اهل تعدی و تجاوز و شروع درگیری نیست. در این سی سال هیچ همسایه‌ای و هیچ ملت و دولتی از سوی جمهوری اسلامی تهدید نشده است، اما همین ملت بزرگ و همین نظام مقتدر در پاسخ گوئی به تهدید دیگران لحظه‌ای درنگ نمی‌کند» (بیانات در مراسم مشترک نیروهای مسلح استان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳).

ب) ایجاد محیط امنیتی مطلوب و فارغ از مناقشه‌های نظامی

هنگامی که سازمان‌های نظامی کشورها، مناسبات و تعاملات دفاعی میان خود برقرار کنند، در این صورت، محیط امنیتی آن‌ها در شرایط مناسبی قرار خواهد گرفت. به تعبیری، روابط دفاعی میان سازمان‌های نظامی کشورها، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود محیط امنیتی، یعنی جلوگیری از فعالیت‌های بازیگر تهدیدکننده یا کاهش دامنه‌ی تحرک و برنامه‌هایش، خواهد داشت. به عبارتی، گسترش، تعمیق و تقویت این روابط و مناسبات می‌تواند تغییر و تحول جدی در محیط پیرامونی ایجاد کند. به هر میزانی که دستگاه دفاعی تلاش کند تا کشورهای محیط پیرامونی خود را همسو کند، به همان میزان می‌تواند در تأمین امنیت منطقه بسیار اثرگذار باشد؛ بنابراین، مدیریت و مهندسی محیط راهبردی کشور یکی از اهداف مهم دیپلماسی دفاعی است. تبدیل تهدیدهای بالفعل به تهدیدهای بالقوه و تهدیدهای قریب‌الوقوع به تهدیدهای بعید الوقوع، انتقال کانون تهدید از نزدیک (از لحاظ مکانی) به دور، کاهش حجم نیروهای تهدید کننده، کاهش پایگاه‌های نظامی تهدید کننده، (کمینه) تمدید نشدن یا (بیشینه) لغو پیمان‌های دفاعی - امنیتی تهدیدکننده و منعقد نشدن پیمان‌های دفاعی تهدید کننده از جمله اقداماتی است که نهاد دفاعی کشور می‌تواند در این راستا از آن بهره برداری کند (عسگری، ۱۳۹۱: ۱۷). بر مبنای چنین رویکردی است که در دهه اخیر یکی از موضوعات کلیدی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

ایران در حوزه روابط بین‌الملل، تقویت و توسعه‌ی دیپلماسی دفاعی قرار گرفته است. چرا که توسعه‌ی تعاملات و همکاری دفاعی، به‌عنوان یک ابزار مهم قدرت ملی، منجر به تحقق صلح، ثبات و امنیت پایدار، نه تنها برای جمهوری اسلامی ایران، بلکه برای کل منطقه و جهان خواهد شد. با تأکید بر چنین رویکرد است که مقام معظم رهبری فرمودند:

«ما منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه و همه‌ی دنیا را، امن و امان و برخوردار از صلح و دوستی ملت‌ها با یکدیگر می‌خواهیم. ما منافعی در جنگ‌افروزی نداریم. منفعت ما در آرامش است» (بیانات در پایگاه دریایی نوشهر ۱۳۷۲/۲/۱۸). «امروز در منطقه‌ی ما، خطری که امنیت منطقه و تمامیت ارضی کشورهای منطقه و همسایه‌ی خود را تهدید می‌کند، خطر رژیم اشغالگر قدس است. ملت‌ها و دولت‌های منطقه باید این حقیقت را با تمام وجود، احساس و ادراک کنند» (بیانات در «مانور بزرگ ولایت» ۱۳۷۵/۳/۳).

معظم له در مناسبتی دیگر با تأکید بر اینکه «ما با ملت‌های دنیا و با دولت‌های گوناگون عالم، بنای همکاری و تفاهم داریم؛ البته نه با زورگویان و کسانی که می‌خواهند همه‌ی مسائل را با تکیه بر قدرت خودشان حل کنند» (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت آغاز هفته‌ی دولت ۱۳۷۷/۶/۲). ایشان در مناسبتی دیگر وجود قدرت‌های سلطه‌گر را مخل اصلاح و بهبود محیط امنیتی دانسته و تأکید فرمودند:

«صلح جهان را چه کسی تهدید می‌کند؟ ... کسانی صلح جهان را تهدید می‌کنند که در فاصله‌ی بیست سال، دو جنگ ویرانگر جهانی را به راه انداخته‌اند. صلح جهانی را دولت آمریکا تهدید می‌کند که در ده‌ها نقطه‌ی عالم در طول نیم قرن اخیر جنگ‌افروزی کرده و با ملت‌ها و حکومت‌های برآمده از آن‌ها مقابله‌ی نظامی و در کشورهایشان دخالت نظامی کرده است. صلح جهانی و مناطق گوناگون دنیا را دولتی مثل آمریکا و رژیم صهیونیستی تهدید می‌کنند که برای ملت‌ها حق انتخاب قائل نیستند. رفتار آن‌ها در عراق و پیش از آن در افغانستان و در آسیا و آفریقا و خاورمیانه و در بسیاری از نقاط دیگر، نشان دهنده‌ی این است که آنچه برای آن‌ها اهمیت ندارد، صلح جهانی و آرامش ملت‌هاست. برای آن‌ها فقط منافع خودشان اهمیت دارد» (بیانات در اجتماع بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا ۱۳۸۲/۶/۲۹).

ج) واپایش (کنترل) تسلیحات

بشر از همان ابتدا، بیشترین فکر خود را به تأمین امنیت و تهیه ابزار برای دفاع از خود و مقابله با خطرات معطوف کرده است. از این رو، به پیروی از عقل و خرد، به ساخت و تولید سلاح و جنگ افزارهای تدافعی روی آورد. او ابتدا با سنگ و چوب و به دنبال آن با استخوان‌های شکسته و نوک تیز شده حیوانات، خود را برای دفاع از محل زیست و شکارگاهش و همچنین تصرف شکارگاه‌های بهتر تجهیز کرد. هنگامی که آدمی برای تنازع بقا، هنر جنگ را ناخودآگاه به کار بست؛ خیلی زود آموخت که برای پیروزی و فائق شدن بر دشمن به تجهیزات نیاز دارد. از این رو، تجهیزات و سلاح به سرعت نقش تعیین کننده‌ای را در جنگ‌ها و هنر و دانش جنگ به خود اختصاص دادند. به طوری که بسیاری از اصول جنگ، هر بار با به وجود آمدن تجهیزات جدید تحت الشعاع سلاح نو قرار گرفتند. این رشد و گسترش قدرت فن‌آوری ابزارهای نبرد، منجر شد که صلح و امنیت بین‌المللی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته و بی‌ثباتی ایجاد کند. به همین دلیل، واژه کنترل تسلیحات^۱، جایگاه خود را در جامعه‌ی بین‌المللی باز یافته و توانسته است به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین هدف‌های دیپلماسی دفاعی نقش آفرینی کند.

کنترل تسلیحات، مبتنی بر تداوم تملک سلاح‌ها از سوی کشورها بوده و در پی آن است که تسلیحات به‌گونه‌ای اداره و مهار شود که به تقویت امنیت و ارتقای اهداف سیاسی و راهبردی مطلوب بینجامد، نه آن که بگذارد فن‌آوری تسلیحاتی، سیاست‌ها را به‌گونه‌ای شکل دهد که از ایمنی و کنترل‌پذیری محیط بین‌المللی بکاهد (جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۶۳۳). به تعبیری، کنترل تسلیحات، ناظر بر تحدید کمی و کیفی برخی از انواع تسلیحات می‌باشد (Jeffery M. Elliot and Robert Reginald, 1989: 272). به نظر می‌رسد سازوکارهای دیپلماسی دفاعی مانند اعتمادسازی میان دولت‌ها از طریق ایجاد شفافیت بیشتر در عرصه‌های نظامی، مخالفت با تولید، انباشت و گسترش تسلیحات غیر متعارف^۲ یا سلاح‌های کشتار جمعی^۳ پیوستن به معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات می‌تواند راه کاری مطمئن برای گرفتار نشدن در دایره‌ی

1- Arms Control.

2 - Unconventional Weapons.

3 - Weapons of Mass Destruction

بی‌ثباتی باشد. چنان که مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «ما تا این لحظه هیچ تعهد بین‌المللی و هیچ تفاهم‌نامه و موافقت‌نامه‌ی دوجانبه یا چندجانبه را نقض نکرده‌ایم... سیاست ما مذاکره و تفاهم و تقویت اعتماد است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸).

صراحت در اعلام مواضع قاطع امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص یکی از مصادیق سلاح‌های کشتار جمعی، یعنی سلاح هسته‌ای، از عوامل مؤثر و کلیدی در انتقال نیت صریح و شفاف جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی کنترل تسلیحات به شمار می‌رود. چنانکه فرمودند:

«ملت ایران بارها اعلام کرده است که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ این را همه می‌دانند؛ منطق هم همین را تأیید می‌کند. امروز آمریکایی‌ها وقتی می‌خواهند درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای ایران حرف بزنند و موضع‌گیری کنند، چون نمی‌توانند صریحاً حق ملت را نادیده بگیرند و اعلام کنند که با حق یک ملت مخالفند، برای توجیه حرف خودشان در افکار عمومی دنیا، ایران را متهم می‌کنند که به دنبال تسلیحات هسته‌ای است. خودشان هم می‌دانند که دروغ می‌گویند؛ خودشان هم می‌دانند که این حرف دروغ است. امروز هیچ ملت عاقلی، هیچ مسئولین عاقلی، به دنبال تسلیحات هسته‌ای نمی‌روند؛ و ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با اینجور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است. تسلیحات هسته‌ای جز هزینه‌ی ایجاد و هزینه‌ی نگهداری هیچ فایده‌ای ندارد. تسلیحات هسته‌ای برای یک ملت قدرت نمی‌آورد؛ چون قابل اجرا و قابل استفاده نیست» (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴).

د) حفظ و گسترش ثبات و امنیت

دیپلماسی دفاعی می‌تواند بسترساز همکاری، هماهنگی، درهم‌تنیدگی و گره‌خوردگی سرنوشت کشورها شود. طبیعی است در چنین شرایطی ضریب احتمال وقوع مناقشات به کمترین کاهش خواهد یافت. افزون بر این، دیپلماسی دفاعی دارای این ظرفیت است که حتی اگر منازعه‌ای رخ دهد، بتواند از راه برقراری ارتباط با طرف‌های درگیر، شرایط را برای پایان بخشیدن به درگیری فراهم کند. به‌طور کلی، در دنیایی که تفکر

راهبردی بر اساس امنیت نسبی قرار می‌گیرد، طبیعی است که ابزارهای تحقق امنیت، تنها بر اساس قابلیت‌های نظامی سازمان‌دهی نخواهد شد؛ بلکه به‌موازات قدرت سخت نیروهای نظامی، از ابزارهایی همانند قدرت نرم^۱ و اصول و روش‌های دیپلماتیک نیز استفاده می‌شود.

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه «ما به‌طور قاطع طرفدار استقرار صلح با ثبات و بادوام در منطقه می‌باشیم» (پیام به ملت ایران ۱۳۶۸/۳/۱۸)، در مناسبتی در این باره فرمودند:

«ما جنگ افروز نیستیم. ما برطبق مبانی مان، با جنگ افروزی مخالفیم. اصول ما اقتضا می‌کند که پیام دوستی و صلح و محبت و امنیت و آرامش داشته باشیم» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۴/۱/۳۰).

معظم له در مناسبتی دیگر، ضمن معرفی دولت آمریکا به‌عنوان عامل بی‌ثباتی و ناامنی، جمهوری اسلامی ایران را تضمین‌کننده امنیت منطقه دانسته و فرمودند:

«جرم دولت ایالات متحده‌ی آمریکا فقط این نیست که ملت ایران را تهدید می‌کند؛ جرم دیگر او این است که منطقه را بی‌ثبات کرده است؛ و ضرر این بی‌ثباتی به همه‌ی دنیا می‌رسد. ما امروز در مقابل تحریکات آمریکایی ایستاده‌ایم و در واقع تضمین‌کننده‌ی ثبات این منطقه هستیم» (بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج ۱۳۸۴/۶/۳).

مقام معظم رهبری تلاش برای همگرایی میان کشورهای همسایه در جهت ارتقای امنیت و برادری را مورد تأکید قرار داده و فرمودند:

«اعلام می‌کنیم کشورهای همسایه برادران ما هستند؛ دست دوستی و برادری ما به سوی این کشورها دراز است. به آن‌ها هیچ نیازی نداریم؛ این برادری، از روی نیاز نیست. ملت ایران ثابت کرده است که با توکل به خدا و با اعتماد به نفس بر مشکلات فائق می‌آید، اما ما اختلاف را بر خلاف مصلحت دنیای اسلام میدانیم؛ لذا دست دوستی به سوی همه‌ی کشورها دراز کرده‌ایم. خوشبختانه امروز علی‌رغم تلاش دشمنان دنیای اسلام و علی‌رغم تلاش دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و صهیونیستی - که دائم مشغول فتنه‌انگیزی هستند - و به کوری چشم آن‌ها، روابط دولت جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه -

کشورهای عربی، کشورهای غیرعربی - سالم و خوب و برادرانه است؛ و این باید روز به روز تقویت شود... حضور آمریکا در خلیج فارس، در این منطقه بسیار حساس دنیا، مایه‌ی ناامنی است. امنیت این منطقه باید به‌وسیله‌ی دولت‌های این منطقه تأمین شود» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار عمومی مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹).

۳- راهبردهای دیپلماسی دفاعی

طرح نقطه نظرات دفاعی مقام معظم رهبری در تعامل با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تصحیح و اصلاح ذهنیت آنان نسبت به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی و همچنین شیوه‌ها و روش‌های مقابله با تهدیدات احتمالی، به‌منظور حفظ امنیت ملی کشور با کمترین هزینه، در حوزه‌ی دیپلماسی دفاعی کشور قرار دارد. یقیناً خاستگاه این دیپلماسی، اسناد بالا دستی مانند آموزه‌های دینی، دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و قانون اساسی کشور است. یک بررسی اجمالی نسبت به فرمایشات مقام معظم رهبری در حوزه‌ی امنیت و دفاع و بازیگران نظام جهانی، به‌وضوح ابعادی از دیپلماسی دفاعی و گوشه‌هایی از منظومه فکری ایشان را در این حوزه نشان می‌دهد.

بر اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، راهبردهای دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در موضوع‌های زیر نام برد:

راهبردهای دیپلماسی دفاعی

- ۱ تأمین امنیت ملی
- ۲ مقابله با تهدیدات
- ۳ دشمن شناسی
- ۴ مخالفت با تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی
- ۵ ارتقای توانمندی‌های دفاعی برای بازدارندگی
- ۶ مقابله با تروریسم
- ۷ گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در واقع، در نگاه مقام معظم رهبری، دیپلماسی دفاعی مقوله‌ای است که به موازات استفاده از قدرت سخت و نیروهای نظامی، از ابزارهایی همانند قدرت نرم می‌توان در تعامل با بازیگران بیرونی، برای تأمین بهتر منافع ملی و بهبود شاخص‌های امنیت ملی گام برداشت.

راهبرد اول: تأمین امنیت ملی

امنیت از ماده «امن» به معنی بی‌ترسی، اطمینان، آرامش و آسایش است (سیاح، ۱۳۶۵: ۵۱). در اصطلاح تعریف جامع و مانعی از امنیت ارائه نشده است. برخی از نویسندگان، امنیت را به معنی نبود تهدید نظامی^۱ گرفته‌اند. برخی بر محافظت از کشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات واژگون‌سازی از خارج تأکید می‌کنند. در تعریف کلاسیک، امنیت عبارت است از توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود. در این تعریف‌ها بر جنبه‌ی نظامی امنیت تأکید شده است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۱).

برای امنیت دسته‌بندی‌های مختلفی انجام گرفته است. از حیث موضوع و محتوا آن را به امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و از لحاظ سطوح به امنیت فردی، گروهی، ملی و جهانی تقسیم کردند؛ اما آنچه در این پژوهش مد نظر خواهد بود، امنیت ملی است که مورد بررسی قرار گرفته است.

امنیت ملی^۲، یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۳).

برخی از اندیشمندان برای امنیت ملی دو جنبه قائل شده‌اند؛ یکی جنبه خاص و دیگری جنبه عام. اگر منظور از امنیت حفظ صیانت ذات کشور و به عبارتی، «حفظ وجود خود» باشد، آن را امنیت به معنای خاص می‌گویند که شامل چهار ارزش و پدیده است:

-
- 1- Military Threat
 - 2- National Security

- ۱- حفظ جان مردم؛
- ۲- حفظ تمامیت ارضی؛
- ۳- حفظ نظام سیاسی و اقتصادی؛
- ۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور.

اما امنیت ملی در معنی عام کلمه، به معنی آزادی از ترس^۱ و فقدان خطر جدی از خارج نسبت به منافع حیاتی و اساسی مملکت است. به عبارت دیگر، امنیت عام بدین معناست که یک کشور ارزش‌های حیاتی خویش را از تهدیدات جدی دور نگاه دارد (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه «شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت، در درجه‌ی اول «امنیت» است» (بیانات در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰). در مناسبتی دیگر، امنیت ملی را برای اجرای هرگونه فعالیت لازم دانسته و تأکید فرمودند:

«امنیت ملی برای یک ملت، از همه چیز واجب‌تر است. اگر امنیت ملی نباشد، هیچ دولتی نمی‌تواند کار کند؛ برای سازندگی، هیچ سنگی روی سنگ گذاشته نخواهد شد. وقتی که هرج و مرج و ناامنی باشد، هیچ مشکلی از مشکلات مملکت حل نخواهد شد؛ نه اقتصاد مردم، نه فرهنگ مردم، نه مسائل اجتماعی مردم، نه مسائل سیاسی مردم. وقتی امنیت نبود، همه‌ی این‌ها از بین خواهد رفت» (بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان به همراه ائمه‌مختلّف مردم ۱۳۷۸/۴/۲).

معظم له تقویت و ارتقای توانمندی‌های نظامی نیروهای مسلح را به‌عنوان حافظان امنیت کشور مهم‌ترین راهبرد در دیپلماسی دفاعی قلمداد نموده و فرمودند: «نیروهای مسلح، برترین عامل در حفظ امنیت کشورند. نیروهای مسلح به گفته‌ی امیر مؤمنان دژ ملت، باروی ملت، حصن و حصار مستحکم مردم سرزمین‌های خود هستند و امنیت را این‌ها تأمین می‌کنند؛ و ارزش امنیت و وزنش در هر مجموعه‌ی اجتماعی و برای هر ملتی، با چیز دیگری قابل مقایسه نیست. اگر امنیت بود، دانش و پیشرفت و عدالت و سرافرازی و عزت و دنیا و آخرت در آن جامعه میسر می‌شود. امنیت که نباشد، دستاوردهای

1- Freedom from fear

بشری، دست نیافتنی می‌شود» (بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر ۱۴/۱۳۸۸).

راهبرد دوم: مقابله با تهدیدات

تهدید در فرهنگ فارسی عمید به معنی ترساندن، بیم دادن، بیم عقوبت دادن آمده است و در اصطلاح، هر آن چیزی که احتمال آسیب‌پذیری را بیشتر می‌کند، تهدید محسوب می‌شود (سهرابی، ۱۳۸۴: ۸۰). به دیگر سخن، هر نوع عملی که برای دستیابی به اهداف غیرانسانی و در جهت فساد و سلب امنیت و آرامش و ایجاد زمینه تعرض و محدود سازی حقوق مشروع انسان‌ها انجام می‌گیرد، تهدید گفته می‌شود (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۱۴۱).

با تغییر معادلات در عرصه جهانی، تهدید علیه امنیت ملی اشکال و ابعاد نوینی به خود گرفته و با مفهوم سنتی تفاوت زیادی پیدا کرده است. در این پژوهش این نوع تهدیدات را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنیم:

• تهدید سخت

تهدید سخت^۱، به تهدیدهایی اطلاق می‌شود که تمامیت ارضی و استقلال یک کشور در خطر (بالفعل یا بالقوه) هجوم نیروهای نظامی کشور دیگر قرار گیرد. تهدید سخت، مبتنی بر تسلیحات و تجهیزات نظامی است.

در تهدید سخت، هدف اشغال سرزمین است. تهدیدات سخت متکی به روش‌های فیزیکی، عینی، سخت‌افزارانه و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز، آشکار و با استفاده از شیوه زور و اجبار و حذف دفعی و اشغال سرزمین است. این تهدیدات عمدتاً محسوس، واقعی و عینی و با عکس‌العمل‌های فیزیکی همراه است. ظهور این نوع تهدیدات عمدتاً مربوط به دوره استعمار کهن است که قدرت‌های استعماری با لشکرکشی، اعمال زور و کشتار و اشغال و الحاق سرزمین، اهداف خود را تأمین می‌کردند. البته شکل‌های مدرن تهدید سخت در عصر حاضر را می‌توان در لشکرکشی‌های آمریکا و متحدان آن به افغانستان و عراق مشاهده کرد (نائینی، ۱۳۸۶).

• تهدید نرم

تهدید نرم^۲، به تهدیدهایی گفته می‌شود که یک کشور با برخورداری از قابلیت

1- Hard Threat

2- Soft Threat

و ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای نفوذ در دیگران، به‌صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر بگذارد، بدون آنکه نیاز باشد که از قدرت سخت یا اهرم نظامی استفاده کند.

تهدید نرم را می‌توان تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری یک نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم، نوعی سلطه کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه‌ای تهدید محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب می‌شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی، در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به شمار می‌آید. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روش‌های نرم‌افزارانه اشغال می‌کند. تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری یک نظام سیاسی، بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه و بحران در الگوهای رفتاری جامعه از مؤلفه‌های این تهدید است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد (نائینی، ۱۳۸۶).

مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف به این نوع از تهدیدهای دشمنان اشاره نموده، اما در سال‌های اخیر دیگر از واژه تهدید استفاده نکرده، بلکه معتقدند دشمنان دیگر از مرز تهدید نرم عبور نموده و «جنگ نرم^۱» را علیه ملت و نظام اسلامی تدارک دیده‌اند، چنانکه فرمودند:

«جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف آرایی‌ها را، می‌بینم دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و

دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمان‌ها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را؛ این‌ها را انسان دارد می‌بیند، خب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم» (بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۴/۶/۱۳۸۸).

در جای دیگر نیز فرمودند:

«امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمی‌گوییم به کلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمی‌خواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آن‌ها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ این‌ها می‌آید که این‌ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می‌کنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می‌کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیائیم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده می‌کند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری به تاریخ ۲/۷/۱۳۸۸).

راهبرد سوم: دشمن شناسی

بی‌تردید کسی که امنیت یک جامعه را با تهدید مواجه می‌کند، بدخواه و دشمن آن جامعه است؛ بنابراین، دشمن شناسی یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در دفع تهدیدها و دفاع از یک ملت محسوب می‌شود؛ چرا که تا طرز تفکر، میزان قدرت و توانایی، سیاست‌ها، روش‌ها و راهکنش‌های (تاکتیک) دشمن شناسایی حاصل نشود، مقابله و

مبارزه مؤثر با آن امکان پذیر نخواهد بود.

در عرصه‌ی طبیعی، زمانی که آدمی، دشمن خود را شناخت و توانست نسبت به دفع آن اقدام کند، موفقیت به دست آورده است؛ ولی همین که در شناخت دشمن توفیق به دست نیآورد، ضربه‌های فراوانی خورده است. برای مثال همین که انسان با دشمنی به نام میکروب مواجه شد و توانست آن را شناسایی کند، به راحتی قادر شد آن را از بیخ و بن برکند؛ اما در مقابل، به دلیل عدم شناخت دشمنی به نام سرطان، متأسفانه همچنان افراد زیادی در این عرصه جان خود را از دست می‌دهند.

نگرش به سرگذشت اقوام و ملت‌ها در گذشته و حال و سرنوشت واحدهای سیاسی نشان می‌دهد که رمز پیروزی و کامیابی آن اقوام، ملت‌ها و واحدهای سیاسی، بی‌شک مرهون آگاهی و شناخت آنان از قدرت و توانایی طرف مقابل است. از این رو، آگاهی و شناخت نسبت به دشمن از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

پیامبر مکرّم اسلام (ص) در اهمیت و لزوم شناخت دشمن می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ، وَعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ» (بحارالانوار،

ج ۷۴، ص ۱۸۱)

«آگاه باشید! عاقل‌ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او

پیروی کند و دشمنش را نیز بشناسد و آنگاه نافرمانیش کند».

مقام معظم رهبری نیز در ضرورت شناخت دشمن فرمودند:

«مراقب دشمن باشید؛ دشمن را خوب بشناسید؛ مبدا از شناسایی دشمن

غفلت کنید. غریبه‌هایی را که در لباس خودی خودشان را در همه جا داخل

می‌کنند بشناسید؛ دست‌های پنهان را ببینید. هیچ کس به خاطر غفلت

شناختن نمی‌شود. هیچ کس به خاطر چشم‌ها را بر هم گذاشتن، مدح نمی‌شود.

اگر بر آدم غافل ضربه‌ای وارد شد، اول کسی که مسئول و مذموم است، خود

اوست؛ مراقب باشید» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه ائمه‌مختلف مردم

۱۳۷۸/۴/۲۱).

امروزه دشمن شناسی یکی از ضروری‌ترین دانش‌ها است؛ چرا که هر روز

دشمنان روشی را در پیش می‌گیرند و شیوه‌ای را دنبال می‌کنند؛ گاه از ابزار اقتصادی

و سیاسی استفاده می‌کنند و گاه از ابزار نظامی یا فرهنگی. هر روز یکی از این ابزارها

را به کار می‌گیرند و هر کس یا هر کشور را با سلاح متناسب خود شکار می‌کنند. پس

شناخت دشمن، ضرورت هر مبارزه و استمرار حیات به شمار می‌آید و هر کشوری که از توجه به این اصل مهم غافل شود^۱، با تهدیدات گوناگون دشمنان مواجه خواهد شد؛ در آن صورت، نه تنها نخواهد توانست مدت مدیدی ادامه حیات داده و استقلال و آزادی خویش را حفظ کند، بلکه عزت و اقتدار خویش را از دست خواهد داد و تحت سیطره‌ی قدرت‌های استکباری گرفتار خواهد شد.

مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی به تاریخ ۱۳۸۶ / ۱ / ۱، با بیان اینکه «یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند.» بر ضرورت شناخت دشمن و روش‌های دشمنی تأکید کرده و با الهام از اندیشه‌های الهی، دشمنان ملت بزرگ ایران را به دو دسته تقسیم کرده و به معرفی آن‌ها پرداخته است:

«ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است.»

الف - دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟
دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود - نه به شخص خود و نه به ملت خود - این‌ها بیماری است. اگر این دشمن‌های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می‌شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروب‌ها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی‌توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «افقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان در آمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی‌اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ این‌ها دشمنان درونی است.

ب - دشمن بیرونی. دشمن بیرونی ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛

۱- امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه‌السلام) هشدار می‌دهند که باید همواره و پیوسته دشمن را زیر نظر داشت و هرگز از کید و مکر دشمن نباستی غافل شد؛ و هر ملتی غفلت ورزید، سرنوشت هلاکت باری را برای خود رقم زد؛ چنانکه فرمودند: «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتَيْتَهُ الْمَكَانِدُ: کسی که از دشمن غفلت کند، حيله‌ها و کینه‌های دشمن بیدارش خواهد ساخت.» «- مَنْ نَامَ لَمْ يَتَمَّ عَنْهُ: اگر کسی بخوابد باید بداند که دشمنش نخواهد بخوابد است.»

یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا» (فرازی از فرمایشات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی به تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱).

ایشان در این باره خطاب به آحاد نیروهای مسلح نیز فرموده است: «مواظب دشمن باشید. خصوصیت ارتش این است که مراقب دشمن است؛ چون از مرزها همیشه حراست می‌کند. پس مراقب دشمن بودن، خصوصیتی است که برای ارتش ناآشنا نیست. ارتشیان عزیز! مراقب دشمن باشید؛ نه فقط دشمنی که از مرز حمله می‌کند، بلکه دشمنی که به مرزهای درون وجود ما حمله می‌کند؛ اراده‌ی ما را تضعیف می‌کند، ایمان ما را تضعیف می‌کند، عزم قاطع ما را بر کار کردن تضعیف می‌کند، عمل ما را از خلوص و صفا خالی می‌کند. دشمن حقیقی این است. اگر ما توانستیم با این دشمن دست و پنجه نرم کنیم و بینی او را به خاک بمالیم، آن وقت در مقابل آن دشمن بیرونی دست ما پر است. آن کسی که در میدان جنگ دچار هزیمت می‌شود، قبلاً در درون خود دچار هزیمت شده است. اگر در درون خود دچار هزیمت نشویم، در بیرون هیچ دشمنی نمی‌تواند ما را منهدم کند» (بیانات در دیدار جمعی از کارکنان ارتش ۱۳۷۸/۱/۲۵).

راهبرد چهارم: مخالفت با تولید و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی

نگاهی گذرا به حوادث و اتفاقات پیش آمده در اقصی نقاط گیتی در ادوار مختلف، از جمله یورش‌های وحشیانه، غارت اموال، قتل عام فجیع و به اسارت بردن زنان و کودکان بیانگر آن است که زیاده‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران یک امر عادی بوده است. در این راستا، انسان‌های زورگو و متجاوز به‌منظور قتل و غارت دیگران، به تناسب پیشرفت علم و فن‌آوری، در انتخاب و استعمال ابزارهای نبرد و جنگ افزارها هیچ محدودیتی نداشته‌اند، چون هدف نابودی کامل دشمن و قتل و غارت بود. در واقع، هر

کشف علمی در حوزه‌های مختلف علوم بشری، از جمله شیمی، فیزیک، صنعت و حتی نجوم، پزشکی و روان‌شناسی، اثری روشن در تحول و تکامل ابزارهای جنگی داشته است. به این ترتیب، هم‌زمان با پیشرفت علم و فن‌آوری به‌ویژه در سال‌های پایانی نیمه اول قرن بیستم، سلاح‌هایی به وجود آمدند که قدرت تخریب و ویرانگری بالایی داشته‌اند. کاربرد این سلاح‌های وحشیانه در جنگ، سبب کشته شدن شمار زیادی از انسان‌ها و خسارات فراوانی به سازه‌های ساخت بشر و محیط زیست گردید. این سلاح‌ها نه تنها می‌تواند بر سلامت و حیات بشر و تمام موجودات فعلی زیان بار باشد، بلکه برای نسل‌های آینده نیز تهدید کننده و خطر جدی محسوب شود؛ حتی فراتر از آن می‌تواند کره زمین را نیز از بین ببرد. این دسته از ابزارهای جنگی موسوم به «سلاح‌های کشتار جمعی»^۱ شامل سلاح‌های شیمیایی^۲، سلاح‌های بیولوژیک^۳ و سلاح‌های هسته‌ای^۴ است.

این نوع سلاح‌ها که دارای قدرت تخریب فراوان بوده و به‌منظور انهدام وسیع به کار می‌رود، دارای آثار مخربی است که نمی‌تواند به اهداف معینی محدود شود (ممتاز، ۱۳۷۷: ۱۲)؛ به عبارت دیگر، سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌هایی هستند که قدرت تخریبی یا انهدامی گسترده، فراگیر، غیرقابل تمایز (غیرقابل تفکیک) و وحشتناک دارند. در نتیجه، اهداف آن‌ها را نمی‌توان دقیقاً معین و مشخص و محدود به هدف‌های نظامی یا غیرنظامی، اعم از اموال، تأسیسات یا انسان‌ها کرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: کتاب ضمیمه، ۱۱).

به غیر از سلاح هسته‌ای که تنها دوبار در جنگ جهانی دوم مورد استفاده ایالات متحده آمریکا قرار گرفته شد، سایر سلاح‌های کشتار جمعی به‌کرات از سوی متخصصین در جنگ‌ها مورد استفاده واقع شده است. برای نمونه دولت عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران، به‌کرات و در سطح وسیعی از تسلیحات شیمیایی علیه رزمندگان اسلام و حتی علیه شهروندان خود در شهر حلبچه استفاده کرد. جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۴۰ مورد (با ذکر آمار و جزئیات دقیق)، استفاده رژیم بعثی عراق از سلاح‌های شیمیایی و نقض آشکار پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را به اطلاع سازمان ملل

-
- 1- Weapons of Mass Destruction.
 - 2- Chemical Weapons
 - 3- Biological Weapons.
 - 4- Nuclear Weapons.

متحد (دبیرکل) رسانده است (مجله حقوقی، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ۱۳۸۵: ۲۲۶-۲۱۹). جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از این جنایت، از سازمان ملل درخواست اقدامی قاطع و جدی کرده بود؛ اما هیچ‌گونه اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفت (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۹۶-۱۴۴). این در حالی بود که نه تنها رژیم بعثی عراق به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ اعتراف کرد و اسناد و مدارکی مبنی بر تأمین تسلیحات شیمیایی به عراق از سوی دولت‌های انگلیس، آلمان، شوروی سابق، آمریکا و فرانسه در آن دوران منتشر شده بود (میشل الغریب، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۵)، بلکه گزارش‌های کارشناسان سازمان ملل متحد نیز حاکی از استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایران بوده است (کرد بچه حسین آباد، ۱۳۸۶: ۱۵۸-۱۴۸). با این وجود، مدعیان حقوق بشر دواستانه غربی سکوت مرگ بار داشته‌اند؛ زیرا که خود حامی و تأمین کننده این سلاح‌های وحشتناک به عراق بودند.

مقام معظم رهبری در فرازی از پیام‌شان به مناسبت آغاز به کار نخستین کنفرانس بین‌الملل خلع سلاح و عدم اشاعه که به تاریخ ۲۷ فروردین ماه سال ۱۳۸۹ در تهران برگزار شد،^۱ کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی را مصداق جنایت جنگی قلمداد کرده و در این باره فرمودند:

«هر چند که کشورهای متعددی اقدام به تولید و انباشت سلاح هسته‌ای کرده‌اند که فی نفسه می‌تواند مقدمه‌ی ارتکاب جرم تلقی شده و صلح جهانی را شدیداً در معرض تهدید قرار داده است، اما فقط یک دولت مرتکب جرم اتمی شده است. تنها دولت ایالات متحده آمریکا است، که ملت مظلوم زاپین در هیروشیما و ناکازاکی را در جنگی نابرابر و غیرانسانی مورد هجوم اتمی

۱- پیام رهبر معظم انقلاب به نخستین کنفرانس خلع سلاح هسته‌ای- که به ابتکار ایران در ۲۸ فروردین ماه ۱۳۸۹ در تهران تشکیل شد- دارای نکات برجسته و مهمی است؛ به‌گونه‌ای که فضای اجلاس و مواضع شرکت کنندگان خارجی آن را تحت تأثیر خود قرار داد. یکی از این نکات برجسته و مهم، فتوای مقام معظم رهبری در حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای بود که بازتاب‌های زیادی را به همراه داشت. هر چند معظم له تاکنون به کرات بر حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای تأکید نموده‌اند و آن را در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران فاقد اعتبار دانسته‌اند؛ اما چون این موضوع در قالب یک پیام رسمی و در یک کنفرانس بین‌المللی مطرح شد که بیش از ۶۰ کشور در آن مشارکت داشتند و شبکه‌های مختلف خبری آن را به‌صورت زنده پوشش می‌دادند، تأثیرگذاری بیشتری بر جای گذاشت به‌گونه‌ای که تعداد زیادی از اندیشمندان و تحلیل‌گران حوزه‌ی خلع سلاح، اصلی‌ترین پارامتری را که در صحبت‌های خود مطرح می‌کردند، این بود که رهبر ایران به‌عنوان بالاترین مقام کشور، استفاده از سلاح هسته‌ای را حرام شرعی اعلام کرده‌اند.

قرار داد. از زمانی که انفجار نخستین جنگ افزارهای هسته‌ای توسط دولت ایالات متحده در هیروشیما و ناکازاکی فاجعه‌ای انسانی با ابعاد بی‌سابقه در تاریخ آفرید و امنیت بشری را با تهدیدی عظیم مواجه ساخت، ضرورت نابودی کامل این سلاح‌ها مورد اجماع قاطع جامعه جهانی قرار داشته است. استفاده از سلاح هسته‌ای نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر شد، بلکه میان آحاد ملت، نظامی و غیرنظامی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و کهن‌سال و خردسال تمایزی قائل نشد و آثار ضد بشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در نوردید و حتی به نسل‌های بعدی نیز خسارت‌های جبران‌ناپذیر وارد نمود و لذا هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدی مسلم‌ترین قواعد بشر دوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی قلمداد می‌گردد» (پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه ۱۳۸۹/۱/۲۸).

پر واضح است که کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی و حتی تمامی انواع ابزارهای جنگی ممنوعه، در تضاد آشکار با اهداف جهاد، عقل و منطق و امر قرآنی است که رعایت «وَلَا تَعْتَدُوا» در مخاصمات مسلحانه را واجب می‌داند. توسل به سلاح‌های ممنوعه، مخصوص کسانی است که فاقد منطق و اندیشه انسانی هستند. این چنین است که مقام معظم رهبری در بخش پایانی پیام خویش به کنفرانس یاد شده قاطعانه اعلام می‌دارند:

«به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه‌ی امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان میدانیم» (پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه ۱۳۸۹/۱/۲۸).

با این توصیف، می‌توان گفت که سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله سلاح‌های هسته‌ای، در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ندارد. از این رو، یکی از راهبردهای مهم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سلاح‌های کشتار

جمعی، حضور و مشارکت فعال در تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با این سلاح‌ها و امحای آن‌ها است.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری صلح طلب، خواهان برچیده شدن سلاح‌هایی است که جز تهدید بشریت و به هدر دادن منابع، سرمایه‌ها و نیروی انسانی ثمری ندارند. به همین دلیل، حامی و پیشرو امحای سلاح‌های کشتار جمعی بوده و تولید و استفاده از این‌گونه سلاح‌ها را خلاف اصول و اعتقادات خود، حقوق بین‌الملل و منطق و عقل می‌داند.

راهبرد پنجم: ارتقای توانمندی‌های دفاعی برای بازدارندگی

در نظام جهانی، هدف اولیه هر واحد سیاسی اصل حفظ حیات و تمامیت ارضی در نظر گرفته می‌شود و اساسی‌ترین تدبیر در این زمینه که مورد تأمل و تأکید کارشناسان است، مجاب کردن حریف نسبت به برتری خود و افزایش چشمگیر هزینه‌ها نسبت به منافع حاصله از تهاجم است که از آن به بازدارندگی تعبیر می‌شود (George, Alexander L. and Richard Smohe; 1974: 11). جذابیت‌های نهفته در این تدبیر و زاویه متعدد و همچنین نتایج کارساز آن در فاصله گرفتن از سیاست خارجی جنگ-افروزانه به سیاست پرهیز از جنگ یا همزیستی مسالمت‌آمیز باعث شده است تا همچنان این تدبیر مورد استقبال جدی دولت‌ها قرار داشته باشد؛ به همین دلیل است که با وجود تحولات عظیم عصر حاضر در حوزه‌ی فن‌آوری ارتباطات و ظهور پدیدارهای جدید در روابط بین‌الملل، هنوز هم این مفهوم (در کارکردهای جدید و متفاوت از دوران گذشته) از مهم‌ترین مفاهیم کلیدی و متضمن حفظ حیات، منافع و امنیت ملی کشورها به شمار می‌آید.

از بازدارندگی، به معنای متقاعد کردن حریف نسبت به اینکه هزینه‌ها و خطرات خط‌مشی احتمالی او از منافع آن بیشتر است یاد می‌شود (دوئرتی فالتزگراف، جیمز رابرت، ۱۳۸۴: ۵۹۶). همچنین از این مفهوم در روابط بین‌الملل به‌عنوان سیاستی یاد می‌شود که هدف آن مجاب کردن حریف نسبت به برتری خود و افزایش چشمگیر هزینه‌ها نسبت به منافع حاصله از تهاجم است. همچنین بازدارندگی در فرهنگ روابط بین‌الملل، شامل فعالیت‌هایی است که به‌وسیله یک دولت یا گروهی از دولت‌ها انجام

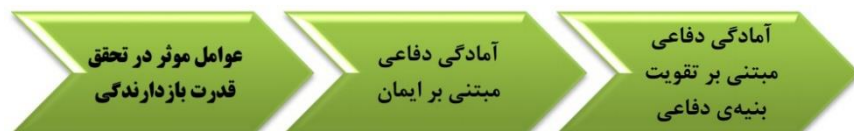
می‌شود و هدف از آن بازداشتن سایر دولت‌ها از تعقیب سیاست‌هایی است که دلخواه دولت یا دولت‌های بازدارنده نیست (جک سی. پلیمنو، روی آلتون، ۱۳۷۵: ۲۳۷). در واقع، بازدارندگی، برقراری نوعی رابطه قدرت در جهت جلوگیری از رسیدن طرف مقابل به اهداف خود با نفوذ در رفتار و عملکرد وی از طریق قدرت سخت و نرم است. کارایی بازدارندگی به چند عامل با وجود وسایل و توانایی اعمال بازدارندگی از طریق ایجاد وحشت، انتقال پیام، مصمم بودن تصمیم‌گیرندگان به تحقق تهدید و معقول بودن تصمیم‌گیرندگان دولت رقیب بستگی دارد (سیف زاده، ۱۳۸۰: ۱۷۷).

در شرایطی که گفتمان غربی در نظریه بازدارندگی، مقوله توسل به زور و هجوم به کشورها برای دفع دشمن و در مقام بعدی پیش‌دستی در سرکوب رقبا است، در گفتمان اسلامی ضمن نقد این نگاه، نقطه آغازین رسالت پیامبر اکرم (ص) بر «صلح» و «سلام» قرار گرفته است که منادی «آرامش» و هنجار مورد پذیرش عام در جهان است (عمید زنجانی، فقه سیاسی (ج ۳)، ۱۳۶۷: ۷۵-۳۴۷). اشاره قرآن در آیات بسیاری بر اولویت صلح و سلام (سوره بقره، آیه ۲۰۵)، فرو نشاندن آتش جنگ (سوره مائده، آیه ۶۴)، صلح و زندگی مسالمت آمیز (سوره بقره، آیه ۲۰۸)، اصول مشترک برای صلح و آرامش (سوره آل عمران، آیه ۶۳)، محکومیت تعدی و تجاوز و ستمگری (سوره بقره، آیه ۱۹۰، سوره مائده، آیه ۸۷ و مشابه آن در سوره اعراف آیه ۵۵)، نفی هرگونه نابرابری نژادی، قومی و ذاتی انسان‌ها که زمینه زیاده خواهی و تجاوزگری است (سوره حجرات، آیه ۱۳)، رحمت در برابر تسلیم کفار و جلوگیری از جنگ در برابر تسلیم‌شدگی (سوره نساء، آیه ۹۰)، صلح و صفا و صمیمت برای تمام بشر (سوره انفال، آیه ۶۱ و سوره بقره، آیه ۱۹۲ و ۱۹۳) مؤید همین مطلب است. از همین منظر است که «جنگ» و «مبارزه» برای جامعه اسلامی به سازوکار دفاعی مبدل شده است.

اسلام به مقوله «اطمینان» به مثابه عالی‌ترین مرحله از «امنیت‌زایی» می‌نگرد. اگرچه اسلام برای ابعاد سخت‌افزاری امنیت از حیث ارزش دفاعی اهمیت ویژه‌ای قائل است، اما فقط بر آن تأکید ندارد و «اطمینان قلبی» را به‌عنوان بالاترین شاخصه ایمنی جامعه معرفی می‌کند (الا بذکرالله تطمئن القلوب). چرا که خدا مداری را موجد قدرتی بی‌بدیل می‌داند که می‌تواند مؤمنان را در مقابل سایر قدرت‌های دیگر یاری رساند، به عبارت دیگر، در رویکرد اسلام، ایده «ایمان قدرت‌آفرین است» معنادار و مؤثر است.

قدرت ناشی از «ایمان به خداوند» با تقویت قدرت نرم، در توان سخت‌افزاری جامعه اسلامی تأثیر گذاشته و کارایی آن را افزایش می‌دهد. به عبارتی، در گفتمان اسلامی «قدرت سخت» متأثر از «قدرت نرم» افزایش کارآمدی یافته و لذا در دفع تهدیدات و تأمین امنیت جامعه اسلامی، تأثیرگذار می‌شود. به همین علت اسلام برای «نفس مطمئنه» و «اعتماد» و «اطمینان قلبی» پیش از «قدرت» ارزش قائل است و حتی کارآمدی و کاربرد «قدرت» را نیز در گرو تحقق قدرت نرمی می‌داند که از درون نگرشی ایجابی به حوزه امنیت تولید می‌شود.

تحقق قدرت بازدارندگی، متکی بر دو عامل کلیدی است؛ این دو عامل شامل «آمادگی دفاعی» مبتنی بر «ایمان» و «تقویت بنیه دفاعی» است؛ اما داشتن این دو عامل برای تحقق قدرت بازدارندگی کافی نیست؛ آنچه که می‌تواند «آمادگی دفاعی» را به قدرت بازدارندگی فعال مبدل سازد، انتقال این آمادگی و اراده اعمال تهدید به طرف مقابل و از طرفی تعامل مؤثر با ملل منطقه و جهان در جهت تغییر توازن قدرت به نفع مدافعین اسلام است. «دیپلماسی» و به ویژه «دیپلماسی دفاعی» به‌عنوان ابزاری مکمل، آمادگی دفاعی جهت تجهیز، توسعه، ترمیم و تقویت قدرت در تمامی ابعاد آن است.



شکل شماره ۹: عوامل کلیدی در تحقق قدرت بازدارندگی

الف) آمادگی دفاعی مبتنی بر ایمان

ایمان معجزه‌گری است که در نتیجه‌ی آمیختگی روحی و توان جسمی، مجاهدانی پرورش می‌دهد که صلاحیت و شجاعت آنان، دشمن را در فتنه‌انگیزی و تهاجم مأیوس می‌سازد؛ زیرا در فضای حضور نیروهای با ایمان، آگاه و بصیر، صبور، پایدار، مطیع ولایت، شهادت طلب و مخلص که از آموزش، آمادگی جسمی، دانش دفاعی و مدیریت دفاعی برتری برخوردار باشند، جایی برای تحقق اهداف دشمن باقی نمی‌ماند.

مصدق عینی این مردان پس از انقلاب در طول جنگ تحمیلی و پس از آن در عرصه‌های مختلف و امروز در صحنه جنگ روانی کم نیست، آنان کسانی هستند که با صلابت و جاذبه معنوی خود، نه تنها مجال توطئه و تجاوز را از دشمنان سلب می‌کنند، بلکه دشمنان اسلام از آمادگی روحی و توان جسمی آنان، همواره در ترس و اضطراب زندگی می‌کنند و تلاش می‌کنند تا هرگز به آتش قهر آنان گرفتار نشوند؛ این‌ها همان کسانی هستند که جمع یاران آقا امام زمان (عج) را تشکیل می‌دهند که از ائمه معصومین نقل شده:

«وَلَوْ مَرَّ بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لِقَطَعُوهَا، لَا يَكْفُونَ سُبُوقَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲)

«اگر این یاران، بر کوه‌هایی از آهن و فولاد عبور کنند آن را خرد می‌کنند، اسلحه‌هایشان را بر زمین نمی‌گذارند تا آن هنگام که خدا راضی شود».

به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، ایمان و اعتماد به خداوند متعال را از عناصر اصلی و مهم و تعیین کننده در رفع موانع و مقابله مؤثر با تهدید می‌دانند. ایشان در این باره فرمودند:

«ایمان دینی آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه مردم را بسیج کند و بیاورد؛ ثانیاً آن‌ها را در صحنه نگه دارد و سختی‌ها را برای آن‌ها هموار و آسان کند... ایمان دینی می‌گوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بردید، پیروزید، اگر کشته هم شدید یا اگر زندان هم افتادید، پیروزید، چون به وظیفه عمل کرده‌اید، وقتی کسی یک چنین اعتماد و ایمانی داشت، این دیگر شکست برایش معنا ندارد؛ لذا وارد میدان می‌شود» (پیام به مناسبت بزرگداشت

۹ دی، مورخ ۱۳۹۰/۹/۲۱).

اگر به این حقیقت توجه داشته باشیم که خداوند متعال مبدأ و منشأ قدرت و به انجام هر کاری تواناست، در این صورت اگر یک مدافع خود را به منبع اصلی قدرت و حیات متصل کند، از هیچ قدرتی جز او ترس و وحشت به خود راه نمی‌دهد، این سرمایه بزرگی است که تنها مجاهد فی سبیل الله از آن بهره‌مند است، کسانی که به جز خداوند از کسی ترسی ندارند، بر حسب روایات و احادیث همه گردنکشان از او ترس به دل دارند و این قدرت بازدارنده مدافعان اسلام است. رهبر معظم انقلاب با ژرف

نگری در همین معنا می‌فرمایند: «وقتی کسی یک چنین اعتقادی و ایمانی داشت، این دیگر شکست برایش معنا ندارد» (پیام در ستاد بزرگداشت ۹ دی، مورخ ۱۳۹۰/۹/۲۱).

ایمان همواره باید با بینش و آگاهی توأم باشد؛ درک موقعیت سیاسی و اجتماعی و آگاهی به مصالح اسلام، افق روشنی را پیش روی مدافعان اسلام می‌گشاید تا نیرو و توان خود را به‌طور مؤثر و به‌موقع ارائه دهند. علاوه بر آن، آگاهی و هوشیاری، انگیزه‌ی دفاعی مدافعان را تقویت می‌کند؛ به‌طوری که تا پای مرگ و شهادت حاضر نیستند دست از آرمان خود بردارند و عزت اسلام و استقلال کشور را با چیز دیگری معامله کنند.

بر همین اساس، امام خامنه‌ای (مدظله) ضمن توجه به قدرت مادی، مهم‌ترین قدرت بازدارنده در مقابل دشمنان اسلام را احساس تکلیف خدایی، اتکال و اعتماد به خدای متعال، متکی به ایمان و تلاش مخلصانه در راه آرمان‌های بلند و والا می‌دانند. معظم له فرمودند:

«در نظام‌های مادی، اقتدار، متکی به پایه‌های قدرت مادی است. به پول، به سلاح، به تبلیغات فریبکارانه و هرچا لازم شود، مزورانه و منافقانه؛ اما در الگوی اسلامی و معنوی، این اقتدار در درجه‌ی اول متکی به عامل معنوی و ارزشی معنوی و الهی است، متکی است به ایمان، متکی است به اعتماد به خدای متعال، متکی است به تلاش مخلصانه در راه آرمان‌های بلند و والا. نه اینکه به سلاح بی‌اعتنا باشیم، نه اینکه به نظم و تجهیزات و آموزش به چشم بی‌اهمیتی بنگریم، همه این‌ها لازم است، اما روح این‌ها عبارت است از احساس تکلیف خدایی، احساس اتکال به خدای متعال. این است که یک ارتش را، یک مجموعه‌ی نیروهای مسلح را، یک ملت را آنچنان مقاوم و استوار می‌کند که قدرت‌های مادی قادر نیستند آن را به‌زانو در بیاورند و نصرت نهایی و پیروزی نهایی با اوست» (بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش، ۱۳۸۹/۸/۱۹).

با تعمق در نظریه‌ها و فرمایشات مقام معظم رهبری، می‌توان دریافت که معظم له نشانه‌ی بارز ایمان را در قامت قدرت بازدارنده در ظهور و بروز تفکر بسیجی می‌دانند، چنان که در مناسبتی در این باره چنین فرمودند:

«امروز استکبار در همه جای دنیایی که می‌خواهد بر آن چنگ بیندازد، با

سه عامل کار خود را پیش می‌برد و تلاش می‌کند... یک عامل، عامل مالی است؛ یک عامل، عامل نظامی است؛ یک عامل، عامل تبلیغی است... حربی مقابله با این سه عامل چیست؟ فکر کنید، ببینید برای مقابله با عامل پول که انسان‌ها را برده می‌کند، با عامل سلاح که انسان‌ها را می‌ترساند و مرعوب می‌کند و با عامل تبلیغات که انسان‌ها را خام می‌کند و فریب می‌دهد، چه کار باید کرد. چه چیزی می‌تواند در مقابل این‌ها بایستد؟ ایمان روشن، ایمان با بصیرت. این همان چیزی است که ملت ما دارد و از اوّل انقلاب هم داشته است؛ همان چیزی است که بسیجی به آن متمیز است» (بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۷/۹/۷۷).

مقام معظم رهبری بسیج را عامل توانمندی کشور ارزیابی کرده و فرمودند: «شاید بشود گفت که در میان یادگارهای ارزشمند باقی مانده از امام عزیز و عظیم القدر ما، یادگاری که از همه بیشتر گسترش دارد، بسیج است. عظیم‌ترین و ماندگارترین یادگار آن بزرگوار، همین بسیج مردمی است که در همه جا حضور دارد؛ در همه‌ی فعالیت‌ها می‌تواند پیشرو باشد و روحیه‌ی بسیجی را نشان دهد. باید هم همین‌طور باشد. خیلی‌ها می‌خواستند بعد از تمام شدن جنگ، چنین وانمود کنند که بسیج تمام شد. این، یک تلقین شیطنانی بود، که شاید دست‌های دشمن هم در آن بی‌تأثیر نبود؛ اما من عرض می‌کنم که بسیج تمام شدنی نیست. بسیج باید روز به روز توسعه پیدا کند و قوی شود. روحیه‌ی بسیجی و معرفت بسیجی باید فراگیر شود تا این کشور بتواند بار سنگینی را که بر دوش دارد - که همان بار هدایت الهی و سعادت انسان‌هاست - به سر منزل برساند» (بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۷/۱۱/۷۷). [از این رو] «اگر نیروهای مسلح در هر کشور به آمادگی کامل برسند، ولی از نیروهای داوطلب مردمی پشتیبانی نداشته باشند، یقیناً توانایی آنان کامل نخواهد بود و در کشور و در انقلاب ما، اگر نیروهای بسیجی - این داوطلبان مخلص و مؤمن به هدف‌های انقلاب - در گذشته پشتیبان میدان‌های نبرد نمی‌بودند و برای همیشه نباشند - معاذالله - یقیناً کار دفاع از انقلاب لنگ خواهد ماند. اساس، نیروی مردم، یعنی همین بسیج است» (سخنرانی در دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت نمونه‌ی بسیج و جمعی از دانشجویان و طلاب بسیجی ۷/۸/۳۰).

اینکه چرا مقام معظم رهبری بسیج را مهم‌ترین عامل اقتدار کشور ارزیابی می‌کند را می‌توان به مواردی چون بدون توقع، فداکارانه، بدون خودنمایی و برای رضای خدا کار کردن نام برد. چنان که در مناسبتی فرمودند:

«وقتی می‌گوییم «بسیج»، مراد ما فقط یک مجموعه‌ی نظامی و ملبس به لباس نظامی و آموزش‌های نظامی نیست؛ بلکه بسیج، یعنی مجموعه‌ی انسان‌هایی که نیروی خودشان را به میدان می‌آورند تا در جهاد عمومی کشور و ملت‌شان، در جهت رسیدن به قله‌ها، فعال باشند و با آن‌ها همکاری کنند و در کارشان سهیم باشند؛ این، معنای بسیج است... آن کسی است که مقدرات و امکان خود را در راه هدف‌های عظیم این ملت به میدان می‌آورد؛ خود را سهیم می‌کند؛ خود را مسئول می‌داند و مایل نیست کنار بنشیند تا دیگران تلاش کنند، او هم نگاه کند؛ یا آنجایی که سودمند است، سودش را ببرد؛ و یا تا یک گوشه‌اش ساییده شد، بنا کند به ایراد گرفتن و اعتراض کردن؛ این جور انسان هم در جامعه داریم؛ بسیجی آن کسی است که این‌گونه نیست. آنجایی که نیازمند رفتن به عرصه‌ی نظامی است، او پیشاهنگ است؛ جوان و پیر هم نمی‌شناسد؛ دور و نزدیک هم نمی‌شناسد؛ آن جایی که جای حضور در عرصه‌ی سیاسی و میدان سیاست است، او فعال و پرنشاط است؛ آن جایی که در عرصه‌های بین‌المللی باید حضور پیدا کرد - عرصه‌های گوناگون بین‌المللی، عرصه‌ی سیاسی، عرصه‌ی فرهنگی، عرصه‌ی ورزشی - او در آن جا، مظهر عزت ملت و کشور خود است. با این روحیه، با این احساس، در آن جا حاضر می‌شود؛ آن جایی که جای علم است، جای تحقیق است، جای صبر کردن بر مشکلات نوآوری علمی است، از جان و ذهن خودش مایه می‌گذارد؛ آن جایی که جای پول خرج کردن است، اگر پولی دارد، پول خرج می‌کند. این، بسیجی است» (بیانات در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۸۴/۰۹/۰۷).

ب) آمادگی دفاعی مبتنی بر تقویت بنیه‌ی دفاعی

مدیریت دفاعی، توسعه‌ی علوم و فن‌آوری دفاعی، سازمان‌دهی نیروها، ارتقای سطح دانش و مهارت‌های نیروهای مسلح و توسعه صنایع نظامی از اجزای مهم بنیه دفاعی هر کشور به حساب می‌آید. آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» مصداق روشن

این مفهوم است که حدود و ثغور بنیهای دفاعی را روشن می‌کند. مرز این توانمندی، عزت اسلام و تحقق نیروی بازدارنده در مقابل هر گونه تفکر تهاجم دشمن به تمامیت ارضی نظام اسلامی است. حصول به این قدرت و توانمندی، نیازمند تحول در سخت-افزار و نرم‌افزار متناسب با تهدید و محیط امنیتی است؛ این تحول باید در ساختار، مدیریت، اطلاعات، فن‌آوری و تفکر صورت پذیرد و با نوسازی و ترمیم ساختاری موجود ممکن شود. با نگاهی به مواضع رهبر انقلاب اسلامی می‌توان شاخصه‌های بنیهای دفاعی را معین کرد.

با توجه به تأثیر بی‌بدیل نوآوری فن‌آورانه در اقتدار و برتری در مقابل تهدیدات (در جهت ایجاد قدرت بازدارنده)، رهبر معظم انقلاب بر لزوم ایجاد تحول و نوآوری در عرصه‌های گوناگون نظامی، مانند نوآوری در تجهیزات و دانش نظامی، فنون نظامی گری و روش‌های سازمان‌دهی نظامی (نوآوری‌های دکترین) را نیز مورد تأکید قرار داده و فرمودند:

«چشم به خود بدوزید، نه به بیگانه. ما برای ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تجهیزات فراهم می‌کنیم. ما نیروهای مسلح خود را تا آن جا که در وسع و قدرت ماست، با تمام توان تجهیز می‌کنیم؛ اما توصیه دائمی ما این است که به ابتکار و به دست و بازو و توانایی‌های خود بپندیشید. نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی، در درون خود استعداد‌های فراوانی دارند که باید از این استعدادها حداکثر استفاده را بکنند و بحمدالله می‌بینیم که امروز استفاده می‌شود؛ اما روز به روز این را بیشتر کنید. ستاد مشترک هم نقش هدایت‌کننده و هماهنگ‌کننده و تکمیل‌کننده را نسبت به این تلاش‌ها در کل نیروهای مسلح خواهد داشت» (سخنرانی در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ۷۰/۵/۹).

معظم له در مناسبتی دیگر خطاب به فرماندهان نیروهای مسلح، پیشرو بودن در عرصه‌های نظامی را این چنین مورد تأکید قرار داده و فرمودند:

«آنچه امروز به‌عنوان دانش نظامی در دنیا وجود دارد، متعلق به یک ملت خاص و یک دولت خاص و یک جناح خاص نیست؛ این ذخیره‌ی تمدن و فرهنگ طولانی بشری در طول قرن‌های مختلف است. همیشه جنگ بوده، مرتب جنگ پیدا شده، دائماً تجربه به وجود آمده، این تجربه‌ها روی هم جمع

شده و امروز دانش نظامی گری پدیدار شده است. ما که مسلمان و انقلابی هستیم، ما که پیشاهنگ حرکت نوین عالم هستیم، باید بهتر از دیگران این دانش را بلد باشیم. دیگران مرتجعند، دیگران عقب افتاده‌اند، دیگران رو به گذشته دارند؛ به ظاهر و به زرق و برق شان نگاه نکنید. دیگران اسیر شهوتند، اسیر کوچک‌ترین انگیزه‌های بشریند؛ پیشرو شما بید، پیش‌قراول شما بید، نوآور شما بید، پیام جدید را شما برای دنیا دارید، در عرصه‌ی هر دانشی که بشود و بتوان - از جمله، دانش نظامی و فنون نظامی‌گری و روش‌های نوین سازمان‌دهی نظامی - شما باید بهترین را داشته باشید»

(سخنرانی در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه ۷۰/۶/۲۷).

ابن‌براین^۱ «راه‌های میان‌بر را پیدا کنید و بپیمایید... تکیه‌ی بیشتر باید بر خود، بر ابتکار خود، بر ثروت خود، بر قدرت دستان پره‌نر خود و مغزهای فعال و پر ابتکار خود باشد. در همه‌ی بخش‌ها، این را یک دستور کلی

به حساب بیاورید و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنید» (سخنرانی در مراسم صبحگاه نظامی

پایگاه منطقه‌ی دوم دریایی نیروی دریایی ارتش در بوشهر ۷۰/۱۰/۱۲).

بی‌تردید کسب قدرت دفاعی مستلزم انجام کار پژوهشی است؛ زیرا تحقیق^۱ ریشه‌ فعالیت‌های علمی، ابداع و خلاقیت است. تحقیق و پژوهش، انسان را از لغزش‌ها و آسیب‌های ناشی از اطلاعات سطحی و دانش‌های ناپخته و خام می‌رهاند و بلوغ فکری را برای بشر به وجود می‌آورد و قدرت و امنیت جامعه را تأمین می‌کند (جعفری: ۱۳۷۹: ۷۶). این چنین است که مقام معظم رهبری به پیروی از سلف صالح شان حضرت امام خمینی (ره)^۲ توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی را لازمه پیشرفت ارزیابی کرده و فرمودند:

«پیشرفت علمی هم با تقلید حاصل نخواهد شد؛ با ابتکار و شکستن مرزها و پیش رفتن و فتح مناطق ناگشوده، حاصل خواهد شد... مسئولان دولتی

1- Research

۲- حضرت امام خمینی (ره) در پاسخ به نامه‌ی روسای سه قوه در مورد بازسازی کشور به تاریخ ۶۷/۷/۱۱ فرمودند: «مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند» (صحیفه نور، ج ۲، ص ۳۸).

بدانند که نه علم و نه فن آوری، بدون وجود مراکز فعال تحقیقاتی، پیشرفتی نخواهد داشت. هم دانشگاه‌های ما، هم مراکز تحقیقاتی خارج از دانشگاه‌ها باید ان شاء الله مورد حمایت و توجه قرار بگیرند» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه (۱۳۸۴/۷/۲۱).

البته معظم له بیان می‌کند، تقویت و ارتقای بنیه‌ی دفاعی نیروی‌های مسلح به هیچ عنوان تهدیدی علیه هیچ کشور و ملتی نیست، بلکه عاملی برای قدرت بازدارندگی است:

«جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح خود را برای تعدی و تجاوز به هیچ ملتی و هیچ کسی نمی‌خواهد. در طول تاریخ که هیچ، در زمان حال شما ببینید در دنیا از سازمان‌های مسلح برای چه هدف‌هایی استفاده می‌شود! جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح خود را... در میدان دفاع از استقلال ملی، از هدف‌های والای ملت ایران، از شرف ملی، از هویت دینی و ایمانی به کار گرفته است... ما به هیچ کشوری و به هیچ ملتی قصد تجاوز نداریم... اما نیروهای مسلح باید پا به رکاب باشند. ما ابتدا کننده نیستیم؛ اما باید بیدار باشیم» (بیانات در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (ع) (۱۳۷۸/۸/۰۹).

راهبرد ششم: مقابله با تروریسم

تروریسم^۱، یکی از معضلات بزرگ جهانی در عصر حاضر است که بسیاری از کشورها به طور مستقیم با آن دست به گریبان هستند و در سال‌های اخیر نیز ابعاد و آثار بی‌سابقه یافته است. تروریسم جان انسان‌ها را به مخاطره می‌افکند و با ایجاد رعب و وحشت امنیت جامعه را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، تروریسم می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی و پیشرفت جامعه بشری را در معرض خطر قرار دهد. به همین دلیل، مقابله با آن به‌عنوان یک ضرورت انکارپذیر تلقی می‌شود.

متأسفانه تروریسم بیش از آنکه یک معضل جهانی شناخته شود و برای مبارزه با آن اقدامات اساسی صورت بگیرد، به‌عنوان یک ابزار سیاسی جهت پیشبرد اهداف برخی قدرت‌های سلطه‌گر به کار گرفته شد. از حادثه مشکوک ۱۱ سپتامبر و انهدام

برج‌های دوقلو در آمریکا بود که واژه تروریسم بیش از گذشته جای خود را در ادبیات رسانه‌ای جهان باز کرد. این حادثه بهانه خوبی برای اجرای اهداف سلطه‌طلبانه آمریکایی‌ها در غرب آسیا (خاورمیانه) بود و فرصت مناسبی را برای تثبیت موقعیت آنان در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) فراهم کرد. واقعیت این است که دولت‌ها و رژیم‌های غربی، تروریسم را به ابزاری برای رسیدن به مطامع سیاسی خود تبدیل کرده‌اند و به‌جای مبارزه با آن خود به‌عنوان بزرگ‌ترین حامیان تروریسم عمل می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران از آغاز پیروزی انقلاب تاکنون از اقدامات تروریستی لطمات و ضربات جبران‌ناپذیری را متحمل شده است. ترور استاد شهید مرتضی مطهری، شهید مفتاح، شهیدان رجایی و باهنر، شهید بهشتی و ۷۲ نفر از مسئولان عالی رتبه نظام (شامل اعضای کابینه و نمایندگان مجلس)، در کنار اقدامات گروهک منافقین در دهه ۶۰ و به شهادت رساندن هزاران انسان بی‌گناه از رجال سیاسی و مذهبی گرفته تا مردم بی‌دفاع کشور و همچنین ترور دانشمندان هسته‌ای (دکتر شهریاری، دکتر علی‌محمدی، مهندس احمدی روشن و مهندس رضایی‌نژاد) در سال‌های اخیر، نمونه‌هایی از اقدامات تروریستی است که توسط مزدوران استکبار جهانی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی و اجرا شده است.

واژه تروریسم از فعل «ترور»^۱ مشتق شده است که در لغت به معنی «ایجاد رعب و هراس در بین مردم» یا «مرعوب ساختن دیگران» است (عبداللهی و کیهانلو، ۱۳۸۴: ۶). فرهنگ آکسفورد ترور را «وحشت فزاینده؛ یک شخص یا چیزی که وحشت فزاینده‌ای تولید کند.» یاد کرده و در تعریف تروریسم چنین آورده است: «تروریسم: توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به انجام فعل یا ترک فعل، از طریق تولید وحشت در بین مردم» (Oxford Advanced Learners Dictionary, 1997:1233).

الکس اشمید^۲، یکی از کارشناسان هلندی در زمینه‌ی مطالعات تروریسم و مسئول سابق دفتر جلوگیری از تروریسم سازمان ملل متحد است که در اثر خود

1- Terror

2- Alex P.Schmid

«واکنش‌های غرب به تروریسم»^۱ بعد از بررسی تعریف تروریسم از منظر دانشگاهیان، بیانیه‌های دولتی برخی از کشورهای اروپایی، مدیران رسانه‌ها و نیز از دید خود تروریست‌ها؛ تروریسم را ایجاد وحشت فزاینده و ترس از قربانی خشونت‌ی تصادفی شدن و به حد انفجار رساندن یک عکس‌العمل احساسی برای رسیدن به اهداف فریبنده می‌داند (Alex P.Schmid, Rohaud D.Crelinsten, 1993: 8-11). اگرچه ارائه تعریفی که برگرفته از یک نظام حقوقی خاص باشد، در حال حاضر به دلیل اختلاف زیاد کشورها در مورد مفهوم تروریسم ممکن نیست، ولی در تعریف کلی می‌توان گفت: «تروریسم عبارت است از بکارگیری اقدامات خشونت بار شدید و غیرقانونی، بر ضد جان یا مال عمومی شهروندان غیرنظامی یا بخشی از آنان یا تهدید به آن، به منظور ایجاد هراس عمومی» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۵). با توجه به تعاریف اشاره دربارہ‌ی تروریسم، شاخصه‌ها و اجزای مفهومی تروریسم را می‌توان به شرح زیر نام برد:



شکل شماره ۱۰: اجزای مفهومی تروریسم

- ۱) خشونت: عمومی‌ترین ویژگی تروریسم خشونت یا تهدید با استفاده از خشونت است.
- ۲) قربانی: انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیرنظامیان یکی از ویژگی‌ها و معیارهای

اقدامات تروریستی است.

۳) هدف: هدف تروریسم ایجاد و وحشت و ترس در قربانی است که این قربانی می‌تواند حکومت، کل جامعه یا گروهی از اعضای جامعه باشد. اقدامات تروریستی بر این اساس برای جلب توجه گسترده مردم طراحی می‌شوند و به دنبال ایجاد جو روانی در جامعه هستند.

۴) انگیزه: اقدامات تروریستی ممکن است برای رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی انجام شود و یا ممکن است بر اساس کسب منافع شخصی صورت گیرد (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۳).

با دقت در تعاریف تروریسم و نیز تعاریفی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی به عمل آمده است، می‌توان چهار رهیافت زیر را به‌عنوان اهداف عمده تروریست‌ها برشمرد (عبداللهی و کیهانلو، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۹):

رهیافت اول: برهم زدن جدی نظم و امنیت عمومی

تروریست‌ها از طریق برهم زدن جدی نظم و امنیت عمومی، از یک سو سعی در ناامن نشان دادن جامعه و از سوی دیگر تحت فشار گذاشتن حکومت دارند؛ از این رو، یکی از مؤلفه‌های مهم شناخت تروریسم «برهم زدن جدی نظم و امنیت عمومی» است.



شکل شماره ۱۱: اهداف عمده تروریست‌ها

رهیافت دوم: به خطر انداختن جان و سلامتی شهروندان (غیرنظامیان) یکی از علل اصلی تنفر بشریت از تروریسم، به خطر انداختن جان افراد بی‌گناه برای رسیدن به مقاصد سیاسی است. علت چنین گرایشی نیز در این واقعیت نهفته است که کشتار غیرنظامیان جو بسیار متشنجی را در کشور تولید می‌کند که تروریست‌ها به دنبال آن هستند. از این رو، فعالیت‌های تروریستی به طور عمده توأم با «به خطر انداختن جان و سلامتی شهروندان» است.

رهیافت سوم: وحشت پراکنی بین مردم

تروریسم در معنای لغوی، به معنی ایجاد جو رعب و وحشت میان مردم است و تروریست‌ها نیز به طور عمده از این ویژگی بیشترین استفاده را می‌برند. کنوانسیون‌های تأمین منابع مالی تروریسم، اتحادیه‌ی عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و قانون ضد تروریسم ایالات متحده آمریکا همگی به این ویژگی تروریسم توجه داشته‌اند.

رهیافت چهارم: تأثیر گذاری بر تصمیمات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی

از منظر تروریسم بین‌المللی، هدف غایی تروریست‌ها، نفوذ ناروا بر فرآیند تصمیم‌سازی، اقدامات و عملکرد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. به همین علت، توجه به ریشه‌های اجتماعی، فرهنگی، قومی، اقتصادی و سیاسی تروریسم برای پیشگیری و مبارزه با آن بسیار ضروری است.

در نظر مقام معظم رهبری، تروریسم، یکی از پدیده‌های مصیبت بار کنونی بشر است که بررسی در باره‌ی این موضوع، موجب می‌شود تا به عزمی آگاهانه و تلاشی صادقانه در جامعه‌ی جهانی منتهی شود. این امر خود در جهت مهار تروریسم و نجات بشر از این پدیده‌ی دردناک گامی اساسی قلمداد می‌شود (پیام به مناسبت همایش مبارزه جهانی با تروریسم ۱۳۹۰/۴/۴). به همین دلیل، پرداختن به موضوع مبارزه با تروریسم در اندیشه‌ی دفاعی مقام معظم رهبری امری لازم و ضروری است. در این راستا دیپلمات‌های دفاعی می‌توانند در عرصه‌ی جهانی به روشنگری بپردازند و ملت‌ها و دولت‌ها را از تهمت‌های ناروای نظام سلطه علیه ایران اسلامی بیدار کنند.

تهمت زدن‌های مستمر کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا به دین اسلام و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، با بهانه‌های مذهبی-اعتقادی و برداشت‌های ناروا و

افراطی از مباحثی مثل «جهاد» و «شهادت» لزوم تبیین اندیشه‌های مقام معظم رهبری را در رابطه با «مقابله و مبارزه با تروریسم» در بعد جهانی بیشتر نمایان می‌سازد. پیام پر محتوای معظم له به کنفرانس بین‌المللی «مبارزه جهانی با تروریسم» در سال ۱۳۹۰، بستر ساز برون رفت از فشارهای ایجاد شده‌ی مصنوعی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. بی‌شک موضع‌گیری‌های صحیح معظم له در قبال حوادث منطقه‌ای و جهانی و همچنین انسجام عملی نظام در برخورد با این رویدادها در خنثی سازی اتهامات غرب و آمریکا (که با محور شرارت نامیدن ایران، سوریه و لیبی همراه بود) نقش بسزایی داشته است. اسلام و مسلمانان همیشه از ناحیه دولت‌هایی متهم و محکوم به «تروریسم» می‌شوند که خود آن دولت‌ها کارنامه‌ی سیاهی در ارتکاب اعمال تروریستی و جنایت‌کارانه علیه بشریت دارند، در صورتی که اسلام و مسلمانان بزرگ‌ترین قربانیان تروریسم در این عرصه بوده‌اند. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«تروریسم پدیده‌ای تازه و محصول دوران‌های اخیر نیست، ولی پیدایش سلاح‌های هولناک و آسان شدن کشتارهای جمعی و فاجعه بار، این پدیده‌ی زشت را صدها برابر مهیب‌تر و خطرناک‌تر کرده است. نکته‌ی مهم و تکان دهنده‌ی دیگر، محاسبات شیطانی قدرت‌های مسلطی است که بهره برداری از تروریسم را به مثابه‌ی ابزاری برای رسیدن به هدف‌های نامشروع، وارد چرخه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود کرده‌اند.

حافظه‌ی تاریخی ملت‌های منطقه‌ی ما هرگز فراموش نخواهد کرد که دولت‌های استعمارگر چگونه برای غصب فلسطین و فراری دادن ملت مظلوم آن از خانه و کاشانه‌ی خود، گروه‌های تروریستی جرّاری مانند آژانس بین‌المللی صهیونیسم و بیش از ده گروه مشابه دیگر را سازمان‌دهی کردند و فاجعه‌ی دیرپاسین و نظایر آن را پدید آوردند.

رژیم صهیونیستی از آغاز پیدایش خود تا امروز نیز علناً به رفتارهای تروریستی در درون و بیرون فلسطین ادامه داده و بی‌شرمانه آن‌ها را اعلام هم کرده است. سردمداران قبلی و کنونی رژیم صهیونیستی، آشکارا به تاریخ تروریستی خود و حتی در مواردی به شرکت خود در عملیات ترور،

افتخار می‌کنند» (پیام به مناسبت همایش مبارزه جهانی با تروریسم ۱۳۹۰/۴/۴).

مقام معظم رهبری در این راستا دو نکته مهم را مورد توجه قرار می‌دهند، یکی تعریف اغواگرانه از تروریسم است که سردمداران نظام سلطه آن را ارائه می‌کنند؛ و دیگری آگاه‌سازی در این راستا و تکلیف نظام در مقابله با این پدیده شوم است که به اختصار توضیح داده می‌شود.

الف) تعریف اغواگرانه سردمداران نظام سلطه

بی‌تردید از منظر غرب و آمریکا، تروریسم یعنی هر آنچه که منافع نامشروع سردمداران نظام سلطه را تهدید کند. حملات ۱۱ سپتامبر به آمریکا، دستاویزی مناسب برای انجام نظریه‌پردازی‌های جدید در حوزه‌ی سیاسی - امنیتی آمریکا و لشکرکشی‌های معنادار ارتش این کشور و نیز تصرف دو کشور مسلمان در منطقه غرب آسیا شد. همین حادثه، بهانه‌ای برای ورود آمریکا به گفتمان «رهبری مقابله جهانی با تروریسم» بود. آمریکا در ابتدا با هیاهوی فراوان و تبلیغات پروپاگاندایی، وجود عناصر خطرناک تروریستی و تهدیدکنندگان امنیت ملی خود (القاعده و طالبان) در افغانستان را مکانیسم منطق حمله و کشتار غیرنظامیان و مردم بی‌دفاع در ابعاد برون مرزی حملات خود عنوان کرد. در حالی که حمله‌های مختلف علیه مسلمانان و به خصوص جمهوری اسلامی ایران (و نیز سوریه و لیبی) که توسط بوش پسر محور شرارت در منطقه خوانده شدند) تقویت و افزایش می‌یافت، بیانات مستدل، منطقی و هوشمندانه مقام معظم رهبری و تأکید ایشان بر لزوم «مبارزه جهانی با تروریسم» در اولین موضع‌گیری‌های رسمی معظم له، مواضع جمهوری اسلامی ایران را در این ارتباط، تبیین و شفاف سازی کرد. ایشان تهاجم مزورانه و تحت لوای مبارزه با تروریسم آمریکا را که با شعار دمکراسی و آزادی صورت گرفته بود اشتباه و به خاک و خون کشیدن مردم بی‌گناه در کشورهای دیگر غلط قلمداد کردند. معظم له با اشاره به اتخاذ رویکردهای منفعت طلبانه آمریکا و حمایت از تروریسم دولتی اسرائیل، در موضع «مقابله با تروریسم»، فرمودند:

«آمریکا و دولت‌های اروپایی دنباله‌رو آن، در همین حال، گروه‌های مبارز فلسطینی را که به مبارزه‌های مظلومانه برای نجات سرزمین خود مشغولند، تروریست می‌نامند. این تعریف اغواگر از تروریسم، یکی از پایه‌های اصلی مشکل تروریسم در جهان کنونی است. در نظر سردمداران نظام سلطه،

تروریسم عبارت است از هر آنچه منافع نامشروع آنان را تهدید کند. آنان مبارزانی را که از حق مشروع خود در مقابله با اشغالگر و مداخله‌گر استفاده می‌کنند، تروریست می‌دانند، ولی هسته‌های خبیث و مزدور خود را که بالای جان و امنیت مردم بی‌گناه‌اند، تروریست نمی‌شناسند» (پیام به مناسبت همایش مبارزه جهانی با تروریسم ۱۳۹۰/۴/۴).

ایشان در فراز دیگری از پیام خود به همایش یاد شده تأکید می‌کنند که: «یکی از کارهای اساسی نشست کنونی شما می‌تواند تعریف روشن و دقیق از تروریسم باشد».

ب) مقابله با تروریسم تکلیف نظام اسلامی

دو واژه مشابه تروریسم در اسلام وجود دارد که عبارت‌اند از فتک و غیله که از موارد قتل ممنوع است. در روایت از پیامبر (ص) این نوع قتل خلاف ایمان معرفی شده است (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۴ و نیز کافی، ج ۷، ص ۳۷۵). ابن اثیر در باره‌ی معنای فتک می‌گوید: فتک عبارت است از اینکه شخصی به‌صورت ناگهانی به دیگری حمله برده و او را به قتل برساند و غیله آن است که شخص را فریب دهد و سپس وی را در مکان خلوتی به قتل برساند (ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۴۰۹). خودداری مسلم بن عقیل از ترور ابن زیاد، یکی از نمونه‌های معروف تاریخی است که بر شرعی و قانونی نبودن ترور در اسلام دلالت دارد.

وقتی عبید الله بن زیاد، حاکم کوفه در زمان امام حسین (ع) برای ملاقات هانی که از بزرگان کوفه بود به خانه او آمد، شریک بن اعور و مسلم بن عقیل که از دشمنان او بودند، برای کشتن ابن زیاد در خانه مصمم شدند. به پیشنهاد شریک تصمیم بر آن شد که مسلم پشت پرده‌ای پنهان شود و در وقت حضور ابن‌زیاد با علامتی که به مسلم می‌دهند (آب خواستن شریک)، بیرون آمده و او را به قتل رساند. وقتی ابن‌زیاد وارد خانه شد، پس از ساعتی شریک هر چه آب طلبید، مسلم برای اجرای طرح بیرون نیامد و با تکرار علامت رمز باز هم از او خبری نشد. عبید الله که احساس خطر کرده بود از خانه خارج شد. پس از رفتن او، از مسلم پرسیدند چرا نقشه را عملی نکردی، مسلم بن عقیل پاسخ داد، به‌خاطر سخنی که امام علی (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده است: «إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدَ الْفِتْكَ، فَلَا يَفْتِكُ مُؤْمِنٌ: ایمان، قید و مانع ترور است و مؤمن

هرگز ترور نمی‌کند» (عارف حسینی، ۱۳۸۶: ۶۵۴)؛ یعنی کشتن غافلگیرانه و ناجوانمردانه هیچ توجهی از لحاظ شریعت اسلام ندارد.

اتهام‌پراکنی‌ها و تهمت‌های ناروا در حالی متوجه جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان می‌شود که با سوء برداشت‌های مغرضانه، مقولاتی مثل «جهاد» با تعاریف معاندانه، خاستگاه این جریان‌سازی‌ها شده است. بی‌تردید، بر پایه متون دینی و فقهی که یکی از اساسی‌ترین منابع تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در نظام جمهوری اسلامی است، انگاره‌های «جهادی» و مفهوم «جهاد» با اقدامات تروریستی و قتل و خونریزی افراد بی‌گناه آن هم به صورت غافلگیرکننده هیچ اشتراک و ارتباطی نداشته و تفاوت‌های ماهوی فراوان دارد. در فقه اسلامی، کشتن یک فرد بی‌گناه مثل کشتن همه‌ی انسان‌ها است. قرآن کریم قتل یک انسان را مساوی با کشتن همه‌ی انسان‌ها توصیف می‌کند:

«مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» (سوره مائده، آیه ۳۲)

«از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده‌روی می‌کنند.»

اینکه کشتن یک انسان، کشتن تمام انسان‌ها است، به این خاطر است که اولاً: کسی که دست به خون انسان بی‌گناه می‌آلاید، در حقیقت آمادگی دارد که انسان‌های بی‌گناه دیگری را مورد حمله قرار دهد و به قتل برساند. در ثانی: جامعه انسانی در حقیقت یک واحد بیش نیست و افراد آن همانند اعضای یک پیکر هستند، هر لطمه‌ای به عضوی از اعضای این پیکر برسد، اثر و رنج آن سایر اعضا را هم فرامی‌گیرد (عارف حسینی، ۱۳۸۶: ۶۶۵).

در واقع، آیه شریفه یاد شده شدیدترین حمایت از حیات انسان را نشان می‌دهد.

بر مبنای چنین دیدگاه قرآنی است که مقام معظم رهبری در پیام خود به همایش مبارزه جهانی با تروریسم، بعد از اینکه لزوم ارائه تعریف روشن و دقیق از تروریست را لازمه مقابله و مبارزه با تروریسم معرفی می‌کند، مبارزه با پدیده «تروریسم» را تکلیف نظام اسلامی دانسته و در این باره قاطعانه اعلام فرمودند:

«ما با تکیه بر تعالیم اسلام که کرامت انسانی یکی از سرلوحه‌های آن است و کشتن یک انسان بی‌گناه در آن به‌مثابه‌ی قتل همه‌ی انسان‌ها به شمار می‌رود و به‌عنوان ملتی که در سه دهه‌ی گذشته متحمل خسارت‌های سنگین از تروریسم خشن شده است، مبارزه با این پدیده‌ی شیطانی را تکلیفی تخلف‌ناپذیر برای خود میدانیم و تلاش در راه این مبارزه‌ی بزرگ را با قدرت ادامه خواهیم داد» (پیام به مناسبت همایش مبارزه جهانی با تروریسم ۱۳۹۰/۴/۴).

هنگامی که مقام معظم رهبری «مبارزه با این پدیده شیطانی (تروریسم) را تکلیفی تخلف‌ناپذیر برای خود» می‌داند و از سویی دیگر، در بند ۴۵ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه به افزایش قدرت بازدارندگی و ارتقای توانمندی‌های دفاعی به‌منظور دفاع از تمامیت ارضی و منافع و امنیت ملی تأکید می‌ورزد، نشان دهنده این موضوع است که دستگاه دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید یکی از اقدامات اساسی خود در دفاع از تمامیت ارضی و منافع و امنیت ملی را مقابله با تروریسم قرار دهد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید از اهرم‌های حقوقی و سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه دیپلماسی دفاعی، حتی تأثیر گذاری‌های رسانه‌ای و بهره‌برداری از ظرفیت‌های فضا‌های مجازی و دیپلماسی عمومی، دادخواهی و مظلومیت مردم و نظام اسلامی را بر همگان نمایان سازد.

راهبرد هفتم: گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

جامعه اسلامی همانند سایر جوامع بشری نیازمند ادامه حیات و ایفای نقش گسترده در عرصه بین‌المللی است. از این رو، رسول مکرم اسلام (ص) بعد از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، روابط با جوامع دیگر را هدف خود قرار داده است؛ چرا که اسلام، دین منحصر به کوچه‌های تنگ و باریک مکه، شبه جزیره عربستان یا طایفه خاصی از اعراب نبوده است؛ بلکه این دین متعلق به عموم بشریت و جهان‌شمول بوده است. چنانکه قرآن

کریم بر این نکته تأکید کرده و می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره سبأ، آیه ۲۸)

«و تو را نفرستادیم مگر برای تمامی مردم، بدان سان که هم مژده و هم ترسانده باشی؛ اما بیشتر مردم در نمی‌یابند.»

لازمه معرفی و سرعت بخشیدن به روند حرکت تکاملی در چنین جهتی گسترده، برقراری ارتباط و مراوده با جهان خارج از مدینه بود. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * لَأَيُّهَا اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ *» (سوره ممتحنه، آیات ۹-۷)

«امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبت برقرار کند؛ خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است. * خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. * تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است.»

علامه طباطبایی در مجموعه گران‌قدر المیزان در تفسیر آیات مذکور بیان می‌فرماید: «معنای آیه ۷ این است که: از درگاه خدای تعالی این امید هست که بین شما مؤمنین و کفاری که دشمنشان داشتید - یعنی کفار مکه - مودت ایجاد کند، به این طریق که آنان را موفق به اسلام بفرماید و معلوم است که وقتی مسلمان شدند،

آن دشمنی مبدل به مودت خواهد شد و خدای تعالی، قدیر بر این کار هست. معنای آیه ۸ این است که: خدا با این فرمانش که فرمود: دشمن مرا و دشمن خود را دوست نگیرید، نخواستہ است شما را از احسان و معامله به عدل با کسانی که با شما در دین قتال نکردند و از دیارتان اخراج نکردند، نهی کرده باشد؛ برای اینکه احسان به چنین کفاری خود عدالتی است از شما و خداوند عدالت کاران را دوست می‌دارد؛ و در جمله وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ قصر افراد به کار رفته (یعنی حکم کلی لا تتخذوا عدوی... را که به اطلاقش شامل دوستی با همه کفار می‌شد، منحصر کرد در یک طائفه از کفار، یعنی کفار مشرک مکه و یاوران ایشان)؛ در نتیجه، معنای آیه ۹ چنین می‌شود: دوستداران مشرکین مکه و دوستداران یاران مشرکین که علیه مسلمین آن‌ها را کمک کردند، تنها آنان ستم کار و متمردان از نهی خدایند، نه مطلق دوستداران کفار» (تفسیرالمیزان، ج ۱۹: ۴۰۰-۳۹۹).

بر مبنای چنین اندیشه و تفکری الهی است که رسول مکرم اسلام (ص)، به‌عنوان رهبر نظام اسلامی، با دولت‌ها و قبائل مختلف روابط سیاسی برقرار کرده و با برخی از دولت‌ها و قبایل، پیمان‌ها و قراردادهای مختلفی را منعقد می‌کنند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، جلد ۳: ۱۲۸-۱۱۳) و پیک‌های تبلیغی را به اقصی نقاط جهان آن روز اعزام می‌کنند (سیحانی، ۱۳۷۴، جلد ۲: ۲۳۸-۲۰۷)؛ بنابراین، ایجاد رابطه مودت با بیگانگان امری است که مسلمانان در روابط بین‌الملل خود می‌توانند از آن بهره بگیرند؛ چرا که اولاً: اسلام، آیین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشر سر ناسازگاری بر نداشته است. در ثانی: اسلام بدین نکته اساسی توجه داشته که همیشه با ایجاد یک جو آرام و مالمال از تفاهم است که انسان می‌تواند با مخالفان عقیدتی خود به گفتگو و بحث بنشیند. پس اگر مودت، تبادل عواطف انسانی و نیک رفتاری با کافران، از شروط اساسی تبلیغ به شمار می‌رود، چگونه می‌توان در روابط مسلمانان با دیگر جوامع بشری، وجود این پدیده‌های طبیعی را منکر شد (خلیلیان، ۱۳۶۸: ۲۵۵)؛ بنابراین، ایجاد رابطه با دول بیگانه بر اساس قواعد و مقررات بین‌المللی اسلامی امری پسندیده و مجاز است؛ به شرط آنکه این رابطه به گونه‌ای تنظیم شود که هم مبانی اعتقادی در معرض خطر قرار نگیرد (سوره آل عمران، آیه ۱۴۹) و هم اینکه مسلمانان در مقابل آن‌ها خوار، ذلیل و زبون نشوند (سوره عمران آیات ۱۱۸-۱۱۹ و ۱۹۷-۱۹۶).

آیات یاد شده نشان می‌دهد که در منطق اسلام ایجاد رابطه با کشورهای اسلامی و غیراسلامی (به‌استثنای برقراری رابطه با کافران ستیزه جویی که دین اسلام را هدف گرفته‌اند) (سوره ممتحنه، آیه ۹) بلامانع است. این چنین است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) با پیروی از دو یادگار گران‌قدر اسلام، یعنی قرآن کریم و سیره نبی مکرم اسلام (ص)، بر ضرورت ایجاد رابطه با کشورها در عرصه بین‌المللی (البته با رعایت ملاک و معیارهایی) تأکید داشته‌اند. چنانکه در پاسخ به سؤالات خبرنگاران اروپایی به تاریخ ۵۸/۹/۸ فرموده است:

«ما با همه‌ی ملت‌های عالم می‌خواهیم دوست باشیم، با همه‌ی دولت‌های عالم به حسب طبع اولی می‌خواهیم دوست باشیم، می‌خواهیم که روابط حسنه، با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم، مگر اینکه دولت‌هایی باشند که با ما خلاف رفتار کرده باشند و بخواهند به ما ظلم بکنند، تحمیل بکنند، سلطه جویی کنند بر ما که ما با آن‌ها مخالف هستیم و هرگز اجازه نخواهیم داد که آن‌ها دخالتی در مملکت ما بکنند و آن سلطه جویی‌هایی که آن وقت می‌کردند، بکنند و با آن‌ها البته نمی‌توانیم روابط داشته باشیم و با دولت‌هایی که با ما روابط حسنه داشته باشند، ما هم با آن‌ها روابط حسنه داریم و اگر چنانچه ما احتیاج به یک چیزی داشتیم و آن‌ها هم احتیاج به یک چیزی داشتند، خوب تبادل می‌شود» (صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۲۵۲).

ایشان در جای دیگر با تأکید بر بهره‌گیری از سیره‌ی پیامبر اعظم (ص) مبنی بر گسترش روابط با دولت‌ها، لزوم برقراری ارتباط مقتدرانه نظام اسلامی با کشورها را این چنین مورد توجه قرار داده و فرمودند:

«ما باید همان‌گونه که در زمان صدر اسلام، پیامبر سفیر به این طرف و آن طرف می‌فرستاد که روابط درست کند عمل کنیم و نمی‌توانیم بنشینیم و بگوییم که با دولت‌ها چکار داریم. این برخلاف عقل و برخلاف شرع است و ما باید با همه رابطه داشته باشیم، منتها چند تا استثنا می‌شود که الآن هم با آن‌ها رابطه نداریم؛ اما این که با هیچ دولتی نباید رابطه داشته باشیم، هیچ عقل و هیچ انسانی آن را نمی‌پذیرد، چون معنایش شکست خوردن و فنا و مدفون شدن است تا آخر؛ و ما باید با ملت‌ها و دولت‌ها رابطه پیدا کنیم» (صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۷۳).

در واقع، حضرت امام (ره) با تأکید بر ضرورت برقراری رابطه با دیگر کشورها، بر سیاست انزواگرایی^۱ خط بطلان کشیده است. چرا که اهداف جهانی اسلام و تحقق امت واحده (سوره انبیاء - آیه ۹۲) و انجام تکالیف نظام اسلامی در قبال مسلمانان و حتی غیرمسلمانان با سیاست انزواطلبی منافات دارد.

مقام معظم رهبری نیز با پیروی از قرآن کریم و سیره‌ی نبی مکرم اسلام (ص) و همچنین با تبعیت از راه امام راحل (ره)، با تأکید بر ضرورت برقراری ارتباط و «در تماس بیشتر بودن با کشورها و عادی کردن روابط با همه‌ی کشورها» مباحثی را در حوزه رابطه با کشورها بیان کردند که می‌تواند ملاک و مبنای کار مدیران سازمان‌های دفاعی در مراودات و مناسبات دفاعی قرار گیرد. چنانکه فرمودند:

«در زمینه‌ی سیاست خارجی باید سعی کنید که همه در دنیا بدانند که ملت و دولت ایران، انگیزه و هدفش این است که می‌خواهد با فکر خود، با نیروی خود، با اراده‌ی خود، در راه سعادت خود قدم بردارد. این، آن چیزی است که ما به‌عنوان یک ملت دنبالش هستیم. حق ملت ما هم هست که در فکر این باشد که با ذهنیت خودش، با فکر خودش، با فلسفه‌ی خودش، با دین و ارزش‌های خودش، راه‌های سعادت و تکامل را بییماید. البته کسانی که سعی دارند فرهنگ و روش خودشان را تحمیل کنند، این را نمی‌پسندند؛ لیکن مردم بی‌غرض و بی‌نظر دنیا، این را می‌پسندند. در ارتباطات دیپلماسی ما، باید بر این استقلال و بر این عزت اجتماعی تکیه شود، که بحمدالله می‌شود و این روش درستی است. ما با ملت‌های دنیا و با دولت‌های گوناگون عالم، بنای همکاری و تفاهم داریم؛ البته نه با زورگویان و کسانی که می‌خواهند همه‌ی مسائل را با تکیه بر قدرت خودشان حل کنند؛ مثل آمریکا» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت آغاز هفته‌ی دولت ۱۳۷۷/۶/۲).

با این وصف، می‌توان گفت که مقام معظم رهبری توسعه‌ی روابط با کشورها را در رأس تعاملات جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهند و «همکاری و تفاهم» را به‌عنوان آموزه‌های اسلامی تکیه‌گاه روابط بین‌الملل اسلامی می‌دانند.

نگاهی به اندیشه‌ی مقام معظم رهبری در خصوص دیپلماسی دفاعی، به‌طور خاص نشانگر دو نگرش در ارتباط با کشورهای دوست و مسلمان و غیرمتخاصم،

تعاملات بین‌المللی و تقابل هدفمند با دشمنان اسلام و نظام اسلامی است. نخست؛ روابط دفاعی مبتنی بر «اعتماد»، «اتحاد»، «نقاط مشترک» و «انعطاف‌پذیری» با کشورهای دوست و مسلمان و غیرمتخاصم. در این خصوص معظم له فرمودند:

«ما به همسایگان خود احترام می‌گذاریم و طرفدار ارتباطات برادرانه و صمیمانه با کشورهای همسایه و همچنین با کشورهای برادر و مسلمان و کشورهای دوست در این منطقه و مناطق دیگر هستیم. ملت ایران قدرت و اقتدار و توانایی خود را در راه تضعیف ملت‌ها و کشورهای دیگر به کار نخواهد برد؛ در راه حفظ منافع خود به کار خواهد برد و به فضل و توفیق الهی در این زمینه قدرتمندانه عمل خواهد کرد» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد ۱۳۸۴/۵/۱۲).

در صحنه‌ی جهانی، ارتباط گسترده با مسلمانان و جهان عرب و ارتباط مسالمت آمیز با مظلومان و محرومان، یک نوع عمق راهبردی به جمهوری اسلامی ایران می‌بخشد که بعدی بازدارنده و دفاعی برای کشورمان ایجاد می‌کند. این نکته از چشمان تیزبین مقام معظم رهبری دور نمانده است، چنان که در این باره فرموده است:

«دشمنان ملت ایران برای ضربه زدن به این ملت، یکی از راه‌هایی که پیدا کرده‌اند، ایجاد اختلاف میان آحاد ملت مسلمان است؛ کما اینکه در دنیای اسلام و در امت اسلامی هم همین سیاست را دنبال کرده‌اند. از اول پیروزی انقلاب سعی کردند کشورهای مسلمان همسایه‌ی ما را - از جمله کشورهای همسایه در خلیج فارس را - از جمهوری اسلامی و از انقلاب اسلامی بترسانند؛ متأسفانه در مواردی هم موفق شدند؛ در حالی که جمهوری اسلامی، دست برادری به سوی همه‌ی ملت‌های مسلمان و همه‌ی دولت‌های مسلمان دراز کرده بوده است و دراز می‌کند. جمهوری اسلامی از بن دندان معتقد به اتحاد اسلامی است؛ اتحاد اسلامی به معنای همدلی ملت‌ها و همکاری دولت‌هاست. ملت‌ها بحمدالله با هم همدل‌اند؛ اختلافات طایفی و فرقه‌ای و مذهبی نمی‌تواند میان ملت‌ها شکاف ایجاد کند، مگر به وسوسه‌ی دشمن؛ اما دولت‌ها را متأسفانه دست سیاست می‌تواند به این طرف و آن

طرف بکشاند. ما امروز هم اعلام می‌کنیم: کشورهای همسایه برادران ما هستند؛ دست دوستی و برادری ما به سوی این کشورها دراز است. به آنها هیچ نیازی نداریم؛ این برادری، از روی نیاز نیست. ملت ایران ثابت کرده است که با توکل به خدا و با اعتماد به نفس بر مشکلات فائق می‌آید، اما ما اختلاف را بر خلاف مصلحت دنیای اسلام میدانیم؛ لذا دست دوستی به سوی همه‌ی کشورها دراز کرده‌ایم. خوشبختانه امروز علی‌رغم تلاش دشمنان دنیای اسلام و علی‌رغم تلاش دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و صهیونیستی - که دائم مشغول فتنه‌انگیزی هستند - و به کوری چشم آنها، روابط دولت جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه - کشورهای عربی، کشورهای غیرعربی - سالم و خوب و برادرانه است؛ و این باید روز به روز تقویت شود»

(بیانات در دیدار عمومی مردم لار ۱۳۸۷/۳/۱۹)

معظم له با ژرف نگری هوشمندانانه و درک شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، توسعه‌ی همکاری‌های دفاعی و نظامی با کشورهای جهان را بر اساس اعتماد متقابل مورد تأکید قرار داده و آن را بر بستر همکاری‌های دو جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی، پرهیز از تشنج، ارتقای توانمندی، مقابله با زورمداران و رهایی از حضور بیگانگان و یک‌جانبه‌گرایی، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم، اتحاد با مسلمانان و اصلاح ساختار سازمان ملل می‌دانند. بند ۳۱ برنامه سوم توسعه‌ی کشور که به تأیید معظم له رسیده، مبین همین مطلب است. سند مذکور اذعان می‌دارد که ثبات در سیاست خارجی مبتنی بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدف‌های زیر است:

- گسترش همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیرمتخاصم؛
- بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی؛
- مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی؛
- تلاش برای رهایی از حضور نظامی بیگانگان؛
- مقابله با تک قطبی شدن جهان؛
- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف؛
- تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی؛
- تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل.

گسترش همکاری‌های دفاعی، به‌ویژه در حوزه همکاری‌های فنی و صنعتی، مطالعاتی، تحقیقاتی و فن‌آورانه، آموزشی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک در پروژه‌های نظامی و صنعتی و تبادل وابستگان نظامی از نکات مورد تأکید مقام معظم رهبری می‌باشد (ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری به نیروهای مسلح، سند شماره ۲۲ کمیته تابش مهر ودجا، مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۱).

در بعد دوم، نگرش مقام معظم رهبری می‌توان نشانه «قاطعیت» در مقابله با معارضین را مورد توجه قرار داد. ایشان در برخورد با سران معارض و دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی هیچ‌گونه مماشاتی ندارند و در برخورد با قدرت‌های بزرگ می‌فرمایند:

«ما امروز در مقابل قدرت‌های جهانی، احساس کوچک‌ترین ضعفی نمی‌کنیم؛ احساس قدرت ما بالاست. ما به قدرت‌های جهانی می‌گوییم، اگر شما محبت ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی را می‌خواهید، باید شرایط ما را بپذیرید. اولین شرط این است که دست از زورگویی و گردن‌کلفتی و افزون‌طلبی خودتان بردارید. شرط دیگر این است که دفاع از تروریست‌ها و مفسدان و بدکارانی را که علیه این انقلاب یا انقلاب‌های دیگر مشغول توطئه هستند، رها کنید» (سخنرانی در مراسم بیعت مردم ۱۳۶۸/۴/۸).

معظم له در مناسبت‌های دیگر نیز تأکید فرمودند:

«ما با ظلم و استکبار و فشار بر ملت‌ها، مخالفیم. با تحمیل و زورگویی ابرقدرت‌ها مخالفیم و در مقابل آن می‌ایستیم» (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) ۱۳۷۱/۳/۱۴). «حکومت اسلامی و ملت ایران... ثابت کرد که نه آمریکا، نه هیچ ابرقدرت دیگری و نه هم‌هی ابرقدرت‌ها روی هم در مقابل ملتی که بیدار و شجاع است و حق خود را می‌شناسد و از حق خود دفاع می‌کند، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند!» (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس ۱۳۷۹/۱/۶).

مقام معظم رهبری با اطمینان‌بخشی نسبت به ضربه دوم قطعی، آمادگی دفاعی کشور را به رخ دشمن می‌کشد و بر قدرت بازدارنده ملت و نیروهای مسلح ایران تأکید می‌کنند. ایشان می‌فرمایند:

«هر کسی فکر تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در مخیله‌اش خطور کند،

باید خود را آماده دریافت سیلی‌های محکم و مشت‌های پولادین کند؛ از سوی ملت مقدر ایران، از سوی نیروهای مسلح، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مردمی و پشت سر همه، ملت بزرگ ایران» (بیانات در دانشگاه افسری امام علی (ع)، ۱۳۹۰/۰۸/۱۹).

مواضع مقام معظم رهبری در خصوص رژیم صهیونیستی و آمریکا، مبین همین مطلب است؛ قدرت بیان، قاطعیت و صراحت در اظهارات معظم له و تکیه گاه محکم وی که همانا متکی به ایمان و بنیه دفاعی جمهوری اسلامی ایران است، هیچ گونه شک و تردیدی در عملیاتی شدن مواضع ایشان در اذهان دشمنان ایران نمی‌گذارد. مواضع قاطع رهبر معظم انقلاب و پیام صریح وی به آمریکا و رژیم صهیونیستی و شفافیت در این خصوص مصداق عینی این رویکرد می‌باشد:

«غده حقیقتاً سرطانی اسرائیل، باید در منطقه از بین برود و این مسئله بدون تردید روی خواهد داد» (بیانات در نماز جمعه ۱۳۹۰/۱/۱۴).

معظم له، نتایج حاصل از ضربه دوم را از هم پاشیدگی و متلاشی شدن متجاوزین اعلام می‌کند و قدرت کشور را به رخ دشمن می‌کشد و می‌فرماید:

«هم آمریکا بداند، هم دست نشاندگانش بدانند، هم سگ نگهبانش رژیم صهیونیستی در این منطقه بداند، پاسخ ملت ایران به هرگونه تعرضی، هرگونه تجاوزی، بلکه هرگونه تهدیدی، پاسخی خواهد بود که از درون، آن‌ها را از هم خواهد پاشید و متلاشی خواهد کرد» (بیانات در نماز جمعه ۱۳۹۰/۱/۱۴).

در مناسبت دیگر قاطعانه این چنین تأکید فرمودند:

«رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ای نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید. گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید هم می‌کنند؛ تهدید به حمله‌ی نظامی می‌کنند؛ اما به نظرم خودشان هم می‌دانند و اگر نمی‌دانند، بدانند که اگر غلطی از آن‌ها سر بزند، جمهوری اسلامی «تل‌آویو» و «حیفا» را با خاک یکسان خواهد کرد» (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۹۲).

مواضع محکم، قاطع و مطمئن معظم له که برخاسته از ایمان، اطمینان قلبی، اعتماد به ملت مقاوم و با ایمان و باور و اندیشه ایشان است، هرگونه تفکر هجوم به جمهوری اسلامی ایران را در منطقه خنثی می‌کند. به همان میزان که امروز دشمنان

اسلام مواضع خود را آشکارا بیان می‌کنند، رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز به‌صراحت موضعی در‌خور و متناسب با تهدیدات اتخاذ می‌کنند.

«... در مقابله با تهاجم دشمنان، چه از سوی آمریکا یا از سوی رژیم صهیونیستی باشد، برای دفاع از خود در همان سطحی که به ما حمله کنید، اقدام خواهیم کرد» (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۹۱).

جمع بندی

امروزه یکی از ابزارهای مهم حراست از امنیت ملی و جلوگیری از وقوع جنگ و خونریزی، استفاده از قدرت سیاسی، یعنی مذاکره بین دولت‌ها و واحدهای سیاسی بین‌الملل است. یک کشور می‌تواند با انجام مذاکرات سیاسی دوستان و متحدانی برای خود دست و پا کند. از این رو، در کنار اقدامات سیاسی دستگاه دیپلماتیک کشور، سازمان دفاعی نیز می‌تواند با دیپلماسی فعال خود که از آن به دیپلماسی دفاعی تعبیر می‌شود، با دیگر کشورها به نحوی وارد یک پیمان دوستی، نظامی - دفاعی شود تا از طریق آن از پیوستن آن کشور در ردیف کشور غیردوست جلوگیری به عمل آورد. این برقراری روابط دوستانه متقابل، خود تضمینی بر حفظ و صیانت از امنیت، تمامیت ارضی و استقلال است. این مفهوم به معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه‌ی دفاع به‌منظور بالا بردن سطح تعاملات همکاری جویانه کشورها و جایگزین کردن ثبات به جای تنش است.

دیر زمانی این باور رایج بود که دیپلماسی اولین خط دفاع و دفاع، آخرین خط دیپلماسی است. بر این اساس دیپلمات‌ها وظیفه‌ی اصلی را در تأمین منافع و امنیت ملی یک کشور بر عهده داشتند و نظامیان فقط زمانی وارد می‌شدند که دیپلماسی سیاسی با بن بست مواجه می‌شد؛ اما با پایان جنگ سرد و کاهش نظامی‌گری در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل، زمینه‌ی همکاری‌های مختلف میان کشورها از جمله در حوزه‌ی نظامی و دفاعی فراهم شد؛ در نتیجه، کشورها مأموریت‌های جدیدی را برای ارتش و نیروهای دفاعی خود تعریف کردند. افزون بر این، روند رو به گسترش وابستگی متقابل در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، علمی و فنی از سه دهه پیش، اهمیت همکاری‌ها را در روابط بین‌الملل امروز دوچندان کرده است. حفظ منافع

و امنیت ملی دولت‌ها در شرایط جدید، نیازمند گسترش همکاری‌ها در همه‌ی حوزه‌ها، از جمله حوزه‌ی دفاعی است. دیپلماسی در برگیرنده هر دو بعد قدرت نرم افزاری و سخت افزاری و عملیاتی کردن آن در محیط بین‌المللی است؛ به‌گونه‌ای که منافع و اهداف نظام سیاسی با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت، تأمین شود؛ بنابراین؛ دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یک مفهوم جدید در عرصه بین‌المللی، مقوله‌ای است که می‌تواند منافع و اهداف نظام سیاسی را با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت تأمین کند. به تعبیری، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان مکمل دیپلماسی سیاسی، یکی از ابزارهای مؤثر در بهبود روابط خارجی و جلوگیری از جنگ و تقویت همکاری‌ها به شمار می‌آید. در واقع، دیپلماسی دفاعی، مفهوم و عملی است که حکایت از درک نفوذ و کارایی نیروی نظامی و فعالیت‌های نظامی فراسوی کار ویژه اصلی آن، یعنی جنگ و دفاع دارد. بر مبنای چنین کار ویژه‌ای است که دیپلماسی دفاعی (به تعبیری توسعه روابط دفاعی و نظامی با کشورهای منطقه و جهان) توسط مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مورد تأیید واقع شده است؛ زیرا توسعه‌ی روابط دفاعی و نظامی با کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای، اعم از کشورهای دوست و مسلمان و غیرمتمخضم و نیز تعامل مؤثر با سازمان‌های بین‌المللی، در شفاف‌سازی و اعتماد، کاهش تهدیدات، پرهیز از تشنج، ارتقای توانمندی، مقابله با زورمداران و دشمنان انقلاب، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم می‌تواند مؤثر واقع شود. نگرش به موارد احصا شده در سند سیاست‌های ابلاغی به مسئولان نظام در برنامه‌های توسعه کشور در این زمینه، مؤید این ادعا است.

البته همکاری‌های دفاعی- نظامی در عرصه‌ی خارجی، به‌منزله کوتاه آمدن در برابر قدرت‌های زیاده خواه نیست؛ زیرا معظم‌له در مناسبتی قاطعانه، آمادگی دفاعی کشور را به رخ دشمن کشیده و بر قدرت بازدارنده‌ی ملت و نیروهای مسلح ایران تأکید فرمودند:

«هر کسی فکر تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در مخیله‌اش خطور کند، باید خود را آماده دریافت سیلی‌های محکم و مشت‌های پولادین کند؛ از سوی ملت مقتدر ایران، از سوی نیروهای مسلح، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مردمی و پشت سر همه، ملت بزرگ ایران» (بیانات در دانشگاه افسری امام علی (ع) ۱۳۹۰/۰۸/۱۹). [بنابراین] «هم آمریکا

بداند، هم دست‌نشانده‌گانش بدانند، هم سگ نگهبانش رژیم صهیونیستی در این منطقه بداند، پاسخ ملت ایران به هر گونه تعرضی، هر گونه تجاوزی، بلکه هر گونه تهدیدی، پاسخی خواهد بود که از درون، آن‌ها را از هم خواهد پاشید و متلاشی خواهد کرد» (بیانات در نماز جمعه بهمن ماه ۱۳۹۰).

مقام معظم رهبری وظیفه سازمان‌های دفاعی کشور را در جهت برقراری روابط و مناسبات برادرانه با سایر کشورهای اسلامی و تحرک دیپلماتیک برای کاهش خصومت‌ها و فاصله بین کشورها و نقش مصلحانه بین کشورهای اسلامی متخاصم و ستیز با سرکشان طغیانگر و تجاوزپیشه بر می‌شمارد. ایشان برقراری رابطه عادلانه با آن گروه از کشورهای منطقه که سر ستیز با جمهوری اسلامی ایران را ندارند و راه جنگ و خونریزی با آن‌ها را پیشه نساخته‌اند مجاز و روا دانسته است.

اگر چه رهبر معظم انقلاب با یادآوری اصول و روش‌های تعامل با کشورهای منطقه، مسئولان را به برقراری ارتباط با این کشورها تشویق نموده‌اند، اما در عین حال ایشان زمینه همکاری و تعاون در موارد مختلف برای ایجاد همزیستی مسالمت آمیز با این کشورها را مورد تأکید قرار داده‌اند.

رهبر معزز انقلاب برای عزت و اقتدار ملت ایران و سربلندی جامعه‌ی اسلامی اهمیت بسزایی قائل هستند، لذا هر نوع سلطه‌گری بیگانه را به شدت تقبیح و تحریم می‌کنند. در واقع، از دیدگاه ایشان، نفی هر گونه سلطه بیگانگان یکی از اصول و ضوابط اساسی در تعامل با کشورهای دیگر به شمار می‌آید که در روابط فیما بین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نظر ایشان همه مسلمانان موظف‌اند در تمام این امور اصل نفی سیل را رعایت کنند.

در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، بر ایجاد روابط دوستانه با دیگر کشورها تأکید بسیار شده و مسلمانان برای ایجاد وحدت و یکپارچگی به این امر فراخوانده شده‌اند. به عقیده‌ی ایشان، رفتار دوستانه در قالب احترام متقابل و کمک‌های مادی و معنوی و حسن معاشرت با دیگر کشورها لازم است و برقراری رابطه باید مبتنی بر دو اصل عقلانی ذیل باشد: الف) استقلال و عزت کشور پاس داشته شود. ب) ارتباط از حد طبیعی فراتر نرفته، ضمن حفظ معاشرت، اجازه هیچ گونه تعدی و سلطه به دیگری داده نشود؛ یعنی ضرورت اجتناب از روابط و قراردادهایی که زمینه‌ساز سلطه دشمن بر ملت ایران شود.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحلیلی اندیشه‌های دفاعی رهبر معظم انقلاب در روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر، درخواست پذیرش صلح، آزادی، استقلال و تأمین سعادت انسان‌ها به‌جای جنگ، ستم و اسارت بشریت است. ایشان تنها به مسائل نظامی اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه در کنار تمهیدات نظامی، از دیپلماسی در جهت تقویت مواضع و به دست آوردن موفقیت‌ها و پیروزی‌ها، بیشتر استفاده می‌کنند. انعقاد پیمان‌های سیاسی با کشورهای بی‌طرف و اعمال دیپلماسی فعال و سنجیده، یکی از راه‌های خنثی کردن تلاش دشمنان است که در اندیشه‌ی دفاعی ایشان مشهود است. وضعیت صلح نخستین اصلی است که رهبری بر پایه کنش‌های سیاسی بر روابط کشورمان و کشورهای دیگر حاکم می‌دانند. به همین دلیل، مسئولیت نیروهای مسلح تنها اندیشیدن به جنگ نیست، بلکه تفکر دفاعی در خدمت توسعه و پیشرفت در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی است. لذا توسعه‌ی دیپلماسی دفاعی می‌تواند ابزار مناسبی برای تحقق چنین مسئولیت خطیری باشد. همکاری دفاعی و امنیتی در رأس همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، تسهیل‌کننده سایر حوزه‌های همکاری و تأمین‌کننده امنیت و آرامش بیشتر ملت‌هاست و این دیپلماسی بر پایه امنیت‌زایی و گسترش و تحکیم همکاری‌های دفاعی منطقه‌ای و بین‌المللی استوار است.

دکترین دفاعی مقام معظم رهبری در منطقه، دکترین امنیت و آرامش است و مهم‌ترین اصل این دکترین جلوگیری از هرگونه جنگ و درگیری مسلحانه است. سیاست دولت آمریکا همواره مبتنی بر جنگ‌افروزی و تشنج‌زایی، تخریب و ترور و اختلاف‌افکنی بوده است در حالی که در نقطه مقابل آن، سیاست جمهوری اسلامی ایران بر پایه صلح‌طلبی، امنیت‌زایی، ثبات‌گرایی و وحدت‌طلبی استوار است. این برخلاف اتهامات و تولیدات رسانه‌ای مسموم غرب است که سعی دارند قدرت دفاعی کشورمان را واژگونه نمایش داده و از حکومت اسلامی غولی بسازند که امنیت منطقه را مورد هجوم قرار داده است.

با توجه به اهمیت و الگو بودن نظام جمهوری اسلامی ایران در میان ملت‌ها و کشورها و حتی در بسیاری از معادلات جهانی، ضرورت دارد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در زمینه‌ی نظامی-دفاعی مطابق با منویات مقام معظم رهبری کوشا بوده و در اجرای عملی آن گام‌های مؤثری بر دارند. چرا که هدف اولیه و

کارکردی دیپلماسی دفاعی به حداقل رساندن وقوع منازعات است. دیپلماسی دفاعی باید احتمال درگیری و تهدید نظامی علیه تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی را به حداقل ممکن کاهش دهد و دشمنان عینی و مسلم را به موارد احتمالی و دشمنان احتمالی و مشکوک را به دوستان و طرفهای فعال همکاری‌های دفاعی-امنیتی تبدیل کند.

فصل چهارم: مقابله با جنگ نرم

مقدمه

جنگ، به منزله‌ی بخشی از طبیعت بشر شناخته می‌شود که تاریخی به قدمت خود بشر داشته و با رویکردهای گوناگون تقسیم شده است. شناخته‌ترین نوع این تقسیم بندی، بر اساس شدت جنگ است که آن را به منازعات کم شدت، شدید و تمام عیار، دسته‌بندی می‌کند. در نوع دوم، جنگ را از نظر به‌کارگیری سلاح، به طیف‌های جنگ گرم و سرد تفکیک می‌کنند. همچنین جنگ از حیث علنی یا مخفی بودن منازعه، به جنگ آشکار، نیمه پنهان و پنهان تقسیم شده است. نوع دیگر دسته بندی، از حیث موضوع جنگ است که به سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دسته بندی شده است. در نهایت، طیف شناسی جنگ، بر اساس «ابزار و روش تحمیل اراده» است. بر اساس این شاخص، جنگ شامل جنگ نرم و جنگ سخت است. این نوع تفکیک ابتدا توسط جوزف نای انجام شد. او در سال ۱۹۹۰ م در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰ آمریکا، مقاله‌ای در مورد قدرت نرم منتشر کرد که در دو دهه اخیر نیز توسط برخی از اندیشمندان دیگر توسعه یافت.

بررسی تاریخی جنگ‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۴۵ بیشتر جنگ‌ها از نوع سخت بود و پس از آن، با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و بلوک غرب، شاهد دور جدیدی از رقابت‌ها میان آمریکا و شوروی سابق بودیم که در ادبیات سیاسی جهان، به جنگ سرد مشهور شد. جنگ سرد، ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم است که طی آن دو ابر قدرت در عین تهدیدهای سخت، از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کردند. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و پایان جنگ سرد، کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافتند که می‌شود با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها به اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دست یافت که در ادبیات سیاسی جهان به جنگ نرم شهرت یافت. جنگ نرم، در حقیقت شامل اقدامات نرم افزارانه اعم از روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی است که نظام سیاسی یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول آن نظام یا گروه هدف را دنبال می‌کند.

خداوند در آیه‌ی ۲۱۷ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره می‌فرماید: «و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم إن استطاعوا». مفهوم آیه این است که دشمنان شما همواره با شما در جنگ هستند. واژه لایزالون، دلالت بر استمرار دارد و گویای این است که دشمنان همیشه با شما در جنگند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۱۱). منتهی نوع این جنگ بسته به شرایط مکانی و زمانی ممکن است متفاوت باشد. گاه نظامی، گاهی اقتصادی و گاه فرهنگی است. نظام سلطه به این نتیجه رسید همان‌گونه که استعمار به شیوه‌های قدیم، دیگر جواب‌گوی نیازها و اقتضائات امروزه نیست و باید در قالب استعمار نو وارد برخی از کشورها شد، از طریق جنگ سخت نیز چندان نمی‌توان موفقیت‌های مورد نظر را کسب کرد؛ بنابراین، نظام سلطه سعی می‌کند با تمرکز بر مسائل فکری، ایدئولوژیک و فرهنگی و در واقع، با گشودن جبهه‌ی جنگ نرم، به اهداف خود برسد؛ زیرا «مسائل فکری، ایدئولوژیک و فرهنگی با تغییرات اجتماعی - که بعضاً از سنخ انقلاب باشد - رابطه‌ای مستقیم دارد و عاملی اساسی در ایجاد و بقای انقلاب است. پیدایش انقلاب، به معنی یک حرکت عمومی سیاسی و اجتماعی دگرگون کننده، مرهون یک فرهنگ و ایدئولوژی خاص است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳)؛ بنابراین، بقای آن نیز مرهون بقای همان فرهنگ و ایدئولوژی است. از این رو، زمانی که عامل اصلی ایجاد انقلاب - به معنای یک تحول آزادانه و آگاهانه جامعه - تغییر بینش‌ها، باورها و ارزش‌های مردم است، بدیهی است که بقای انقلاب نیز مرهون بقای ارزش‌هاست. از آن جایی که در جنگ نرم، دشمن به دنبال تزلزل و نابودی ارزش‌هاست، مقابله با جنگ نرم، بقای انقلاب را رقم می‌زند. بی‌دلیل نیست که این مقابله در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله) از اولویت برخوردار است. آنجا که می‌فرمایند: «امروز اولویت اصلی کشور مقابله با جنگ نرم دشمنان است» (دیدار با بسیجیان ۱۸۸/۹/۴).

با توجه به غالب بودن جنگ نرم در عصر حاضر و اهمیت، پیچیدگی و صورت‌های گوناگون آن که منجر به تغییرات تدریجی و گسترده در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و در نهایت شاکله نظام سیاسی خواهد شد، ضرورت دارد تا شناخت درستی از ویژگی‌ها، اهداف، ابزارها، راهکنش‌ها (تاکتیک‌ها) و راه‌های مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری داشته باشیم.

بخش اول: مروری بر مباحث نظری

از ویژگی‌های عصر جدید آن است که تهدیدات ماهیت چندجانبه، فراگیر، اجتماعی، هویتی، قومی، اقتصادی و راهبردی پیدا می‌کند. پل ویلیامز درباره‌ی نشانگان تهدید و امنیت می‌گوید که: «امنیت در عصر جدید از این جهت اهمیت دارد که درک آن بدون توجه به نشانگان تهدید امکان پذیر نیست؛ به عبارت دیگر، هر روز نشانه‌های مختلفی از تهدید امنیتی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی مشاهده می‌شود. برخی از تهدیدات ماهیت اجتماعی دارد. گرسنگی، تضادهای اقتصادی، مهاجرت و فقدان آموزش را باید به‌عنوان برخی از نشانه‌های تهدید دانست که آثار امنیتی ایجاد می‌کند. ستون روزنامه‌ها و امواج رادیوها پر از نشانه‌هایی است که تصویرهای امنیت و ناامنی و نشانه‌های تهدید را منعکس می‌سازد. تمامی این نشانه‌ها، تهدیدات را در قالب موضوعات امنیتی مسحور کننده در حوزه‌های مختلف جغرافیایی منعکس می‌کند» (Williams, 2008: 15). به این ترتیب، می‌توان موضوعاتی را درباره‌ی نشانگان تهدید مطرح کرد که از یک سو دارای ابعاد اجتماعی بوده و از طرف دیگر در حوزه‌های گوناگون جغرافیایی منعکس می‌شود. آنچه به‌عنوان تهدید نرم در اندیشه‌های سیاسی و راهبردی جدید مطرح می‌شود را باید به‌عنوان نشانگان تهدید امنیتی برای کشورهایی دانست که در فرایند نوسازی و گذار راهبردی قرار دارند. هرگونه تحول امنیتی می‌تواند آثار خود را در ارتباط با موضوعات مختلف کشورهای در حال نوسازی به‌جا گذارد.

در چنین شرایطی، تهدیدات امنیتی مرزهای جدیدی از کنش سیاسی و راهبردی را به وجود می‌آورد. ویلیامز و نظریه‌پردازانی همانند: فریدمن، جونز، دافیلد، توماس و کافمن که در دانشگاه‌های کشورهای انگلوساکسون به فعالیت آموزشی مشغول‌اند، موضوع تهدید نرم افزاری را به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های امنیتی کشورهای در حال گذار می‌دانند. به این ترتیب، با توسعه ابزارهای قدرت نرم در جهان غرب، زمینه برای ظهور نشانه‌های مختلفی از تهدیدات امنیتی برای کشورهای در حال توسعه، شکل گرفته است. تهدیدات امنیتی جدید را باید در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سازوکارهای اقتصادی، گفتمان‌سازی و قالب‌های مفهومی دانست که زمینه‌های لازم برای تأثیرگذاری بر امنیت ملی کشورهای هدف را به وجود می‌آورد.

۱- تعریف مفاهیم

الف) قدرت نرم

نظریه پردازان نئولیبرال بر این باورند که مقابله با تهدیدات نرم، یکی از نمادهای «قدرت نرم»^۱ سیاست خارجی محسوب می‌شود. کشورهایی که در فرایند مقابله با تهدیدات نرم سیاست خارجی قرار می‌گیرند، نیازمندند که زمینه‌های لازم برای اثربخشی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را از طریق تحرک منطقه‌ای پیگیری کنند. چنین موضوعی مورد توجه نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی جوزف نای بوده است. وی در سال ۲۰۰۴ کتاب «قدرت نرم و ابزارهای موفقیت در سیاست جهانی» را منتشر کرد. این کتاب بیانگر بازتولید اندیشه نئولیبرال‌ها در ارتباط با موضوع قدرت نرم و پیامدهای آن، از جمله مقابله با تهدیدات نرم در سیاست خارجی است. موضوع «قدرت نرم» مفهومی تازه در علم سیاست به‌ویژه در حوزه منازعات بشری نیست و از گذشته مطرح بوده است. به‌ویژه با ظهور اسلام و غلبه بر امپراتوری‌های ایران و روم و گسترش سریع آن، این موضوع اهمیت ویژه و سرنوشت‌سازی پیدا کرد؛ ولی با سلطه افکار و اندیشه‌های مادی‌گرایانه از قرن ۱۵ به بعد به‌خصوص در اروپا، به‌تدریج قدرت نرم به فراموشی سپرده شد یا تحت‌الشعاع قدرت سخت قرار گرفت؛ به عبارت دیگر، هر چند امروز واژه قدرت نرم در سطحی گسترده بین قدرت‌های بزرگ و دولت‌ها رایج شده، لیکن از چندین قرن پیش از میلاد مسیح این مفهوم (اما نه به این نام) مطرح بوده است.

هنگامی که کنفوسیوس، فیلسوف معروف چینی، از «لائوتسه» بنیان‌گذار مکتب و مذهب تائو پرسید، تائو چیست؟ لائوتسه دهانش را گشود، ولی چیزی نگفت. کنفوسیوس توضیح داد: لائوتسه در طریقت از ما پیشی گرفت. در دهان او، دندان وجود ندارد، بلکه فقط یک زبان است. سخت‌ترینشان (دندان‌ها) نابود شدند، ولی نرم‌ترینشان (زبان) زنده مانده است. قدرت نرم، دارای اعتبار، ماندگاری و کارآمدی بیشتری در مقایسه با قدرت سخت است؛ بنابراین، زبان و قالب‌های گفتمانی - هنجاری می‌تواند شکل‌بندی‌های مقابله با تهدیدات نرم در سیاست خارجی را منعکس کند.

با ظهور ادیان به‌ویژه اسلام و گسترش سریع آن‌ها در جهان، نقش قدرت نرم

برجسته‌تر و تبدیل به عاملی سرنوشت‌ساز شد. اسلام نه بر اساس قدرت سخت، بلکه بر اساس قدرت نرم گسترش یافت. هر چند استفاده از روش اقناع به جای اعمال زور، ریشه در تاریخ دارد، اما استفاده خاص از این کلمه در علم روابط بین‌الملل برای نخستین بار در مارس ۱۹۹۰ توسط «جوزف نای»، نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط» در نشریه «آتلانتیک» مطرح شد. نای در این مقاله می‌گوید: «اگر آمریکا تنها ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را به برنامه‌ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقا داده و هم کمک‌های مؤثر و اطلاعات مورد نظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق‌تر از «قدرت سخت» دست می‌یابد که به آن قدرت نرم می‌گویند (Nye, 1990: 56).

جوزف نای در سال ۱۹۹۰ مدیر سابق «بخش مرکزی اطلاعات محرمانه ملی» در سیا و رئیس فعلی «مدرسه دولتی کندی» در دانشگاه هاروارد و عضو با نفوذ شورای روابط خارجی آمریکا و از همکاران دولت‌های کارتر و کلینتون بر آمریکا بود. نای در سال ۲۰۰۱ با انتشار کتاب دیگری به نام «ناقض قدرت آمریکایی: چرا تنها ابرقدرت جهان نمی‌تواند به‌تنهایی عمل کند؟» به مفهوم قدرت نرم بازگشت. این کتاب در حقیقت هشدار می‌دهد که فائق‌گرایی آمریکا در قرن ۲۱ میلادی است. نای در این کتاب به توضیح اصولی می‌پردازد که به اعتقاد وی باید طی دهه‌های آینده بر سیاست خارجی آمریکا حکم‌فرما باشد. وی استدلال می‌کند که در قرن جدید، ایالات متحده، نباید تنها بر حفظ قدرت اقتصادی و نظامی خود (قدرت سخت^۱) تکیه کند، بلکه باید در جهت جذابیت فرهنگ، ارزش‌ها و نهادهایی که «قدرت نرم» نامیده می‌شود، تلاش کند. جوزف نای در این کتاب تأکید می‌کند که آمریکا نیازمند تقویت بعد سوم قدرت خویش، یعنی قدرت نرم است (Nye, 2002: 92).

ب) تهدید

تهدید، در فرهنگ لغت فارسی به معنی ترساندن، بیم دادن، بیم عقوبت دادن آمده است و در اصطلاح، هر نوع عملی که برای دستیابی به اهداف غیرانسانی و در جهت فساد و سلب امنیت و آرامش و ایجاد زمینه تعرض و محدود سازی حقوق مشروع

انسان‌ها انجام می‌گیرد، تهدید گفته می‌شود (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۱۴۱). به دیگر سخن، هر چیزی که احتمال آسیب‌پذیری به ارزش‌های حیاتی جامعه را بیشتر می‌کند، تهدید محسوب می‌شود.

هر کشوری می‌تواند سه محور را به‌عنوان ارزش‌های حیاتی خود تعریف کند که به مخاطره افتادن آن‌ها به مفهوم از بین رفتن پایه و اساس حاکمیت آن کشور است:

۱. تمامیت ارضی آن کشور؛

۲. ایده‌ها و الگوهای رفتاری جامعه؛

۳. حاکمیت مستقر در آن کشور.

بنابراین، منظور از تهدید، عنصر یا وضعیتی است که یکی از این ارزش‌های حیاتی را به مخاطره می‌اندازد. هدف تهدید نیز مختل کردن و از بین بردن امنیت یک جامعه و در نهایت، نابودی حاکمیت است.

در گذشته برای از بین بردن امنیت یک جامعه، از ابزارهای سخت و ادوات نظامی استفاده می‌کردند که از آن تحت عنوان «تهدید سخت»^۱ نام برده می‌شود، اما امروزه از «تهدید نرم»^۲ استفاده می‌کنند.

(۱) تهدید سخت

تهدید سخت به تهدیدهایی اطلاق می‌شود که تمامیت ارضی و استقلال یک کشور، در خطر (بالفعل یا بالقوه) هجوم نیروهای نظامی کشور دیگر قرار گیرد. تهدید سخت، مبتنی بر تسلیحات و تجهیزات نظامی است. از تهدید سخت به «جنگ سخت»^۳ یعنی برخورد مسلحانه میان دو یا چند دولت نیز یاد می‌شود.

در تهدید سخت، هدف اشغال سرزمین است. تهدیدات سخت متکی به روش‌های فیزیکی، عینی، سخت‌افزارانه و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز، آشکار و با استفاده از شیوه زور و اجبار و حذف دفعی و اشغال سرزمین است. این تهدیدات عمدتاً محسوس، واقعی و عینی و با عکس‌العمل‌های فیزیکی همراه است. ظهور این نوع تهدیدات، عمدتاً مربوط به دوره استعمار کهن است که قدرت‌های استعماری با لشکرکشی، اعمال زور و کشتار و اشغال و الحاق سرزمین، اهداف خود را تأمین

1 - Hard Threat

2 - Soft Threat

3 - Hard Warfare

می‌کردند. البته شکل‌های مدرن تهدید سخت در عصر حاضر را می‌توان در لشکرکشی‌های آمریکا و متحدان آن به افغانستان و عراق مشاهده کرد (نائینی، ۱۳۸۶).

(۲) تهدید نرم

تهدید نرم، به تهدیدهایی گفته می‌شود که یک کشور با برخورداری از قابلیت و ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای نفوذ در دیگران، به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر بگذارد، بدون آنکه نیاز باشد که از قدرت سخت یا اهرم نظامی استفاده کند.

تهدید نرم را می‌توان تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری یک نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم، نوعی سلطه کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب می‌شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر افتند، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی، در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به شمار می‌آید. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روش‌های نرم‌افزارانه اشغال می‌کند. تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری یک نظام سیاسی، بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه و بحران در الگوهای رفتاری جامعه از مؤلفه‌های این تهدید است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد (همان). خلاصه آن که برخلاف تهدیدات سخت که متکی به روش‌های فیزیکی، عینی، سخت‌افزارانه و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز، براندازی آشکار و با استفاده از شیوه اجبار و اشغال سرزمینی است، تهدیدات نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی انجام می‌پذیرد و محصول پردازش ذهنی نخبگان این حوزه و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ در حالی که حوزه تهدیدات سخت، امنیتی و نظامی است (شعیب، ۱۳۸۹: ۲۴۶). از تهدید نرم به

«جنگ نرم»^۱ نیز یاد می‌شود.

ج) جنگ نرم

به‌طور کلی «جنگ نرم» را می‌توان انعکاس کاربرد قدرت نرم و تهدید نرم دانست. کشورهایی که از ابزارهای لازم برای تولید قدرت نرم برخوردارند، قابلیت‌هایی دارند که می‌توانند قدرت نرم را به تهدید نرم و آن را به جنگ نرم تبدیل کنند (متقی، ۱۳۸۸، ۵۹). با بررسی دیدگاه‌های برخی از صاحب نظران مسائل نظامی، مشخص می‌شود که از جنگ، معنایی وسیع‌تر از برخورد مسلحانه نیز اراده شده است. سن تزو یکی از نظریه پردازان چینی قرن چهارم پیش از میلاد، اصول جنگ را عبارت از تحمیل اراده خود به دشمن، وادار کردن او به پراکنده شدن و کسب دائم اطلاعات از دشمن قلمداد کرده و در واقع جنگ را برخورد و اراده می‌داند. مائوتسه تونگ پایه هر نوع جنگ را اغفال فرض می‌کند و برتری روانی توده‌ها و بسیج تمامی توان آن را مسئله اصلی جنگ می‌داند (متفکر، ۱۳۸۱: ۱۲).

در خصوص مفهوم جنگ نرم، تعریف واحدی که مورد پذیرش همگان باشد، وجود ندارد. اولین کسی که در این حوزه کار کرده «سن تزو» است. او مطرح می‌کند: «می‌شود جنگید، اما مهم‌ترین کار این است که شما در یک نبرد بدون جنگ پیروزی را به دست آورید». جان کالینز تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی می‌داند که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود. ارتش ایالات متحده آمریکا در آیین رزمی خود آن را بدین صورت تعریف کرده است: جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف یا گروه‌های دوست است؛ به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد (عباسیان، ۱۳۹۱: ۲۷۳)؛ بنابراین، جنگ نرم مجموعه‌ای از اقداماتی است که در جهت تغییر هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری یک نظام سیاسی دنبال می‌شود. در واقع، در جنگ نرم نیروهای مهاجم به دنبال سلطه بر حکومت، اقتصاد و

فرهنگ یک کشور بدون توسل به خشونت هستند. پشتوانه اصلی جنگ نرم، قدرت نرم است.

د) تفاوت جنگ نرم و جنگ سخت

از دیر باز گفته شد متقاعد ساختن یک نفر به پیوستن به شما بسیار ارزان تر از کشتن او تمام می‌شود. کلمات بسیار کم هزینه‌تر از گلوله‌های تفنگ هستند تا چه رسد به گلوله‌های توپ و بمب‌ها. از سویی نیز با کشتن آن شخص، شما تنها دشمن را از داشتن یک سرباز محروم می‌کنید، حال آنکه اگر او متقاعد شود به نیروهای دولتی بپیوندد، هم به ضرر دشمن و هم به نفع نیروهای دولتی است و این به معنای کسب دو امتیاز با یک حرکت است. در جنگ سخت، مبارزه همراه با خشونت و زور است؛ اما در جنگ نرم، مبارزه بدون خونریزی و ابزارهای خشن صورت می‌گیرد. در جنگ سخت، هدف خارج کردن نیروهای مهاجم از طریق کشتن یا مجروح کردن آنان از صحنه درگیری و نابود کردن زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی کشور مورد هجوم است. در حالی که در جنگ نرم، زیرساخت‌های فرهنگی و فکری کشور هدف مد نظر است و به دنبال به صحنه آوردن قربانیان جنگ نرم است که بدون خونریزی مورد هدف قرار گرفته و دچار تغییر باورها و لغزش در هویت خویش شده‌اند. تحولات در جنگ سخت، سریع و آشکار و همراه با آه و فغان و سر و صدای زیاد است؛ اما در جنگ نرم، تغییرات بسیار آرام، تدریجی، بنیادین و بی سرو صداست. در جنگ سخت، پدافند و پاتک، متناسب با شیوه‌های عملیاتی مهاجم طراحی می‌شود، اما در جنگ نرم، به دلیل پیچیدگی و عدم امکان مشاهده و اندازه‌گیری میزان هجوم و نوع آن، اقدام به هر گونه حرکت مقابله به‌مثل و بازدارنده بسیار دشوار است.

با این توضیح مختصر، وجوه اساسی تمایز میان جنگ سخت و جنگ نرم را از نظر هدف و اجرا در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

(۱) از نظر هدف

در جنگ سخت، هدف تحمیل اراده یک طرف به طرف مقابل از طریق زور و حذف فیزیکی نیروهای آن طرف است. در حالی که در جنگ نرم، هدف اصلی، بی‌ثبات سازی یا براندازی نرم در کشور مورد تهاجم است. این هدف معمولاً از طریق

مشروعیت زدایی و بحران سازی در کشور مورد حمله دنبال می‌شود. از این رو، در جنگ نرم، باورها و اعتقادات مذهبی، ارزش‌ها و هنجارهای ملی و دینی، آرمان‌ها و اهداف متعالی مادی و معنوی، هویت فردی و اجتماعی، خود باوری و اعتماد به نفس، همبستگی ملی و انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل مردم و مسئولان، سلامت و صداقت نیروهای دولتی و رشد علمی و روحیه ایثار گری و غیره از طریق وارد کردن شبهات اعتقادی در بنیادهای اندیشه اسلامی، تضعیف ریشه‌های اعتقادی، حمله به مقدسات و شعارهای اسلامی، کاهش روحیه امید به آینده و بحران نمایی و سیاه نمایی از وضعیت کشور، تغییر مطالبات اجتماعی، اقتصادی، احساسی کردن رفتارهای عمومی، پخش اخبار و شایعات جعلی و ... مورد هجوم قرار می‌گیرند (رضوی پور، ۱۳۸۹: ۳۳۵).

(۲) از نظر شیوهی اجرا

شیوه جنگ سخت، به انواع نبردهای نظامی (هوایی، دریایی و زمینی) یا کودتای خشونت آمیز، شورش‌های مسلحانه و عملیات‌های پارتیزانی یا تلفیقی از آن‌ها خلاصه می‌شود که البته به تناسب رشد فن‌آوری، این روش‌ها نیز مدرن تر شده و ابعاد تازه به خود گرفته‌اند؛ اما در کاربرد روش‌های جنگ نرم، تاکنون به موارد برجسته‌ای چون تبلیغات، سانسور، شایعه سازی، ناخالص سازی اعتقادی از طریق ترویج اندیشه‌های انحرافی و خرافه گرایی و عرفان‌های کاذب، هجوم ایدئولوژیک، تفرقه انگیزی، ترور شخصیت‌ها، عوام فریبی و تحریک عواطف عمومی، سیاه نمایی و نافرمانی مدنی و ... می‌توان اشاره کرد. یکی از مرسوم‌ترین اشکال جنگ نرم، انقلاب رنگی یا به عبارت دقیق‌تر کودتای رنگی است که به جهت شباهت‌های بسیارش، مترادف با جنگ نرم انگاشته شده است. «انقلاب رنگی» که آخرین حلقه از سلسله راهبردهای آمریکا و غرب برای مبارزه و تغییر رژیم‌های ناهمسو است، به تحولاتی اطلاق می‌شود که پس از دوران جنگ سرد در ابتدا در برخی کشورهای اروپای شرقی و سپس در منطقه قفقاز و بعداً در آسیای مرکزی رخ داده است. اولین تجربه انقلاب رنگی غرب در ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ در کشور چک اسلواکی به ثمر نشست. دومین تجربه در صربستان در ۱۹۹۷ تکمیل گردید و سپس در سال ۲۰۰۳، این تجربه در جمهوری‌های استقلال یافته سابق اتحاد جماهیر شوروی مورد آزمون قرار گرفت. از این رو، سومین تجربه از این دست، در گرجستان با نام انقلاب مخملی تدارک دیده شد. موفقیت در این کشور،

کارگزاران مخملی خارجی و عناصر داخلی را بیش از پیش برای استفاده از این شیوه ترغیب کرد؛ بنابراین، برای چهارمین بار این نوع تحول سیاسی در اوکراین با نام انقلاب نارنجی در سال ۲۰۰۴ طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شد. پنجمین تجربه مجدداً در آسیای مرکزی در کشور قرقیزستان با عنوان انقلاب لاله‌ای در سال ۲۰۰۵ تحقق یافت. این تجربیات باعث شد تا قدرت‌های غربی و رژیم صهیونیستی به برنامه ریزی و زمینه سازی انقلاب رنگی در ایران نیز تشویق شوند.

نوع تهدید	تهدید سخت	تهدید نرم
گستره		
موضوع	امنیتی - نظامی	سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی
هدف	تخریب و حذف فیزیکی حریف، تصرف و اشغال	تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرآیند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری، سلب هویت فرهنگی
ماهیت	عینی، واقعی و محسوس	پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان
روش اعمال	استفاده از زور و اجبار	استفاده از روش القا و اقناع‌سازی
شدت عمل	محسوس و همراه با عکس‌العمل و برانگیختنی	غیرعینی، غیرمحسوس و فاقد عکس‌العمل
کاربرد	عمدتاً فروپاشی نظام‌های سیاسی	فرهنگ‌سازی و نهادسازی در چارچوب الگوهای رفتاری نظام لیبرال - دموکراسی
ابزار	تسلیحات و تجهیزات نظامی	فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، ماهواره، اینترنت، مطبوعات، احزاب و جریان‌های سیاسی

نقاط افتراق تهدیدات سخت و نرم

البته فضا و موجی که موفقیت‌های انقلابات رنگی در منطقه ایجاد کرده بود، برخی

دیگر از بازیگران برانداز مانند گروه‌های ضد انقلاب و برخی از افراد و گروه‌های داخلی را برای تغییر و تحول در ایران از این طریق ترغیب کرد. از این رو، راه‌اندازی انقلاب رنگی در ایران دارای سه ضلع قدرت‌های خارجی (به‌خصوص آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی)، ضد انقلاب و برخی از گروه‌های داخلی بوده است. بر اساس تجربیات موصوف، در ایران برای تحقق این نوع تحول، برنامه ریزی، تبادل افکار و زمینه چینی‌های لازم را انجام داده بودند و با مشاهده تحقق برخی از شرایط در آستانه دهمین انتخابات ریاست جمهوری به اجرای آن مبادرت ورزیدند (باقری، ۱۳۸۹: ۲۱)؛ اما این حربه دشمنان، با مدیریت مقام معظم رهبری و هوشیاری مردم انقلابی در نطفه خفه شد و مردم با حضور خود در صحنه، مجدداً با آرمان‌های مقدس امام خمینی (ره) تحت زعامت امام خامنه‌ای (مدظله) میثاق بستند.

ه) اهداف جنگ نرم

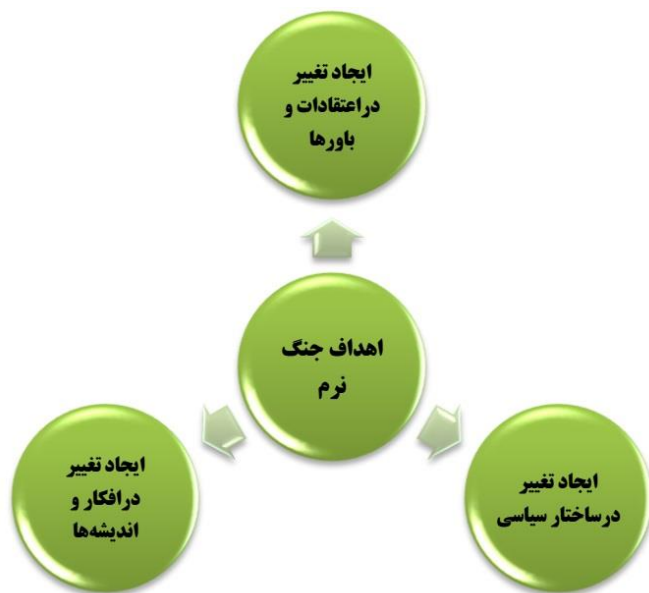
به اختصار مهم‌ترین هدف جنگ نرم عبارت‌اند از (العوینی، ۱۳۶۹: ۱۱۶):

(۱) **ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها:** مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف جنگ نرم را باید ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها و اعتقادات جامعه‌ی هدف دانست. اعتقادات و باورها، اساس حرکت یک جامعه به شمار می‌آیند. اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه خلل یا تغییری ایجاد کنند، باید به سراغ تغییر باورها و اعتقادات آنان بروند.

(۲) **ایجاد تغییر در افکار و اندیشه‌ها:** چنان چه دشمنان یک ملت، با جنگ نرم بتوانند در باورها و اعتقادات ملت رسوخ کرده و با ایجاد شک و تردید، آن باورها و اعتقادات را مخدوش و متزلزل کنند، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای هدف بعدی، یعنی ایجاد تغییر در چگونگی فکر کردن و اندیشیدن در حوزه‌های گوناگون فراهم می‌شود.

(۳) **ایجاد تغییر در ساختار سیاسی:** هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن در ساختارهای جدید است. اهداف ذکر شده در یک فرایند و به‌صورت خطی دنبال

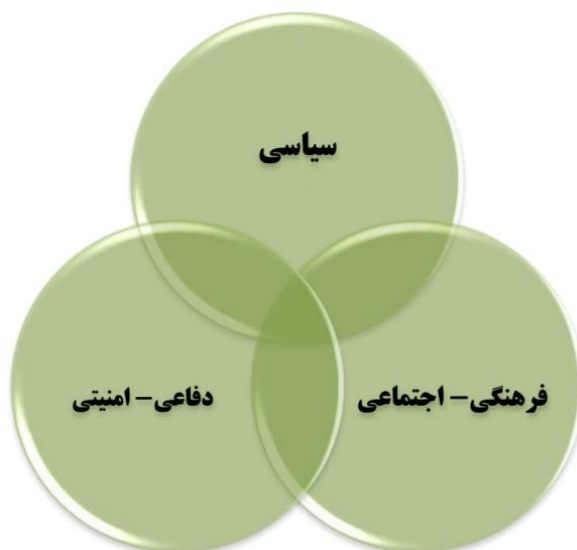
می‌شود. با ایجاد تغییر در باورها، افکار و رفتارهای یک جامعه، به‌صورت طبیعی الگوی رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی موجود، تغییر پیدا کرده و الگوهای چالشی جایگزین آن می‌شود. در یک جامعه، مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود به چالش بر می‌خیزند که دیگران آن را مشروع ندانند و از نظر آنان مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند؛ بنابراین، مشروعیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی برای ایجاد بحران، ناآرامی و بی‌ثبات‌سازی در جامعه‌ی هدف از ویژگی‌های اصلی جنگ نرم به حساب می‌آید. هرگاه یک نظام سیاسی مشروعیت و مقبولیت خود را در بین ملتش از دست بدهد، به‌راحتی زمینه‌های لازم برای تغییر آن ساختار و نظام سیاسی و جایگزین شدن یک نظام و ساختار جدید فراهم می‌شود.



شکل شماره ۱۲: اهداف جنگ نرم

و) حوزه تأثیرگذاری جنگ نرم

جنگ نرم سه حوزه‌ی اصلی یک نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این حوزه‌ها عبارت‌اند از:



شکل شماره ۱۳: حوزه تأثیرگذاری جنگ نرم

حوزه‌ی سیاسی: جوهره‌ی اصلی هر دولتی، بعد سیاسی-اجتماعی آن است تا فیزیکی. در تهدید و جنگ نرم بر علیه یک دولت، نیروی مهاجم تلاش می‌کند تا مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهایی که آن دولت بر پایه‌ی آن استقرار یافته و بر اساس آن ارزش‌ها دارای مشروعیت شده را تخریب و دگرگون سازد. در واقع، جنگ نرم در این حوزه مشروعیت‌زدایی از رژیم سیاسی حاکم را دنبال می‌کند. هرگاه نیروی مهاجم در این حوزه موفق شود تا از نظام سیاسی مشروعیت‌زدایی کند، بی‌ثباتی سیاسی به وجود خواهد آمد.

حوزه‌ی فرهنگی-اجتماعی: در این حوزه، نیروی مهاجم، فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها، هویت، باورها و اعتقادات را مورد حمله قرار داده و به دنبال تغییر و دگرگونی در آنها است. هدف اصلی از این جنگ، تغییر الگوهای رفتاری جامعه است؛ الگوهایی که تاکنون منطبق بر ارزش‌های سیاسی مستقر بوده و بین مردم و دولت پیوند برقرار کرده است. با تغییر این الگوهای رفتاری، دشمن و نیروی مهاجم موفق به ایجاد شکاف بین ملت-دولت می‌شود.

حوزه‌ی دفاعی-امنیتی: اگر چه تهدید نرم‌افزاری ماهیت اجتماعی دارد، اما آثار و پیامدهای تهدید نرم‌افزاری را باید در حوزه‌های راهبردی و سخت‌افزاری نیز

مورد ملاحظه قرار داد. در این حوزه از تهدید و جنگ نرم، دشمنان به دنبال تغییر در فرهنگ و الگوهای دفاعی-امنیتی هستند. فرهنگ پایداری، مقاومت، ایثار و فداکاری، نرسیدن از دشمن، روحیه جهادی و شهادت طلبی، بخشی از فرهنگ دفاعی-امنیتی در نظام اسلامی به شمار می‌آید. در واقع، نظام دفاعی-امنیتی با این عناصر آمیخته شده است. جنگ نرم در حوزه دفاعی-امنیتی، تلاش دشمن برای تغییر در این ارزش‌ها و عناصر فرهنگی است که الگوی دفاعی و امنیتی بر اساس آن شکل می‌گیرد.

۲- تهدیدات نرم آمریکا در سیاست بین‌الملل

تهدیدات در ادبیات سیاسی و بین‌المللی دارای پیشینه نسبتاً طولانی است. سابقه به‌کارگیری این مفهوم در جهان غرب به سردمداری آمریکا، مربوط به سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ است که به‌اختصار اشاره خواهد شد.

الف) تبارشناسی سیاسی و نظری

تهدیدات نرم، تحت تأثیر ماهیت نظام بین‌الملل و چگونگی توزیع قدرت بین بازیگران قرار دارد. هرگونه تغییر و دگرگونی در شکل‌بندی‌های ساختاری سیاست بین‌الملل، رویکرد پژوهشگران در مورد ماهیت تهدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد جانستون^۱، محققانی که موضوع جنگ نرم را مورد بررسی و پردازش قرار داده‌اند می‌توان در قالب سه نسل تقسیم‌بندی کرد (متقی، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۰):

نسل اول، دانشگاه‌یانی مانند اسنایدر و گری بودند که طی دهه ۱۹۸۰ به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. آنان در نظام دوقطبی و فضای جنگ سرد به این موضوع پرداختند که چرا اتحاد جماهیر شوروی سابق و آمریکا به‌طور متفاوتی در مورد راهبرد هسته‌ای می‌اندیشیدند. لازم به توضیح است که در اندیشه نظریه‌پردازان نسل اول، موضوعات راهبردی و مؤلفه‌های مربوط به تهدید و جنگ نرم از کارآمدی کمتری برخوردار بوده است. در این دوران، اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یکی از تهدیدات بنیادین فراروی جهان غرب محسوب می‌شد.

نسل دوم نظریه پردازان تهدیدات نرم‌افزاری، مربوط به سال‌های بعد از گسترش تضادهای هویتی و راهبردی در روابط قدرت‌های بزرگ ظهور یافت. در این دوران،

1. Johnston

بازیگرانی همانند ایران نیز به ایفای نقش هویتی در حوزه غرب آسیا (خاورمیانه) مبادرت می‌کردند. علاوه بر آن، ایران در معرض تهدیدات نرم‌افزاری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیز قرار گرفته بود. هر یک از این بازیگران تلاش می‌کردند تا موقعیت ایران در خاورمیانه و سیاست بین‌الملل را کنترل نمایند. این فرآیند از طریق ابزارهای قدرت نرم و سخت امکان‌پذیر بود (Hudfield, 2004: 45).

اندیشمندانی همچون لاکان، کوپچان و لایتین به‌عنوان نسل دوم نظریه‌پردازان مکتب انتقادی، رهیافت‌های خود را در دهه ۱۹۸۰ مطرح کردند. آنان ضمن گونه‌شناسی مفاهیم فرهنگ و رفتار، بر وجه ابزاری مفهوم فرهنگی راهبردی به‌خصوص در رسیدن به هژمونی سیاسی در عرصه‌ی تصمیم‌سازی، تأکید کردند. این نسل از محققان تلاش کردند تا دامنه‌ی فرهنگ راهبردی را به حوزه‌های اعتقادی و کنش جهادی معطوف کنند. این رویکرد را می‌توان جلوه‌ای از تجدیدنظرطلبی نسبت به آموزه‌های پوزیتیویستی دانست (Lyatin, 1988: 591).

نسل سوم- که جانستون از جمله محققان این نسل به‌شمار می‌رود- در خلال دهه‌ی ۱۹۹۰ دیدگاه‌های خود را ارائه کردند. وجه بارز اندیشه‌های این نسل، استفاده از فرهنگ در اشکال گوناگون سیاسی، نظامی یا سازمانی است. این موضوع، طیف رفتار سیاسی را از انتخاب رهنامه نظامی تا اهمیتی که هنجارها در عرصه بین‌الملل دارند، گسترش داد. آنان با نقد دیدگاه نسل اول، تلاش کردند تا فرهنگ از رفتار جدا شود. آنان فرهنگ راهبردی را به‌عنوان متغیر مستقل و رفتار را به‌عنوان متغیر وابسته مطالعه کردند (Johnston, 1995: 38).

ب) فرآیند تحول در بهره‌گیری از قدرت نرم

تاریخ سیاسی آمریکا، جلوه‌هایی از ارتقای مرحله‌ای قدرت راهبردی آن کشور را منعکس می‌سازد. گروه‌های مختلفی در ساختار سیاسی آمریکا تلاش کردند تا ابزارهای قدرت را به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار دهند که با واکنش محدودتر کشورهای هدف روبه‌رو شوند. بین توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ و ابزارهای قدرت ملی آمریکا همواره رابطه وجود داشته است. هرگاه ابزارهای قدرت از تنوع و کارآمدی بیشتری برخوردار می‌شد، زمینه‌های لازم برای توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ نیز فراهم می‌گردید.

تحولات تاریخ سیاسی آمریکا نشان می‌دهد که شاخص‌های نرم‌افزاری قدرت

ملی در قرن ۱۹ ماهیت اقتصادی داشته است. در اوایل قرن ۲۰، چنین شاخص‌هایی را می‌توان بر اساس سازمان‌دهی و قاعده‌مندسازی نهادهای بین‌المللی مورد توجه قرار داد. نهادهای بین‌المللی می‌توانند زمینه‌های لازم برای تنظیم و اجرای رژیم‌های بین‌المللی توسط کشورها، واحدهای سیاسی و سایر بازیگران را فراهم آورند. رژیم‌ها همواره از قابلیت و اقتدار آمره برخوردار هستند. این امر به مفهوم آن است که می‌توان از طریق قاعده‌سازی، زمینه‌های کنترل رفتار کشورها در نظام بین‌الملل را فراهم کرد (Mintz, 2003: 11).

این روند تا زمان شکل‌گیری جنگ جهانی دوم ادامه یافت. در دهه ۱۹۳۰ این موضوع مطرح شد که آیا نهادهای بین‌المللی می‌توانند صلح جهانی و امنیت ملی آمریکا را تأمین کنند. رئالیست‌ها بر این اعتقاد بودند که قدرت نرم نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای امنیت ملی کشورها باشد؛ به عبارت دیگر، آنان تلاش داشتند تا این موضوع را مورد تأکید قرار دهند که قدرت‌سازی در فضای راهبردی بدون توجه به قدرت سخت‌افزاری امکان‌پذیر نخواهد بود. دهه ۱۹۳۰ را می‌توان عصر مناظره رهیافت‌های مربوط به رئالیسم سنتی با ایدئالیسم ویلسونی دانست. در این مقطع زمانی، رئالیست‌ها توانستند مطلوبیت و کارآمدی رویکرد خود را در ارتباط با ضرورت تقویت قدرت سخت‌افزاری آمریکا مورد تأکید قرار دهند.

انعکاس این امر را می‌توان در دوران جنگ دوم جهانی ملاحظه کرد. آمریکا از سال ۱۹۴۱ به‌عنوان یکی از طرف‌های اصلی درگیری نظامی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی ایفای نقش نمود. هدف آمریکا را می‌توان مقابله با افزایش قدرت آلمان هیتلری در فضای اروپا و سایر حوزه‌های جغرافیایی دانست. جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا در این دوران را می‌توان حمایت غیرمستقیم از کشورهایایی دانست که در معرض درگیری نظامی با آلمان بودند. این امر مبتنی بر شاخص‌های جنگ سخت و قدرت سخت قرار داشت (Riding, 2003: 30).

بعد از جنگ جهانی دوم، قدرت سخت نمی‌توانست مطلوبیت‌های راهبردی آمریکا را در دوران گذار تأمین کند. به همین دلیل، رهیافت‌های جدیدی از قدرت و امنیت برای سیاست خارجی و امنیتی آمریکا در حوزه‌های مختلف جغرافیایی سازمان‌دهی شد. چنانکه در پایان جنگ سرد، نیاز راهبردی آمریکا به قدرت نرم افزایش یافت. از این رو، موضوع قدرت نرم، تهدید نرم و جنگ نرم در دستور کار

سیاست خارجی آمریکا و حوزه‌های نظریه‌پردازی راهبردی ایالات متحده قرار گرفت. «جنگ نرم» با مختصات تئوریک و پراتیک جدید خود، بعد از شروع جنگ سرد و در اوج آن، یعنی در دهه ۱۹۷۰ با مشارکت استادان برجسته علوم سیاسی و علوم ارتباطات، از جمله جوزف نای، هارولد لاسول، جان کالینز و اعضای برجسته آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و فرماندهان ارشد پنتاگون با تأسیس مرکزی تحت عنوان «کمیته خطر جاری» طراحی، تدوین و عملیاتی شد. هدف از تأسیس این کمیته، خروج از بن‌بستی بود که در دوران جنگ سرد میان دو ابرقدرت زمان، یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، در توازن هسته‌ای به وجود آمده بود. اعضای این کمیته با منتفی دانستن جنگ سخت بین دو ابرقدرت، تنها راه به زانو درآوردن رقیب را در جنگ نرم و فروپاشی از درون طراحی و به اجرا درآوردند. در این دوره راهکارهای «دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی»، به‌عنوان راهبردهای جنگ نرم توسط این کمیته معرفی شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، فعالیت این کمیته برای یک دهه به حالت تعلیق درآمد و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، بار دیگر عناصری از این کمیته گرد هم آمدند و با تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدات فراروی دولت آمریکا این کمیته را فعال کردند. یکی از اقدامات این کمیته تدوین راهبرد امنیت ملی آمریکا، برای یک دوره چهار ساله در دولت بوش در ارتباط با ایران است.

در گزارش این کمیته آمده است که ایران به لحاظ وسعت سرزمین، کمیت و کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و هارتلند نظام بین‌الملل، به قدرتی بی‌بدیل تبدیل شده است که دیگر نمی‌توان با یورش نظامیان را سرنگون کرد؛ بنابراین، به‌زعم پالمر و اعضای کمیته، تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی ایران پیگیری جنگ نرم با استفاده از «سه تاکتیک دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی» ممکن است. متن این گزارش که با عنوان «ایران و آمریکا، رهیافت جدید» تنظیم شده است، محورهای پانزده‌گانه‌ای را برای چگونگی اجرایی کردن راهبردهای سه‌گانه پیشنهادی ارائه می‌دهد.

بخش دوم: شناخت اهداف و اقدامات دشمن در جنگ نرم

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که پدیده‌ای شگرف و حادثه‌ای بزرگ در قرن بیستم نام گرفت، معادلات بین‌المللی را با بن بست روبرو ساخت. این انقلاب، یک انقلابی فرهنگی و مبتنی بر دین مبین اسلام بود که پس از تحقق نظام «جمهوری اسلامی ایران» دین را با سیاست پیوند زد؛ دینی که تا قبل از آن، در مغرب زمین باید آن را تنها در کلیساها و در ایران و دیگر کشورهای اسلامی باید در مساجد جست، اینک الگویی جدید برای مدیریت جوامع ارائه می‌دهد. بی‌شک چنین نظامی با دیگر نظام‌های حاکم بر ملل، یعنی نظام سوسیالیستی به سرکردگی شوروی سابق از یک سو و نظام لیبرال دموکراسی آمریکا از سوی دیگر در تضاد جدی قرار داشت. این دو نظام تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با وجود اختلافات ایدئولوژیک در نحوه‌ی مدیریت جهان، در یک موضوع یعنی مقابله با انقلاب اسلامی هم نظر بوده و به همین جهت از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب در صدد براندازی آن بوده‌اند؛ زیرا انقلاب اسلامی، با سرنگونی رژیم وابسته پهلوی، نه تنها باعث کوتاه کردن دست حامیان غربی آن رژیم از منافع و ثروت‌های کشور شد، بلکه الگوی جدیدی را فراروی مسلمانان و مستضعفان عالم بنیان نهاد؛ به‌گونه‌ای که از تحول در مناسبات قدرت در گستره‌ی جهانی به نفع اسلام و به رهبری جمهوری اسلامی ایران سخن به میان آورده شد.

موج بیداری و مهندسی جدید آرمانی جهانی که در نتیجه انقلاب ایران در دنیای اسلام به وجود آمد، موجب شد منافع نامشروع قدرت‌های غربی به‌ویژه آمریکا و نظریه مهندسی جهانی این کشور به چالشی بزرگ کشیده شود. طبیعی است که استکبار جهانی به سردمداری آمریکا و صهیونیسم در واکنش به انقلاب اسلامی ایران و بازتاب‌های آن، تمامی امکانات و توانمندی خود را برای براندازی یا استحاله این نظام به کار گیرند.

در دهه‌ی نخست انقلاب، دشمن با راهبرد «تغییر نظام سیاسی» وارد جنگ سخت با جمهوری اسلامی ایران شد که از مصادیق آن می‌توان به جنگ مخرب و خانمان سوز رژیم بعثی عراق علیه ایران، تجهیز کامل تسلیحاتی و حمایت تمام عیار از رژیم بعث عراق، رویارویی مستقیم ارتش آمریکا با ایران در جنگ خلیج فارس، کودتای نظامی نوژه، حمله نظامی برای آزادسازی گروگان‌های آمریکایی، حمایت از منافقین در انجام ترورهای کور و ... اشاره کرد.

دشمنان انقلاب پس از تحمل شکست‌های پی در پی و اذعان به ناکارآمدی این راهبرد، در دهه دوم انقلاب جنگ نیمه سخت را در راستای راهبرد «تغییر رفتار حاکمیتی» در دستور کار خود قرار دادند. دشمن بر اساس این راهبرد، به جای تغییر رژیم و توسعه سلطه سرزمینی، ضمن به کارگیری سازوکارهای اقتصادی و اهرم تحریم، به دنبال روی کار آوردن افراد غرب مدار، سکولار و وابسته به خود و منفعل‌سازی حاکمان از این طریق بود تا خط سازش با غرب و انفعال در برابر سیاست‌های هژمونیک غرب تقویت شود. به‌طور مشخص از خرداد ۱۳۷۶ به بعد، این رویکرد وارد مرحله جدیدی شد که هدف از اجرای آن اولاً تهی‌سازی نظام از اصول و ارزش‌های حاکم بر جامعه دینی و انقلابی ایران و در ثانی گسترش جو آشفتگی و نابسامان کردن فضای ذهنی و فکری جامعه بود. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«آن‌ها [امریکا] در آن دوره ده ساله اول [پیروزی انقلاب]، با توطئه براندازی سخت - جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی - شروع کردند؛ اما نتوانستند کاری بکنند. جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی، هر کدام به نحوی برای ملت ایران و جمهوری اسلامی یک فرصت شد. این ابرهای تیره‌ای که آن‌ها روی سر ملت ایران راه انداختند، در دل خود، برای ملت ایران باران‌های نافع داشت. جنگ، ما را مصمم و استوار کرد؛ تحریم اقتصادی، ما را به فکر اتکالی به خود انداخت و همه این برکات را برای ما آورد. در دوره‌ی بعد، براندازی نرم را دنبال کردند - تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی - که آن هم به‌جایی نرسید و بعد از سال‌های متمادی، نتیجه این شد که حالا یک دولت متکی به اصول و با شعار اصول سرکار می‌آید، که پیداست تهاجم فرهنگی نتوانسته آن کاری که آن‌ها می‌خواستند، بکند. بعد از این هم توطئه‌های دیگر در راه است، که ما باید خودمان را مصون کنیم» (۲۹ خرداد ۱۳۸۵).

در دهه‌ی سوم انقلاب، این بار راهبرد «تغییر رفتار اجتماعی» نخستین بار با حوادث کوی دانشگاه در تیرماه ۱۳۷۸ کلید خورد. به عبارت دیگر الگویی که غرب برای اثرگذاری و تعامل با ایران در این مرحله در پیش گرفت «براندازی» در چارچوب تغییر رفتار اجتماعی بود. مصداق عینی و مشخص‌تر این راهبرد پس از طی یک دوره ده‌ساله و به دنبال حوادث تلخ پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری آشکار شد. این وقایع موجب شد تا مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سخنان خود به موضوع فتنه

عمیق در جامعه اسلامی اشاره کرده و همچنین به راهاندازی جنگ نرم توسط دشمنان بر علیه انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تصریح فرمایند. چنان که ایشان با تبیین اهداف دشمنان و نقشه‌ی آنان از قبل و بعد از انتخابات، صف مردم را از اغتشاش گرانی که با هدف ضربه زدن به اساس نظام وارد میدان شده بودند را جدا دانسته و در این رابطه فرمودند:

«قبل از شروع انتخابات، جهت‌گیری رسانه‌هایشان (رسانه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای اروپایی)، دولتمردانشان، این بود که در اصل انتخابات، ایجاد تردید کنند؛ شاید شرکت مردم کم شود... بعد از آنکه این حضور عظیم دیده شد، این‌ها شوکه شدند... وقتی اعتراض بعضی نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج سواری کنند... وقتی چشمشان به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها در خیابان‌ها پیدا شدند افتاد، امیدوار شدند، یواش‌یواش نقاب‌هایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را نشان دادند... از قول رئیس‌جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابان‌ها بریزند... در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد، خط تخریب، خط آتش سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه‌های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه‌ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند، امنیت مردم مورد تناول این‌ها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست‌نشانگان سرویس‌های جاسوسی غربی و صهیونیست است. این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سر زد، این‌ها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است»

(خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۸۸/۳/۲۹).

ایشان در ملاقات با استادان و دانشجویان ضمن اشاره به «جنگ نرم دشمنان»، از دانشجویان به‌عنوان افسران جبهه خودی و از استادان و پژوهشگران با عنوان فرماندهان و طراحان این جبهه در مقابله با جنگ نرم دشمن یاد کردند و از آنان خواستند با این جنگ و مختصات آن آشنا شده و به مقابله با آن برخیزند.

«ببینید عزیزان! شماها میدانید- چون دیدم در بیانات شماها هم هست- امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیم مواجه است، لیکن جنگ نرم- که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت‌های شما جوان‌ها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه خوشحالی است- خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیابند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند؛ یعنی شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله با جنگ نرمید»
(دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۰۶/۰۲).

۱- جدی بودن جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

به‌منظور شفاف شدن حقایق موجود و ذکر برخی کدها در مورد جدی بودن جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، لازم است به رهیافت‌ها و نگرش‌های متعددی که طی سال‌های اخیر در آمریکا و اروپا علیه ایران اسلامی شکل گرفته‌اند، نگاهی کوتاه بیندازیم (محمدی، ۱۳۸۹/۷/۲۳):

سند منتشر شده مربوط به اصول لازم در برقراری امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۶، به روشن شدن بخشی از این مسئله کمک می‌کند. این سند، یکی از صدها رهیافتی است که کشورهای غربی در آن به‌صراحت بر دشمنی با ایران اذعان داشته‌اند. محورهای اصلی و اساسی مواضع آمریکا در برابر ایران با توجه به این سند عبارت است از (محمدی، ۱۳۸۹/۷/۲۳):

۱. حمایت آشکار از صدهای مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران توسط بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در آمریکا؛
۲. تعمیق و گسترش تحریم‌ها علیه ایران؛
۳. مخدوش و بدنام کردن چهره‌ی جمهوری اسلامی در خارج از کشور، از راه‌های گوناگون، مانند محکوم نمودن ایران در مجامع بین‌المللی؛
۴. تلاش برای محدود کردن روابط کشورها و سازمان‌های بین‌المللی با ایران؛
۵. تلاش برای مشروعیت بخشی، گسترش و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران؛
۶. دخالت گسترده در امور داخلی ایران در زمینه‌های انتخابات، حقوق بشر،

- زنان، رسانه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی؛
۷. آموزش عناصر و تشکل‌های خارج‌نشین مخالف نظام جمهوری اسلامی و حمایت‌های سیاسی و مالی از آنها؛
۸. محدود کردن نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه؛
۹. ممانعت از دستیابی ایران به فن‌آوری و دانش پیشرفته؛
۱۰. تبلیغ و ترویج دوگانگی حاکمیت در ایران؛
۱۱. فعال‌سازی و حمایت از شبکه‌های رسانه‌ای ضدایرانی.
- اقدام‌های طراحی شده فوق در سند امنیت ملی آمریکا (سال ۲۰۰۶) نیازمند ساز و کاری اجرایی است که در ادامه این سند به شرح ذیل بیان شده است (محمدی، ۱۳۸۹/۷/۲۳):

۱. صدور بیانیه‌های سیاسی در مورد وضعیت آزادی و حقوق شهروندان ایرانی و فعالان سیاسی؛
۲. اختصاص بودجه به‌منظور مداخله در امور داخلی ایران، مانند تخصیص بودجه ۱/۵ میلیون دلاری برای حمایت از برخی سازمان‌های غیردولتی و برخی اشخاص در داخل ایران و هزینه کردن آن از طریق «بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی»^۱ و همچنین تخصیص بودجه سه میلیون دلاری (با هدف اعلام شده) به سازمان‌های غیردولتی ایرانی در زمینه‌های مطبوعاتی و حقوق بشر؛
۳. تقویت سرویس‌های سخن‌پراکنی بین‌المللی از جمله رادیو فردا، بخش فارسی صدای آمریکا و راه‌اندازی وبگاه اینترنتی وزارت امور خارجه آمریکا به زبان فارسی؛
۴. راه‌اندازی دفتر امور ایران در دوی، با وظایف مدیریت هزینه بودجه آمریکا علیه ایران، جذب عناصر مستعد مخالف ایران، فعال‌سازی اقدام‌های پنهان علیه ایران، جمع‌آوری اطلاعات و همچنین جذب سازمان‌های غیردولتی مستعد و در نهایت آموزش روش‌های گوناگون مقابله با جمهوری اسلامی

به عوامل و مرتبطين؛

۵. تمديد قانون تحريم اقتصادى ايران معروف به قانون «داماتو» تا سال ۲۰۰۶ و سپس گنجاندن آن در قانون «حمایت از آزادی ایران»؛
 ۶. ایجاد ائتلافی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به همراه مصر و اردن علیه ایران از طریق دامن زدن به شیعه هراسی، راه‌اندازی جنگ عقیدتی و فرافکنی در مسئله امنیت عراق؛
 ۷. بین‌المللی‌سازی مسئله هسته‌ای ایران، متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم و مطرح‌سازی تهدید ایران علیه امنیت بین‌المللی.
- علاوه بر آنچه در بالا گذشت، اسناد بسیار دیگری وجود دارند که وجود «برنامه ریزی هدفمند» و «راهبرد مبارزاتی غرب علیه ایران» را بدون کوچک‌ترین تردیدی به اثبات می‌رساند. تنها در سال ۲۰۱۰ میلادی صدها سند رسمی از سوی آمریکا و کشورهای غربی به تصویب رسیده و منتشر شدند که موضوع اصلی آن‌ها را «تسریع در براندازی حکومت ایران» تشکیل می‌داد.^۱ سند ۱۶۴ صفحه‌ای مرکز سابان^۲ وابسته به انستیتوی آمریکایی بروکینگز^۳ که در فصول متعدد آن به شیوه‌های گوناگون براندازی جمهوری اسلامی پرداخته شده و در نهایت، براندازی مخملی به‌عنوان برترین گزینه انتخاب شده است، پژوهش بنیاد آمریکایی هریتیج^۴ در خصوص نقش شبکه‌های اینترنتی در انقلاب مخملی ایران و بسیاری اسناد از این دست، در این زمره قرار دارند. طبق آمارهای موجود، در حال حاضر حداقل ۶۰ بنیاد رسمی در غرب موضوع جنگ نرم در ایران را سیاست‌گذاری و دنبال می‌کنند. (همان)

کشورهای غربی، علاوه بر آشکار کردن مواضع و سیاست‌های براندازانه خود در قبال جمهوری اسلامی، به‌طور مستمر بر وجود شرکایی در ایران برای تحقق برنامه‌ها

۱- از آن جمله، قانون «نفوذ یا قربانیان سانسور در ایران - Voice Act» است، که کنگره آمریکا با هزینه ۵۵ میلیون دلاری برای مبارزه با ایران در تاریخ ۶ اکتبر ۲۰۰۹ (۸۸/۷/۱۴) منتشر کرده و در سال ۲۰۱۰، ۴۵ میلیون دلار آن به تصویب رسید.

2 - Saban Center

3 - Brookings Institute

4 - The Heritage Foundation

و سناریوهای براندازانه اذعان داشته‌اند. نطق معروف بوش^۱، مواضع او باما در حمایت از اغتشاش گران و عوامل ناآرامی‌های پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در تهران^۲ و حمایت‌های صریح رؤسای جمهور و وزیران امور خارجه اغلب کشورهای اروپایی از فتنه گران پس از انتخابات^۳، پرده از واقعیت دیگری برمی‌دارد. سناریوی براندازی نظام اسلامی، علاوه بر راهبران برون مرزی، مهره‌ها و عواملی در داخل ایران دارد و این ترکیب در ساخت فکری و اجرایی همگونی قرار دارند. این مهم، در بخشی از کتاب مربوط به مؤسسه آمریکایی رند تصریح شده است (همان).

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر در مناسبت‌های مختلف به این نوع از تهدیدهای دشمنان اشاره کرده‌اند. ایشان در این سال‌ها، دیگر از واژه تهدید استفاده نکرده، بلکه معتقدند دشمنان دیگر از مرز تهدید نرم عبور نموده و «جنگ نرم» را علیه ملت و نظام اسلامی تدارک دیده‌اند، چنانکه می‌فرمایند:

۱- وی گفته بود، ما از دموکرات‌ها و اصلاح طلبان از بیروت و بغداد تا دمشق و تهران حمایت خواهیم کرد و در کنار آن‌ها خواهیم ایستاد. (بی‌بی سی، ۱۵ دی ۱۳۸۶) // «ما در منطقه امید زیادی به اصلاح طلبان و فعالان حقوق بشر داریم. ما از اصلاح طلبان، فعالان حقوق بشر، ناراضیان سیاسی، در سراسر منطقه حمایت می‌کنیم و با آن‌ها همراهیم.» مصاحبه بوش با سی ان ان، ۱۷ آذر ۱۳۸۷)

۲- «ما به عزت خاموش اصلاح طلبانی همچون آنگ سانگ سو کی، شجاعت زیمبابوهای‌هایی که رأی خود را در مقابل ضرب و جرح به صندوق انداختند و صدها هزار نفری که ساکت در خیابان‌های تهران راهپیمایی کرده‌اند، گواهی می‌دهیم.» (مراسم اهدای صلح نوبل، بی بی سی، ۱۹ آذر ۱۳۸۸) // «تصمیم رهبران ایران برای اداره دولت از طریق ترس و خودکامگی ادامه نخواهد داشت. ماه‌هاست که مردم ایران به‌جز دنبال کردن حقوق خود به دنبال چیز دیگری نیستند و هر بار با مشت آهنی بی‌رحمی مواجه می‌شوند و هر بار جهان با تحسین عمیق شجاعت مردم ایران به این حوادث می‌نگرد.» (بی بی سی، ۸ دی ۱۳۸۸)

۳- «ما به شدت این سرکوب خشونت آمیز و ناعادلانه شهروندان ایرانی را که در پی اعمال حقوق جهانی خود بودند محکوم می‌کنیم.» (مایک همر، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا، خبرگزاری بلومبرگ، ۶ دی ۸۸) // «فرانسه دستگیری‌های خودسرانه علیه تظاهرات ساده‌ای را که در دفاع از حق خود برای آزادی بیان و میل به مردم سالاری صورت گرفت محکوم می‌کند.» (بیانیه وزارت خارجه فرانسه، ۷ دی ۸۸) // «حراست از جان انسان‌ها یک ارزش اساسی است که باید در هر جا و تحت هر شرایطی از آن دفاع کرد. ایتالیا امیدوار است که گفت‌وگوی دولت و جناح مخالف ایران در چارچوب احترام به حقوق انسان‌ها و به‌ویژه احترام به زندگی آنان توسعه یابد.» (بیانیه وزارت خارجه ایتالیا، ۷ دی ۸۸) // «وقتی که یک رژیم به مردم خود شلیک می‌کند، به پایین‌ترین سطح، نزول کرده است و اتحادیه اروپا می‌بایست ایران را برای رعایت حقوق بشر تحت فشار بگذارد.» (وزیر امور خارجه ایتالیا، بی بی سی، ۱۳ دی ۸۸) // «قتل غم‌انگیز طرفداران اپوزیسیون در ایران، نشان دیگری است که رژیم این کشور چگونه با اعتراضات برخورد می‌کند.» (وزیر امور خارجه انگلیس، بی بی سی، ۷ دی ۸۸) // «الآن زمان تشدید تحریم‌ها علیه ایران است. اگر در حال حاضر تحریم‌ها زیاد نشود، زمان از دست می‌رود.» (بنیامین نتانیاهو)

«جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمان‌ها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را؛ این‌ها را انسان دارد می‌بیند، خوب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم» (بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۱۴/۰۶/۱۳۸۸).

در جای دیگر نیز فرمودند:

«امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمی‌گوییم به کلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمی‌خواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آن‌ها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ این‌ها می‌آید که این‌ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می‌کنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می‌کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده می‌کند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری به تاریخ ۲/۰۷/۱۳۸۸).

در واقع، مقام معظم رهبری از ابتدای دهه هفتاد، در باره‌ی تهاجم فرهنگی و

جنگ نرم دشمن، علیه جمهوری اسلامی یادآور شده‌اند که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

- «تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد، وجود دارد. به قول امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه)، «من نام لم ینم عنه»، اگر شما را در سنگر خواب برد، معنایش این نیست که دشمنت هم در سنگر مقابل خوابش برده است، تو خوابت برده، سعی کن خود را بیدار کنی» (دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی؛ ۲۰ آذر ۱۳۷۰).

- «امروز آرایش تهاجمی فرهنگی بسیار خطرناکی علیه انقلاب به‌وضوح مشاهده می‌شود، زیرا جهان اسلام بیدار و هوشیار شده است. از این رو، تهاجم فرهنگی دشمن با گذشته تفاوت بسیار دارد و شکل جدیدی پیدا کرده است و برای مقابله با آن باید با شناخت و آگاهی کامل عمل کنیم» (دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۲۰ آذر ۱۳۷۰).

- «من یک وقت گفتم این‌ها دارند شبیخون فرهنگی می‌زنند. این راست است و خدا می‌داند که راست است، بعضی نمی‌فهمند، یعنی صحنه را نمی‌بینند. کسی که صحنه را می‌بیند ملتفت است که دشمن دارد چه کار می‌کند و می‌فهمند که شبیخون است و چه شبیخونی هم هست!» (دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۲).

- «حقیقت آن است که امپراتوری بین‌المللی زر و زور، به سردمداری آمریکا، با همه توان خود در برابر تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر جهان اسلام، به جدّ و جهد مشغول است. رژیم آمریکا و شبکه بین‌المللی صهیونیسم با مایوس شدن از مقابله نظامی و اقتصادی با ایران اسلامی، اینک بر تلاش تبلیغی و سیاسی خود افزوده‌اند» (پیام رهبری به حجاج بیت الله الحرام؛ ۲۸ اسفند ۱۳۷۷).

- «اینکه ما مکرر گفته‌ایم و می‌گوییم که توطئه فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می‌کنم، متکی به استدلال است. شعار نمی‌دهم، من این را مشاهده می‌کنم. امروز دشمن با شیوهی بسیار زیرکانه‌ای در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه‌ی تمام‌عیار فرهنگی علیه ماست» (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۲۳ مهر ۱۳۸۰).

- «وقتی انسان، تجهیز، صف‌آرایی، دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ فشرده شده علیه انقلاب، امام خمینی و آرمان‌های نظام

اسلامی را می‌بیند، وجود این جنگ نرم را باور می‌کند؛ هرچند ممکن است
 عده‌ای این‌ها را نبینند» (دیدار با جمعی از شعرا؛ ۱۴ مهر ۱۳۸۸).

۲- ویژگی‌های جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران
 امروزه جنگ نرم مؤثرترین، کارآمدترین، کم‌هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین
 و پیچیده‌ترین نوع جنگ علیه ارزش‌ها و امنیت ملی یک کشور است، چون با
 کمترین هزینه، با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی می‌توان به
 هدف‌ها رسید. این جنگ، نبردی خاموش است و از آن رو که افراد مورد تهاجم،
 بی‌دفاع و دچار غفلت می‌شوند، خطرناک‌تر است؛ زیرا با باورها، ارزش‌ها، عواطف و
 احساسات یک ملت در بلند مدت ارتباط دارد. برای شناخت هر پدیده، بهتر است
 ویژگی‌های متمایز کننده آن مشخص شود. به اختصار مهم‌ترین ویژگی‌های جنگ نرم
 از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت‌اند از:

* ذهنی و غیر محسوس بودن

«در تهاجم نظامی، شما طرفتان را می‌شناسید، دشمنان را می‌بینید؛ اما در
 تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان
 نمی‌بینید» (۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸).

* تدریجی و آرام بودن

«جنگ نرم طی یک فرایند تدریجی، خزنده و آرام اعمال می‌شود؛ به عبارت
 دیگر، تحولات فرهنگی و تغییر هویت و ویژگی‌ها و خصائص ملی زمان‌بر و
 گاهی با تغییرات نسلی هم‌زاد است. تهاجم فرهنگی، مثل خودِ کار فرهنگی،
 اقدام آرام و بی‌سر و صدایی است» (۲۱ مرداد ۱۳۷۱).

* عام و فراگیر

«جنگ سخت، اغلب گروه محدودی از افراد جامعه، معمولاً نظامیان را آماج
 قرار می‌دهد. در حالی که جنگ نرم، بر تمامی گروه‌های جامعه تأثیر
 می‌گذارد. مرجع امنیت، در حوزه‌ی جنگ سخت، سرزمین و دولت‌ها است.
 در حالی که در جنگ نرم مردمان و نخبگان کشور هدف است. تهاجم
 فرهنگی عرصه‌های متنوع دارد. طبعاً مقابله با آن‌ها نیز متنوع است» (۲۲
 اردیبهشت ۱۳۸۲).

* غلبه بعد فرهنگی جنگ نرم بر سایر ابعاد

«گرچه جنگ نرم همه ابعاد یک سیستم، به ویژه در سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لیکن بعد فرهنگی آن‌ها برجسته‌تر از سایر ابعاد است و با دگرگونی هویت فرهنگی نظام سیاسی موجود، ناکارآمد گردیده و زمینه‌های فروپاشی آن فراهم می‌شود. اساس کار جنگ نرم، بر پایه یک حرکت فرهنگی و روانی است» (۲۳ اسفند ۱۳۷۸).

* ریشه‌ای و عمیق بودن

«این تهاجم فرهنگی که بنده چند سال قبل گفتم، این شبیخون فرهنگی که انسان در بخش‌های مختلف علائم آن را مشاهده می‌کرد و امروز هم انسان آن را در بخش‌های مختلفی می‌بیند، به این نیت است، با این قصد است [که] انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند. این، از همان نقاط حساسی است که هوشیاری مردم را می‌طلبد»

* پیچیده

«امروز آرایش رسانه‌ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد، بسیار آرایش پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است. مبارزه‌ای پیچیده‌تر و سخت‌تر از مبارزه با دشمنان است» (دیدار با دانشجویان و استادان استان قزوین؛ ۲۶ آذر ۱۳۸۲).

* هدفمند و سازمان یافته.

جنگ نرم، با سناریوی از پیش تدوین شده و با طرح و نقشه قبلی همراه با خصومت و دشمنی به سامان می‌رسد. از این رو، باید مصادیق جنگ نرم دشمن، از آسیب‌های داخلی که ناشی از ناکارآمدی یا ضعف نظام است، تفکیک شود.

«در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است» (۱۹ تیر ۱۳۷۴).

«جنگ نرم حمله همه جانبه و سازمان‌دهی شده است» (دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۲۳ مرداد ۱۳۷۰).

* فتنه‌آمیز بودن

«مخلوط کردن کلمه حق با کلمه باطل» (دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون؛ ۲۲ آذر ۱۳۸۸).

«تبدیل نقاط قوت به ضعف» (دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی؛ ۳ شهریور ۱۳۸۸).
 «در جنگ نرم دشمن به صورت دوست جلوه می‌کند» (دیدار عمومی با مردم چالوس و نوشهر؛ ۱۵ دی ۱۳۸۸).
 «حقیقت را به شکل باطل و باطل را در لباس حقیقت نشان دادن» (دیدار عمومی با مردم چالوس و نوشهر؛ ۱۵ دی ۱۳۸۸).
 «ضربه زدن از نقاطی که مردم قدرت تحلیل ندارند» (دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج؛ ۳۰ آبان ۱۳۷۲).



شکل شماره ۱۴: ویژگی‌های جنگ نرم

۳- اهداف دشمن در جنگ نرم
 هدف نهایی در جنگ نرم، همان هدف جنگ سخت یعنی مهار و فروپاشی یک نظام سیاسی است. لیکن ابزار و روش‌های این براندازی متفاوت است. اگر در جنگ سخت

با اشغال سرزمین، براندازی یک نظام سیاسی محقق می‌شود و نظام دفاعی و امنیتی یک کشور فرو می‌ریزد، در جنگ نرم تلاش می‌شود با تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور که هویت دهنده نظام سیاسی است، به چالش کشیده شود. در صورتی که دشمن در براندازی نرم موفق شود، در واقع با پروژه بی‌اعتبارسازی و اعتمادزدایی از نظام سیاسی، براندازی به نتیجه خواهد رسید. از منظر مقام معظم رهبری، اهداف جنگ نرم را در دو سرفصل کلی اهداف سیاسی و فرهنگی می‌توان تقسیم کرد:

الف) اهداف فرهنگی

(۱) **بی‌اعتقاد کردن نسل نو به دین و اصول انقلابی** (دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش؛ ۲۵ دی ۱۳۷۰).

(۲) **کشاندن نسل جوان جامعه به ابتذال و فساد اخلاقی** (دیدار با اعضای عالی شورای انقلاب فرهنگی؛ ۱۹ آذر ۱۳۷۱).

(۳) **تضعیف فرهنگ ملی و اسلامی ایران** (دیدار با فرماندهان گردان‌های عاشورای نیروی مقاومت بسیج؛ ۲۲ تیر ۱۳۷۱).

(۴) **منحرف کردن جوان‌های مؤمن از پایبندی متعصبانه به ایمان و باورهای خود** (دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش؛ ۲۱ مرداد ۱۳۷۱).

(۵) **عوض کردن ذهن مردم از اسلام** (دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۲).

(۶) **جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای مردم** (دیدار با دانشگاهیان استان آذربایجان شرقی؛ ۹ مرداد ۱۳۷۲).

(۷) **هدف قراردادن فرهنگ اسلام ناب که انقلاب اسلامی بر اساس آن بنیاد نهاده شده است** (دیدار با خانواده‌های شهدای استان خوزستان؛ ۱۸ اسفند ۱۳۷۵).

(۸) **سدست کردن همت جوانان در داخل کشور** (پیام به حجاج بیت الله الحرام؛ ۲۳ اسفند ۱۳۷۸).

(۹) **ایجاد استحاله درونی در ایران** (بیانات در نماز جمعه تهران؛ ۲۳ آبان ۱۳۸۲).

(۱۰) **تضعیف روحیه و ایجاد انفعال در ملت ایران** (دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های یزد؛ ۱۳ دی ۱۳۸۶).

(۱۱) **تهی کردن انقلاب از محتوای اسلامی و دینی** (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۲۹ خرداد ۱۳۸۸).

(۱۲) **استحاله تفکر شیعی** (دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۲۷ بهمن ۱۳۷۹).

(۱۳) **تصرف پُشت جبههٔ انقلاب، یعنی مردم (دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۲۳ مرداد ۱۳۷۰).**

ب) اهداف سیاسی

(۱) **حذف تفکر فعالی که غرب و قلمرو قدرت آن را به خطر انداخته (دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش؛ ۲۵ دی ۱۳۷۰).**

(۲) **ایجاد تصویری تاریک از آینده‌ی کشور برای مردم (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۹).**

(۳) **ناامید کردن شیفتگان حاکمیت اسلامی در جهان (دیدار با خانواده‌های شهدای استان خوزستان؛ ۱۸ اسفند ۱۳۷۵).**

(۴) **خاموش کردن روحیه جهادی در صحنه‌های انقلاب و سازندگی (دهمین گردهمایی سراسری ائمه جمعه؛ ۲۱ شهریور ۱۳۷۳).**

(۵) **پشیمان کردن مجاهدان از مجاهدت‌های گذشته (دهمین گردهمایی سراسری ائمه جمعه؛ ۲۱ شهریور ۱۳۷۳).**

(۶) **ناامید کردن جامعه در مبارزه علیه نظام سلطه (دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و روز معلم؛ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۲).**

(۷) **از حیثیت و اعتبار انداختن مقاومت در میان ملت ایران (بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح؛ ۴ مهر ۱۳۸۰).**

(۸) **ایجاد اختلاف و به جان هم انداختن فعالان سیاسی (دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان و تشکل‌های مختلف دانشگاهی در آستانه سالروز سیزده آبان؛ ۸ آبان ۱۳۸۷).**

(۹) **گرفتن اعتماد، مشارکت و مشروعیت (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۲۹ خرداد ۱۳۸۸).**

(۱۰) **تهی کردن انقلاب از روح انقلابی (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۲۹ خرداد ۱۳۸۸).**

(۱۱) **تضعیف باورهای سیاسی (دیدار با خانواده‌های شهدای استان خوزستان؛ ۱۸ اسفند ۱۳۷۵).**

(۱۲) **ایجاد انفعال در مقابل دشمن (دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران؛ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۲).**

(۱۳) **ایجاد شکاف میان ایران و دو ستداران انقلاب اسلامی ایران (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام؛ ۲۳ اسفند ۱۳۷۸).**

(۱۴) **تردیدافکنی در کار مسئولان رسمی کشور (دیدار با دانش‌آموزان ۱۲ آبان ۱۳۸۸).**

۴- اقدامات دشمن در جنگ نرم

- (۱) **زیر سؤال بردن تفکر سیاسی اسلام** (دیدار با اعضای عالی شورای انقلاب فرهنگی؛ ۱۹ آذر ۱۳۷۱).
- (۲) **کشاندن نسل جوان جامعه به ابتذال و فساد اخلاقی** (دیدار با اعضای عالی شورای انقلاب فرهنگی؛ ۱۹ آذر ۱۳۷۱).
- (۳) **منصرف کردن جوان‌های مؤمن از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان** (دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش؛ ۲۱ مرداد ۱۳۷۱).
- (۴) **بزرگ‌نمایی از توانمندی‌های غرب** (دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج؛ ۳۰ آبان ۱۳۷۲).
- (۵) **کشتن فروغ و امید در دل‌ها** (دیدار با مردم؛ ۱۵ شعبان ۱۳۷۵).
- (۶) **تئوری‌سازی بر اساس اندیشه‌ی فرهنگی غرب** (دیدار با وزیر و معاونان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۸).
- (۷) **تحقیر جریان ادب، هنر و فرهنگ انقلابی در ایران** (دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش؛ ۲۱ مرداد ۱۳۷۱).
- (۸) **انزوای عناصر فرهنگی، ادیب و هنرمند انقلابی** (دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش؛ ۲۱ مرداد ۱۳۷۱).
- (۹) **القای رویگردانی ملت و دولت ایران از اهداف انقلابی** (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام؛ ۲۳ اسفند ۱۳۷۸).
- (۱۰) **سد کردن همت جوانان در داخل کشور** (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام؛ ۲۳ اسفند ۱۳۷۸).
- (۱۱) **ارائه تصویر تاریکی از آینده کشور و ناامید کردن مردم** (بیانات در نماز جمعه تهران؛ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۹).
- (۱۲) **ایجاد بدبینی و شکاف بین مردم و دولت‌مردان** (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۹).
- (۱۳) **تیره و تار و مبهم نشان دادن افق آینده برای جوانان** (دیدار با مدیران و کارکنان صدا و سیما؛ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲).
- (۱۴) **ایجاد تشنج، اغتشاش و ناامنی در جامعه** (دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون؛ ۲۲ آذر ۱۳۸۸).
- (۱۵) **ایجاد اختلافات مذهبی در بین مسلمانان** (دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون؛ ۲۲ آذر ۱۳۸۸).
- (۱۶) **بهره‌گیری از محیط فتنه‌آلود** (دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون؛ ۲۲ آذر ۱۳۸۸).
- (۱۷) **ایجاد تردید در مسئولان نسبت به حقایق روشن** (دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون؛ ۲۲ آذر ۱۳۸۸).

- (۱۸) ایجاد اختلافات بین ملت ایران و ملت ایران با مسلمانان دیگر (دیدار با اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی؛ ۱ فروردین ۱۳۸۶).
- (۱۹) شایعه سازی و شایعه پراکنی نسبت به مسئولان (دیدار با دانش‌آموزان در آستانه سیزده آبان؛ ۱۲ آبان ۱۳۸۸).
- (۲۰) از کار انداختن پویایی افراد نخبه، مبتکر، جوان و با نشاط جامعه (دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۲ مهر ۱۳۸۸).
- (۲۱) ایجاد غفلت نسبت به تهاجم فرهنگی دشمن (دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۴ آذر ۱۳۶۹).
- (۲۲) انکار تهاجم فرهنگی و نادیده گرفتن آن (دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی؛ ۲۰ آذر ۱۳۷۰).
- (۲۳) استفاده از سلاح عملیات روانی (پیام رهبری به حجاج بیت‌الله الحرام؛ ۱۲ اسفند ۱۳۷۹).
- (۲۴) استفاده صدها وبگاه اصلی و هزاران وبگاه فرعی در اینترنت (دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۲۷ بهمن ۱۳۷۹).
- (۲۵) دروغ‌سازی و شایعه‌پراکنی با ابزارهای پیشرفته ارتباطی (دیدار با جمع زیادی از بسیجیان کشور؛ ۰۴ آذر ۱۳۸۸).
- (۲۶) بهره‌گیری از سلاح تبلیغات و ارتباطات رسانه‌ای (دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۲ مهر ۱۳۸۸).
- (۲۷) بهره‌گیری از هالیوود و قدرت اثرگذار هنر در غرب (دیدار با جمعی از نخبگان علمی کشور؛ ۰۶ آبان ۱۳۸۸).
- (۲۸) انتشار لحظه به لحظه اخبار ضد نظام (دیدار عمومی با مردم چالوس و بو شهر؛ ۱۵ مهر ۱۳۸۸).
- (۲۹) فریب با استفاده از ساده‌لوحی و هوی و هوس (دیدار با دانش‌آموزان در آستانه سیزده آبان؛ ۱۲ آبان ۱۳۸۸).

بخش سوم: راهبردهای مقابله با جنگ نرم

«جنگ نرم» به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر سیاست امنیتی جهان غرب به سرکردگی آمریکا در برخورد با «جبهه‌ی مقاومت» محسوب می‌شود که از سال ۲۰۰۸ به بعد انگیزه نظام سلطه برای کاربرد آن علیه کشورهای جبهه‌ی مقاومت افزایش یافت.

در چنین شرایطی، ضرورت مقابله با «تهدیدات نرم» و به معنای حقیقی کلمه

«جنگ نرم» قدرت‌های بزرگ، در دستور کار سیاست خارجی، راهبردی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. مقابله با «جنگ نرم» به‌عنوان زیربنای اندیشه‌ی دفاعی و راهبردی امام خامنه‌ای (مدظله) محسوب می‌شود. چنین رویکردی را می‌توان بخشی از الگوی کنش نامتقارن ایران در مقابله با تهدیداتی دانست که طی سال‌های ۱۳۶۸ به بعد در مقابله با جمهوری اسلامی سازمان‌دهی شده است. در دهه اول انقلاب اسلامی، شاهد کاربرد سازوکارهای قدرت سخت‌افزاری از جمله «اقدامات نظامی مستقیم» آمریکا، «جنگ نیابتی» عراق علیه ایران و کنش امنیتی گروه‌های ضد حکومتی در قالب «جنگ کم‌شدت» بوده‌ایم. الگوهای کنش راهبردی آمریکا علیه ایران در دهه ۱۹۹۰ که مقارن با پایان جنگ سرد بود، با تغییرات بنیادین روبرو شده است. تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل، زمینه‌های تغییر در الگوی راهبردی آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران را به وجود آورده است؛ بنابراین، مقابله با تهدیدات نرم به‌عنوان یکی از ضرورت‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. چنین ضرورتی در بسیاری از ادبیات سیاسی و قالب‌های گفتمانی مقام معظم رهبری در دوران‌های مختلف تاریخی مورد تأکید قرار گرفته و راهبردهایی را برای مقابله آن ارائه کردند که تحت عناوین راهبردهای زیربنایی، راهبردهای اجرایی، راهبردهای تبیینی و نهادینه سازی و راهبردهای تداوم و کسب نتیجه مطلوب به آن‌ها اشاره خواهد شد.

الف) راهبردهای زیر بنایی

* تشکیل اتاق فکر

شناخت دقیق چشم‌اندازها، اهداف و رسالت‌ها، وضعیت موجود، وضعیت مطلوب و طراحی دقیق نظام ارزیابی از اموری است که باید در اتاق فکر برای مقابله با جنگ نرم تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی می‌شود. به عبارتی، اتاق فکر است که مقابله با جنگ نرم را هدایت می‌کند و پیش می‌برد. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، این‌ها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ این‌ها کارهایی است که خود شماها

باید در مجامع اصلی تان، فکری تان، در اتاق‌های فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید» (دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴).

* کلان‌نگری در طراحی و راهکارها

برخورد ما با موضوعات و مسائل، از نظر علمی و عملی، تکه تکه، جزئی و جستاری است. واقعیت این است که در دنیای امروز باید هم بنیادی و جامع و هم نظام‌مند و هدفمند، با پدیده‌ها و اوضاع علمی و به‌ویژه عملی برخورد کرد. اگر قرار است مسائل علمی و عملی حل شود، باید بادید کلان و راهبردی با آن برخورد کرد. باید در نظر گرفت که تفوق مقطعی صرف مد نظر نیست. می‌بایست اهداف مواجهه، هم عرض همدیگر و با نگاهی کلان دیده شود. برای مثال، اگر تنها مغلوب کردن حریف هدف قرار بگیرد و حفظ آرامش محیط جامعه لحاظ نشود، باید پذیرفت که راه به بیراهه سپرده شده است. برگزاری نشست‌های متعدد اندیشه‌های راهبردی «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» با حضور رهبر معظم انقلاب طی سال‌های اخیر می‌تواند در این راستا تلقی گردد. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«در این جنگ نرم باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدف‌های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آن چنانی که خود او نداند سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید» (در دیدار اساتید دانشگاه‌های کشور ۸۸/۶/۸).

* ضرورت مخاطب‌شناسی

تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای تحقق یک ایده مطلوب، بدون شناخت مخاطب آن، انحراف جدی و در نهایت نابودی ایده را رقم خواهد زد. امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی در باب این ضرورت می‌فرمایند:

«شما باید بدانید که مخاطب شما کیست و طرف سخن و پیام شما چه کسی است؟ تشخیص و بازشناسی سریع مخاطب، یک اصل مهم در کار تبلیغ و مطالبی که به جوانان به‌عنوان بخش اصلی مخاطبین شما عرضه می‌شود باید شکل پرجاذبه‌ای داشته باشد تا قشر جوان با توجه به طبیعت خاص خود مطالب عرضه شده را به‌طور مفید و مؤثر دریافت کند» (۷۶/۳/۲۶).

* تقسیم کار

تقسیم کار یکی از اصول مقابله با هر جنگی است. بدیهی است جنگ نرم با حجم وسیع تخریبی، نمی‌تواند خارج از این قاعده عمل کند. اهداف، مخاطبین، شیوه‌ها و راهکنش‌های (تاکتیک) این جنگ، اکثریت قریب به اتفاق نهادها و سازمان‌ها را به صورت تخصصی و آحاد جامعه اسلامی را به صورت عام برای مسئولیت پذیری درگیر این ماجرا می‌کند. آنچه در تقسیم کار، رعایت آن الزام آور است، هماهنگی بین دستگاه‌ها و همکاری عموم مردم است. هرگونه کوتاهی در انجام وظایف محوله و موازی کاری، خطر و زیانی جدی در مقابله با جنگ نرم تلقی می‌شود. رهبر معظم انقلاب در بازدید از نمایشگاه دستاوردهای تحقیقاتی نیروهای مسلح در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱ فرمودند:

«کارهای مراکز تحقیقاتی باید مکمل یکدیگر باشند تا از موازی کاری و هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی جلوگیری شود».

* توجه ویژه به عمق و دامنه جنگ‌های اطلاعاتی - امنیتی

اقدامات شبکه‌های جاسوسی غرب به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی برای نفوذ در نهادهای راهبردی نظام باهدف بی‌ثبات سازی امنیت اجتماعی، گسترش نافرمانی مدنی^۱ و رفع خلأ اطلاعاتی، در ردیف تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود (www.hawzah.net) که برخی مصادیق آن عبارت‌اند از:

- تحریک به ایجاد و گسترش برخی تنش‌های قومی در استان‌های شمال غربی کشور توسط عوامل جاسوسی رژیم صهیونیستی در کردستان عراق و جمهوری آذربایجان (حجت الله مرادی، ۱۳۸۹: ۴۷۸)؛

- افزایش قابل توجه بودجه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده؛ مدیر اطلاعات ملی ایالات متحده بودجه این سازمان برای سال ۲۰۰۸ را ۴۷/۵ میلیارد دلار اعلام کرد که جدا از هزینه برنامه‌های اطلاعاتی نظامی^۲ می‌باشد که حداقل شامل ده میلیارد دلار است. افشای بودجه اداره اطلاعات ملی آمریکا برای چهارمین بار است که

1 - Civi Disobedience

2 - Military Intelligence Program

به صورت رسمی اعلام می شود. بودجه این اداره در سال های ۱۹۹۷، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۷ به ترتیب برابر ۲۶/۴۳،۶/۵ و ۲۶/۷ میلیارد دلار بوده است (www.hawzah.net). این رقم بیانگر جهش قابل توجه بودجه‌ی شبکه‌های جاسوسی آمریکا پس از حادثه یازده سپتامبر است که با هدف رفع خلأ اطلاعاتی عملیات‌های مداخله جویانه ایالات متحده به تصویب رسیده است. بخش قابل توجهی از این بودجه شامل تأمین مالی طرح‌های جاسوسی در خاورمیانه مانند جمهوری اسلامی ایران است.

- شستشوی مغزی پناهندگان ایرانی و کاربست هدفمند آنان در شبکه‌های جاسوسی؛ یکی از شیوه‌های خصمانه جنگ اطلاعاتی غرب و آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، تمرکز بر گروه‌ها و افرادی است که به صورت قانونی یا غیرقانونی از کشور خارج شده و در اردوگاه‌های پناهندگی به‌ویژه در سوئد، فرانسه، هلند و آلمان مستقر شده‌اند؛ زیرا وابستگی و علقه آنان به آب و خاک ایران کمرنگ و بستر خیانت و جذب آنان در ساختار شبکه‌های اطلاعاتی مخالفان نظام فراهم است. این سناریو محتمل است که ایالات متحده بخشی از کار ویژه شناسایی افراد خود فروخته را توسط گروهک تروریستی منافقین انجام دهد؛ زیرا تمرکز آنان در اردوگاه‌های پناهندگی زیاد است و بخشی از عضوگیری را نیز به صورت مستقیم انجام داده و با آموزش‌های لازم و بازگشت سازمان‌دهی شده‌شان به ایران، از آنان در اهداف جاسوسی یا بی‌ثبات سازی استفاده کند (همان). همچنین این سناریو محتمل است که برخی فعالیت‌های اطلاعاتی دشمنان نظام از طریق گروه‌های تحقیقاتی - آموزشی، گروه‌های دیپلماتیک سایر کشورها، گروهک‌های تروریستی سازمان یافته مانند منافقین، تیم‌های بازرسی آژانس انرژی اتمی و جهانگرد پیگیری شود (مرادی، ۱۳۸۹: ۲۵۵). گسترش تجهیزات جاسوسی و ماهواره‌ای در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، تأسیس میز مخصوص مطالعات ایران در وزارت امور خارجه و پنتاگون یا ایجاد دفاتر ویژه مربوط به ایران، به‌ویژه در شهرهایی مانند باکو، استانبول، دبی، نجف، کربلا و بصره که محل تردد تعداد زیادی از ایرانیان است که یکی از کارویژه‌های آن‌ها جذب نخبگان علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و یا تبدیل آنان به عوامل نفوذی در نهادهای استراتژیک امنیتی، نظامی و اقتصادی است از جمله فعالیت‌های اطلاعاتی است (www.hawzah.net). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان

رهبری در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲ در این باب دارای اهمیت بسیار است. ایشان در آن دیدار فرمودند:

«خبرهایی که از مراکز حساس سیاسی و امنیتی دنیا به دست ما می‌رسد، نشان می‌دهد که دستگاه‌های عظیمی، گسترده‌ای، با بودجه‌های کلانی، به‌طور دائم متوجه به‌نظام جمهوری اسلامی هستند؛ با انگیزه‌هایی که دارند، که گفته شده است و معلوم است برای ما و شما. دارند کار می‌کنند؛ هر روز طرحی را به میدان می‌آورند و هر روز عرصه‌ی جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی می‌آریند؛ و این ادامه هم پیدا خواهد کرد تا وقتی که مایوس بشوند».

* داشتن نگاه راهبردی و پیشگیرانه نسبت به ایجاد و توسعه‌ی هدفمند جنگ‌های فرقه‌ای

یکی از ابزارهای دکترین براندازی نرم با محوریت تضعیف اقتدار جهان اسلام، عملیاتی کردن تنش‌های عقیدتی - قومی با بهره‌گیری از ترفندهای عملیات روانی - رسانه‌ای است؛ به عبارتی دیگر، متولیان ناتوی فرهنگی قواعد و محیط بازی جغرافیای سیاسی جهان اسلام را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که دورنمای آن به سمت هدر رفتن بخشی از ظرفیت و منابع مادی و معنوی ملل اسلامی به سمت مهار تنش‌های فرقه‌ای متمرکز شود. در صورتی که این مهم به‌طور کامل و مناسب حاصل نشود، می‌تواند عمق راهبردی امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدهای ساختاری هویتی مواجه کند. برخی تهدیدهای نرم در این حوزه عبارت‌اند از: تلاش وهابیون برای شبهه افکنی در فرایض حج، افزایش تبلیغات گروه‌های ضاله در برخی نواحی استان‌های مرزی و... (www.hawzah.net). مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف، بر این نگاه تأکید و توصیه کرده و در باره‌ی غفلت از آن بارها هشدار داده‌اند. موارد زیر نمونه‌هایی از این فرمایشات است:

- «ما کشوری هستیم که ملت بزرگ و یکپارچه ما از اقوام و مذاهب گوناگون تشکیل شده است سعی دشمنان این ملت همیشه این بوده است که انگیزه‌های قومی را، انگیزه‌های مذهبی را، انگیزه‌های فرقه‌ای را و در برهه‌ی سیاسی شدن ملت ایران انگیزه‌های سیاسی و جناحی را بر این

حس اتحاد کلمه غلبه بدهد و تا امروز نتوانسته است» (در دیدار کارگزاران نظام در روز عید سعید فطر ۱۳۸۶/۷/۲۱).

- «کشورهای مسلمان قدر امت بزرگ اسلامی را بدانند. ما از تکه تکه شدن سودی نمی‌بریم، ما از دشمنی با یکدیگر سودی نمی‌بریم، ما از تشدید اختلافات قومی فرقه‌ای شیعه و سنی عرب و عجم سودی نمی‌بریم» (در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۶/۵/۲۰).
- «مسلمانان بر فراز همه شعارهای خود چه شعار قومیت، چه شعار مذاهب اختصاصی خودشان، چه شعارهای مربوط به سیاست‌های خودشان، باید شعار وحدت و یکپارچگی امت اسلامی را قرار دهند امروز برای آن‌ها یکی از کارآمدترین شعارها این است. میدانیم که استعمار و استکبار و دست قدرت‌های بیگانه همیشه سعی کرده است با انواع و اقسام حیل این وحدت را درهم بشکند» (در دیدار مسئولان نظام ۱۳۷۹/۱۰/۷).

راهبردهای زیر بنایی

ردیف	نوع
۱	تشکیل اتاق فکر
۲	کلان‌نگری در طراحی و راهکارها
۳	ضرورت مخاطب شناسی
۴	تقسیم کار
۵	توجه ویژه به عمق و دامنه جنگ‌های اطلاعاتی-امنیتی
۶	داشتن نگاه راهبردی و پیشگیرانه نسبت به ایجاد و توسعه هدفمند جنگ‌های فرقه‌ای

ب) راهبردهای اجرایی

* شناسایی به موقع تاکتیک‌های جنگ نرم و راه‌های مقابله با آن

برچسب زدن، شایعه پراکنی، دروغ، انسانیت زدایی و اهریمن سازی، سانسور خبری، جاذبه‌های جنسی، ایجاد تفرقه و تضاد و ترور شخصیت از جمله مهم‌ترین راهکنش‌های جنگ نرم هستند. شناسایی به موقع هریک از راهکنش‌ها، آماده سازی پادزهر در سریع‌ترین زمان ممکن، اجرا و اعمال عکس‌العمل در نظر گرفته شده با بالاترین اقتدار

و تأثیر گذاری، موفقیت قابل توجهی در مقابله با جنگ نرم را به دنبال خواهد داشت. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«جنگ نرم، یعنی جنگ به وسایلی ابزارهای فرهنگی، به وسایلی نفوذ، به وسایلی دروغ، به وسایلی شایعه پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده است» (بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴).

* آرایش سازمانی متناسب با جنگ نرم

همه‌ی سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و نظامی و غیرنظامی که به نحوی در جنگ نرم دشمن حاشیه امنی ندارند یا می‌توانند در مقابله با آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اثر گذار باشند، ضروری است آرایش سازمانی هماهنگ و متناسب با جنگ نرم ایجاد کنند. منظور از آرایش سازمانی این است که ساختار تشکیلاتی آن‌ها به گونه‌ای باشد که ضمن هماهنگی دستگاه‌ها باهم به جریان مقابله با جنگ نرم بیانجامد. برای مثال، اگر برخی از رده‌ها و زیر مجموعه‌ها در این مسیر قرار ندارند یا کمک چندانی به این مهم نمی‌کنند، ضروری است جابجایی و تغییراتی در آن‌ها صورت پذیرد. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«آرایش سازمانی ما باید به گونه‌ای باشد که بتوانیم همه ک شور را در همه ابعاد بیوشانیم؛ این آرایش باید کار آمد باشد؛ دارای قدرت انعطاف برای انطباق با شرایط گوناگون و پیش بینی نشده باشد؛ در برخورد با مسائل گوناگون توانایی سرعت و چالاکی داشته باشد، بتواند مواضع خودش را اتخاذ کند و کار ساز باشد» (دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۹/۱۱).

* بالابردن ظرفیت مسئولیت‌پذیری دستگاه‌های دولتی

بدیهی است که زمینه‌های تهدیدات نرم بسیار گسترده و پیچیده‌اند؛ به نحوی که سوءرفتار یک مقام مسئول در برخورد با مردم سوءمدیریت در بخش‌های اجرایی و فساد اداری و... می‌تواند عاملی برای ایجاد زمینه‌های جنگ نرم و نارضایتی عمومی باشند. به همین دلیل در عرصه‌ی داخلی تمام دستگاه‌های دولتی در جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌های جنگ نرم مسئولیت دارند. به طور کلی، بدون بالا بردن ظرفیت

مسئولیت‌پذیری تمام دستگاه‌های دولتی، نمی‌توان با تهدیدات نرم و جنگ نرم مقابله کرد. در اندیشه‌ی امام خامنه‌ای (مدظله) مسئولیت‌پذیری در نظام اسلامی جایگاهی ویژه دارد. ایشان هدف از مسئولیت‌پذیری و چگونگی آن را در دیدار مسئولان نظام این‌گونه تبیین می‌فرمایند:

«در نظام اسلامی هدف از مسئولیت‌پذیری؛ خدمت به مردم به‌ویژه مردم محروم و مستضعف جامعه است. اسم‌ها، عناوین و القاب افتخار آفرین نیستند؛ بلکه خدمتگزاری به مردم افتخار است و بر اساس همین اعتقاد بود که امام امت (ره) می‌فرمودند به من خدمتگزار بگویند بهتر است تا رهبر... لذت‌ها، بهره‌مندی‌ها و منافع مادی را تحقیر کنید و آن‌ها را کوچک بشمارید. ما با تقوا، ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشم مردم محبوب شدیم و با حفظ این‌هاست که می‌توان محبوب دل‌ها باقی ماند؛ با بی‌اعتنایی به جاذبه‌های زندگی و بیان صادقانه و صحیح واقعیت‌هاست که محبت و اعتماد مردم حاصل می‌شود. ما همان طلبه‌ی معلم و دانشجوی پیش از انقلاب هستیم و همان‌طور که امام فرمودند مردم ولی نعمت ما هستند و فلسفه وجودی ما جز خدمت به مردم چیز دیگری نیست» (۱۳۷۰/۵/۲۳).

* افزایش ظرفیت‌های سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور با ماهیت تهدید و جنگ نرم

بازیگران نقش اول جنگ نرم، سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور هستند. به عبارتی، پس از شناسایی تهدیدات نرم، تدابیر امنیتی و اطلاعاتی این سازمان‌ها است که جهت مبارزه را به مسئولان نشان می‌دهد. شناخت دقیق فرصت‌ها، تهدیدها و موقعیت‌ها، برخورداری از نیروی انسانی فعال و دلسوز، داشتن پیشرفته‌ترین تجهیزات مختص جنگ نرم، از جمله ظرفیت‌های سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور برای مقابله با جنگ نرم تلقی می‌شود. مقام معظم رهبری در باب افزایش ظرفیت‌های سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی خطاب به مسئولان وزارت اطلاعات فرمودند:

«وزارت اطلاعات... باید متناسب با حجم فعالیت دشمنان تلاش‌ها، اقدامات و نوآوری‌های مؤثری را سازمان‌دهی کند و اشراف اطلاعاتی خود را بیش از پیش گسترش دهد» (۱۳۸۷/۵/۲۳).

* تغییر نظام ارزش گذاری در وزارت علوم و کادرسازی هدفمند در حوزه‌ی

علوم انسانی

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از استادان و اعضای هیئت علمی، نخبگان و رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۸ با توجه به تحصیل حدود دو میلیون دانشجوی نیم دانشجوی کشور در رشته‌های علوم انسانی، در باب تغییر نظام ارزش گذاری در وزارت علوم و بحث حوزه‌ی علوم انسانی، نکاتی را مطرح کردند که خود گواه روشنی بر این ادعاست. ایشان تأکید کردند:

«انعکاس پژوهش‌ها در مجامع جهانی ضروری است؛ اما نباید ملاک پید شرف علمی که شور، درج مقالات در برخی مجامع جهانی باشد... این مسئله نگران کننده است؛ زیرا توانایی مراکز علمی و دانشگاه‌ها در زمینه کار بومی و تحقیقات اسلامی در علوم انسانی و همچنین تعداد اساتید مبرز و معتقد به جهان بینی اسلامی رشته‌های علوم انسانی در حد این تعداد دانشجوی نیست. بسیاری از علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی است که مبانی آن‌ها مادی‌گری و بی‌اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی است و آموزش این علوم موجب بی‌اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی می‌شود و آموزش این علوم انسانی در دانشگاه‌ها، منجر به ترویج شکاکیت و تردید در مبانی دینی و اعتقادی خواهد شد... مراکز تصمیم‌گیری اعم از دولت، مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی باید این موضوع را مورد توجه جدی قرار دهند».

ج) راهبردهای تثبیت و نهادینه سازی

* تبدیل ایده مقابله با جنگ نرم به یک نهضت و ارزش

یکی از رسالت‌های مهم مقابله با جنگ نرم این است که این ایده از لایه نخبگان فراتر رفته و به یک ارزش عمومی تبدیل شود. برای اجرای این مهم، نکات قابل تأمل زیر باید مد نظر قرار گیرد: ۱- جلوگیری از نهاد سازی به‌جای نهادینه سازی ۲- عدم نگاه فرمایشی و دستوری صرف به مسئله ۳- عدم روزمرگی و برخورد انفعالی ۴- جلوگیری

از شتاب‌زدگی ۵- نهاده‌ی نه کردن روش و منش فرهنگ اسلامی (با استفاده از آیات قرآن، روایات و احادیث و سیره نبوی و ائمه اطهار). ۶- عدم افراط و تفریط. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«همینی که حالا معمول شده که در بیان‌ها و در تلویزیون و توی دادگاه و

توی زبان همه، می‌گویند: جنگ نرم، را ست است، این یک واقعیت است؛

یعنی آن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از

جنگ — از سال ۶۷ — همیشه این را گفته‌ام بارها و بارها» (دیدار جمعی از شعرا

.۱۴/۶/۸۸)

راهبردهای اجرایی

ردیف	نوع
۱	شناسایی به موقع تاکتیک‌های جنگ نرم و راه‌های مقابله با آن
۲	آرایش سازمانی متناسب با جنگ نرم
۳	بالا بردن ظرفیت مسئولیت‌پذیری دستگاه‌های دولتی
۴	افزایش ظرفیت‌های سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور با ماهیت تهدید و جنگ نرم
۵	تغییر نظام ارزش‌گذاری در وزارت علوم و کادرسازی هدفمند در حوزه‌ی علوم انسانی

* آگاهی و عمق بخشی به بصیرت دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه

بالا بردن سطح آگاهی، بینش و بصیرت یکی دیگر از عوامل مهم در راهبردهای تثبیت و نهادینه سازی است. بصیرت، در لغت به معنی بینایی، دانایی، دوراندیشی و زیرکی است (فرهنگ فارسی عمید) و کسی که عمق مسائل و حوادث را با تیزبینی و زیرکی درک کند و حقایق و واقعیت‌ها را خوب تشخیص دهد، دارای بصیرت است. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«در خودتان بصیرت ایجاد کنید، قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید،

قدرتی که بتواند از واقعیت‌های جامعه، یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان

به وجود بیاورد و چیزی را بشناسد. این قدرت تحلیل خیلی مهم است.

هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هر ضرباتی که خوردیم همین طور بوده... نگذارید که دشمن از بی بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده بکند و واقعیتی را واژگون جلوه دهد. تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می‌آید، بر اثر یکی از این دو است، یا عدم بصیرت، یا عدم صبر. یا دچار غفلت می‌شوند و واقعیت‌ها را تشخیص نمی‌دهند، حقایق را نمی‌فهمند، یا باوجود فهمیدن واقعیات، از ایستادگی خسته می‌شوند» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۰).

اولین کاری که در مقابله با هرگونه عملیات نرم رقیب می‌تواند صورت بگیرد، «آگاهی‌بخشی» است. وقتی که از طریق آگاهی‌دهی، «مصون‌سازی» ایجاد شود، گام بزرگی برداشته شده است. البته این کار پیچیده است و در یک مقطع کوتاه انجام شدنی نیست. به عبارتی، این امر به یک فرآیند ملت‌سازی نیاز دارد. امام خمینی (ره) یک انقلاب را به پیروزی رساند، اما پیش از آن فرایند ملت‌سازی را آغاز کرده بود. انقلاب در واقع ثمره‌ی کار بود، نه شروع آن. این ملت‌سازی از چه زمان آغاز می‌شود؟ از مهدها. کشوری که می‌خواهد برای دنیا الگو درست کند، باید از لحاظ حرکت، نمونه‌ی مطلوب و مورد پذیرش را در مرکز جهان اسلام ایجاد و نهادینه کند؛ بنابراین، باید فرایند ملت‌سازی را که شروع شده است، تکمیل کرد؛ البته به‌عنوان یک فرایند مستمر؛ یعنی یک پروسه، نه پروژه (www.khamenei.ir).

* برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی جنگ نرم

در تمامی جنگ‌های سخت، قبل از هر عملیات، فرماندهان نقشه‌ی عملیاتی را جزء به جزء بررسی کرده، کمینگاه‌ها و نقاط حساس را مد نظر قرار می‌دهند و با دقت بالا به جامع‌نگر بودن عملیات می‌اندیشند. لازم است در جنگ نرم نیز این اتاق‌های جنگ تحت عنوان کارگاه‌های آموزشی تشکیل شده و به بررسی عملیات مقابله با جنگ نرم با همان حساسیت و جامع‌نگری پرداخته شود. بدیهی است اتاق فکر ذکر شده در اصول و شیوه‌های زیر بنایی، سیاست‌ها و چارچوب‌های اصلی را مشخص می‌کند و کارگاه‌ها و کلاس‌ها به پردازش، بررسی و چگونگی ترویج، تثبیت و نهادینه ساختن آن سیاست‌ها و چارچوب‌ها در سطح جامعه می‌پردازد. استادان حوزه‌ی و دانشگاه، مدیران اجرایی در سطح استان، مسئولان و سردبیران رسانه‌های جمعی،

نویسندگان و اهل قلم، فعالان عرصه هنر و سینما، احزاب سیاسی و ... از جمله کسانی هستند که ضروری است در این کار گاه‌ها حضور فعال داشته باشند. در نظر مقام معظم رهبری، برگزاری نشست‌های تخصصی آموزشی - پژوهشی برای مقابله با جنگ نرم یکی از راه‌ها تثبیت و نهادینه سازی است:

«اگر بحث‌های تخصصی در زمینه‌های سیاسی-اجتماعی و حتی فکری و

مذهبی در محیط‌های سالم و با حضور افراد توانمند در بحث انجام شود،

ضایعات ک‌شانندن این‌گونه بحث‌ها به محیط‌های اجتماعی به وجود نخواهد

آمد» (سخنرانی در جمع استادان و روسای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ۱۳۸۸/۶/۸).

* درک شرایط جنگ نرم توسط عموم مردم، به‌ویژه مخاطبان اصلی جنگ نرم

تجربه نشان داده است که اگر مشکلات اجتماعی بر دوش یک گروه یا قشر خاص باشد، هیچ‌گاه این مشکلات حل نخواهد شد. برای مثال، در جنگ سخت عراق علیه ایران، ارتش به‌تنهایی جواب جنگ را نداد. بسیج همگانی مردم ایران به هر نحوی که توانست در این پیروزی سهیم و بسیار اثر گذار شد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۲۲). در برابر جنگ نرم دشمن هم ابتدا دانشگاه و حوزه باید وارد عرصه شده و این مشکل را حل کنند؛ اما همان‌طور که ارتش نتوانست به‌تنهایی هجوم عراق را دفع کند، حوزه و دانشگاه هم به‌تنهایی نمی‌توانند این کار را انجام دهند. بلکه این قبیل خطرها که تمام جامعه را تهدید می‌کند به یک بسیج همگانی نیازمند است. هنگام هجوم نظامی، همه رفتند و آموزش نظامی دیدند، در این تهاجم نیز ضروری است همه آموزش دینی ببینند و خودشان را مجهز و بیمه کنند. وقتی مرضی شایع می‌شود، همه باید واکسن بزنند تا به آن مرض مبتلا نشوند. نمی‌توان گفت ما که مریض نیستیم، پس چرا واکسن بزنیم؟ مرض شیوع دارد، دیر یا زود، به همه می‌رسد (همان، ص ۱۲۳).

در باب مخاطبان اصلی جنگ نرم، تأکید فرمانده معظم کل قوا بر نخبگان فکری و خواص است. از میان بیانات ایشان در باره‌ی جنگ نرم، فرمایشات زیر بسیار قابل تأمل است.

- «در جنگ نرم، چه کسانی باید [به] میدان بیابند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند» (دیدار با دانشجویان و نخبگان ۱۳۸۸/۴/۴).
- «دشمن انواع و اقسام کار را می‌کند؛ انواع و اقسام فعالیت را می‌کند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند» (دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان ۱۳۸۸/۷/۲).
- «نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آن‌ها [دشمن] کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. یک چیزهایی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهایی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، بر خلاف وظیفه عمل کرده‌ایم. نخبگان سر جلسه امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را که انسان را به عبودیت دعوت می‌کند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۱۵).

* ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد دوستانه با جوانان

مهم‌ترین مسئله‌ای که متأسفانه از آن غفلت شده و آن‌گونه که باید و شاید در جنگ نرم به آن توجه نشده است، موضوع تعلیم و تربیت است. این موضوع، بنیادی‌ترین مسئله در تولید قدرت نرم است (www.tooba.net). بی‌شک آغاز کار تعلیم و تربیت از محیط گرم خانواده است. در باب ایجاد محیط گرم خانوادگی و چگونگی رفتار با جوانان، صدها کتاب و مقاله تخصصی نگارش شده است؛ بنابراین، کمبود روش و چگونگی رفتار از کسی پذیرفته نیست. برخی نکات کلیدی که لازم است مورد توجه

والدین قرار گیرد عبارت‌اند از:

- مسئولیت والدین در قبال فرزندان فقط فراهم کردن وسایل تفریح، امکانات مادی و بروز احساسات نیست؛ توجه به تربیت معنوی فرزندان با نهادهای کردن باورها و ارزش‌های اسلامی نیز از ضروریات است.
 - تأمین مادی خانواده به معنای نفی حضور در خانه و خانواده نیست. عواطف و احساسات و تربیت و شخصیت‌سازی فرزندان، نیاز به حضور به‌موقع و کافی در خانه دارد.
 - کنترل به معنای ایجاد محدودیت برای فرزند نیست. شرایط بیرون و جاذبه‌های منفی آن در کمین این محدودیت‌ها است.
 - تفاوت است بین سالم و فاضل تربیت کردن (فاضل به معنای واکسینه کردن فرزند در مقابل هجمه‌های فرهنگ محیط بیرون خانه).
- در اهمیت این موضوع، مقام معظم رهبری فرمودند:

«مسئله خانواده خیلی مهم است. یکی از مهم‌ترین گره‌ها در «خانواده» است. در همه طرح‌هایی که ما داریم، بایستی خانواده مبنا باشد ... کانون خانواده جایی است که عواطف و احساسات باید در آن رشد و بالندگی پیدا کند» (دیدار با شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۴/۱۰/۷۰).

* حفظ باورها و ارزش‌های اسلامی و ترویج شعائر دینی با احیای جلسات مذهبی

گسترش فرهنگ قرآنی اعم از آموزش، قرائت، حفظ، تفسیر، تدبر و عمل به آن باعث می‌شود آموزه‌های وحیانی که سراسر نور و هدایت و شفای دل‌ها است در عمق جان افراد نفوذ کرده و انسان الهی بسازد. اهتمام به امر اقامه نماز، به مصون‌سازی جامعه از ارتکاب فحشا و منکر می‌انجامد و جامعه‌ای سالم و عاری از فساد و تباهی به ارمغان می‌آورد. دعا و مناجات و گسترش شور و حال عارفانه، برنده‌ترین سلاح مؤمن در مقابل هجوم فرهنگ مبتذل بیگانه به شمار می‌رود. گرامیداشت میلاد و وفات بزرگان و پی‌شویان دینی و الگوپذیری جامعه از آنان، محیط رشد و تعالی و هدایت را فراهم می‌آورد و مردم را از گرفتار شدن در دام جنگ نرم استکبار حفظ

می‌کند.

«در جنگ روانی و آنچه امروز به آن جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آن‌ها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و کشور؛ دشمن به سراغ این‌ها می‌آید که این‌ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند» (دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان ۱۳۸۸/۷/۲).

راهبردهای تثبیت و نهادینه سازی

ردیف	نوع
۱	تبدیل ایده مقابله با جنگ نرم به یک نهضت و ارزش
۲	آگاهی و عمق بخشی به بصیرت دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه
۳	برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی جنگ نرم
۴	درک شرایط جنگ نرم توسط عموم مردم، به‌ویژه مخاطبان اصلی جنگ نرم
۵	ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد دوستانه با جوانان
۶	حفظ باورها و ارزش‌های اسلامی و ترویج شعائر دینی با احیای جلسات مذهبی

(د) راهبردهای تداوم و کسب نتیجه مطلوب

*** انطباق جهت دانش با نیازهای لازم برای دفع تهدیدات و اقدامات نرم**

در حال حاضر مقابله با جنگ نرم، از اولویت‌های اساسی کشور است و آنچه این مقابله را تداوم می‌بخشد استفاده از عناصر و ابزار تضمینی و به‌روز است. از آنجایی که این تضمین قرار است در جمهوری اسلامی ایران با ویژگی‌های منحصر به فرد خود اتفاق بیافتد، بایستی تعهد و تخصص در کنار هم قرار بگیرند. از جمله این ابزارها، انطباق دادن جهت دانش با نیازهای مقابله با جنگ نرم است. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«ها، هم در وزارت علوم و بخش‌های مختلف تحقیقاتی و هم در مدیریت

دانشگاه‌ها نیاز به این داریم که انسان‌هایی که این مسئولیت‌ها را بر عهده دارند، با نگاه مدیریتی کارآمد و پخته و سنجیده با این مسئله برخورد کنند. یقیناً پیشرفت کاروان علم و تحقیق در کشور احتیاج دارد به مدیریت؛ به تعبیر برخی از دوستان، به نظارت، اشراف، برنامه‌ریزی، جهت‌دهی و هدف معین کردن نیاز دارد؛ بدانیم برای کار تحقیقاتی راهبرد ما چیست؛ چه کنیم که این تحقیقات و این آموزش برای کشور مفید باشد و

به کار کشور بیاید» (دیدار با استادان دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۹/۲۶).

بدیهی است که راهبردها و سیاست‌های اصلی نظام در مقابله با جنگ نرم، همان‌گونه که در اصول و شیوه‌های زیربنایی اشاره شد، در اتاق فکر یا به تعبیری، شورای عالی مقابله با جنگ نرم مشخص می‌شود و ضروری است متون آموزشی، تدریس استادان و ... حول همان محورها البته با افق و نگاه خلاقانه و ثمر بخش باشد.

* استفاده از فرهنگ و اقدام جهادی

داشتن روحیه جهادی یکی از راه‌های کسب موفقیت و مقابله با جنگ نرم است؛ زیرا رزمندگان اسلام در جبهه و جهاد دارای خصوصیات و ویژگی‌های چون: (۱) برخورداری از روحیه و انگیزه‌ی قوی (۲) تبلیغات (۳) تلاش و پشتکار مداوم (۴) تبعیت از دستورات فرماندهی (ولایت مداری) (۵) استفاده از فرصت‌ها و موقعیت‌ها (۶) هدفمندی (۷) همه‌جانبه‌نگری (۸) شجاعت توأم با مقاومت بودند (عباسیان، ۵۹). این ویژگی‌ها، رزمندگان را تا مرحله‌ی نهایی و پیروزی رهنمون کرد. حال در صورتی که این ویژگی‌ها از زمان خاص (جهاد) خارج شده و به تمام زمان‌ها و مکان‌ها سرایت کند، می‌تواند در سایر امور موفقیت‌های همه‌جانبه‌ای داشته باشد. آنچه را عوامل اجرایی گسترش فرهنگ جهادی، شامل مساجد، نهادهای تربیتی و آموزشی (خانواده، مدرسه، دانشگاه، بسیج و...)، رسانه‌های گروهی و... باید بدان توجه کنند و از آن غافل نشوند، این است که اولاً خود این نهادها باید کاملاً سالم باشند و از الگو بودن خود برای جامعه غافل نشوند؛ در ثانی، گسترش فرهنگ جهادی باید به‌طور بنیانی و عمیق کار شود و در این باب رعایت کامل اصول جهادی الزامی است (همان).

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه کارهای زیر بنایی کشاورزی و دامداری و امثال این‌ها هم از اول انقلاب روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد. بعضی از صاحب نظران درباره‌ی انقلاب‌های دنیا این طور اظهار نظر کرده‌اند که انقلاب‌ها بعد از آن که به پیروزی رسیدند، سیال بودند و جوشندگی و تحرک و پیشرفت آن‌ها از بین می‌رود و به دستگاه‌های ایستا و بی‌تحرک تبدیل می‌شوند. ممکن است در برخی از انقلاب‌ها همین طور باشد، ما نسبت به آن‌ها قضاوتی نمی‌کنیم؛ اما در مورد انقلاب ما ... غلط از آب در آمد... آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند؛ این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد» (دیدار با جهادگران ۱۴/۱۰/۱۳۸۲).

در جایی دیگر ایشان خطاب به فرماندهان نیروهای مسلح می‌فرمایند:

« شما نباید تصور کنید که آن روزهای استثنایی گذشت و جنگ هم تمام شد و جمعی از جوان‌های میدان جنگ در آن برهه شهید شدند و دیگر آن دوران هم تمام شد. من عرض می‌کنم عین همان حرف در این دوران جمهوری اسلامی وجود دارد و شما موظفید خودتان را و این راه را حفظ کنید. این شرف و آبرویی که بحمدالله خودتان کسب کرده‌اید و به برکت مجاهدت‌ها به جمهوری اسلامی و به ملت ایران هم شرف و افتخار دادید، حفظ کنید. این‌ها را برای خودتان و برای اسلام، جمهوری اسلامی و برای ملت ایران نگهدارید.» (رهنمودهای حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در باره نیروهای مسلح، ۱۳۷۸، ص ۳۱۹).

* هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب

بر اساس دیدگاه کارشناسان، ابتکار عمل در نبرد به دست کسی است که حالت تهاجم به خود گرفته و با قرار دادن رقیب در حالت دفاعی، قدرت تفکر و اندیشه و برنامه ریزی درست را از او بازستاند. حضرت علی (ع) در این باره فرمودند:

«اغزوهم قبل ان یغزوکم، فوالله ماغزی قوم قط فی عفر دارهم اِلَّا

دَلُوا» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

«پیش از آنکه با شما بجنگند، با آنان نبرد کنید، به خدا سوگند، هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد.»

در زمینه شیوه‌ی تهاجمی فرهنگ غرب، برخی معتقدند که بالاتر از آن، ما باید از شیوه‌های تهاجمی برضد آن‌ها استفاده کنیم. همان‌گونه که آن‌ها برای ترویج ارزش‌های خود از این شیوه‌ها استفاده می‌کنند. ما باید هنرمندانی داشته باشیم که بتوانند ارزش‌های اسلامی را در فیلم، نمایشنامه، کتاب، رمان، داستان و در سایر آثار هنری، آن چنان زنده و ترویج کنند که بتوانیم با استفاده از وسایل هنری و تبلیغاتی، دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم، نه آن که همیشه در مقابل دشمن موضع انفعالی اتخاذ کنیم یا در نهایت، تنها از خود دفاع کنیم (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

خواسته مقام معظم رهبری مبنی بر به چالش کشیدن استکبار جهانی و مطالبه گری از لیبرال دموکراسی، در این راستا ارزیابی می‌شود. در این خصوص، مطرح کردن ماجرای همه سوزی^۱، زیر سؤال بردن حادثه یازده سپتامبر، مطرح کردن تناقض آشکار بین ادعا و عمل کشورهای غربی در بحث خیزش انقلابی ملت‌ها (بیداری اسلامی)، پیش‌دستی در تحریم تحریم‌کنندگان نفتی ایران (اروپایی‌ها) و ... از جمله این هجوم‌ها علیه فرهنگ غربی تلقی می‌شود.

«ما در زمینه‌ی فرهنگی برای اینکه بتوانیم در برابر تهاجم سیل‌آسای فرهنگ غربی، مقاومت کنیم و آن را پس زنیم، آن مظاهر غلطی که از آن فرهنگ بر ما تحمیل کردند، بتازیم ... احتیاج به یک تهاجم فرهنگی علیه دشمن داریم و فکر می‌کنم این کار به یک سیاست‌گذاری همه‌جانبه، پخته و سنجیده احتیاج دارد. منادیان اسلام و متصدیان دعوت اسلامی باید با تکیه بر جنبه‌های ایجابی و اثباتی و تبیین زیبای اسلام، علیه هجوم دشمن دست به ضد حمله بزنند» (سخنرانی ۱۳۷۷/۳/۵).

* نظارت و ارزیابی

یکی از اصول و راهکارهایی که در آینده می‌تواند نقش فعالی را ایفا کند، نحوه‌ی

نظارت و پیگیری است؛ یعنی بعد از قرارگرفتن ایده‌ی مقابله با جنگ نرم در مسیر اجرایی شدن، این توان وجود داشته باشد که فعالیت‌ها، میزان پیشبرد اهداف و اجرای برنامه‌ها به صورت دقیق بررسی و ارزیابی شود و با یک نگاه آسیب‌شناسانه، مشکلات مسیر، شناسایی و حتی‌الامکان، موانع به حداقل کاهش یابد. آنچه جامع‌نگری، کاهش خسارات احتمالی، تداوم روحیه مقابله و نتیجه را با مطلوبیت قابل قبول رقم خواهد زد، نظارت، پیگیری برنامه‌ها و ارزیابی خواهد بود.

«هر انسانی به‌جز معصومین، در معرض لغزش و خطا قرار دارد که البته هر قدر رتبه کاری و حساسیت شغلی از سان بی‌شتر باشد، این لغزش خطرناک‌تر و گاه هلاکت‌بار است؛ بنابراین، باید همی‌شه ناظری بر کارها و فعالیت‌های انسان وجود داشته باشد» (دیدار با رئیس و مسئولان سازمان بازرسی کل کشور ۱۳۷۵/۱۲/۶).

راهبردهای تداوم و کسب نتیجه مطلوب

ردیف	نوع
۱	انطباق جهت دانش با نیازهای لازم برای دفع تهدیدات و اقدامات نرم
۲	استفاده از فرهنگ و اقدام جهادی
۳	هجوم فرهنگی بر ضد فرهنگ غرب
۴	نظارت و ارزیابی

بخش چهارم: آسیب‌های مقابله با جنگ نرم

الف) احساسی عمل کردن

اولین آسیبی که رهبر معظم انقلاب در زمینه‌ی مقابله با جنگ نرم بر شمردند، برخورد احساسی با موضوع بود. شاید بازخوانی سخنان ایشان بعد از غائله ۱۸ تیر ۷۸ در اینجا راهگشا باشد. ایشان فرمودند:

«وقتی هیجان‌ات کور، پا وسط بگذارند، دشمن فوراً استفاده خواهد کرد. بارها گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم؛ من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتها با انضباط. این‌گونه

حرکاتی که ملاحظه شد کسانی به دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی‌انضباطی است؛ با هر نامی انجام گیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام گیرد، غلط است؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام گیرد، غلط است. مگر من بارها نگفته‌ام در اجتماعات کسانی که مخالف‌اند، هیچ کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال می‌کند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمی‌کنند؟! حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد به زبان آورند - مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند - باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیروی‌تان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب‌اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید، و الاً حالا فرض کنیم یک جوان، یا یک دانشجوی فریب‌خورده‌ای هم حرفی زد و کاری کرد؛ چه اشکالی دارد؟ من از او صرف‌نظر می‌کنم».

ب) تندروی و تشدید فضای هیجانی و جنجالی

امام خامنه‌ای (حفظه...) در عین تأکید بر ضرورت برنامه ریزی و مقابله با جنگ نرم، به یک مسئله مهم اشاره کردند و آن پرهیز از تندروی بود. ایشان فرمودند:

«شرط دیگر این است که در قضا یا افراط وجود نداشته باشد. طبیعت جوان، طبیعت تحرک و تندی است. این دوره‌ی زندگی شما را ما هم گذرانده‌ایم؛ آن هم در دوران‌های انقلاب و اوایل مبارزات و این‌ها بوده. تندی را میدانم چیست. خیلی هم به ما نصیحت می‌کردند که آقا تندی نکنید، ما می‌گفتیم که نمی‌فهمند چقدر لازم است تندی کردن! میدانم تصور شما چیست، اما حالا ما به شنوید دیگر. مراقب باشید، تندروی از سان را پیش نمی‌برد. با فکر تصمیم بگیرید... توقع اینکه شماها مدبرانه و فکورانه فکر کنید و بدون تندروی، بدون افراط و تفریط توی قضا یا، رفتار کنید، توقع زیادی نیست»

(دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴).

ج) ناامیدی و نگاه بدبینانه

مقام معظم رهبری به‌صورت پرهیز از یأس و ناامیدی هم اشاره کردند و اصالت نگاه خوش‌بینانه را نه از روی توهم که از روی بصیرت دانستند. ایشان فرمودند:

« شرط اصلی فعالیت در ست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه است... اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌حرکی، به دنبالش انزوا است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می‌خواهد» (دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴).

جمع بندی

جنگ نرم، به‌عنوان راهبرد انتخابی نظام سلطه، برای تسلط بر افکار و اراده ملت‌ها تدوین و طراحی شده است. هدف جنگ نرم، بحران‌سازی برای رژیم‌های سیاسی مستقر و بی‌تعادل‌سازی و مشروعیت‌زدایی از آن است. ایدئولوژی حاکمیت، مشارکت سیاسی عمومی، کار آمدی دولت، هویت ملی، انسجام اجتماعی، افکار عمومی، توان دفاعی و امنیتی، الگوهای ملی توسعه و رفاه عمومی، همگی از جمله اهداف جنگ نرم به‌شمار می‌آیند. با گفتارهای رهبر معظم انقلاب و آثار علمی متعددی که در مورد جنگ نرم به‌نگارش درآمده، می‌توان به‌درکی عمومی از این نوع جنگ رسید. سیاه‌نمایی شرایط، بزرگ‌نمایی و معضل‌گونه جلوه‌دادن برخی کاستی‌ها، مخدوش‌نشان‌دادن چهره کشور از طریق تصویرسازی، دست‌کاری باورها، آگاهی‌ها، بینش مردم و نخبگان جامعه هدف و... از جمله اقدام‌هایی است که در قالب این جنگ پیگیری می‌شود. هدف نهایی در جنگ نرم مانند جنگ سخت، مهار و فروپاشی یک نظام سیاسی است. در جنگ نرم تلاش می‌شود با تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور (به‌مثابه هویت‌دهنده نظام سیاسی) به چالش کشیده شوند. البته باید دانست که این نوع جنگ در هر جامعه‌ای نتایج یکسانی نخواهد داشت. فهم درست از نوع جنگ و انتخاب روش‌های مناسب برای مدیریت آن (متناسب با مقدرات و ظرفیت‌های مادی و معنوی)، تفاوت نتایج اعمال این نوع جنگ‌ها در جوامع گوناگون را مشخص می‌کند. تمام نظریه پردازان جنگ نرم

در اندیشه‌ی راهبردی، بر ضرورت راهبرد غیرمستقیم و عوامل روانی-روحی و همچنین کنش راهبردی کشورها در قالب اقدام‌های غیرمستقیم تأکید داشته‌اند. در جنگ نرم، کشور حریف تلاش می‌کند روح همبستگی جامعه هدف را کاهش دهد. در این شرایط، روحیه مقاومت و همچنین اعتماد به نفس در برابر تهدیدها فراهم می‌شود.

بررسی‌ها نشان داد که درک و تحلیل همه جانبه مباحثی که در حوزه جنگ نرم (از طرح‌ریزی تا تحقق آن) صورت می‌گیرد، در گرو نگاهی فرایندی به این مقوله و در نظر داشتن دو مؤلفه اهداف و اقدامات جنگ نرم است. این گزاره چارچوبی تئوریک را در اختیار قرار می‌دهد تا مبتنی بر آن بتوان دیدگاه مقام معظم رهبری را مورد توجه و امعان نظر قرار داد. براین اساس، مقابله با تهدیدات نرم از طریق بازتولید قدرت نرم امکان‌پذیر است که لازمه آن، شناخت و درک صحیح از اهداف و اقدامات نرم دشمن است. از این منظر، دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص اهداف و اقدامات دشمن در جنگ نرم، در سه محور فرهنگ، سیاست و اقتصاد مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت. از دیدگاه معظم له در حوزه فرهنگ، باور و اعتقاد به وجود تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، غفلت‌زدایی از مدیریت فرهنگی، جهاد و مبارزه طولانی و پیکار نظری در برابر تهاجم نظری و فکری دشمن، پالایش فرهنگ غربی با معیار اسلام، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس، شکستن مرزهای دانش، ایجاد جنبش نرم افزاری، تولید فکر، جدی گرفتن مسئله علم و تحقیق و حرکت علمی، اهمیت دادن به هویت و اخلاق، ارتقای معرفت دینی روشن‌بینانه، ضرورت نگاه امیدوارانه و استفاده‌ی بهینه از رسانه‌ها می‌بایست مورد توجه واقع شوند. در حوزه‌ی سیاست، شناخت و درک صحیح از دشمن و جهت‌گیری اصلی آن، طراحی جهت‌گیری در نقطه‌ی مقابل راهبرد دشمن، تکیه به ایمان و قدرت مردم، حفظ سرمایه اعتماد مردمی، پرهیز از اختلاف و حفظ وحدت و انسجام ملت و دستگاه‌ها، دارا بودن هوشیاری و تدبیر، کسب و تعمیق بصیرت، مراقبت‌نخبگان در بیان گفتار و انتخاب مواضع، نقد منصفانه و اصلاح رفتارها و اثبات کارآمدی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در حوزه اقتصاد نیز داشتن روحیه جهادی و پایبندی همه بخش‌های اقتصادی به این مجاهدت، تکیه به نیروی درونی و ذاتی خود و ایجاد روحیه استغنائی از دیگران، صرفه جویی و پرهیز از اسراف و تبذیر، به‌کارگیری همه‌ی ظرفیت کشور، «توجه به اقتصاد مقاومتی» و بازنگری

سیاست‌های واردات و پرهیز از واردات کالاهای دارای مزیت تولید داخل به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌ها معرفی شدند؛ بنابراین، ضروری است به اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مقابله با تهدیدات و اقدامات نرم با دیدی عمیق و قابل تأمل نگریده شود. در چهار محور ذکر شده در متن (زیر بنایی، اجرایی، تثبیتی و تداوم و نتیجه مطلوب) بر این نکته تأکید شده است که هماهنگی کامل، همه جانبه نگری، همفکری و همیاری تمامی نهادها و سازمان‌های مسئول با محور تبعیت از فرماندهی در جنگ نرم، همانند جنگ سخت، از عوامل کلیدی پیروزی است و در مقابل، تندروی، ایجاد ناامیدی و نگاه بدبینانه نسبت به آینده، از آسیب‌های جدی مقابله با تهدیدات و اقدامات نرم تلقی می‌شود.

به‌سادگی نباید از این موضوع گذشت که اگر در مقابله با جنگ نرم، مبارزه واقعی در شناسایی راهکنش‌های دشمن، تصمیم‌گیری و برنامه ریزی صحیح و در نهایت، پیشگیری از وقوع خطرات و آسیب‌ها است. در رسیدن به نتیجه مطلوب، مداومت، محافظت و نظارت جزء لاینفک این مبارزه است. بریدگی، انقطاع و مقطعی نگرستن، آفت بزرگی است که گاه ثمرات حرکت‌های آغازین را خنثی می‌کند.

فصل پنجم:

سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی

مقدمه

به باور همگان در عصر فن‌آوری و اطلاعات سازمان‌ها برای اینکه بتوانند در عرصه‌ی جهانی و دنیای تجاری و رقابتی، حضوری مستمر و پایدار داشته باشند، باید حول محور علم و دانش فعالیت کنند؛ زیرا دانش منبعی برای بقای سازمان‌ها به شمار می‌رود. به همین دلیل، سازمان‌ها باید مدیریت دانش و مدیریت سرمایه‌های فکری را به‌طور جدی مورد توجه قرار دهند. سرمایه فکری^۱ یک عامل کلیدی برای نوآوری و مزیت رقابتی در اقتصاد مبتنی بر دانش است. مدیریت دانش نیز به‌عنوان یک فعالیت بنیادی برای اکتساب، رشد و حفظ سرمایه‌های فکری در سازمان‌ها در نظر گرفته می‌شود. این موضوع بدین معنی است که مدیریت موفق سرمایه‌های فکری، ارتباط نزدیکی با فرآیندهای مدیریت دانش در یک سازمان دارد؛ به بیان دیگر، اجرای موفق و استفاده از مدیریت دانش، باعث رشد سرمایه فکری سازمان خواهد شد (حسوی و رمضان، ۱۳۹۱: ۶۱).

در هزاره سوم، مدیریت، خود را در اقتصاد دانش محور یافت که در آن پول، ساختمان و تجهیزات هیچ کدام نمی‌توانند عامل تمایز باشند و نقش افراد در کسب مزیت پایدار رقابتی، انکارناپذیر بوده و رمز پایداری توسعه، در سرمایه فکری سازمان‌ها نهفته است. سرمایه فکری فراهم کننده یک پایگاه منابع جدید است که از طریق آن سازمان به رقابت می‌پردازد. سرمایه‌های فکری اگرچه در قبل ناشناخته بود، ولی اکنون به شکل‌های مختلف در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی، مدیریتی، اجتماعی و فن‌آورانه به ایفای نقش می‌پردازد.

وقوع انقلاب فن‌آوری و فن‌آوری اطلاعات، بعد از سال ۱۹۹۰، موجب شد تا الگوی اقتصاد جهانی، تغییر اساسی کرده و در اقتصاد امروز، دانش به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه، جایگزین سرمایه مالی و فیزیکی شده است (قلیچ لی و مشبکی، ۱۳۸۵). سرمایه، در مورد مؤسسه‌ها، شامل هر دارایی می‌شود که باعث ایجاد جریان‌های نقدی آتی شود. بیشتر دارایی‌های شناخته شده، ماهیت مشهود و عینی دارند؛ بنابراین، سرمایه مشهود به دارایی‌های فیزیکی و مالی سازمان اشاره دارد. دارایی‌های فیزیکی، می‌تواند به معنی زمین، ماشین‌آلات، موجودی کالا، تجهیزات و... باشد، درحالی‌که دارایی‌های

مالی به حقوق صاحبان سهام، سودهای انباشته، سرمایه در گردش، پیش‌پرداخت هزینه‌ها، حساب‌های دریافتی و ... گفته می‌شود. اهمیت دارایی‌های نامشهود، مانند مهارت‌های نیروی کار و سازمان (به عبارتی سرمایه فکری) در تعیین سودهای آتی به‌طور فزاینده در حال افزایش است. به همین دلیل، در اقتصاد دانش محور، از سرمایه فکری به‌منظور ایجاد ارزش برای سازمان استفاده می‌شود و در دنیای امروز، موفقیت هر سازمان به توانایی مدیریت این دارایی‌ها بستگی دارد (خسروزادگان نژاد و دیگران، ۱۳۹۲).

بی‌تردید موفقیت سازمان‌های دفاعی نیز وابسته به مدیریت سرمایه‌های فکری است. زیرا سرمایه فکری یکی از دارایی‌های ناملموس است که با هیچ یک از دارایی‌های سازمان قابل مقایسه نیست. از این رو، استفاده‌ی مؤثر از دانش و تخصص - که در سازمان به سرمایه فکری معروف و در نیروی انسانی موجود در سازمان‌ها نهفته است - یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت سازمان در شرایط رقابتی و عصر اطلاعات و فن‌آوری به شمار می‌آید.

بخش اول: مروری بر مباحث نظری

سرمایه فکری، مولود عرصه‌ی علم و دانش است. با توجه به گذر جوامع از عصر صنعت به عصر اطلاعات، اهمیت سرمایه‌های فکری نیز در دنیای تجارت بیشتر شده است. در طول عصر صنعت، بهای تمام شده دارایی‌ها، کارخانه‌ها و تجهیزات و مواد خام عواملی بودند که برای موفقیت یک تجارت لازم بود؛ اما در عصر اطلاعات، استفاده مؤثر از سرمایه‌های فکری معمولاً در موفقیت یا شکست یک مجموعه مؤثر است. به همین دلیل، امروزه سرمایه فکری به‌عنوان یک دارایی راهبردی در جهت عملکرد سازمانی شناخته می‌شود.

۱- تعریف سرمایه فکری

اصطلاح «سرمایه فکری» اولین بار توسط جان کنت گالبریت در سال ۱۹۶۹ به کار گرفته شد. وی بر این باور بود که سرمایه فکری فراتر از «تفکر به معنای تفکر صرف»

است و درجه‌ای از اقدام فکری را نیز شامل می‌شود. در این معنا، سرمایه فکری نه تنها به خودی خود یک دارایی نامشهود ایستا است، بلکه یک فرآیند ایدئولوژیکی و وسیله‌ای برای رسیدن به هدف محسوب می‌شود.

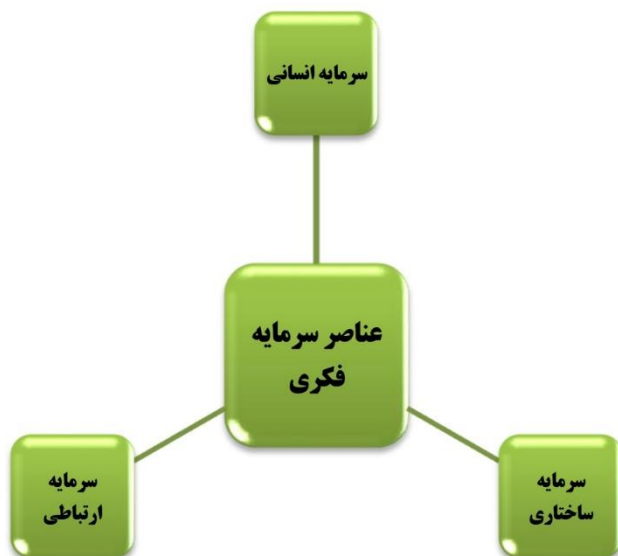
تعاریف گوناگونی در مورد سرمایه فکری ارائه شده است که در زیر به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

- سرمایه فکری مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات، دارایی‌های فکری^۱، تجربه، رقابت و یادگیری سازمانی است که می‌تواند برای ایجاد ثروت به کار گرفته شود. در واقع، سرمایه فکری تمامی کارکنان، دانش سازمانی و توانایی‌های آن را برای ایجاد ارزش افزوده در بر می‌گیرد و باعث منافع رقابتی مستمر می‌شود (قلیچ لی و مشبکی، ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۴۷).
- مجموعه‌ای از دارایی‌های نامشهود (منابع، توانایی‌ها، رقابت) که از عملکرد سازمانی و ایجاد ارزش به دست می‌آیند (Bontis, 1998).
- سرمایه فکری دارایی است که توانایی سازمان را برای ایجاد ثروت اندازه‌گیری می‌کند. این دارایی ماهیت عینی و فیزیکی ندارد و یک دارایی نامشهود است که از طریق به‌کارگیری دارایی‌های مرتبط با منابع انسانی، عملکرد سازمانی و روابط خارج از سازمان به دست آمده است. همه‌ی این ویژگی‌ها باعث ایجاد ارزش شده و ارزش به دست آمده به دلیل اینکه یک پدیده کاملاً داخلی است، قابلیت خرید و فروش ندارد (Rose and Barrons, 2005).

با جمع بندی پیش‌گفته می‌توان گفت سرمایه فکری کلیه دارایی‌های نامشهود یک سازمان است که مبتنی بر دانش بوده و باعث خلق ارزش در سازمان می‌شود.

۲- عناصر سرمایه فکری

صاحب‌نظران حوزه سرمایه فکری، اتفاق نظر دارند که سرمایه فکری از سه عنصر تشکیل شده است: سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی (خسروزادگان، نژاد و دیگران، ۱۳۹۲).



شکل شماره ۱۵: عناصر سرمایه فکری

سرمایه انسانی: سرمایه انسانی یک سازمان شامل مهارت‌ها، تخصص، توانایی حل مسئله و سبک‌های رهبری است. سرمایه انسانی به‌عنوان مبنای سرمایه فکری، منتج به بهبود عملکرد سازمان می‌شود.

سرمایه ساختاری (سازمانی): سرمایه ساختاری، شامل همه‌ی ذخایر غیرانسانی دانش در سازمان می‌شود که در برگیرنده‌ی پایگاه‌های داده، نمودارهای سازمانی، دستورالعمل‌های اجرایی فرآیندها، راهبردها، برنامه‌های اجرایی و به‌طور کلی، هر آن چیزی است که ارزش آن برای سازمان بالاتر از ارزش مادی‌اش باشد.

سرمایه ارتباطی: سرمایه ارتباطی، شامل روابطی است که بین سازمان با هر فرد یا سازمان دیگری وجود دارد. این افراد و سازمان‌ها می‌توانند شامل مشتریان، واسطه‌ها، کارکنان، تأمین کنندگان، مقامات قانونی، جوامع، اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و... باشند.

۳- مفهوم مدیریت دانش

در عصر کنونی، که به عصر «اطلاعات و دانش» موسوم شده است، مزیت اصلی در

«سرمایه دانشی» نهفته است. هم اکنون بزرگ‌ترین شرکت‌های دنیا، برتری اصلی خود را نه در دارایی‌های انباشته ناشی از کارخانجات و حتی بازار بزرگ، بلکه در «دانش برآمده در جریان فرآیندهای خود» کسب کرده‌اند.

داونپورت و پروساک (۱۳۷۹) دانش را چنین تعریف می‌کنند: «ترکیب سیالی از تجربه‌های کسب شده، ارزش‌ها و بینش تخصصی که چارچوبی برای ارزیابی و کسب تجربه‌ها و اطلاعات تازه فراهم می‌آورد» (داونپورت، تامس اچ و پروساک، لارنس، ۱۳۷۹). دانش، بدون انسان، معنایی ندارد. انسان، بازیگر اصلی در خلق، ذخیره‌سازی، انتشار و به‌کارگیری دانش است. دانش در تار و پود سازمان، در فرهنگ سازمانی، در قوانین و دستورالعمل‌های کاری و در سامانه‌ها و فن‌آوری‌های به کار رفته در سازمان، نهفته است. دانش، نه فقط در افراد مجزا، بلکه در گروه‌های انسانی، در اجتماعات و بالاخره در روابط بین سازمان‌ها نیز نهفته است.

به عقیده گاندی (۲۰۰۴) دانش، دانستنی‌ای است که در تجربیات، مهارت‌ها، قابلیت‌ها، توانایی‌ها، استعدادها، افکار، عقاید، طرز کارها، الهامات و تصورات افراد موجود است و به شکل مصنوعات ملموس، فرایندهای کاری و امور روزمره یک شرکت خود را آشکار می‌سازد (Gandhi, S. 2004: 368-81).

به اعتقاد نیگل کینگ (۱۹۹۹)، مدیریت دانش عبارت است از فرایند ایجاد، سازمان‌دهی، اشاعه و حصول اطمینان از درک اطلاعات مورد نیاز برای انجام یک کار (King, N. 1999: 38). تعریف جامعی نیز توسط نیومن ارائه گردید. وی بر این باور بود که مدیریت دانش، مجموعه‌ای از فرایندهایی است که پدیدآوری، اشاعه و به‌کارگیری دانش ذهنی و عینی در یک سازمان را در بر می‌گیرد (Newman, Brian, 1999). در این تعریف، دانش عینی عبارت از دانشی است که در قالب اسناد، پایگاه‌ها، صفحات وب و مانند آن‌ها ثبت یا منتشر شده است و دانش ذهنی عبارت از مهارت‌ها، تجربیات، تخصص‌ها و دانسته‌هایی است که افراد در طول فعالیت‌های تخصصی خود آموخته و به دست آورده ولی در جایی ثبت یا منتشر نکرده‌اند و فقط در ذهن آن‌ها وجود دارد. به زبان ساده می‌توان گفت، مدیریت دانش، سازمان دادن برای دانستن است. کوششی هماهنگ برای تصرف دانش حیاتی سازمان، اشتراک دانش میان یک سازمان و برجسته کردن حافظه جمعی سازمانی برای بهبود تصمیم‌گیری، افزایش

بهره‌وری و نوآوری است.

بخش دوم: مدیریت دانش و سرمایه فکری در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله)

امروزه دانش کلید اصلی رقابت پذیری سازمان‌ها به شمار می‌رود. سازمان‌های جدید مبتنی بر دانش هستند. این امر بدان معنی است که آن‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند دانش سازمانی خود را شناخته، آن را احصا و ذخیره کرده و در موقع لزوم از آن بهره برداری کنند. سازمان‌های جدید باید نیازهای دانشی خود را شناخته و از اطلاعات و دانش جدید به نحو احسن استفاده کنند. مجموعه این عوامل، پارادایم جدیدی را در عرصه‌ی مدیریت بنیان نهاده است که از آن به‌عنوان مدیریت دانش یاد می‌شود (اخوان و باقری، ۱۳۸۹: ۱۵).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بارها در سخنان خود اظهار داشته‌اند که مسیر توسعه کشور از مسیر دانش هموار می‌شود و به‌دفعات بر ضرورت تولید دانش و نهضت نرم‌افزاری تأکید کرده‌اند. پافشاری ایشان بر تدوین نقشه علمی کشور، توجه به زیرساخت‌ها، اصلاح نظام آموزشی و به‌ویژه به‌نخبگان و سرمایه‌های فکری کشور مبین این نکته است که بدون توجه ویژه به نقش علم و دانش، تحقق آرمان‌های نظام ممکن نبوده و همه‌ی مردم و مسئولان باید این امر را مدنظر داشته باشند.

امروزه دانش را کلید تولید ارزش می‌شناسند. بدون شک مسیر توسعه‌ی هر کشور از طریق توجهی ویژه به منابع دانشی و سرمایه‌های فکری آن کشور هموار می‌شود. از این رو، ضرورت دارد چشم‌انداز دانشی کشور ترسیم شود. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند:

«... بنده در یکی از همین ملاقات‌ها به دانشجویها گفتم شما برای پنجاه سال آینده برنامه‌ریزی کنید. منظورم در زمینه علم است. هدف را این قرار بدهیم که پنجاه سال بعد کشور شما یکی از مراجع عمده و درجه اول علمی دنیا باشد، به‌طوری که اگر کسی خواست با تازه‌های دانش آشنا شود، مجبور شود زبان ملی شما را یاد بگیرد» (بیانات در دیدار با دانشجویان ۸۵/۸/۱۸).

در مناسبتی دیگر نیز فرمودند:

«کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا، باید به آنجا برسید که جوینده دانش، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ

کتاب شما، مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده

کنند» (بیانات در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ۸۷/۹/۲۴).

۱- اهتمام در مبانی پایه و زیرساختی دانش

در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله) تنظیم و اصلاح زیرساخت‌ها مهم‌ترین موضوع در حوزه علم و دانش برای پیشرفت کشور محسوب می‌شود که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

* برنامه‌ریزی

«... تحقیقات لازم است، بودجه اختصاصی لازم است، فضای تشویق و میدان دادن به کار لازم است، اتصال دانشگاه با صنعت لازم است. البته مسئولیت به عهده‌ی دولت است» (بیانات در دیدار مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور ۸۳/۱۲/۵).

* تدوین نقشه علمی کشور

«... یکی دیگر از مقدمات، تهیه نقشه‌ی علمی جامع کشور است که کشور از لحاظ تحصیل علم و طلب علوم مختلف دچار سردرگمی نباشد ... البته بعد از آن که نقشه‌ی جامع علمی تهیه شد، کارهای دیگری هم بایستی انجام بگیرد از جمله ایجاد نظام مهندسی این نقشه، تبدیل نقشه‌ی جامع علمی به صدها پروژه علمی و سپردن این پروژه‌ها به پیمانکاران که عبارت‌اند از دانشگاه‌ها و اساتید و مراکز تحقیقاتی دانشگاه‌ها و بعد ایجاد شبکه نظارت بر این پیشرفت علمی.» (بیانات در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ۸۷/۹/۲۴).

* اصلاح نظام آموزشی

«اصلاح نظام آموزشی کشور شامل آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز» (سیاست‌های کلی برنامه چهارم ۸۲/۹/۱۱).

* ارتباط دولت و دانشگاه

«... ارتباط دستگاه‌های دولتی با مراکز دانشگاهی یک ضرورت است. باید این ارتباط را به صورت سازمانی، با سازوکار مشخص برقرار کرد» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌ها ۸۱/۸/۲۲).

* توجه به منابع انسانی و با انگیزش

«به عدد آدم‌ها مجموعه‌ی عظیمی وجود دارد. هر انسانی یک دنیا است. اگر انسان زنده و دانشمند و هنرمند دارای ارزش والایی باشد، طبعاً دنیای او شیرین‌تر و جذاب‌تر بوده و جا دارد انسان در کنار او بنشیند و از او بهره‌مند شود» (بیانات در دیدار مسئولان و نخبگان استان همدان ۸۲/۴/۱۹).

«ما باید عالم را عملاً تشویق کنیم... باید این کار را بکنید، کار بسیار خوبی است» (بیانات در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران ۷۰/۱۱/۱۵).

«اینکه یک چهره علمی مورد تجلیل و تکریم جوانان قرار می‌گیرد مرا خوشحال می‌کند و نشان دهنده‌ی این است که جوان، برای علم اهمیت قائل است» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان ۸۲/۷/۲۲).

«بهترین مشوق برای گسترش علم، تکریم دارنده‌ی علم است» (بیانات در دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها ۸۷/۷/۳).

«ما دنبال کاریم، مسئله اهمیت دادن به علم، اهمیت دادن به تحقیق، اهمیت دادن به فن‌آوری، پرداختن به نخبگان، این که ما وقتی یک نخبه را دلگرم کردیم، هر جای دنیا هم برود، متعلق به کشور خواهد بود» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و نخبگان سراسر کشور ۸۴/۷/۳).

«... ما به مسئولان مرتب سفارش می‌کنیم به نخبگان رسیدگی کنند، این‌ها سرمایه‌ها و گنجینه‌های کشورند و البته باید به این‌ها رسیدگی شود، در این شکی نیست» (بیانات در دیدار دانشجویان ۸۳/۸/۱۰).

* فن‌آوری اطلاعات

«استفاده‌ی بهینه از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام... ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعاتی، ارتقای سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه‌ی علوم و فن‌آوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، به‌منظور صیانت از فضای تبادل اطلاعات، تقویت فنی برای مقابله با تخلفات در فضاهای رایانه‌ای و صیانت از حریم فردی و عمومی» (سیاست‌های کلی برنامه پنجم ۸۷/۱۰/۲۱).

* قهرمان دانشی

«عده‌ای باید فضاسازی کنند (و شور و هیجان ایجاد کنند) و این را به‌عنوان

یک مطالبه عمومی در آورند، دستگاه‌های تولید علم هم باید آن را دنبال کنند» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۸۲/۲/۲۲).

* توجه به اصول اخلاقی در موضوع دانش

«پیشرفت بدون هدایت الهی، می‌شود کشورهای پیشرفته دنیا و چهره زشت استعمار... اما اگر این پیشرفت‌ها با هدایت دین همراه باشد، آن وقت چیزی است که در دنیا اتفاق نیفتاده و در تاریخ سابقه نداشته است. مدنیت و علم و پیشرفت مادی، همراه با معنویت، تقوا و هدایت دینی، چیزی است که دنیا این را دیگر تجربه نکرده است. در این صورت، ما در صدر جدول پیشرفته‌های دنیا خواهیم بود» (بیانات در دیدار استادان و طلاب مدرسه آیت اله مجتهدی ۸۳/۳/۲۱).

۲- ترسیم مسیر توسعه‌ی کشور از طریق دانش (دستاوردهای دانش)

مقام معظم رهبری در خصوص مسیر توسعه کشور از طریق دانش و فن‌آوری و استفاده از آن‌ها برای تعالی صنعت کشور و در نهایت تکمیل چرخه‌ی تبدیل دانش به ثروت نیز بیانات فراوانی داشته‌اند. در این خصوص به برخی از رهنمودهای ایشان اشاره می‌شود:

«... وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فن‌آوری را هم با خودش می‌آورد و پیشرفت فن‌آوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به وجود می‌آورد» (بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صداوسیما ۸۳/۹/۱۱).

«... اگر ایران اسلامی بتواند در زمینه‌ی علمی سخن خودش را در حد سخنان اول دنیا درآورد، کار شدنی است، چون علم ثروت ایجاد می‌کند، قدرت نظامی هم ایجاد می‌کند، اعتماد به نفس هم ایجاد می‌کند» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۸۴/۷/۲۴).

«... آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان به دست بیاوریم و در چاه‌های نفت را پلمپ کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است... این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد و یک هم‌افزایی پی‌درپی دارند» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۶/۱۵).

۳- خلق ارزش از مسیر دانش

همان گونه که ذکر شد رهبر معظم انقلاب همواره توجه به دانش را به‌منظور توسعه مادی و معنوی کشور مدنظر قرار دادند و تنها مسیر توسعه کشور را توسعه دانش و فن‌آوری می‌دانند. همچنین ایشان ایجاد قدرت برتر در حوزه‌ی نظامی و سیاسی و غرور ملی و تعالی انسان و ایجاد ارزش و معرفت به خدا را از دستاوردهای توسعه‌ی علم و دانش می‌دانند. در زیر به برخی از رهنمودهای ایشان اشاره می‌شود:

«خود علم ارزش است. این ارزش را کسانی می‌توانند به ضد ارزش تبدیل کنند که از آن علیه بشریت استفاده کنند؛ اما خود دانش یک ارزش است. به برکت دانش، معرفت خدا هم آسان می‌شود. کسانی که دارای علم هستند، بیشتر می‌توانند حقانیت پیام پیغمبران و حقانیت پیام راستین اسلام را بفهمند» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۶/۵).

«ما امروز باید توجه کنیم که علم همچنان که در یک فرد عزت نفس و اعتماد به نفس می‌آفریند، در یک ملت هم عیناً همین کار را می‌کند... ملتی که از علم و دانش برخوردار بود، فتوحات علمی داشت و توانست در دنیای علم نوآفرینی کند، به‌طور طبیعی احساس غرور کرده و دارای عزت نفس خواهد بود» (بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها ۸۲/۱۰/۱۷).

«منشأ قدرت اقتصادی و سیاسی هم قدرت علمی است» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) ۸۴/۱۰/۲۹).

«... دانش مایه‌ی اقتدار است، ثروت آفرین است، قدرت نظامی آفرین است، قدرت سیاسی آفرین است. یک روایتی است که می‌فرماید «العلم سلطان» - علم، قدرت است - «من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه»؛ یعنی مسئله دو طرف دارد: اگر علم داشتید، می‌توانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید - صال یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد - صیل علیه. پس کسی که علم دارد، او دست برتر را بر روی شما خواهد داشت، در مقدرات شما دخالت می‌کند، در سرنوشت شما دخالت می‌کند» (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۸۸/۱۱/۱۳).

۴- فرآیند مدیریت دانش

مقام معظم رهبری در سخنان خود بارها فرایندهایی چون تولید دانش، بکارگیری دانش، اکتساب دانش، تشخیص و ثبت دانش و انتشار و اشتراک دانش را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد تأکید قرار داده‌اند. ایشان بحث مدیریت دانش را در کشور دنبال و مسئولان و مردم را در این خصوص از رهنمودهای خود بهره‌مند کرده‌اند که فرازی از بیانات معظم له در این بخش مرور می‌شود. ضمن اینکه در سیاست‌های کلی نظام اداری، ابلاغی در تاریخ ۸۹/۱/۳۱، اهمیت مدیریت دانش بدین گونه مورد تأکید قرار گرفته است:

«دانش بنیان کردن نظام اداری، از طریق به کارگیری اصول مدیریت دانش و

یکپارچه‌سازی اطلاعات، با ابتنا بر ارزش‌های اسلامی» (سیاست‌های کلی نظام اداری

۸۹/۱/۳۱).

* تولید دانش

«علم درون‌زا است که اقتدار می‌بخشد. این که مسئله تولید علم و شکستن

مرزهای علم را مطرح کردم، به خاطر این است و باید آن را جدی بگیرید»

(بیانات در جمع استادان دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی مشهد ۸۶/۲/۲۵).

«... امروز تولید علم یک جهاد است... باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را

تولید کنیم» (بیانات در جمع زائران و مجاوران امام رضا (ع) ۸۵/۱/۱).

«نخبگان علمی در هر رشته‌ای که هستند، باید برای تقویت و تولید علم در

داخل تلاش کنند» (بیانات در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادها و افراد ممتاز آزمون‌های سراسری

۸۱/۷/۳).

* به کارگیری دانش

«نبی اکرم (ص) می‌فرمایند هر کاری که می‌خواهی انجام بدهی، با دانش و

خرد انجام بده» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان ۸۲/۷/۲۲).

«... استعمار نخواست به ما یاد بدهد که دانسته‌های دیگران را چگونه

هوشمندانه یاد بگیریم و خودمان آن‌ها را بکار بیندازیم» (بیانات در دیدار کارکنان

وزارت نفت ۷۰/۹/۱۲).

«... آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه

دانش‌های مورد نیازمان را فرا بگیریم و این دانش را به مرحله عمل و کاربرد

برسانیم» (بیانات در دیدار دانشجویان ۸۵/۸/۱۸).

«... به آن پیر مجرب سابقه‌دار و پیشکسوت هم نیاز داریم، به این جوان تازه از راه رسیده‌ی گرم متأللی از تحرک علمی و نشاط علمی و مایل به اینکه کار کند هم احتیاج داریم، باید جوری انجام بگیرد که از هر دو استفاده کنیم» (بیانات در دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و استادان دانشگاه‌ها ۸۷۹/۷/۳).

* اکتساب دانش

«ما هر جا دانش را پیدا کنیم، آن را از آن‌ها خواهیم گرفت. ما از گرفتن دانش ابا نداریم. ننگمان نمی‌کند شاگرد دانش دیگران باشیم، اما ننگمان می‌کند که همیشه شاگرد باقی بمانیم» (بیانات در جمع کارکنان مجتمع مس سرچشمه ۸۴/۲/۱۸).

«آن کسانی که بتوانند، حقیقتاً امروز از آن روزهایی است که کسب علم فریضه شرعی است، علاوه بر این که فریضه اجتماعی هم است» (بیانات در دیدار گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۶۸۹/۱۰/۲۶).

«ما بایستی در همه بخش‌ها، از جمله در مسئله کسب دانش ... نشان بدهیم که این امکان در اختیار اسلام است» (بیانات در دیدار گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۶۸/۱۰/۲۶).

«بارها گفته‌ام که ما از یاد گرفتن از غربی‌ها و غیرغربی‌ها و بیگانه‌ها خجالت نمی‌کشیم، امتناع نمی‌کنیم» (بیانات در دیدار معلمان استان فارس ۸۷۹/۲/۱۲).

* تشخیص دانش

«فرماندهان ارشد به دانشگاه‌ها سر بزنند، با این جوان‌های عزیز از نزدیک گفتگو کنند، برای آن‌ها و برای این جوان‌ها، هر دو مفید است... شما هم از تجربه و درس پیشکسوتان می‌توانید بهره ببرید» (بیانات ۸۹/۸/۱۹).

* ثبوت دانش

«اگر اهل ذوق باشند، اهل نویسندگی باشند، قلم به دست بگیرند، ... هر چه صرف کنید، می‌ارزد. البته به شرطی که بتوانید منتشر کنید. دستگاه‌های استکبار یکی از کارهایشان این است - برخلاف ماها که گاهی خیلی روشنفکر می‌شویم و می‌گوییم که همه چیز دست همه‌کس برسد، آن‌ها نه آن‌ها بسیار متعصب و در این زمینه سختگیرند - به آسانی هم نمی‌گذارند آن چیزی که شما ترجمه کردید، به دست مخاطبانش برسد؛ ولی خوب باید

راه پیدا کنید، بتوانید بکنید، بنابراین، ترجمه خیلی کار مهمی است» (بیانات در دیدار با راویان و نویسندگان ۱۳۹۲/۰۷/۱۵).

* اشتراک و انتشار دانش

«تعلیم باید طوری باشد که ذهن را بسازد، مغز را فعال کند و شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد نماید» (بیانات در دیدار مدیران و مسئولان آموزش و پرورش ۸۱/۴/۲۶).
 «اسلام به علم، فراگیری آن و تعلیم دادن آن تحریم داشت... اسلام اصلاً نسبت به علم، در درجه اول، ارزش را روی علم می‌برد، چه داشتن علم و آموختن آن به دیگران و چه فراگیری علم» (بیانات در دیدار جوانان نخبه و دانشجویان ۸۲/۷/۵).

«علم را بگیرید... اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در این جا هم منفی نباشد» (بیانات در جمع استادان و دانشجویان استان کردستان ۸۸/۲/۲۷).

«علم داد و ستدی است... انسان در اوج علم هم باید بدهد و هم بستاند» (بیانات در دیدار با نخبگان علمی سراسر کشور ۷۸/۷/۱۹).

«اما طرف دیگر قضیه این است که همه سعی کنند معلم هم باشند، یعنی چیزی را که می‌دانند به دیگران تعلیم دهند. در روایات در باب تعلیم، این معنا زیاد تکرار شده است. عالمی که علم خود را کتمان می‌کند، لعنت شده است...» (بیانات در دیدار جمعی زیادی از معلمان و کارگران ۷۱/۲/۹).

بخش سوم: سرمایه معنوی در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله)

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، صاحب نظران در حوزه‌ی سرمایه فکری، بر این باورند که سرمایه فکری به سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای تقسیم بندی می‌شود؛ اما سرمایه فکری یک جزء دیگری نیز دارد که در میان آن‌ها مشترک است؛ یعنی در مرکز سه جزء قبلی قرار دارد و آن «سرمایه معنوی»^۱ است.



شکل شماره ۱۶: فرایند مدیریت دانش

۱- مفهوم سرمایه معنوی

سرمایه معنوی، یعنی آگاهی نسبت به توانایی‌های خود، تشخیص قابلیت‌های موجود در محیط اطراف، توانایی دیدن مسائل و مشکلات از ابعاد متفاوت، درک ارزش‌های والای انسانی، داشتن احساس همدلی و درک انسان‌های دیگر، احترام به تفاوت‌های موجود در انسان‌ها با اعتقاد به هدفمند بودن این تفاوت‌ها و توانایی بهره برداری از آن‌ها و در نهایت توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت (<http://www.Fardeaslah.ir>). به دیگر سخن، سرمایه معنوی شامل ارزش‌هایی چون روحیه، ایمان، صداقت، اخلاق،

علاقه و انگیزه، تعهد، عزت نفس، اشتیاق و صفا و صمیمیت است (خسروزادگان نژاد و دیگران، ۱۳۹۲). بر این اساس، سرمایه معنوی جزء مهمی از سرمایه فکری است که در موفقیت سازمان تأثیر فراوانی دارد.

وقتی ما توانایی پیدا کنیم که به چیزی، به جز خود فکر کنیم و فراتر از منافع شخصی خود بیندیشیم، قدم اساسی در جهت کسب سرمایه معنوی برداشته‌ایم. علت اینکه سرمایه معنوی باعث غنی شدن زندگی انسان‌ها می‌شود این است که نگاه انسان‌ها را نسبت به زندگی تغییر داده و این نگاه را از تمرکز صرف بر خود به تمرکز بر کل دنیا معطوف می‌کند؛ به این معنا که انسان‌ها یاد می‌گیرند تأثیر عملکردها و رفتارهای خود را بر کل محیط اطراف خود دیده و باور کنند. فرایندهای رفتاری و گفتاری انسان‌ها می‌تواند بر زندگی حال و آینده افراد دیگری که با آنان در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم هستند تأثیر به‌سزایی داشته باشد؛ به همین دلیل، دقت و حساسیت زیادی بر روی عملکرد خود داشته و سعی می‌کنند نتیجه رفتارهای خود را بر محیط بیرونی و درونی مرتبط با خود مورد بررسی قرار داده و بعد دست به اقدام بزنند. با این نگاه سرمایه معنوی به سازمان کمک می‌کند تا سازمان به تعالی و توسعه پایدار دست یابد (<http://Fardeaslah.ir>).

در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله) «معنویت آن حالت درونی و باطنی انسان است که هر کاری را با قصد قرب‌الهی و کسب رضای خداوند انجام دهد» (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۴). در واقع، در نظر ایشان، معنویت با وجود خدا معنا پیدا می‌کند و بدون اعتقاد به خداوند متعال، معنویت بی‌معناست. پس شاخص معنویت، خدا محوری است:

«معنویت، راز و نیاز باخدا، ارتباط دل‌ها باخدای متعال، هدف را خدا قرار دادن، فریب ظواهر را نخوردن، دل‌بستگی به زر و زیور دنیا و زخارف دنیا پیدا نکردن، این‌هاست که یک مجموعه‌ی مؤمن و یک فئیه‌ی مؤمنه را به وجود می‌آورد؛ آن وقت، «کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيره باذن الله». کم هم که باشید، با داشتن آن جنبه‌ی معنوی، زیاده‌ها را در مقابل خودتان مجبور به هزیمت می‌کنید» (بیانات در دیدار با مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۰/۶/۲۷).

۲- سرمایه معنوی در اسلام

در متون دینی، کلمه یا اصطلاح ویژه‌ای که بتوان آن را به «سرمایه معنوی» و «معنویت» ترجمه کرد، وجود ندارد؛ اما مجموعه‌ای از کلیدواژه‌ها و کلمات مهم در متون مقدس دینی به چشم می‌خورد که مراد و مفاد آن‌ها دور از معنای معنویت نیست. «ایمان»، «پرهیزکاری»، «باورمندی»، «فضیلت‌گرایی» و «پایبندی به احکام و مناسک دینی»، روح و کالبد معنویت هستند و تفکیک آن‌ها از هم ممکن نیست. بسیاری از منویات دینی، از رهگذر معنویت اجرا می‌شود. احکام و آموزه‌های عقیدتی، بخشی از اهداف دین را بر آورده می‌سازد؛ اما بخشی دیگر از برنامه‌های دین در گرو معنویت گسترده و اخلاق‌گرایی دین‌داران است. دین به کمک معنویت درونی انسان‌ها، تعادل آنان را در زندگی حفظ می‌کند و راه رشد را پیش چشمشان می‌آورد (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۳). چنان که مقام معظم رهبری در این باره خطاب به اقشار مختلف مردم فرمودند:

«عزیزان من! بدانید که تا امروز هم ملت ایران هر توفیقی پیدا کرده است، به برکت تکیه به معنویات آن را به دست آورده است. کسانی که از لحاظ مادیات جلوتر از ملت ایران باشند، در دنیا هستند؛ اما آن‌ها نتوانستند بر روی ملت‌های دیگر و جوانان کشورهای دیگر این‌گونه تأثیرات شگرفی را باقی بگذارند که ملت ایران با انقلاب خود، با حرکت خود، با امام خود، با مجاهدات خود و با شهادت‌های خود، آن تأثیرات را گذاشت. شما بر روی ملت‌های دیگر و بر روی جریان عادی بسیاری از کشورهای جهان، اثر بسیار عمیقی گذاشتید. این به برکت معنویت بود. این معنویت را باید روز به روز زیاد کرد. عزت ملت ایران، سربلندی ملت ایران و امید بی‌پایان ملت ایران، به برکت اتکا و امیدواری به خداوندگار است و این با ارتباط روزافزون، شفاف‌تر و متجلی‌تر و متأللی‌تر می‌شود. این که ما این قدر تأکید می‌کنیم جوانان ما که بحمدالله در این زمان منبع صفا و نورانیت‌اند، بیشتر به در خانه‌ی خدا بروند - با این که امروز وضع جوانان نسبت به گذشته به‌طور کلی متحول شده است و امروز نورانیت و معنویت مضاعفی دارند - به خاطر این است که هرچه رابطه با خدا را مستحکم‌تر کنیم، توفیقات و هدایت الهی بیشتر و دل‌های ما روشن‌تر خواهد شد» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۷/۰۷/۲۹).

از دیدگاه مسلمانان زندگی معنوی، هم بر ترس از خدا مبتنی است و هم بر عشق او، هم تسلیم در برابر اراده خدا و هم جستجو برای شناخت او که هدف نهایی آفرینش است. معنویت اسلامی با الگوی آداب اسلامی که ساخته و پرداختهٔ ارکان دین است، رابطه دارد. گوهر معنویت اسلام با توجه به توحید پیوند می‌خورد و قلب اسلام و کلید فهم جنبه‌های مختلف آن است (محمدی و عباسیان، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

آموزه‌های اسلامی عمیق‌ترین و جامع‌ترین معارف را در ابواب گوناگون عرضه می‌دارد و افزون بر آن اعمال شایسته را به بهترین شکل تبیین کرده است که می‌تواند معنویت بزرگ را پایه‌گذاری کند. خداوند، منبع، محور و بخشنده معنویت است و بدون ارتباط با او از رهگذر بندگی واقعی و عبودیت، معنویت پوچ و مجازی است و معنویت منهای خدا چیزی جز فریب و دل‌مشغولی ظاهری نیست. حیات طیبه و تابش انوار ربوبی بر قلب از سوی خدای تعالی است و ایمان و عمل صالح زمینه‌ی آن را فراهم می‌کند؛ بنابراین، معنویت افاضه‌ای از سوی حق است (الهامی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۳). در واقع، معنویت برای مسلمانان مبتنی بر دین است؛ یعنی تعالیم و آموزه‌های دین اسلام شکل دهنده معنویت هستند. مبنا و منشأ معنویت اسلامی، دو منبع گران‌سنگ در اسلام، قرآن کریم و سنت، یعنی فرمایشات پیامبر اسلام (ص) حضرت محمد (ص) و اهل بیت (ع) است.

در اسلام معنویت دارای دو مفهوم است: معنویت منفی و معنویت مثبت. منظور از معنویت منفی، «نبودن یک سلسله از امور است؛ اگر جامعه‌ی انسانی و افراد به مرحله‌ای برسند که خودپرست، خودخواه و سودجو نباشند، تعصب نژادی، منطقه‌ای و حتی مذهبی نداشته باشند، این نیست‌ها به‌عنوان معنویت به‌حساب می‌آیند» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۶۶). البته این نوع از معنویت لازم است، اما شرط کافی نیست؛ زیرا نوع دیگری از معنویت وجود دارد که از آن می‌توان تحت عنوان معنویت مثبت یاد کرد. معنویت مثبت، به معنویتی اطلاق می‌شود که جامعه انسانی و افراد از طریق یک سلسله امور از قبیل ایمان به خدا، ایمان به معاد، عمل صالح و بندگی به آن دست می‌یابند؛ یعنی «معنویت برآیندی است که از فرآیند معرفت، ایمان و عمل صالح در چارچوب شریعت اسلامی حاصل می‌شود» (الهامی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۳).

قرآن کریم، ایمان و عمل صالح را عامل مهم در کسب قدرت معنوی می‌شمارد

که انسان می‌تواند با سعی و تلاش خود و با عنایت و تفضل الهی به آن دست یابد.

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نحل، آیه ۹۷)

«هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعا او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد».

در سوره‌ای دیگر می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (سوره عنکبوت، آیه ۶۹)

«و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است».

این آیات نشانگر این حقیقت است که کسب قدرت معنوی در پرتو تلاش آدمی و تفضل و عنایت الهی حاصل می‌شود.

۳- اصول بنیادین معنویت اسلامی

معنویت، افزون بر آثار اخروی و سعادت ابدی انسان، تأثیر فراوانی بر زندگی دنیوی و مادی او دارد. انسان‌ها برای زندگی پاکیزه و آسوده، تنها محتاج آب و برق و گاز نیستند؛ بلکه نیازهای اساسی‌تری نیز دارند که بخش عظیمی از آن‌ها را معنویت دینی فراهم می‌کند. حتی اکنون بسیاری از محققان و دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که برخی بیماری‌های صعب‌العلاج جسمی و روحی انسان را جز از این طریق نمی‌توان درمان کرد. در غرب، گاهی نام کتاب مقدس در نسخهٔ بیماران نوشته می‌شود؛ یعنی اگر می‌خواهی سلامتی‌ات را به دست آری، گوشه‌ای بنشین و با خدای خود گفت و گو کن. به‌واقع، زندگی بدون اخلاق و معنویت و قلب سلیم، مجازی است، نه حقیقی و بیشتر شبیه سپری کردن دوران محکومیت طولانی در زندانی سخت و طاقت فرسا است (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۲).

با مراجعه به آیات قرآن کریم می‌توان اصولی را استخراج کرد که بیشترین اهتمام و اصرار را بر معنویت دارد. فقدان هر یک از این اصول، پایه‌های معنویت‌گرایی را در

انسان می‌لرزاند و بدون تمسک به آن اصول، هرگز نمی‌توان به معنویت اسلامی دست پیدا کرد. در اینجا به دلیل طولانی نشدن مطلب از توضیح عناوین به دلیل واضح بودن آن خودداری می‌شود و تنها آیاتی که پشتوانه و سرمایه معنوی هستند، به عنوان ادله اصول بنیادین معنویت ارائه می‌شود. این اصول عبارت‌اند از:



شکل شماره ۱۷: اصول بنیادین معنویت اسلامی (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۲)

الف) ایمان به خدا

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا
وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (سوره قصص، آیه ۶۰)

«در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند
فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند او می‌گویند اهان بیم مدارید و غمگین
مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد باشید»

در سوره‌های دیگر می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاءُ لَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (سوره بینه، آیات ۸-۷)

«در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آنانند که بهترین آفریدگانند * پاداش آنان نزد پروردگارشان باغ‌های همیشگی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است جاودانه در آن همی مانند خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد»

(ب) ایمان به معاد

«وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (سوره ص، آیه ۲۶)

«و زنه‌ار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می‌روند به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذاب‌ی سخت خواهند داشت»

(ج) ایمان به هدف مندی آفرینش

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵)

«آیا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید»

در سوره‌ای دیگر می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره ذاریات، آیه ۵۶)

«و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند»

(د) ایمان به احساس بندگی و نیاز به خدای متعال

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (سوره فاطر، آیه ۱۵)

«ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است»

۴- اهمیت معنویت در عرصه‌ی دفاعی

کارشناسان و صاحب نظران نظامی بر این باورند که توان رزم نیروهای مسلح را سه عامل: فیزیکی، غیر فیزیکی و برترساز توان رزم شکل می‌دهند (جهرمی قنبری، ۱۳۷۸: ۱۴).

منظور از عوامل فیزیکی: عوامل قابل شمارش و قابل سنجش است که می‌توان آن‌ها را به‌صورت کمی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؛ مانند تعداد یگان‌های رزمی، یگان‌های پشتیبانی رزم، یگان‌های پشتیبانی خدمات رزم و تعداد سلاح و تجهیزات. در بیان عوامل غیرفیزیکی آمده است: «این عوامل بر خلاف عوامل فیزیکی به‌طور دقیق قابل سنجش نیستند و تنها به‌صورت نسبی می‌توان آن‌ها را تا حدودی ارزیابی کرد. این عوامل بیشتر جنبه کیفی داشته و تاکنون برای محاسبه آن‌ها فرمول دقیقی ارائه نشده است. هرچند امروزه تلاش می‌شود با شناخت دقیق پدیده‌ها، این عوامل را از حالت کیفی به کمی تبدیل و روش مشخصی برای ارزیابی آن‌ها ارائه کنند. این عوامل شامل: ایمان، انگیزه، آموزش، انضباط، آداب و سنن و تعصبات ملی و قومی، تجربه، فرماندهی، روحیه، حمیت قسمتی و...» است.

کارشناسان مسائل نظامی در باره‌ی ارتقا توان رزم، علاوه بر دو عامل فوق، موارد دیگری را تحت عنوان «عوامل برترساز توان رزم» مورد توجه قرار داده‌اند. این عوامل عبارت‌اند از: آب و هوا، رعایت پوشش و فریب راهکنشی (تاکتیکی)، زمین، عملیات روانی، اشراف اطلاعاتی، کنترل و هماهنگی، تحرک، آسیب‌پذیری و قبول خطر، عملیات جنگ الکترونیک، عملیات سد و ممانعت، عملیات اطلاعاتی و حفاظت و... طبق اسناد تاریخ نظامی، جبهه حق در طول تاریخ، به‌جز مقاطع نادری همچون دوران حکومت سلیمان نبی (ع)، همواره از لحاظ عده و عُده نسبت به جبهه باطل از حداقل توان برخوردار بوده است.

این نابرابری توان رزم بین ۱۰ تا ۴۰۰ برابر در نوسان بوده است؛ نماد این نابرابری در دوران حکومت امام حسن (ع) واقعه عاشورا، دفاع مقدس و نبرد حزب الله و حماس با رژیم اشغالگر قدس به‌وضوح نمایان است.

در نظام سیاسی اسلام، رهبران و کارگزاران سیاسی و نظامی به دلیل اشرافیت

نظام کفر بر تسلیحات، فن‌آوری و تحریم‌هایی که اعمال می‌کنند، برای جبران عوامل فیزیکی (برتری تجهیزات و نیروی انسانی) دشمن، به تقویت عوامل غیرفیزیکی توان رزم (معنویت) توصیه می‌کنند. قرآن کریم این مهم را چنین توصیف می‌کند:

«إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (سوره انفال، آیه ۶۵)

«و اگر باشد از شما بیست تن شکیبا (در معرکه کارزار) پیروز خواهند شد بر دویست تن (از دشمنان) و اگر باشد از شما صد تن، پیروز شوند بر هزار تن از آنان که کفر ورزیدند، به واسطه آن که ایشان گروهی‌اند که نمی‌فهمند»

بر این اساس، معنویت با شاخص‌های آن به‌عنوان عوامل غیر فیزیکی از اصول لاینفک اندیشه‌ی دفاعی نظام سیاسی اسلام محسوب می‌شود. این عامل چنان نقشی در ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح دارد که در جایی دیگر از این مصحف شریف در خصوص نقش صبر و شکیبایی به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های معنویت مؤثر در موفقیت نبرد چنین آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

(سوره آل عمران، آیه ۱۹۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید شکیبا باشید و شکیبایی ورزید، خود را برای جنگ آماده و مهیا کنید و بترسید از خدا شاید رستگار شوید.»

امیرالمؤمنان حضرت علی (ع) نیز در خصوص نقش معنویت و شاخص‌های آن در توان رزم، ایمان را به‌عنوان یکی از شاخص‌های عوامل غیر فیزیکی توان رزم چنین تبیین می‌کنند:

«سَبِيلُ أَيْدِي الْمُنْهَاجِ، أَنْوَرُ السَّرَاجِ، فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَ

بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ، وَ بِالْإِيمَانِ يُعْمَرُ الْعِلْمُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵)

«ایمان راهی است روشن و واضح، با چراغی پرتو افکن. به ایمان است که به کارهای نیکو، راه توان برد و به کارهای نیکوست که ایمان را توان دانست، ایمان، سبب آبادانی علم است»

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) در این خصوص فرمودند:

«اما ملت ایران در میان تحریم همه جانبه، به‌خصوص تحریم سلاح و تجهیزات جنگی، در غربت کامل، با اتکا به ایمان خود، ایمان جوانان خود، شناخت و دلیری نیروهای مسلح خود، توانست این دشمن متکی به کوه سلاح و تجهیزات را شکست دهد و هزینه‌های که این همه بر سر رژیم ریختند باطل کنند» (بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش ۱۳۸۹/۰۸/۱۹).

ایشان در اهمیت و نقش معنویت در ارتقای توانمندی‌ها فرمودند:

«سلاح، مهم است و مرد مسلح، توانای دفاع است؛ اما مهم‌تر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی مرد مسلح است. این، آن چیزی است که اقتدار ملی یک کشور را به‌صورت یک اقتدار معنوی و حقیقی و غیرقابل زوال در می‌آورد. یک ملت با داشتن مردان و جوانان مسلح و سربازان شجاع و رشیدی که دل‌های آن‌ها با نور ایمان روشن است و اراده‌های آن‌ها با قدرت و صلابت ایمان مستحکم است، دارای اقتداری است که نظیر آن را در سراسر جهان - بلکه در سراسر تاریخ - کمتر می‌توان پیدا کرد. امروز شما در چنین کسوتی قرار دارید» (بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (ع)، ۱۳۸۷/۷/۲۸).

۵- شاخص‌های معنویت

مهم‌ترین شاخص‌های معنویت در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله) عبارت‌اند از:

* ارتباط با خداوند

«خدا را هرگز فراموش نکنید. دل را با منبع غیبی قدرت - یعنی سرچشمه‌ی فیاض وجود، یعنی خدای بزرگ - مرتبط و متصل نگه دارید. باخدا هر چه بیشتر انس بگیرید. بشر با پشتیبانی و دلگرمی به این منبع لایزال قدرت است که موجودی آسیب‌ناپذیر و شکست‌ناپذیر می‌شود» (بیانات در مراسم صبحگاه پایگاه نظامی نیروی دریایی ارتش ۱۳۷۰/۱۰/۱۲).

* ایمان

«اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی، ایمان است؛ ایمان به خدا، توکل به خدا، حسن ظن به خدا» (بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر ۱۳۸۸/۰۷/۱۴). خاصیت ایمان در وجود یک انسان مسئول این است که راه او را هموار و دشواری‌ها را در نظرش کوچک می‌کند؛ همت او را بالا می‌برد؛ او را از آلوده شدن به

خواستنه‌های حقیر اهل دنیا باز می‌دارد؛ او را عاشق، خادم و دوستدار مردم قرار می‌دهد و در مقابل تهدید دشمنان آسیب‌ناپذیر و در مقابل مشکلات کار و مسئولیت مقاوم می‌سازد» (بیانات در صحن جامع رضوی مشهد، ۱۳۸۳/۱/۲).

* اخلاص

«اگر کسی که مسئولیتی بر دوش گرفته، اخلاص و قصد قربت و نیت برای خدا نداشته باشد، تحقیقاً مغبون شده است. اگر اخلاص و عمل لله و تلاش منهای انگیزه‌های غیر الهی بود، هر مسئولیتی گوارا، هر کار سنگینی تحمل کردنی و هر باری برداشتنی است... باید انگیزه‌ی حرکت ما - در هر سطحی که هستیم - انگیزه‌ی الهی باشد. علاج همه‌ی دردهای ما، اخلاص است. اگر اخلاص باشد، همه‌ی چیزهایی که فعلاً نظام و جامعه‌ی ما از آن‌ها متأذی است، برطرف خواهد شد. اخلاص در عمل، موجب خواهد شد یکپارچگی‌ها تحکیم بشود» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان ۱۳۶۹/۴/۲۵).

* ایثار

«این ایثار و این گذشت، یک نماد است برای مؤمنانی که می‌خواهند راه حقیقت را، راه تعالی را، راه عروج به مدارج عالی‌ه را طی کنند. بدون گذشت، امکان ندارد. همه‌ی امتحان‌هایی که ما می‌شویم، در واقع نقطه‌ی اصلی‌اش همین است؛ پای یک ایثار و یک گذشت به میان می‌آید. گاهی گذشت از جان است، از مال است؛ گاهی گذشت از یک حرفی است که کسی زده است، می‌خواهد با اصرار و لجاجت پای آن حرف بایستد؛ گاهی گذشت از عزیزان است» (بیانات در دیدار مردم اصفهان ۱۳۸۹/۰۸/۲۶).

* داشتن روحیه بسیجی

«...در هر میدانی که روحیه بسیجی، اخلاص بسیجی، ایمان بسیجی، با شجاعت و شهامت بسیجی وقتی وارد بشوند می‌توانند کارهای بزرگی را انجام بدهند. این حقیقت بسیج است. عزیزان بسیجی این را قدر بدانند، ارکان بسیجی بودن را در خودشان تقویت کنند. ارکانی دارد. این ارکان را روز به روز همه باید تقویت کنیم...» (بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۰۹/۰۴).

* تکلیف‌گرایی

«احساس تکلیف‌خداایی احساس اتکال به خداوند متعال. این است که یک ارتش را، یک مجموعه نیروهای مسلح را، یک ملت آن چنان مقاوم و استوار می‌کند که قدرت‌های مادی حاضر نیستند آن را به‌زانو در بیاورند و نصرت نهائی و پیروزی نهایی با اوست» (بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش ۱۳۸۹/۰۸/۱۹).

* شهادت طلبی

«اگر در یک جمله بخواهم مسئله شهادت و اهمیت آن را بیان کنیم، باید بگوییم اعتقاد به شهادت، باور به عظمت شهیدان برای یک ملت، عمق معنوی شخصیت و هویت آن ملت است» (بیانات در دیدار مردم استان قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۸).

* مدیریت جهادی

«یک ملت وقتی معتقد به جهاد شد در همه میدان‌ها پیشرو است» (بیانات در دیدار مردم اصفهان ۱۳۸۹/۰۸/۲۶).

آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند؛ این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد» (دیدار با جهادگران ۱۳۸۲/۱۰/۱۴).

* جهاد فی سبیل‌الله

«جهاد فی سبیل‌الله و این است که یک ملت را رشد می‌دهد طراوت می‌دهد، تازگی می‌دهد، امید می‌دهد و یک ملت را پیش می‌برد... جهاد فقط به دست گرفتن تفنگ نیست؛ جهاد این است که انسان خود را همیشه در میدان حرکت و مبارزه با مانع‌ها و مانع‌تراش‌ها ببیند، احساس تکلیف کند، این می‌شود جهاد، جهاد اسلامی این است. جهاد گاهی با جان است، گاهی با مال است، گاهی با فکر است و گاهی با دادن شعار است» (بیانات در دیدار مردم اصفهان ۱۳۸۹/۰۸/۲۶).

* تقوا

«تقوا مایه این است که یک فرد یا یک جامعه در هر میدانی که وارد می‌شود، موفق شود». «والعاقبه للمتقین» عاقبت این مسیر عظیم تاریخی و جهانی متعلق به متقین است. آخرت هم متعلق به متقین است. عاقبت همین دنیا

هم متعلق به متقین است. امام اگر با تقوا نبود، در طول این مبارزه نمی‌توانست آن منش و شخصیتی را از خود بروز دهد که برای چنین حرکت عظیمی محور شود و کار به این جا منتهی گردد. تقوای او، او را به این جا رساند. تقوای او، او را حفظ کرد» (بیانات در جمع فرماندهان سپاه ۱۳۶۹/۶/۲۸).

* صبر و استقامت

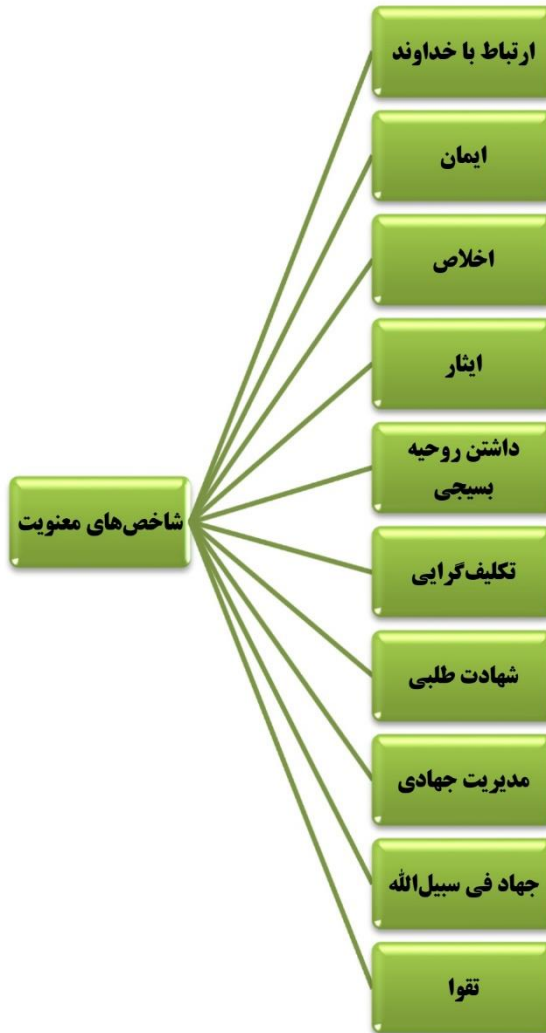
«استقامت، یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه‌های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت طلبی و عشرت طلبی رو نیاوردن. این‌ها اساس کار است. البته در درجه‌ی اول باید مسئولان طراز اول و طراز دوم کشور و مدیران ارشد و فرماندهان، مراقب این چیزها باشند؛ بعد هم عناصر مؤمنی که می‌خواهند افتخار پیشرفت نظام اسلامی و آرمان اسلامی را در نزد خدا و خلق و تاریخ برای خود حفظ کنند» (بیانات در دیدار با گروه کشوری از پاسداران ۱۳۸۱/۷/۱۷).

* عدم دل بستگی به دنیا

«سپاه پاسداران و بسیج و هر فرد و جمع دیگری از نیروهای مسلح در ارتش و غیر آن که از این معنویت و زلال روح و فضیلت استفاده کرده است، بایستی این را قدر بداند و آن دستاوردها را برای خود حفظ کند... چیزی که انسان را نجات می‌دهد، اسلام است، معنویت است، فضیلت است، بی‌اعتنایی به زرق و برق‌هاست» (بیانات در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای سپاه ۱۳۷۲/۷/۷). [پنابراین] «باید هر چه می‌توانیم این بیماری، این درد بزرگ، این ضایعه - دل بستگی به دنیا - را در خودمان کم کنیم. توجه به خدای متعال و تذکر عظمت پروردگار یکی از راه‌هاست» (خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۷/۶/۳۰).

۶- آثار معنویت

جامعه‌ای که در آن روحیه معنوی حکم‌فرما باشد، جامعه‌ای است که ارزش‌های دینی در آن حرف اول را می‌زند. به‌طور طبیعی، روحیه معنوی در جامعه آثار مهم و زیادی در میان افراد و در تعامل با یکدیگر خواهد داشت. چنانکه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره فرمودند:



شکل شماره ۱۸: شاخص‌های معنویت از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)

«عزیزان من بدانید که تا امروز ملت ایران هر توفیقی پیدا کرده است، به برکت تکیه به معنویات آن را به دست آورده است. کسانی که از لحاظ مادیات جلوتر از ملت ایران باشند، در دنیا هستند؛ اما آنها نتوانستند بر روی ملت‌های دیگر و جوانان کشورهای دیگر این‌گونه تأثیرات شگرفی را باقی بگذارند که ملت ایران با انقلاب خود، با حرکت خود، با امام خود، با مجاهدات

خود و با شهادت‌های خود، آن تأثیرات را گذاشت. شما بر روی ملت‌های دیگر و بر روی جریان عادی بسیاری از کشورهای جهان، اثر بسیار عمیقی گذاشتید. این به برکت معنویت بود. این معنویت را باید روزبه روز زیاد کرد. عزت ملت ایران، سربلندی ملت ایران و امید بی‌پایان ملت ایران، به برکت اتکا و امیدواری به خداوندگار است و این با ارتباط روزافزون، شفاف‌تر و متجلی‌تر و متأللی‌تر می‌شود. این که ما این قدر تأکید می‌کنیم جوانان ما که به حمدالله در این زمان منبع صفا و نورانیت‌اند، بیشتر به در خانه‌ی خدا بروند - با این که امروز وضع جوانان نسبت به گذشته به‌طور کلی متحول شده است و امروز نورانیت و معنویت مضاعفی دارند - به‌خاطر این است که هرچه رابطه با خدا را مستحکم‌تر کنیم، توفیقات و هدایت الهی بیشتر و دل‌های ما روشن‌تر خواهد شد» (در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۷۷/۷/۲۹).

با توجه به شاخص‌های معنویت که اشاره شد، این عامل در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله) آثار متعددی دارد که برخی از آن‌ها را می‌توان به شرح زیر نام برد.

* آمادگی برای ورود به میدان‌های سخت

«ایمان به خدا، توکل به خدا، حسن‌ظن به خدا. این است که دل را آماده می‌کند برای ورود در میدان‌های دشوار؛ این است که گام‌ها را استوار می‌کند برای پیمودن جاده‌های سخت؛ این است که مشکلات را در چشم‌ها کوچک می‌کند، هدف‌های بزرگ را در اختیار انسان می‌گذارد و در مد نظر او و نگاه او قرار می‌دهد. ایمان به خدا؛ بدون این ایمان، انسان یک قالب مادی است. دل‌ها از عشق به خدا و عشق به معنویت و فضیلت، در آن‌چنان مجموعه‌هایی که ایمان به خدا ندارند، نمی‌تپد؛ اقتدار هم به معنای حقیقی کلمه به دست نمی‌آید» (بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر ۸۸/۰۷/۱۴).

* انجام کارهای ناشدنی

«این کوه‌های گوناگون مشکلات که بر سر راه مستضعفین عالم قرار دارد، جز با قدرت عزم و اراده پولادین مؤمن برداشته نخواهد شد» (بیانات در جمع بسیجیان، ۱۳۸۹/۸/۲).

آثار معنویت

آمادگی برای ورود به میدان‌های سخت

انجام کارهای ناشدنی

نصرت الهی

پیشرفت همه جانبه

شکل‌گیری دنیای انسانی

اقتدار جهانی

شکست دشمنان

شکست‌ناپذیری

شکل شماره ۱۹: آثار متعدد شاخص‌های معنویت

* نزول نصرت الهی

«خدای متعال وعده داده است که اگر دین او را و راه و هدف الهی را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد. یاری خدا به معنی تمام نیروهای موجود در طبیعت است» (بیانات در درس‌گفتار قرآن کریم ۱۶/۵/۱۳۹۱). [بنابراین] «به خدای متعال و وعده‌ی الهی اطمینان داشته باشید؛ اگر ایستادگی کردید و با تدبیر حرکت کردید، مطمئن باشید که نصرت الهی با شما همراه است. این خصوصیت دیندار بودن مردم و دینی بودن این انقلاب و نظام اسلامی است» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۲۷/۷/۱۳۸۹).

* پیشرفت همه جانبه

«می‌توان با معنویت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد» (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۰/۹/۱۳۸۹). «هم مسئولین، هم آحاد مردم، هم خانواده‌ها این ایمان را باید قدر بدانند؛ این را در خود روز به روز ریشه‌دارتر کنند؛ این است که قدرت ملت ایران را تأمین می‌کند؛ این است که می‌تواند پشتوانه‌ی

پیشرفت‌های علمی ما، پیشرفت‌های فنی ما، پیشرفت‌های سیاسی ما، پیشرفت‌های اجتماعی ما قرار گیرد» (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و جانبازان قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۸).

* شکل‌گیری دنیای انسانی

«دنیایی که در آن علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا؛ دنیای انسانی خواهد شد» (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰).

* اقتدار جهانی

«... وقتی ملتی آحادش، جوان‌هایش، پدر و مادرهایش، ایثار در راه خدا، فداکاری خود در راه هدف الهی را به‌عنوان یک ایمان پذیرفتند، این ملت یک عمق عظیم پیدا می‌کند. به‌طوری طبیعی این ملت می‌شود مقتدر، می‌شود قوی، می‌شود یک ملت سرآمد؛ بدون اینکه سلاح داشته باشد، بدون اینکه ثروت فوق‌العاده نقدی در اختیارش باشد» (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و جانبازان قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۸).

* شکست دشمنان

«ملت ایران در میان تحریم همه جانبه، به‌خصوص تحریم سلاح و تجهیزات جنگی، در غربت کامل، با اتکا به ایمان خود، ایمان جوانان خود، شناخت و دلیری نیروهای مسلح خود، توانست این دشمن متکی به کوه سلاح و تجهیزات را شکست دهد و هزینه‌هایی که این همه بر سر رژیم ریختند باطل کنند» (بیانات در جمع کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۹/۸/۱۹).

* شکست‌ناپذیری

«... خدا را هرگز فراموش نکنید. دل را با منبع غیبی قدرت - یعنی سرچشمه‌ی فیاض وجود، یعنی خدای بزرگ - مرتبط و متصل نگه‌دارید. با خدا هرچه بیشتر انس بگیرید. بشر با پشتیبانی و دلگرمی به این منبع لایزال قدرت است که موجودی آسیب‌ناپذیر و شکست‌ناپذیر می‌شود. شما - مخصوصاً جوانان - با آن دل‌های پاک و روح‌های روشن، با ارتباط با خدا، این آسیب‌ناپذیری و شکست‌ناپذیری را در خودتان به وجود بیاورید؛ خدای متعال هم سرچشمه تفضل خود را به روی شما خواهد گشود» (بیانات در مراسم صبحگاه پایگاه نظامی نیروی دریایی ارتش ۱۳۷۰/۱۰/۱۲).

۷- آثار فقدان معنویت

همان گونه که وجود معنویت در یک سازمان، یک جامعه یا حتی در وجود یک انسان آثار بسزایی در جهت یک زندگانی سعادت‌مند دنیایی و اخروی دارد، عدم وجود معنویت نیز به همان اندازه تأثیر منفی خواهد داشت. فقدان معنویت در یک جامعه، به معنای فقدان انسانیت و ارزش‌های انسانی است. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند:

«قدرت‌های ستمگر عالم، به خصوص در صد سال اخیر، بر حذف معنویت و ارزش‌های والای انسانی در زندگی جوامع بشری پای فشرده‌اند و نتیجه‌ی آن، گسترش فسادهای اخلاقی و اعتیاد و بی‌بندوباری و ویرانی بنیان خانواده و نیز رشد استثمار و افزایش فاصله‌ی میان ملت‌های فقیر و غنی و دوری روزافزون از عدالت اجتماعی و بی‌اعتنایی به کرامت انسان و تولید سلاح‌های مرگبار و افزایش کشتارهای دسته جمعی گردیده است. علم نیز مانند انسان، قربانی حذف معنویت و بی‌اعتنایی به ارزش‌های دینی شده است.» (پیام به

مسیحیان و مسلمانان جهان به مناسبت سالروز میلاد حضرت مسیح (ع) ۱۳۷۰/۱۰/۷).

قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره مریم علت گمراهی و انحراف جوامع دینی از مسیر

حق را تبعیت از هواهای نفسانی و دوری از یاد خدا می‌داند و می‌فرماید:

«فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»

«سپس کسانی جانشین اینان شدند که نماز را ضایع گذاشتند و پیرو شهوات گردیدند و به زودی به گمراهی خواهند افتاد.»

مقام معظم رهبری نیز در دیدارشان با فرماندهان گردان‌های عاشورای نیروی مقاومت بسیج در مورخه ۱۳۸۱/۴/۲۲ در مورد عبرت از عاشورا به این آیه تمسک جسته و آنگاه فرموده‌اند:

«دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است:

یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن.

دوم «وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ»؛ دنبال شهوت رانی‌ها رفتن؛ دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی».

بنابراین، عامل ضعف نیروهای مسلح، تهی شدن از معنویت و یاد خدا است و همچنین عامل اقتدار نیروهای مسلح نیز آراستگی به معنویات و دوری از دنیا طلبی است. البته همان‌طور که اشاره شد وجود و عدم وجود معنویت اثر خود را هم در افراد هم در سازمان‌ها و هم در جامعه انسانی به جا خواهد گذاشت و اختصاص به شخص، گروه یا جامعه خاصی ندارد. چنانکه ایشان در جایی دیگر فرموده‌اند:

«علت این که می‌بینید در بسیاری از کشورها، نسل‌های جوان به ستوه می‌آیند، خودکشی زیاد می‌شود، خانواده‌ها متلاشی می‌شوند و جوانان به آوارگی می‌افتند، همین کمبود معنویت است. برای بشر، معنویت یک غذا و تغذیه‌ی روحی است. مگر می‌شود بدون معنویت انسان بتواند مدت طولانی راحت زندگی کند» (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۷۴/۳/۱۴). [بنابراین] «بشر، وقتی از معنویت غافل شد، همه‌ی درهای اصلاح و صلاح به روی او بسته می‌شود» (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۷۴/۹/۲۹).

۸- راهکارهای نهادینه شدن معنویت

راهکارهای نهادینه شدن معنویت را با توجه به شاخص‌های آن می‌توان به شرح زیر نام برد:

راهکارها

داشتن عزم راسخ	باور به توان خود
داشتن اخلاص و بصیرت	پشتیبانی معنوی از نیروهای انسانی
ترکیب دانش و معنویت	الگوپذیری از رهبران دینی
توأم نمودن ایمان با عمل	توسل و توجه به پروردگار
پیوند با روحانیت	غلبه بر هوای نفسانی
حفظ شور و انگیزه‌ی انقلابی	تواضع و فروتنی

* باور به توان خود

«به خود متکی باشید؛ این تجربه‌ی شماست، تجربه‌ی کشور شماست، تجربه‌ی پیشکسوتان شماست در ارتش جمهوری اسلامی و در کل نیروهای مسلح. به خود متکی بودید، نیروهای شما، استعدادهای شما مثل چشمه‌ی لایزالی از درون می‌جوشد و فرآورده‌ی آن را تقدیم شما و تقدیم سازمان شما و تقدیم ملت شما می‌کند» (بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش ۱۳۸۹/۰۸/۱۹).

* پشتیبانی معنوی از نیروهای انسانی

«نیروهای انسانی را رها نکنید. نیروی انسانی، دائم به تدارک و پشتیبانی معنوی احتیاج دارد. یگان، عضو سازمانی و آن کسی که دوره نظام وظیفه را می‌گذرانند، رها نکنید. این‌ها را دائم پشتیبانی معنوی کنید. این، در درجه اول جزو وظایف سازمان محترم و مهم عقیدتی - سیاسی است. درس و کلاس و غیره در جای خود لازم است» (بیانات در جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش، ۱۳۷۴/۰۱/۳۰).

* الگوپذیری از رهبران دینی

«جوان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌توانند به امیرالمؤمنین به‌عنوان الگوی رفتاری یک انسان فداکار و با اخلاص نگاه کنند و رفتار علوی را در رفتار خود منعکس نمایند: کارخستگی‌ناپذیر، تلاش مخلصانه و سعی در تعالی هر چه بیشتر علمی و عملی. مسئولان سطوح بالای سازمان ارتش هم به‌عنوان سرداران شجاع و پاکدامن می‌توانند رفتار علوی را الگوی خودشان قرار دهند. وجود امیرالمؤمنین به‌عنوان یک رئیس، یک فرمانده و یک مسئول، مظهر پاکی و شفافیت و صداقت بود» (بیانات در دیدار فرماندهان و گروهی از کارکنان ارتش ۱۳۸۰/۱/۲۸).

* توسل و توجه به پروردگار

«توسل و توجه به پروردگار، تمسک به اولیای الهی راه عبادت، راه خشوع، راه تفکر بایستی به روی ما همیشه باز باشد، خودمان را از این راه تقویت کنیم. این شور انقلابی باید باقی بماند» (بیانات در جمع هزاران نفر از بسیجیان قم، ۱۳۸۹/۸/۲).

* غلبه بر هوای نفسانی

«اگر ما بتوانیم بر هوای نفس خود غلبه بیابیم، بتوانیم بصیرت خود را به کار بگیریم، بتوانیم موقع را بشناسیم، بدانیم کار لازم چیست و آن را انجام دهیم، این در ما یک مرتبه‌ی جدیدی از حیات به وجود می‌آورد؛ این یک تعالی است، یک ترقی است» (بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان ۱۳۸۹/۰۸/۲۶).

* تواضع و فروتنی

«در جمهوری اسلامی، همه‌ی قشرها، چه کسانی که مسئولیتی در نظام جمهوری اسلامی دارند - که البته نسبت به این‌ها، تکلیف سنگین‌تر و فوری‌تر و واجب‌تر است - چه مردم معمولی جامعه که سمت و منصب و شغل و اعتباری ظاهری را یدک نمی‌کشند، اگر سعی کنند همین یک خصوصیت را - تواضع، زدودن روح تکبر و استعلا و علو، که موجب طغیان است - در خودشان به وجود آورند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و جامعه، جامعه‌ی حقیقتاً اسلامی خواهد شد. باید این کارها را بکنیم؛ منتظر چه هستیم؟ آن احساس و وسوسه‌ای که درون من و شما وجود داشته باشد، دائم به ما بگوید که ما از دیگران بالاتریم، حرف ما از حرف دیگران قابل قبول‌تر است، شأن ما از شأن دیگران بیشتر است؛ این، موجب فساد و اختلاف و گسستن همه چیز در نظام اسلامی است؛ این را باید از بین برد. اگر ما این صفت شیطانی را در وجود خودمان و در صحن جامعه از بین بردیم، برادری و همکاری به وجود خواهد آمد و روزه‌روز، وحدت بهتر و بیشتری ایجاد خواهد شد و جامعه، التیام الهی و اسلامی خودش را به دست خواهد آورد» (سخنرانی در دیدار با اقبشار مختلف مردم ۱/۳۰/۱۳۶۹).

* داشتن عزم راسخ

«... تلاش کنید. با عزم راسخ، با نیت درست، با به میدان آوردن همه‌ی ظرفیت وجودی خود، آن هسته‌ی مستحکم را به وجود بیاورید، توسعه بدهید تا بتوانید به معنای واقعی کلمه سربازان و پیشگامان و پیشاهنگان این حرکت باشید» (بیانات در جمع بسیجیان و نیروهای مسلح شهرستان نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۴).

* داشتن اخلاص و بصیرت

«جوانان عزیز بارها گفته‌ایم در درجه‌ی اول روحیه‌ی اخلاص است؛ روحیه‌ی اخلاص، روحیه‌ی بصیرت است. این اخلاص و بصیرت روی هم اثر می‌گذارد.

هرچه بصیرت شما بیشتر باشد، شما را به اخلاص عمل نزدیک‌تر می‌کند. هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر می‌کند؛ خداوند ولی شماست هرچه به خدا نزدیک‌تر باشید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد، حقایق را بیشتر می‌بینید، نور که بود، انسان حقایق و واقعیات را می‌تواند مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیات را هم نمی‌تواند ببیند» (بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۴/۹/۱۳۸۹).

«در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان، روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما میدانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۵/۷/۱۳۸۸).

* ترکیب دانش و معنویت

«... عزیزان من! این ترکیب را روز به روز کامل‌تر کنید؛ دانش را در کنار دین و معنویت و تقوا و پرهیزگاری، همه را در کنار تجربه‌ی نظامی، همه را در کنار انضباط کامل - که برای یک سازمان نظامی لازم است - درهم تنیده و مجتمع، برای خودتان کسب کنید. آینده این کشور، متعلق به شما جوانان است». (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) ۳/۹/۱۳۸۰).

* توأم نمودن ایمان با عمل

«از نظر اسلام ایمان مجرد از عمل، یک حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد؛ مؤمن حقیقی آن کسی است که ایمان را با جهاد و هجرت و نصرت همراه کند» (بیانات در جمع هزاران نفر از بسیجیان قم ۲/۸/۱۳۸۹).

* پیوند با روحانیت

«به فرزندان و برادران عزیز و انقلابی‌ها... عرض می‌کنم... بکوشید و برای رسیدن به کمالات و اهداف انقلاب اسلامی عظیم، فرصت‌ها را مغتنم بشمارید و معرفت و فهم دینی را در ذهن و دل خود، وسعت و عمق بخشید. با تهذیب نفس و تقویت روح مسؤولیت، صحنه‌های انقلاب را خصوصاً آنچه به پاسداری از ارزش‌ها و فرهنگ و روحیه‌ی انقلابی است، پر کنید و پیوند خود را با جامعه و اقشار مختلف و به‌خصوص روحانیت معظم تقویت کنید و از حیل‌های شیطنانی و دسائیس و ترفندهای ابلیسی که گاه حتی در لحن و قالب دلسوزی است، بر حذر باشید... خود را آماده‌ی پیشاهنگی در خط صحیح و بی‌انحراف نگهدارید و هوشمندانه خط صحیح و مستقیم را از کج‌راه‌های انحرافی باز شناسید و صبغه‌ی الهی را ترویج و شعار اسلامی را تعظیم کنید» (پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳/۰۸/۱۳۶۹).

* حفظ شور و انگیزه‌ی انقلابی

«شور انقلابی را اندکی نباید کاهش داد. انگیزه‌ی انقلابی باید روز به روز در دل‌های من و شما افزایش پیدا کنند» (۱۳۸۹/۸/۲).

بخش چهارم: سرمایه انسانی در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله)

هر موسسه و سازمانی برای نیل به اهداف خویش به منابع متعددی نیازمند است؛ منابع مالی اعم از پول و اعتبار، منابع فیزیکی اعم از زمین، ساختمان، ابزار و تجهیزات، منابع اطلاعاتی از قبیل نشریات علمی و رایانه و در نهایت منابع انسانی (سعادت، ۱۳۸۴: ۵۸). از میان منابع مذکور، منابع انسانی^۱ و به تعبیر دیگر، سرمایه انسانی^۲ که به مجموعه دانش و مهارت، ابتکار و توانایی کارکنان سازمان برای انجام وظایف تعریف می‌شود (حسنوی و رمضان، ۱۳۹۱: ۲۵)، به‌عنوان مهم‌ترین منبع سازمان به شمار می‌آید. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره فرمودند:

«مهم‌ترین سرمایه‌ی یک کشور و یک نظام، نیروی انسانی است. امروز ما صدها برابر اوایل انقلاب، انسان‌های متخصص و متعهد و کارآمد در بخش‌ها و نقاط مختلف کشورمان داریم... در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و نیروهای

1 - Human Resource

2 - Human Capital

نظامی و در بخش‌های مختلف مدیریت کشوری ما، انسان‌های فراوانی از این قبیل هستند... این یک سرمایه است... البته سرمایه وسیله‌ای است که کارآمدان و مدیران لایق و قابل می‌توانند به سود مردم و کشور از آن استفاده کنند» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۰۸).

امروزه به اهمیت سرمایه‌های انسانی به صورت مستمر افزوده می‌شود؛ زیرا مهم‌ترین مشخصه سازمان‌های موفق تأکید بر سرمایه انسانی و مدیریت دانایی است. خداوند منان در قرآن کریم بر اهمیت سرمایه انسانی تأکید کرده و می‌فرماید:

«وَأَمْذَنَّاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (سوره اسراء، آیه ۶)

«[خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید]: ما شما را به وسیله اموال و فرزندان کمک کردیم تا بر دشمنان پیروز شوید»

یکی از پیام‌های آیه مذکور، اهمیت نیروی انسانی [اشاره به فرزندان] به عنوان عامل مهم تأثیرگذار و قدرت آفرین برای هر سازمان است که اگر مدیران به طور مؤثر و کارآمد از آن‌ها استفاده کنند، موفقیت سازمان را فراهم می‌کنند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۶). منابع سازمان، بدون دخالت انسان ارزشی ندارد؛ چرا که فقط انسان می‌تواند سازمان را در رسیدن به اهداف خود یاری رساند. بی‌توجهی به انسان سبب می‌شود که بنیان سازمان سست شده و در هم بریزد. از این رو، برنامه ریزی در جلب همکاری مهم‌ترین سرمایه سازمان، دستیابی به هدف‌های سازمان را میسر خواهد کرد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«هیچ کشوری بدون برخورداری از نیروی انسانی کارآمد، عالم، عاقل و متعهد، قادر نیست به پیشرفت نائل شود؛ ولو منابع زیرزمینی و ثروت‌های گوناگون داشته باشد. ثروت اصلی برای هر ملتی، نیروی انسانی است» (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۰۴/۲۶).

یا اینکه در جای دیگر فرموده است:

«بنای مدنیت و زندگی انسان، بر استفاده از منابع طبیعی و انسانی است. اگر منابع طبیعی باشد، اما منابع انسانی نباشد و یا رشد نیافته باشد، مثل این است که چیزی در دست نیست. به کشورهای عقب افتاده‌ی آسیا و آفریقا در دوران تسلط استعمار نگاه کنید! این‌ها منابع طبیعی داشتند؛ اما فرصت تربیت منابع انسانی پیدا نکرده بودند. از آن طرف مرزهایشان، از راه‌های

دور، آدم‌های زرنگ، حيله‌گر و بی‌انصاف سر این‌ها ریختند و منابع طبیعی‌شان را غارت کردند و آن‌ها را به کار زندگی خودشان زدند و قدرت خود را روزه‌روز افزایش دادند» (بیانات در دیدار با معلمان و کارگران به تاریخ ۱۳۸۲/۰۲/۱۰).

از آنجایی که سرمایه انسانی کلیدی‌ترین منابع هر سازمان محسوب می‌شود، از این رو، حفظ و نگهداری، افزایش دانش، شیوه‌ی مدیریت بر آنان و جانشین‌پروری از موضوعات بسیار مهم در این حوزه است؛ به همین دلیل، در این قسمت دیدگاه‌های امام خامنه‌ای (مدظله) تنها در این چهار حوزه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



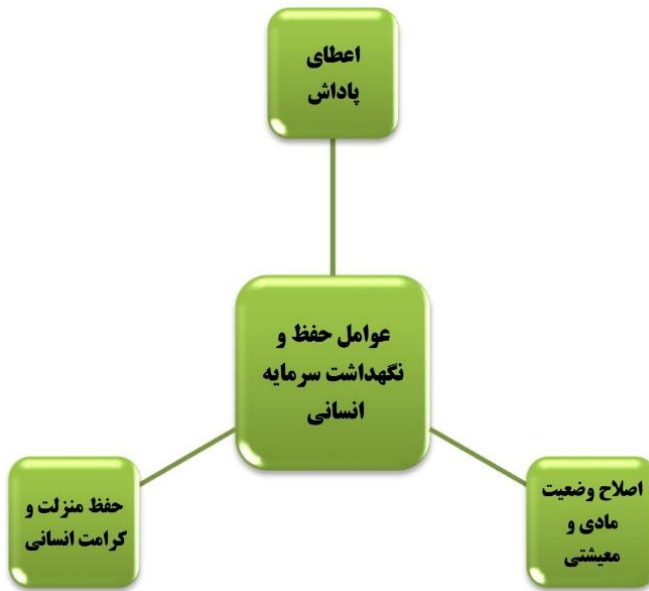
شکل شماره ۲۰: حوزه‌های کلیدی مرتبط با سرمایه انسانی

۱- حفظ و نگهداری سرمایه انسانی

بعد از جذب و به‌کارگیری کارکنان در سازمان، مهم‌ترین اقدام حفظ و نگهداری سرمایه انسانی است. نگهداری کارکنان سازمان‌ها، ابعادی وسیع‌تر از ارتباط دادن انسان با حقوق و مزایای دریافتی، یا تأمین بهداشت و ایمنی در محیط کار دارد. در ضمن نباید تصور شود که توقعات کارکنان از سازمان‌هایشان در همه جا و در هر فضای کاری یکسان است و به‌راحتی می‌توان این توقعات را تشخیص داد. تصور هر فضای فرهنگی

از کیفیت زندگی کاری^۱ تصور ویژه‌ای است که مدیران باید در جهت شناخت آن تلاش کنند (میرسپاسی، ۱۳۸۱: ۲۸۱). به عبارت دیگر، نمی‌توان یک شیوه برتر نگهداری منابع انسانی برای همه جهان توصیه کرد، بلکه جوامع بافرهنگ‌های مختلف و حتی قوم‌های مختلف و فرهنگ سازمانی متفاوت، شرایط خاصی برای محیط کار و زندگی خود می‌پسندند. از این‌رو، بایستی تفاوت را تشخیص داده و راه و روشی متناسب را انتخاب کرد (همان، ۲۸۴).

بطور کلی سه عامل در حفظ و نگهداشت سرمایه انسانی مهم می‌باشد. این سه عامل عبارت‌اند از:



شکل شماره ۲۱: عوامل مؤثر در حفظ و نگهداشت سرمایه انسانی

الف) اعطای پاداش

یکی از عوامل مؤثر در حفظ و نگهداری سرمایه انسانی، نظام پاداش است. در واقع، پاداش وسیله‌ای است که با استفاده از آن، سازمان از کارکنان خود به‌خاطر شایستگی‌شان سپاسگزاری می‌کند و با این قدرشناسی و ادای احترام، آنان را به ادامه

کار تشویق می‌کند (سعادت، ۱۳۸۴: ۲۵۷). بی‌تردید، اعطای پاداش در رضایت شغلی سرمایه‌های انسانی تأثیر مستقیم دارد و کارایی آنان را مضاعف می‌کند. در قرآن کریم آمده است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (سوره مائده، آیه ۹)

«خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده آمرزش و پاداش بزرگ داده است»

مقام معظم رهبری، با الهام از این شیوه قرآنی، تجلیل و تشویق نیروی انسانی توانمند و لایق را یک ضرورت بر می‌شمارند و تأکید می‌کنند:

«خدای متعال دو ست دارد که از کارهای خوب افراد ت شکر بشود، قدردانی بشود» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲).

تجلیل و تکریم نیروی انسانی توانمند و فهیم که آبرو و حیثیت سازمان به شمار می‌آیند و در روند تقویت پایه‌ها و بنیان‌های اساسی سازمان، نقش مهمی ایفا می‌کنند، تنها به اعطای حقوق طبیعی آنان نیست، بلکه علاوه بر آن شایسته است در مناسبت‌های گوناگون و به اشکال مختلف، مورد تشویق قرار گیرند تا هم برای حفظ و نگهداری نیروهای کارآمد و اثربخش مؤثر باشد و هم زمینه و الگویی برای پیشرفت برخی از نیروها باشد که به دلایل گوناگون، از انجام وظایف خویش سرباز زده و کارها را ناتمام و ناقص باقی می‌گذارند (عطاران طوسی، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

«خدمات و تلاش‌های ارزشمند آنان را برشمار، زیرا یاد آن‌ها و تجلیل از اقدامات و رفتارهای شایسته آنان، هم موجب تشجیع آنان و هم ایجاد انگیزه برای کار و کوشش بیشتر از سوی کارکنان کم تلاش خواهد شد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

بر مبنای چنین نگرشی است که مقام معظم رهبری تجلیل و تشویق نیروهای پر تلاش و موفق را مورد تأکید قرار داده و فرمودند:

«از نظریه‌سازان، تقدیر به عمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود» (به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه ۱۳۸۱/۱۱/۱۶). [لذا] «ما باید عالم را عملاً تشویق کنیم؛ صرف این‌که بگوییم ما شما را دو ست می‌داریم، او تشویق نمی‌شود»

(بیانات در دیدار با اعضای «گروه دانش» صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۱/۱۵).

ب) اصلاح وضعیت مادی و معیشتی

با توجه به تلاش‌های بی‌شائبه و خدمات صادقانه کارکنان در سازمان، ضرورت دارد مدیران برای اصلاح وضعیت مادی و معیشتی آنان، بهترین و شایسته‌ترین امکانات و تسهیلات را در اختیارشان قرار دهند. چرا که این کار، اولاً باعث افزایش فعالیت‌هایشان می‌شود؛ و در ثانی وسوسه حقوق و مزایای بهتر از سوی رقبای سازمان، در آنان بی‌تأثیر می‌ماند. امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در این باره خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

«حقوق و مزایای کارکنانت را به‌طور مکفی و کامل بپرداز، این کار، کارکنان را در مسیر بازنگری و ایجاد تحول در رفتار و افکارشان (اصلاح خود) نیرومند می‌سازد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

رهبر معظم انقلاب، یکی از دغدغه‌های مهم مدیران را تأمین برنامه مزایای کارکنان یادآور شده و تأکید می‌کنند که این برنامه باعث تحرک و پویایی فعالیت‌ها می‌شود. چنانکه یکی از محورهای اساسی سیاست‌های نظام اداری کشور را «رعایت عدالت در نظام پرداخت و جبران خدمات با تأکید بر عملکرد، توانمندی، جایگاه و ویژگی‌های شغل و شاغل و تأمین حداقل معیشت با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی» (ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری ۱/۱۳۸۹/۳۱) مورد تأکید قرار می‌دهند.

ج- حفظ منزلت و کرامت انسانی

یکی از عوامل بسیار مهم در ارتباط با صیانت از روحیه خدمت و تلاش سازنده در سازمان، توجه به حفظ منزلت، شخصیت، عزت، حیثیت و به عبارتی، حفظ کرامت انسانی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَقْدَرَهُمْ نَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلَهُ نَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَهُ نَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (سوره اسراء، آیه ۷۰)

«ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها

را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم»

با عنایت به این آیه شریفه، انسان، موجودی ارزشمند، بزرگوار و دارای عزت و شرف است که این جایگاه از سوی خداوند منان به وی اعطا شده است بنابراین، نباید تحقیر و اهانت شده و مورد بی‌احترامی قرار گیرد. چرا که کوچک شمردن انسان موجب شکسته شدن حرمت و کرامت انسانی او می‌شود. از این رو، ارج گذاری و حفظ منزلت و کرامت همه‌ی مردم، به‌خصوص کارکنان سازمان، امری لازم و ضروری است که می‌تواند در ارتقای روحیه خدمت و افزایش کارایی آنان تأثیر بسزایی داشته باشد. در این راستا، مقام معظم رهبری با تأکید بر ضرورت رعایت ارزش و کرامت معنوی انسان‌ها در محیط سازمان می‌فرمایند:

«نیازها هم مادی است و هم معنوی؛ اما چیزی که انسان را دلگرم و قانع و خرسند می‌کند، تکریم معنوی است. خیلی‌ها حاضرند آبرو و کرامتشان را حفظ کنند و به‌طرف کسی دست دراز نکنند و از کسی پول نگیرند. انسان با شرف، به کرامت معنوی اهمیت می‌دهد... در جامعه‌ی انسانی، فضیلت و شرف و آبرو و کرامت انسانی و ارزش معنوی حرف اول را می‌زند» (بیانات در دیدار معلمان و کارگران ۱۳۸۲/۲/۱۰).

۲- ارتقای دانش سرمایه انسانی

مطالعه‌ی مؤسسات و سازمان‌های موفق در عرصه‌ی جهانی نشان می‌دهد که کلیدی‌ترین عامل موفقیت این سازمان‌ها اهمتامی است که آن‌ها برای توسعه‌ی نیروی انسانی خود قائل شده‌اند. جامعه‌ای که می‌خواهد توسعه یابد، اول باید به توسعه‌ی منابع انسانی خود بیندیشد. زیرا هیچ جامعه‌ای توسعه نیافته است، مگر آنکه به توسعه‌ی منابع انسانی خود پرداخته باشد؛ بنابراین، وجود سازمان‌های توسعه یافته یا به عبارتی سازمان‌های متعالی، در گرو وجود منابع انسانی توسعه خواه یا تعالی جو است.

سازمان‌ها افرادی را برای خود انتخاب و جذب می‌کنند که از توانایی‌ها و تجربه‌های لازم برای انجام اهداف و مأموریت‌هایشان برخوردار باشند. اگر چه در وهله‌ی اول توانایی‌های افراد پاسخگوی نیازهای سازمان است، اما رشد و گسترش علوم و فن‌آوری و تحولات شگرف در این عرصه، به عبارتی تغییرات ابزار و تجهیزات،

روش‌ها و سیاست‌ها موجب می‌شود تا ضرورت آموزش آن هم آموزش‌های نوین نمایان شود. از این رو، سازمان‌ها ناگزیرند برنامه‌های آموزشی کارکنان را به‌منظور به‌هنگام سازی آن‌ها در دستور کار خود قرار دهند. چرا که، افزایش کارایی سازمان در گرو افزایش کارایی منابع انسانی است و افزایش کارایی منابع انسانی در بند آموزش و توسعه دانش و مهارت و ایجاد رفتارهای مطلوب برای کار کردن موفقیت‌آمیز. البته آموزش‌هایی می‌توانند به افزایش کارایی دامن زنند، که هدف دار، پیوسته و پر محتوا باشند و کارشناسان و استادان و مربیان مجرب در امور آموزشی، آن‌ها را برنامه ریزی و اجرا کنند. این آموزش‌ها می‌توانند رویکردهای انسانی یک سازمان را همگام با پیشرفت‌های علم و فن‌آوری به حرکت درآورند و در ارتقای کیفیت و کمیت کارهای آنان مؤثر باشند (ابطحی، ۱۳۷۴: ۱۰۵). قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» (سوره فرقان، آیه ۳۲)

«و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی‌شود؟!» این به خاطر آن است که قلب تو را به‌وسیله‌ی آن محکم داریم و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم»

آقای قرائتی یکی از پیام‌های این آیه شریفه را به موضوع آموزش کارکنان مرتبط می‌سازد که باید مرحله به مرحله و به تدریج پیگیری شود (قرائتی، ۱۳۸۸: ۶۶). یعنی آموزش بایستی هدف دار، پرمحتوا و مستمر باشد تا کارآمدی و اثربخشی خود را آشکار سازد. چنانکه مقام معظم رهبری در این باره با بکار بردن واژه‌ی آموزش‌های خوب، یعنی آموزش‌های هدف دار و با محتوا خطاب به فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح فرمودند:

«امروز ما به نیروهای مسلح خود می‌بالیم. نیروهای مسلح ما - ارتش ما، سپاه ما، نیروی انتظامی ما و بخش‌های مختلف مربوط به این سازمان‌ها - هر کدام به‌نوبه و در جای خود و در حیطه‌ی مسئولیت‌ها و تعهدات خود، سرگرم تلاش مؤمنانه و مخلصانه‌ای هستند. هر کدام در هر کجا که هستید، این احساس ایمانی را در خود زنده نگه دارید و از تلاش خسته نشوید... کار امروز ما سرنوشت ساز است. آموزش خوب، رفتار خوب، عملکرد خوب، اراده‌ی

را سخ، عزم و آگاهی همی شه بیدار، همب سنگی، همدلی در میان بخش‌های مختلف، استفاده‌ی از ابتکارها و نوآوری‌ها و استعداد‌های گوناگونی که در وجود یکایک شما هست، در رده‌های مختلف و در سازمان‌های گوناگون، امروز باید برنامه‌ی عمل نیروهای مسلح باشد» (دیدار با کارکنان نیروهای مسلح ۱۳۸۵/۰۸/۲۰).

موضوع ارتقای علم و دانش سرمایه‌های انسانی در نیروهای مسلح، در منظر مقام معظم رهبری از اهمیت و ضرورت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت، کارایی و کارآمدی یک سازمان، داشتن کارکنان ورزیده است و تداوم ورزیدگی به تقویت دانش، مهارت و توانایی‌های تازه‌ی افراد، یعنی به هنگام‌سازی مستمر آنان وابسته است. به همین دلیل، آن حضرت در احکام مسئولیتی فرماندهان و مدیران بخش‌های مختلف نیروهای مسلح، یکی از مهم‌ترین وظایف هر یک از آنان را تقویت و ارتقای سطح آموزش کارکنان دانسته و در مناسبت‌های گوناگون نیز در دیدار با کارکنان و فرماندهان نیروهای مسلح بر این موضوع تأکید داشتند. ایشان در یکی از این مناسبت‌ها فرمودند:

«همه باید احساس وظیفه کنند. در همه‌ی بخش‌ها، در تربیت نیروی انسانی، در سر پا نگه‌داشتن قدرت، ... در دفاع، در کارهای فنی، در سازندگی، در ابتکار و نوآوری ... در آموزش و تربیت علمی، ... باید احساس مسؤولیت کنید و پیشرفت به وجود آورید» (بیانات در دیدار با فرمانده و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۷۵/۱۱/۱۸).

مهم‌ترین هدف اجرای دوره‌های آموزشی و بازآموزی، آموزش دانش، مهارت و توانایی‌ها برای انجام بهتر و مؤثرتر کارها و فعالیت‌ها است. اگر این هدف به‌درستی و با برنامه پیگیری و اجرا شود، نتایج سودمندی عاید سازمان خواهد شد. چرا که، به دنبال آموزش و توسعه‌ی دانش و مهارت است که عزت و عظمت، خلاقیت و نوآوری بروز می‌کند. مقام معظم رهبری با توجه به این موضوع در مناسبتی فرمودند:

«اهمیت کار علمی چقدر است؛ اهمیتش درجه‌ی یک است. اگر ما برای یک کشور، عزت و آبرو و رفاه و اقتدار جهانی و پیشرفت‌های علمی بخواهیم، باید از طریق علم وارد شویم. من نمی‌گویم برای سعادت یک جامعه، علم کافی است. می‌بینیم که در دنیا کشورهایی هستند که علم هم دارند، اما

واقعاً سعادتمند نیستند و در مشکلات فراوانی دست و پا می‌زنند. قطعاً علم نه فقط یک شرط لازم، بلکه یک شرط لازم بسیار مهم است و باید در کشور پیش برود؛ بنابراین، اهمیت علم معلوم است. اگر امروز کشوری از لحاظ علمی پیشرفت نکرد، نه اقتصادش پیشرفت خواهد کرد، نه اقتدار جهانی‌اش پیشرفت خواهد کرد و نه زندگی مردم پیش خواهد رفت. بالاخره علم باید در کشور پیش برود؛ به خصوص که ما عقب ماندگی داریم و باید تلاش شود» (بیانات در دیدار نخبگان علمی سراسر کشور ۱۳۷۸/۰۷/۱۹).

نکته قابل توجه در فرآیند اجرای آموزش این است که اگر چه سازمان‌ها هدف‌های آموزشی متعددی دارند، اما آنچه در این راستا باید مورد تأکید قرار گیرد، نتایج حاصل از آموزش است، نه فقط انجام آموزش یا آمار ساعات آموزشی. به عبارتی، هدف آموزش‌ها باید ایجاد سازمان‌های یادگیرنده^۱ و تولید کننده فکر باشد، نه فقط نشخوار کننده فکر دیگران (میرسپاسی، ۱۳۸۱: ۲۴۷). از دیدگاه مقام معظم رهبری، راه حل پیشرفت و توسعه‌ی علمی و عملی، استفاده از اندوخته و ثروت فرهنگی خود است، نه تقلید و عاریه‌گیری الگوهای بیگانه. چنانکه فرمودند:

«دنبال تقلید از این و آن نباشیم؛ دنبال سخن گفتن با زبان و لغت بیگانه و عاریه گرفتن از تجربه‌های دست چندم آن‌ها نباشیم. نه این که از فرآورده‌های علمی دیگران بهره نبریم؛ چرا، صد درصد معتقدم که باید از همه‌ی تجربه‌های علمی بشری بهره برد. پنجره‌ها را نمی‌بندیم؛ هر کس که در دنیا کار خوبی کرده، آن را انتخاب می‌کنیم... یک ملت ... آنچه را هم انتخاب می‌کند، چیزی باشد که برایش مفید است. ما باید با حفظ تمدن‌مان، با دست و بازوی خود کار کنیم و فقط ترجمه، کار منحصر ما نباشد. بعضی افراد، حتی فکر را هم ترجمه شده قبول می‌کنند؛ حاضر نیستند آن را با معیارها بسنجند؛ می‌گویند چون فلان روان‌شناس یا فلان جامعه‌شناس یا فلان اقتصاددان این‌طور گفته و این فرمول را داده، دیگر برو برگرد ندارد. اگر کسی برخلاف او حرف زد، مثل این که کفر گفته است! چهار صباح دیگر آن‌ها از حرف خودشان بر می‌گردند و حرف دیگری می‌زنند؛ باز این آقا همان حرف

دوم آن‌ها را بدون تحلیل قبول می‌کند؛ برای یک کشور، این بدبختی است. راه حلّ واقعی این است که یک ملت با دست خود، کار کند؛ برای خود، کار کند؛ با فکر و مغز خود بیندیشد و اجتهاد کند و با ابتکار خود پیش برود؛ ضمن این‌که از همه‌ی تجارب هم استفاده کند» (بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلاهی رشت ۱۳۸۰/۰۲/۱۲).

بنابراین:

«ما دانش‌هایی را که امروز فرآورده‌ی ذهن و مغز و عقل بشر است، یاد می‌گیریم؛ آنچه را که بلد نیستیم، با کمال میل می‌آموزیم و به استادمان هم احترام می‌کنیم. به کسی که به ما علم بیاموزد، بی‌احترامی نمی‌کنیم؛ اما گرفتن علم از دیگری نباید به معنای این باشد که شاگرد باید تا ابد شاگرد بماند؛ نه امروز شاگردیم، فردا می‌شویم استاد آن‌ها؛ کما این‌که آن‌ها یک روز شاگرد ما بودند، اما الآن شده‌اند استاد ما. غربی‌ها علم را از ما یاد گرفتند. شما به کتاب پیرروسو - «تاریخ علوم» - نگاه کنید؛ آن‌جا می‌گوید: چهار پنج قرن قبل تاجری در یکی از کشورهای اروپایی به استادی مراجعه می‌کند و می‌گوید می‌خواهم فرزندم درس بخواند؛ او را به کدام مدرسه بفرستم؟ استاد در جواب می‌گوید اگر به همین چهار عمل اصلی - جمع و ضرب و تفریق و تقسیم - قانع هستی، می‌توانی او را به هر کدام از مدارس کشور ما یا دیگر کشورهای اروپایی بفرستی؛ اما اگر بالاتر از آن را لازم داری، باید او را به کشورهای اندلس یا به مناطق مسلمانان بشین بفرستی. این را پیرروسو می‌نویسد؛ این حرف من نیست. جنگ‌های صلیبی به آن‌ها کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان آن‌ها به این مناطق، کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان ما به مناطق آن‌ها و منتقل شدن کتاب‌های ما به آن‌ها، کمک کرد تا از ما بیاموزند. یک روز آن‌ها از ما یاد گرفتند و شاگرد ما بودند، بعد شدند استاد ما؛ الآن هم ما از آن‌ها یاد می‌گیریم و شاگرد آن‌ها می‌شویم و بعد می‌شویم استاد آن‌ها. پس نسل دانش‌پژوه و محقق و پژوهنده‌ی کشور ما بداند؛ امروز اگر برتری علمی با غربی‌هاست، در آینده‌ی نه چندان دوری با همت و اراده‌ی شما می‌توان کاری کرد که فردا آن‌ها از شما یاد بگیرند» (بیانات در دیدار جوانان، استادان، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۷).

البته در کنار آموزش‌های علمی، آموزش‌های عقیدتی و سیاسی بایستی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه آموزش دین و اعتقاد و ایمان از مهم‌ترین کارها است، فرمودند:

«آموزش‌های نظامی و فنی به جای خود و آموزش‌های دینی و اعتقادی و سیاسی هم به جای خود، هر کدام بایستی به صورت کامل وجود داشته باشد»

(سخنرانی در مراسم ششمین دوره‌ی فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۶۸/۰۸/۲۹).

بر این اساس، معظم له، خطاب به مدیران واحدهای عقیدتی و سیاسی فرمودند:

«نیروهای انسانی را رها نکنید. نیروی انسانی دائم به تدارک و پشتیبانی معنوی احتیاج دارد. یگان، عضو سازمانی و آن کسی که دوره‌ی نظام وظیفه را می‌گذرانند، رها نکنید. این‌ها را دائم پشتیبانی معنوی کنید. این، در درجه‌ی اول جزو وظایف سازمان محترم و مهم عقیدتی - سیاسی است. درس و کلاس و غیره در جای خود لازم است؛ اما اهمیتش درجه‌ی دواست. درجه‌ی اول، حرف‌زدن، نصیحت کردن و روحیه دادن است و این‌ها با علم حاصل نمی‌شود که برویم و علم دین به این‌ها یاد بدهیم. این‌ها با خود دین، یعنی با ایمان دینی حاصل می‌شود که برادران عزیز عقیدتی - سیاسی باید به این نکته توجه کنند. کار اصلی روحانی، مخاطب قرار دادن دل‌ها، با دل‌ها حرف‌زدن و آن‌ها را تحت تأثیر قرار دادن است و این مهم است. البته درس و استدلال و برهان و غیره هم در جای خود لازم است؛ اما ارتقای کیفیت نیروهای انسانی از لحاظ ایمان، در درجه‌ی اول اهمیت است. البته فرماندهان و مسئولان هم می‌توانند در این زمینه نقش داشته باشند» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش ۱۳۷۴/۰۱/۳۰).

۳- سبک و شیوه‌ی مدیریت بر سرمایه انسانی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که سبک یا شیوه‌های مدیریت تأثیر زیادی بر افکار و ارزش‌های کارکنان بر جای می‌گذارد. راه‌های اثرگذاری و نفوذ بر افراد در شرایط و محیط‌های مختلف، متفاوت است؛ از این رو، مدیریت و رهبری بر نیروهای متخصص، نخبه و کارآمد، روش خاصی را می‌طلبد که ضرورت دارد رهبران و مدیران سازمان‌ها به آن توجه کنند؛ بنابراین، یافتن روش‌ها و شیوه‌های مؤثر مدیریت در سازمان و

اعمال آن مهم‌ترین عامل در استفاده از نیروهای نخبه محسوب می‌شود. در منظر رهبر معظم انقلاب، سبک و شیوه رهبری و فرماندهی امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) می‌تواند به‌عنوان بهترین سبک فرماندهی برای نیروهای مسلح باشد. چنانکه ایشان در دیدار با فرماندهان و گروهی از کارکنان ارتش به مناسبت روز ارتش فرمودند:

«مَسْئُولانِ سَطُوحِ بَالایِ سَازمانِ ارتشِ هَم بَه‌عنوانِ سَردارانِ شِجَاعِ و پَاکِ دَامنِ مِی‌تَوانَند رَفتارِ عُلوی را الگویِ خُودشانِ قَرار دَهند. و جُودِ امیرالمؤمنین بَه‌عنوانِ یکِ رَئیس، یکِ فرمانده و یکِ مَسئُول، مَظهِرِ پاکِی و شِفافیتِ و صِداقتِ بَود. او آسودگی را بَه خُودش راه نِداد؛ نَسبَت بَه زبِرِ دَستانِ تَفَرَعنِ نَفروخت؛ خُود را هَمه جا بِندهیِ خُدا و خِدمتگزارِ مَردمِ دَانِست و مَخلِصانَه - بَدونِ چِشمدانِ شَت بَه دَنیای - کار کرد. این مِی‌تَواند در رَفتارِ ما و رَفتارِ هَر کَسی که در هَر مَجموعه‌ای مَسئُول است، بَه‌عنوانِ رَفتارِ عُلویِ خُود را نِشان دَهد» (بیانات در دیدار با فرماندهان و گروهی از کارکنان ارتش ۱۳۸۰/۰۱/۲۸).

ایشان در مناسبت دیگری میزان اثرگذاری نفوذ رهبر را با ذکر مثالی از حضرت امام خمینی (ره) یادآور شدند و فرمودند:

«امام، آن رهبر عجیب، استثنایی و عظیم‌القدر بود. دشمن متوجه شد که نفوذ رهبری در ایران اسلامی چه می‌کند و چگونه این رابطه‌ی محبت‌آمیز میان رهبر و ملت، در میدان‌های مختلف گره‌گشا و بازکننده راه‌هاست. دشمن دید که نفوذ امام رضوان‌الله تعالی علیه، چگونه مردم را در همه‌ی میدان‌ها، مقابل دشمن بسیج می‌کند. این، نکته‌ای بود که دشمن روی آن تکیه کرد» (بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر ۱۳۷۱/۱۱/۱۸).

در واقع، معظم له این نکته و پیام را به مدیران و مسئولان متذکر می‌شوند که اگر یک مدیر و مسئول همه کارهایش خدایی باشد و برای رضای خدا فعالیت کند، بی‌تردید در دل‌های کارکنان خود بالاترین نفوذ و اثرگذاری را خواهد داشت و در این صورت، راه تعالی و پیشرفت را هموار خواهد کرد. ایشان در این باره فرمودند:

«فرماندهی نظامی مثل مدیریت‌های غیرنظامی نیست. فرق است بین یک فرماندهی نظامی و مدیر یک سازمان یا یک کارخانه یا یک اداره. در فرماندهی، رهبری وجود دارد. جوهر فرماندهی، رهبری است. فرماندهی

نظامی فقط به ابلاغ آیین‌نامه و دستور نمی‌پردازد، بلکه مجموعه‌ی تحت فرماندهی خود را رهبری می‌کند؛ یعنی فکر و جان و دل آن‌ها را هم مانند جسم آن‌ها هدایت می‌نماید. برای این کار، خود را آماده کنید. مجموعه‌ی تن‌ها و جان‌ها و دل‌هایی که تحت فرماندهی شما باید کار بزرگ دفاع از عزت و افتخار را انجام دهند، محتاج دانش و خرد و صفات والای انسانی شما هستند. پرهیزکاری و تقوا و حلم و بردباری و صبر و پافشاری و استقامت شما در مقابل دشواری‌ها و غلبه بر موانع میان راه؛ توکل شما به خدای بزرگ و اعتماد به حمایت و کمک او و دیگر خصال والای انسانی، چیزهایی است که شما برای رهبری مجموعه‌های تحت فرماندهی خود به آن‌ها نیاز دارید» (بیانات در دانشکده‌ی افسری ۱۳۸۱/۰۸/۰۷).

۴- جانشین‌پروری در حوزه‌ی سرمایه انسانی

یکی از موضوعات مهم در هر سازمان این است که مدیریت سازمان به پرورش جانشین لایق و شایسته برای آینده اقدام کند. جانشین‌پروری سبب می‌شود که با برکناری یا رهایی مدیر، رسالت و مأموریت سازمان با مشکل مواجه نشده و جانشین ورزیده و کاردان بتواند مسئولیت امور را به بهترین نحو به انجام برساند.

یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر این است که هیچ مدیری برای همیشه در مقام خود باقی نمی‌ماند و برکناری، مرگ یا علل دیگر، مقام موجود را از او می‌گیرد. مدیر باید به این واقعیت توجه کند که مدت ریاست او هر چه باشد، به پایان می‌رسد و حوادث مختلفی شرایط را تغییر می‌دهد؛ بنابراین، اگر به مصالح سازمان و جامعه و مکتب خود علاقه‌مند است، باید به تربیت جانشین اقدام کند (علی‌آبادی، ۱۳۷۲: ۳۲۹).

این موضوع با آموزه‌های دینی نیز سازگار است. چنانکه وقتی حضرت موسی (ع) برای سهولت در انجام رسالت، از خداوند منان درخواست وزیر و جانشین می‌کند، خداوند نیز به تقاضای آن حضرت پاسخ مثبت می‌دهد (سوره طه، آیات ۲۹ الی ۳۲).

«وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِيْ * هَارُوْنَ اَخِيْ * اَسَدُّۤ اِلَيْهِ اُزْرِيْ * وَ اَشْرِكُۤهٗ فِیْ اَمْرِیْ»

«و وزیری از خاندانم برای من قرار ده * برادرم هارون را * با او پشتم را محکم کن * و او را در کارم شریک ساز»

بنابراین، تربیت و تعیین جانشین و ورود افراد جدید نخبه و کارآمد در عرصه‌ی مدیریتی، ضامن موفقیت و پیشرفت سازمان و جامعه خواهد بود. چنانکه پیامبر خدا حضرت موسی، برادرش را به‌عنوان جانشین تعیین کرد:

«... وَ قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلُقْنِي فِي قَوْمِي...» (سوره اعراف، آیه ۱۴۲)

«و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش»

مقام معظم رهبری نیز در این خصوص فرمودند:

«من یک وقت به مسئولان یک بخشی گفتم که وظیفه‌ی اول شما این است که هر کدام برای خودتان یک جانشین یا تربیت کنید، یا فکر کنید و پیدا کنید؛ چون اگر یک روز خدای نکرده در راه، پای شما وارد چاله‌ای شد و شکست، کار ما لنگ نماند. بعضی کسان این کار را نمی‌کنند تا مبادا برای خودشان هوو در ست شود؛ غافل از این که اگر قرار شد هوو در ست شود، یکی از موجبات آن همین است که آدم نتوانسته این کار را بکند. پس افراد ذخیره داشته باشید و آن‌ها را روی نیمکت بنشانید. اگر دیدید بازیکن تیم یک خرده کج و معوج حرکت می‌کند، بلافاصله او را عوض کنید. باید دائم افراد خود را زیر نظر نگه دارید» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵).

معمولاً، با طرح مثالی از نقش مربی یک تیم فوتبال، خطاب به مدیران و کارگزاران دولتی اهمیت جانشین‌پروری را این چنین تبیین فرمودند:

«مربی کهنه‌کار یک تیم ورزشی که بیرون یا نزدیک میدان ایستاده و دائم بازیکنان خودش را زیر نظر دارد؛ یکی خسته شده، او را از بازی بیرون می‌آورد؛ یکی بد بازی می‌کند، یکی ناهماهنگ بازی می‌کند - بازی شخصی و فردی می‌کند - فوری این‌ها را اخراج می‌کند و یکی دیگر را به جایشان می‌فرستد؛ یکی هست که بازی‌اش بد نیست، اما الآن در میدان به یک کار برجسته نیاز است؛ لذا بازیکن ذخیره‌ای را که روی نیمکت نشسته، وارد میدان می‌کند و می‌داند که او می‌تواند آن حرکت برجسته را بکند. البته موارد بسیار کمی هم اتفاق می‌افتد که بازیکن قبلاً از طرف مربی تیم مقابل سبیلش چرب شده است - که در کشور ما الحمدلله چنین چیزی نبوده، اما در دنیا وجود داشته است - مربی این را هم فوراً می‌فهمد؛ چون پیدا است که

او بازی واقعی نمی‌کند. مربی با کسی رودر بایستی ندارد؛ هیچ بازیکنی هم از هیچ مربی‌ای گله‌مند نمی‌شود. مربی این ملاحظه را نمی‌کند که اگر خواست فلان بازیکن را بیرون کند، او می‌گوید من هنوز می‌توانم بازی کنم؛ چرا گذاشتی. این حرف‌ها وجود ندارد. شما همین‌گونه به مدیران نگاه کنید و تیمتان را زیر نظر داشته باشید. یکی خسته شده، یکی کار را بلد نیست، از یکی گاهی اشکالات بزرگی سر می‌زند، یکی خوب است، اما برای این مرحله خوب نیست - یعنی کار بزرگی که شما می‌خواهید انجام دهید، کار او نیست؛ یکی دیگر لازم است - فوراً تیم را عوض کنید. البته همه‌ی شش ذخیره داشته باشید» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵).

در واقع، مقام معظم رهبری در این فراز از بیاناتشان این نکته را یادآور شدند که اگر یک مدیر در کارش تربیت و پرورش جانشین را جدی بگیرد و همانند آن مربی تیم فوتبال برای بازیکنانش جانشین شایسته قرار دهد، می‌تواند اهداف و مأموریت‌های سازمانش را به بهترین نحو به سرانجام برساند.

۵- بسیج، عالی‌ترین سرمایه انسانی

در بهمن ماه ۱۳۵۷، هنگامی که انقلاب اسلامی با شعار مبارزه با استکبار، مبارزه با ظالم، دفاع از مظلوم، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی و یاری ستم دیدگان پا به عرصه وجود گذاشت، دشمنی‌های پنهان و آشکار علیه نظام نوپای ایران اسلامی از همان زمان آغاز گردید؛ اما بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) با تبیین راهبرد مردم محوری و تعیین نقش مردم در مشارکت برای سازندگی کشور و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی، با صدور فرمان تاریخی خود مبنی بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی، یکی از مستحکم‌ترین و قوی‌ترین نیروهای دفاعی را قبل از شروع رسمی هرگونه تهدید، در برابر دشمنان نظام ایجاد کرد. به‌طوری‌که این تشکل مردمی به‌راحتی توانست به‌عنوان یک نیروی بازدارنده مناسب و قوی در برابر انواع و اقسام توطئه‌های دشمنان وارد عمل شده و به مقابله‌ی مؤثر با آن‌ها بپردازد.

حضور بسیج در طول ۸ سال دفاع مقدس، تنها بخشی از نقش آفرینی این نیروی عظیم مردمی محسوب می‌شود؛ زیرا این سازمان مردمی به‌زودی و همگام با حضور

فعال در جنگ، موفق شد قابلیت‌های متعدد خود را برای حضور در عرصه‌های مختلف به اثبات برساند و با انجام مأموریت‌های گوناگون و در عین حال متنوع، مفهوم جدیدی را از نظامی‌گری ارائه کند. این سازمان توانست به یکی از گسترده‌ترین سازمان‌های موجود در کشور تبدیل شود که دائماً در حال رشد و توسعه می‌باشد به گونه‌ای که نه تنها توانست برای دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی آمادگی نظامی لازم را کسب کند، بلکه توانست توانمندی لازم به منظور دفاع در تمامی عرصه‌ها، به خصوص عرصه‌ی فرهنگی و جنگ نرم را نیز در خود ایجاد کند که در حال حاضر مهم‌ترین مسئله و ضرورت جامعه تلقی می‌شود.

بسیج، مظهر عشق و ایمان، آگاهی، مجاهدت و آمادگی کامل برای سربلند کردن کشور و ملت است. بسیج، عبارت است از مجموعه‌ای که در آن پاک‌ترین انسان‌ها، فداکارترین و آماده‌ترین جوانان، در راه اهداف عالی این ملت و کشور اجتماع کرده‌اند. بسیج، مجموعه‌ای است که دشمنان را بیمناک و دوستان را خاطر جمع می‌کند. بر این مبنا است که امام راحل (ره) فرمودند:

«اگر بر کشوری ندای دل‌نشین تفکر بسیجی طنین‌اندازد، چشم و طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۵۲).

مقام معظم رهبری نیز فرمودند:

«اگر نیروهای مسلح در هر کشور به آمادگی کامل برسند، ولی از نیروهای داوطلب مردمی پشتیبانی نداشته باشند، یقیناً توانایی آنان کامل نخواهد بود؛ و در کشور و در انقلاب ما، اگر نیروهای بسیجی - این داوطلبان مخلص و مؤمن به هدف‌های انقلاب - در گذشته پشتیبان میدان‌های نبرد نمی‌بودند و برای همیشه نباشند - معاذالله - یقیناً کار دفاع از انقلاب لنگ خواهد ماند.

اساس، نیروی مردم، یعنی همین بسیج است» (سخنرانی در دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت نمونه‌ی بسیج و جمعی از دانشجویان و طلاب بسیجی ۱۳۷۰/۰۸/۳۰).

بسیج، تعبیر خیل عظیم مؤمنان در آیه شریفه‌ی «هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ^۱» (سوره انفال، آیه ۶۲) است که در قامت شجره‌ی طیبه و درختی تناور و پر

۱- «او است که تو را با نصرت خود و به وسیله مؤمنان تأیید کرد.»

ثمر جلوه گر شد. بسیج که به لطف انفاس قدسی امام همام (ره) در دائره‌المعارف انقلاب اسلامی جای گرفت؛ زمانی به وجود آمد که اصل انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در معرض تهدید قرار داشت و این تهدیدها به عرصه‌های نظامی محدود نبود، بلکه تهدیدها و خطرهای همه جانبه بود. از این رو، حضرت امام (ره) با طراحی الگویی به نام تفکر و فرهنگ بسیجی توانستند در میادین مختلف در مقابل تهدیدات دشمن به پیروزی برسند.

تفکر بسیجی به مفهوم عام آن، پدیده‌ای نوظهور در انقلاب اسلامی نیست؛ بلکه اساساً به صدر اسلام و تشکیل حکومت دینی توسط پیامبر اکرم (ص) بر می‌گردد؛ زیرا پی ریزی حکومت اسلامی و گسترش آن، مرهون دلاور مردانی است که با همه‌ی وجود در ولایت ذوب شدند و در راه تعالی اسلام و احکام نورانی آن، از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کردند (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷: ۱۹۵). از این رو، یکی از عوامل مهمی که می‌تواند در دفاع همه جانبه و مواجهه با تهدیدهای فراروی نظام اسلامی مورد استفاده قرار گیرد، وجود تفکر و فرهنگ بسیجی است:

«تفکر بسیجی، ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دو ست و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به‌خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود می‌دانست» (پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی ۱۳۷۷/۰۷/۱۴). [و] «فرهنگ بسیجی، یعنی آن مجموعه‌ی معرفت‌ها و روش‌ها و منش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده‌ی حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. این یک تفکر است؛ در ذهن هم نیست، در خارج و در عینیت وجود دارد. حرکت بسیجی، سرنوشت ایران را، بلکه سرنوشت فراتر از ایران را تغییر داد، تعیین کرد. از روز اول، بسیجیان امام ما در میدان‌های گوناگون انقلاب تا پیروزی انقلاب و تا پس از انقلاب حرکتی کردند که ماندگار شد، الگو شد، یادگار ملت ایران در عرصه‌ی تاریخ شد» (بیانات در دیدار افشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۹/۰۶).

باید پذیرفت که ایران اسلامی در جنگ همه جانبه قرار دارد و در این بین، نقش بسیجیان بسیار پر رنگ است؛ زیرا در مسیر انقلاب همواره دشمنانی وجود داشتند که

از ابتدا تا حال حاضر به شکل‌های مختلف و در قالب جنگ نظامی و اقتصادی مشکلاتی را برای این کشور به وجود آورده‌اند که تمامی آن‌ها با تکیه بر فرهنگ بسیجی مدیریت شده‌اند. در واقع، اگر فرهنگ و روحیه بسیجی در جامعه حاکم باشد، امنیت همه جانبه تحقق خواهد یافت؛ زیرا همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند تا زمانی که کشور محتاج امنیت است، حضور بسیج و بسیجی به‌عنوان عالی‌ترین سرمایه انسانی لازم و ضروری است:

«ما در میدان جنگ هم اگر بسیج را نداشتیم، کمیت‌مان لنگ بود. در دوران بعد از پایان جنگ هم اگر بسیج نمی‌بود و اگر امروز هم نباشد، کمیت این انقلاب و این نظام و همه‌ی حرکت‌های سازنده‌ی این کشور لنگ است... تا زمانی که برای این کشور امنیت لازم است و تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد - یعنی همیشه؛ چون همیشه احتیاج به امنیت هست - به نیروی بسیج، به انگیزه‌ی بسیجی، به سازمان‌دهی بسیجی و به عشق و ایمان به بسیجی احتیاج هست» (بیانات در دیدار گروهی از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۰۶/۱۰).

نکته قابل توجه آنکه بسیج و بسیجی تنها معطوف به مردان نیست، بلکه شامل زنان نیز می‌شود. اگر چه هشت سال دفاع مقدس، روایت مردان مؤمن و غیرتمندی است که دلیرانه جنگیدند و پیروزی را برای ما به ارمغان آوردند. لیکن در تیتراژ این حماسه، حدیث فداکاری، صبوری و استقامت بانوان نیز وجود دارد. بانوانی که اگر نبودند و تنهایی و رنج‌ها و مشقت‌های زندگی را به جان نمی‌خریدند، بی‌شک هرگز زمینه پیروزی مهیا نمی‌شد.

تأمین نیروهای عظیم رزمنده توسط مردم که با بدرقه‌ی مادران و همسران به‌سوی جبهه‌ها روانه شدند و حضور انبوه خواهران برای انجام کارهایی ولو به‌ظاهر ساده و جزئی در تمامی جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، تدارکات و پشتیبانی مناطق جنگی مشاهده می‌شد، به‌طوری که قبل از اینکه تشکیلات منسجمی از طرف سپاه برای جمع‌آوری و تدارکات پشتیبانی به وجود آید، زنان از همان روزهای نخست جنگ، در خط مقدم جبهه حضور یافته، تدارکات و پشتیبانی مناطق جنگی را به عهده گرفتند.

جمع بندی

یکی از مأموریت‌ها و وظایف مهم نیروهای مسلح، آمادگی و مقابله در برابر هر گونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی و منافع کشور است. برای اجرای این مأموریت، نیروی انسانی به‌عنوان مهم‌ترین عامل محسوب می‌شود. اگر همه‌ی امکانات، تجهیزات و تسلیحات موجود باشد، اما نیروی انسانی دانشی و معنوی وجود نداشته باشد، مأموریت سازمان نظامی با کاستی مواجه خواهد بود؛ به‌عکس، اگر نیروی انسانی دانشی و معنوی وجود داشته باشد، مأموریت سازمان نظامی به بهترین وجه انجام خواهد شد. هشت ساله دفاع مقدس نظام اسلامی مؤید این مطلب است.

دشمن بعثی عراق در هشت سال دفاع مقدس از همه گونه تجهیزات نظامی و حتی پشتیبانی قدرت‌های استکباری برخوردار بود، اما نتوانست باوجود برتری اولیه در جنگ و اشغال بسیاری از نقاط جمهوری اسلامی ایران در غرب و جنوب حتی یک وجب از خاک این کشور را به تصرف خود در آورد. به‌راستی چرا دشمن باوجود دارا بودن همه گونه تجهیزات و تسلیحات و پشتیبانی قدرت‌های استکباری نتوانست جاه طلبی‌های خود را جامه عمل بپوشاند؟ بی‌تردید، عدم موفقیت دشمن ناشی از عدم شناخت عوامل ناملموس یعنی «سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی» رزمندگان ایرانی بوده است که توانست موازنه‌ی قدرت را که به نفع رژیم بعثی عراق رقم خورده بود، برهم زند. چنانکه حضرت امام خمینی (ره) در این باره فرمودند:

«آن‌ها حساب همه چیز را می‌کردند، الا یک حساب و آن حساب «معنویت» بود. آن‌ها توجه به این نداشتند که ملت همه باهم علاقه به خدا و علاقه به

اسلام دارند» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۷۷).

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در این باره فرمودند:

«محاسبات آن‌ها از عنصر «توکل» و «ایمان به خدا» خالی بود و آن را در

زندگی ما به حساب نیاورده بودند» (حدیث ولایت، ج ۵، ص ۱۲۴).

در واقع، آنچه نقش برجسته‌ای در فعالیت‌های افراد و سازمان‌های دفاعی ایفا می‌کند، دانش توأم با معنویت سرمایه‌های فکری است که به پیشرفت و توسعه کمک خواهد کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

* منابع فارسی

الف. کتاب‌ها

۱. آقا بخشی، علی (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
۲. ابوالوفاء، احمد (۱۳۴۱/۱۰/۲۰۰۱ م.)، کتاب الاعلام بقواعد القانون الدولي و العلاقات الولیه فی شریعه السلام (۱۵ جلدی)، قاهره، دارالنهضة العربیه
۳. اخوان، پیمان و روح اله باقری (۱۳۸۹)، مدیریت دانش از ایده تا عمل، چاپ دوم، تهران، آتی نگر
۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، روابط خارجی ایران، تهران، نشر قومس
۵. العوینی، محمد علی (۱۳۶۹)، امپریالیسم تبلیغی با تبلیغات بین‌المللی، ترجمه محمد سپهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
۶. الهامی‌نیا، علی اصغر و دیگران (۱۳۹۰)، معنویت اسلامی، قم، زمزم هدایت.
۷. باقری، سیامک (۱۳۸۹)، جنگ نرم و ابعاد آن، تهران، انتشارات معاونت سیاسی نیروی انتظامی.
۸. بوشهری، علیرضا و دیگران (۱۳۸۲)، ارزیابی نوآوری در صنایع دفاعی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
۹. بیلینس جان و دیگران (۱۳۷۴)، استراتژی معاصر: نظریات و خط مشی‌ها، ترجمه هوشنگ میرفخرایی، دفتر مطالعات سیاسی، چاپ سوم، تهران
۱۰. بی نام (۱۳۷۵)، نقش تکنولوژی در صنایع دفاعی، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)
۱۱. بهزادی، حمید (۱۳۶۸)، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، دهخدا
۱۲. پور محمدی، نعمت الله (۱۳۸۵)، حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق: مرور رفتار عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

۱۳. تقی‌زاده اکبری، علی (۱۳۸۶)، قوانین و مقررات جنگ و صلح در اسلام، قم، زمزم هدایت
۱۴. توکلی، عبدالله (۱۳۸۳)، اصول و مبانی مدیریت، نماینده ولی فقیه در سپاه، چاپ اول
۱۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش
۱۶. جعفری، سیداصغر (۱۳۹۲)، دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله)، تهران، یاران شاهد
۱۷. جک سی. پلیمنو. روی آلتون (۱۳۷۵)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق حسن پستا، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر
۱۸. جمراسی فراهانی، علی‌اصغر (۱۳۷۴)، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
۱۹. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، مبانی و تاریخ‌اندیشه نظامی در ایران، تهران، دافوس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۲۰. جهرمی‌قنبری، محمد حسین (۱۳۷۸) کتاب کمکی آموزشی، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
۲۱. جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۲)، نظریه متعارض در روابط بین‌الملل (ج ۲)، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، نشر قومس
۲۲. حرعاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۲ ق. (۱۹۹۱ م.))، الوسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دارالحیاء التراث العربی
۲۳. حسینخانی، نوراله (۱۳۹۲)، مبانی نظری اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله)، تهران، یاران شاهد
۲۴. حسینخانی، نوراله (۱۳۹۲)، سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله)، تهران، یاران شاهد
۲۵. حسینی (ژرفا)، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶)، جهاد و حقوق بین‌الملل، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲۶. حسنوی، رضا و همکاران (۱۳۹۰)، آشنایی با اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای

- (مدظله‌العالی)، تهران، طرح پژوهشی معاونت امور بین‌الملل، ارتباطات و مطالعات دفاعی وزارت دفاع
۲۷. حسنی، رضا و مجید رمضان (۱۳۹۱)، سرمایه فکری سازمان، تهران، آتی نگر
۲۸. حمیدان...، محمد (۱۳۸۶)، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی ترجمه سید مصطفی مقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی
۲۹. خدوری، مجید (۱۳۸۸)، جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، اطلاعات
۳۰. خلیلیان، سیدخلیل (۱۳۶۸)، حقوق بین‌الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۳۱. خمینی، سیدروح‌الله، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، صحیفه نور (۲۲جلدی)، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۳۲. داوونپورت، تامس اچ و پروساک، لارنس (۱۳۷۹)، مدیریت دانش، ترجمه حسین رحمان سرشت، تهران، انتشارات ساپکو
۳۳. دراگر، پیتر (۱۳۸۱)، رشته نوآوری، ترجمه عبدالرضا رضایی‌نژاد، گزیده مدیریت، شماره ۲۲
۳۴. راغب اصفهانی (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه
۳۵. رضوی پور، سید غفار و سید علی (۱۳۸۹)، بصیرت و عصر جنگ نرم، شیراز، نشر زرینه.
۳۶. روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، سمت
۳۷. زحیلی، وهبه (۱۴۱۲ه.ق.)، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق، دارالفکر
۳۸. سبجانی، جعفر (۱۳۷۴)، فروغ ابدیت (جلد ۲)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۳۹. سعادت، اسفندیار (۱۳۸۴)، مدیریت منابع انسانی، تهران، سمت
۴۰. سلطانی تیرانی، فلورا (۱۳۷۸)، نهادی‌کردن نوآوری در سازمان، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
۴۱. سهرابی، محمد (۱۳۸۴)، استراتژی دفاعی در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج

۴۲. سیاح، احمد(۱۳۶۵)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، عربی به فارسی، تهران، انتشارات اسلام، چ دهم
۴۳. سیف‌زاده، حسین(۱۳۸۰)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری، تهران، سمت
۴۴. سیف‌زاده، حسین(۱۳۷۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل(ج اول)، نشر سفیر
۴۵. شاول، ملک(۱۳۷۲)، حقوق بین‌الملل، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات
۴۶. شعیب، بهمن(۱۳۸۸)، انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۴۷. شیلینگ، ملیسا آ. (۱۳۸۶)، مدیریت راهبردی نوآوری فن‌آورانه، ترجمه محمد اعرابی و محمد تقی‌زاده مطلق، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران
۴۸. محمدبن حسن شیبانی(۱۹۷۵م.)، السیر الصغیر، بیروت، الدار المتحده للنشر
۴۹. صالحی نجف آبادی، نعمت‌اله(۱۳۸۶)، جهاد در اسلام، تهران، نشر نی
۵۰. ضیایی بیگدلی، محمدرضا(۱۳۸۰)، حقوق جنگ،(حقوق بین‌الملل مخصصات مسلحانه)، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
۵۱. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۵۲. عبدالله خانی، علی(۱۳۸۶)، تروریسم شناسی، تهران، موسسه ابرار معاصر
۵۳. عبداللهی، محسن و فاطمه کیهانلو(۱۳۸۴)، سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات ریاست جمهوری
۵۴. عطاران طوسی، علی اصغر(۱۳۸۴)، نقش حقوق کارکنان در سازمان‌ها از دیدگاه امام علی(ع)، قم، بوستان کتاب
۵۵. علی آبادی، علیرضا(۱۳۷۲)، مدیران جامعه اسلامی، تهران، نشر رامین
۵۶. عمید زنجانی، عباسعلی(۱۳۶۷)، فقه سیاسی، ج ۲: نظام سیاسی و رهبری در اسلام، تهران، امیرکبیر

۵۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، فقه سیاسی (جلد ۳)، تهران، امیرکبیر
۵۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳)، فقه سیاسی ج ۵: حقوق و قواعد مخاصمات مسلحانه در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین الملل اسلام، تهران، امیرکبیر
۵۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، فقه سیاسی (ج ششم): اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه، تهران، امیرکبیر
۶۰. عمید، حسن (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر
۶۱. الغریب، محمد میشل (۱۳۸۹)، جرائم جنگ‌های شیمیایی، ترجمه محمدعلی عسگری، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس
۶۲. غفوری، محمد (۱۳۸۶)، اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار سیاسی پیامبر (ص)، تهران، نشر مهاجر
۶۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، سیصد نکته در مدیریت اسلامی برگرفته از تفسیر نور (تنظیم مصطفی مؤمنی)، تهران، انتشارات معاونت آموزش ناجا
۶۴. قربانی، سعید (۱۳۹۲)، علم و فن‌آوری دفاعی از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله)، تهران، یاران شاهد
۶۵. کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۶۸)، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۶۶. کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۳)، روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل، تهران، نشر قومس
۶۷. کردبچه حسین آباد، مهدی (۱۳۸۶)، تحدید تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی در حقوق بین‌الملل (با رویکردی به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران)، تهران، نشر سریر
۶۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳)، اصول کافی، تهران، مکتبه الاسلامیه
۶۹. گازیوروسکی، مارک. جی. (۱۳۷۱)، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا
۷۰. گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران، نشر شادان
۷۱. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۶۹)، مقولاتی در استراتژی ملی، تهران، انتشارات

امیرکبیر

۷۲. متفکر، حسین (۱۳۸۱)، جنگ روانی، تهران، انتشارات سپاه
۷۳. متقی، ابراهیم و رحمان لطفی (۱۳۹۲)، اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله)، در حوزه جنگ نرم، تهران، یاران شاهد
۷۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق.)، بحارالانوار، بیروت، موسسه دار احیاء التراث العربی
۷۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)، حقوق بشردوستانه بین المللی رهیافت اسلامی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی
۷۶. مدنی، سید جلال (۱۳۷۷)، حقوق بین الملل عمومی (جلد دوم)، تهران، پایدار
۷۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱)، تهاجم فرهنگی، چاپ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۷۸. مصفا، نسرین و دیگران (۱۳۶۵)، مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل، تهران، مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران
۷۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، جهاد، قم، صدرا
۸۰. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۹)، ارتباطات بین المللی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۸۱. مغازی، محمدبن سعد (۱۴۰۵ ه.ق.)، المغازی، قم، دانش اسلامی
۸۲. مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل عمومی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۸۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی ه
۸۴. ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، حقوق بین الملل سلاح‌های کشتار جمعی ترجمه امیرحسین رنجبریان، تهران، نشر دادگستر
۸۵. منصوری، جواد (۱۳۷۱)، فرهنگ، استقلال و توسعه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۸۶. میرسپاسی، ناصر (۱۳۸۱)، مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار، تهران، میر

۸۷. نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهری ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
۸۸. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۸)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۵، چ چهارم
۸۹. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، تهران، زهد
۹۰. نظری زاده، فرهاد (۱۳۸۳)، نوآوری نظامی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
۹۱. نوری همدانی، حسین (۱۳۶۸)، جهاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۹۲. هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۰)، تروریسم از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ب) مقاله‌ها

۹۳. اخوان، پیمان و مریم دهقانی (۱۳۹۱)، جایگاه نوآوری در دفاع با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری، گزیده مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، یاران شاهد
۹۴. انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۵)، دیپلماسی دفاعی اروپا، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره ۱۴ زمستان
۹۵. بابایی، رضا (۱۳۸۷)، قرآن و معنویت، فصلنامه پیام، شماره ۹۰
۹۶. برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴)، اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟، مجله حقوقی، شماره سی و سوم، پاییز و زمستان
۹۷. تیل، پروانه (۱۳۹۰)، مبنا و ماهیت دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، فصلنامه دیپلماسی دفاعی، سال دوم، شماره سوم، بهار
۹۸. جعفری، سیداصغر (۱۳۷۹)، تحقیقات از منظر امام خمینی (ره)، مجموعه مقالات سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات وزارت دفاع

۹۹. جعفری، سیداصغر(۱۳۹۱)، دفاع مشروع از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع
۱۰۰. خسروزادگان نژاد، حسین و دیگران(۱۳۹۲)، سرمایه معنوی جزء جدید سرمایه فکری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، شیراز
۱۰۱. رستمی نسب، عباسعلی(۱۳۸۹)، مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره دوم، بهار
۱۰۲. زمانی، سیدقاسم(۱۳۸۶)، حقوق بشردوستانه و مبارزه با تروریسم، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، تهران
۱۰۳. ساعد، نادر(۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی: تأملی شناختی و کاوش در مبادی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان
۱۰۴. ساعد، نادر(۱۳۸۹)، بازدارندگی نرم، مبانی و کاربرست دفاعی آن، فصلنامه راهبرد دفاعی، بهار
۱۰۵. عارف حسینی، سید محمد(۱۳۸۶)، دیدگاه حقوق و تعالیم اسلامی درباره تروریسم (به‌عنوان چالشی در برابر حقوق بشردوستانه)، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، تهران
۱۰۶. عباسیان، حسین(۱۳۹۱)، اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مقابله با تهدیدات و اقدامات نرم، مجموعه مقالات همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران، یاران شاهد
۱۰۷. عسگری، محمود(۱۳۸۹)، چارچوبی برای تبیین دیپلماسی دفاعی با تأکید بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دیپلماسی دفاعی، سال اول، شماره اول، تابستان
۱۰۸. عسگری، محمود(۱۳۹۱)، نقش دیپلماسی دفاعی در برقراری موازنه نرم، فصلنامه دیپلماسی دفاعی، سال دوم، شماره ۴، تابستان
۱۰۹. عسگری، محمود(۱۳۹۱)، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های کلیدی اندیشه‌ی نظامی امام

- خامنه‌ای، گزیده مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، یاران شاهد
۱۱۰. علیدوستی، قاسم (۱۳۹۱)، بازدارندگی فعال در اندیشه و نظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع
۱۱۱. قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۵)، اهداف و سطوح دیپلماسی دفاعی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره ۱۴، زمستان
۱۱۲. قلیچ لی، بهروز، مشبکی، اصغر (۱۳۸۵)، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری در سازمان، مطالعه دو شرکت خودروسازی، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۷۵
۱۱۳. متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، فرآیندهای تحول در ساختار و کارکرد دیپلماسی دفاعی آمریکا، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره چهاردهم، زمستان
۱۱۴. متقی، ابراهیم و کیومرث اشتریان (۱۳۸۰)، سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۲۹
۱۱۵. محمدی، یداله (۱۳۷۴)، روند و نمودهای سلطه‌گری آمریکا در ایران از آغاز تا سال ۱۳۵۷، فصلنامه مصباح، شماره ۱۵، پاییز
۱۱۶. محمدی، یداله (۱۳۹۱)، عناصر و مؤلفه‌های دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران، یاران شاهد
۱۱۷. محمدی، مهدی، (۱۳۸۹)، «همه راه‌ها به ایران ختم می‌شود»، www.seratnews.ir، ۱۳۸۹/۷/۲۳
۱۱۸. محمدی، عبدالرضا و عباسیان، محمد (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر تقویت و ارتقای معنویت دانشجویان: بررسی موردی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع)، فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت نظامی، شماره ۳۹، پاییز.
۱۱۹. مرادپیری، هادی (۱۳۹۱)، روش شناسی و مؤلفه‌های اندیشه‌ی دفاعی حضرت

- امام خامنه‌ای، گزیده مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، یاران شاهد
۱۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)، «جنگ از دیدگاه قرآن کریم»، مجموعه مقالات بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، تهران، جلد اول، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع
۱۲۱. مطهری، حمیدرضا (۱۳۸۵)، سیره امنیتی امام علی (ع)، قم، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار
۱۲۲. میربلوک، علیرضا و فاطمه صفری الموتی (۱۳۸۷)، فرآیند ایده تا بازار، فصل‌نامه مدیریت و منابع انسانی در مدیریت، بهار
۱۲۳. نائینی، علی محمد (۱۳۸۶)، تهدید نرم، ابعاد و ویژگی‌ها، سایت خبرگزاری فارس، تاریخ انتشار ۸۶/۱۲/۱۵
۱۲۴. نایینی، علی محمد (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه سخت، نیمه‌سخت و نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم
۱۲۵. نرم افزار حدیث ولایت (۱۳۸۸): مجموعه‌ی رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۲۶. نظری‌زاده، فرهاد (۱۳۹۱)، ضرورت نوآوری‌های اصیل و دست اول در نیروهای مسلح مبتنی بر تحلیل محتوای بیانات امام خامنه‌ای، گزیده مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، یاران شاهد
۱۲۷. وحیدی، احمد (۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی در گفتگوی اختصاصی با سردار احمد وحیدی، فصلنامه دیپلماسی دفاعی، سال اول، شماره اول، تابستان
۱۲۸. وحیدی، احمد (۱۳۹۰)، دکترین دفاعی ایران، بصیرت دفاع، سال سوم، شماره ۲۵
۱۲۹. هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۱)، سخنرانی افتتاحیه همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری

* منابع انگلیسی

130. Alex P.Schmid, Rohaud D.Crelinsten(1993), Western Responses to Terrorism, Frank Cass.
131. B.S. Sachar(2003), Cooperation in Military Training as Tool of Peace Time Military Diplomacy, Strategic Analysis, Vol. 27, No. 3, July- September.
132. Bacevich, A. J (March 1998), Old Myth, New Myths: Renewing American Military Thought, Parameters.
133. Bledsoe, Robert L. and Boczek, Boleslaw A(1987), The International Law Dictionary, ABC-CLIO, Santa Barbara California, Oxford, England.
134. Bontis, N. (1998) Intellectual capital: an exploratory study that develops measures and models. Managing Decision Vol. 36, No.2, pp.63-76.
135. Campbell, Henry(1968), Black Law Dictionary, St. Paul, Mina: West Publishing , Co.
136. Fleck, Dieter(2009), the Handbook of International Humanitarian Law, Oxford University press.
137. Gandhi, S. (2004), Knowledge management and reference services, The journal of academic librarianship, Vol. 30, No. 5.
138. George, Alexander L.and Richard Smohe(1974), Deterrence in American Foreign Policy: Theory and Pructice, New York Columbiu University Press.
139. Francies A . Boyle(1992), United States War Crimes During The Persian Gulf War, NORD- SUD XXI. Droits delHomme- Libertem, N1.
140. Hudfield, Anthony (2004), New Challenge in Defense Policy, Strategic Survey, Oxford University Press.
141. Johnston, Anne (1995), Bying Security: Iran Under the Monarchy, Boulder: Westview Press.
142. Jeffery M. Elliot and Robert Reginald (1989), The Arms Control, Disarmament, and Military Security Dictionary, Oxford. Clio Press.
143. King, N. (1999), Knowledge management: applying

- manufacturing theory in knowledge – based industries, Management Accounting. Vol. 77, No.
144. Laytin, Alexander (1988), The Evolutionary Challenge for Technology, Sixth International Conference on Technology Policy & Innovation.
 145. James E. Willard(2006), Military Diplomacy: An Essential Tool of Foreign Policy at the Theater Strategic Level, School of Advanced Military Studies, Command and General Staff College.
 146. Jeffery M. Elliot and Robert Reginald(1989), The Arms Control, Disarmament, and Military Security Dictionary, Oxford. Clio Press Ltd.
 147. Junbo, Zhang (July 1996), Differences Between Traditional Chinese and Western Military Thinking and Their Philosophical Roots , Journal of Contemporary China, Volume 5, Issue 12.
 148. Ministry of Defence, Defence Diplomacy, Policy Paper, No. 1, Available at <http://www.mod.uk> .
 149. Nye, Joseph S.(2004), Power in the Global Informatin Age; From Realism to Globalisation, Routledge.
 150. Nye , josephs, (2004), Soft Power , public affairs.
 151. New Challenge to Defence Policy(2000), Strategic Survey 1999-2000, Oxford: Oxford University Prees.
 152. Newman, Brian, Conrad Kunt W. (1999), The knowledge management theory papers.
 153. Rose and Barrons, (2005) The Effect of Disclosing Intellectual Capital (The Core Asset for the Third Millennium Economic entities) on the Internal and ExternalFinacial Statements, Users.
 154. Willard, James E.(2006), Military Diplomacy: An Essential Tool of Foreign Policy at the Theater Strategic Level, School of Advanced Military Studies, Command and General Staff College.
 155. Sachar, B.S.(2003), Cooperation in Military Training as Tool of Peace Time Military Diplomacy, Strategic

- Analysis, Vol. 27, No. 3, July- September.
156. Skubiszewski, K.(1969) Use of Force by States. Collective Security. Law of War and Neutrality, in Max Sorensen, ed Manual of public International Law, New York, St. Martin's
157. Oxford Advanced Learners Dicionary, Fifth ED. 1997.
158. Tidd Joe, Bessant John, Pavitt Keith(2005), Managing Innovation, UK.

* وبگاه‌های اطلاع رسانی

159. <http://www.leader.ir>.
160. <http://www.mod.uk>.
161. <http://www.mod.ir>.
162. <http://www.farsnews.com>.
163. <http://www.ctbto.org>.
164. <http://www.inn.ir>
165. <http://www.mashreghnews.ir>.(1392/06/03).
166. <http://www.en.wikipeda.org/wiki/principle>.
167. <http://www.nato.nt/docu/logi-en/1997/defini.htm>.
168. <http://www.nmlites.org/standards/socialstudies/glossary.html>.
169. <http://www.seratnews.ir>.
170. <http://www.hawzah.net>.
171. <http://www.tooba.net>.
172. <http://www.Fardeaslah.ir>.